

آثار باستانی و تاریخی لرستان



سومین نشریه انجمن آثار ملی در سال کوروش بزرگ ۱۳۵۰ خورشیدی
سال برگزاری جشن دوهزار و پانصد ساله بنیان گذاری شاهنشاهی ایران

سلسله انتشارات انجمن آثار ملی

۸۰

آثار باتسانی و تاریخی لرستان

جلد نخست

تألیف

حمید ایزدپناه

تیراژه ۱۳۵۰

از این کتاب یک هزار نسخه در چاپخانه دانش خرم آباد به چاپ رسید
به شماره ۲ تاریخ ۱۵/۴/۵۰ در اداره فرهنگ و هنر لرستان به ثبت رسید

بنام پروردگار بخشنده مهربان

پس از سپاس آفریدگار توانا و دوز و فراوان بر پیغمبر بزرگ اسلام در تو عنایات عظمیٰ علی حضرت
 همایون محمد رضا شاه پهلوی آریا مهر شایسته دانش پرور ایران جلد اول کتاب آثار باستانی
 و تاریخ لرستان که نویسنده انجمن تاریخی در سال کوش بزرگ سال برگزاری جشن دوازدهمین سالگرد
 شایسته‌ی ایران^(۱) بشمار سیر و به معرض انتشار و استفاده علاقه‌مندان گذارده می‌شود.

کسانی که به پیوستگی چند هزار ساله تاریخ و فرهنگ و میراثهای مختلف مرز و بوم ایران کمی آشنایی دارند
 بخوبی میدانند که سرزمین لرستان در تمدن پر افتخار باستانی میهن کرامی تا چه اندازه نقش شمر بخش و آفریننده
 داشته است.

آثار مفرغی لرستان که مربوط به هزاره‌های اول و دوم پیش از میلاد مسیح بوده از حدود نیم قرن پیش به
 نوزده‌های بزرگ جهان و مجموعه‌های شخصی و مستداران آثار هنری پیشینیان راه یافته است پدیده‌ی هنری

(۱) نخستین نشریه انجمن تاریخی در سال کوش بزرگ کتاب «تاریخچه ساختنهای ارگ سلطنتی تهران و راه‌های

کلان‌کستان» و دومین نشریه آن کتاب «گفت‌وگوهای شایسته» جلد دوم، بود که پیوستگی موضوع هر دو کتاب آئین‌شایسته‌ی
 و سال برگزاری جشنهای دوازدهمین سالگرد شایسته‌ی ایران نیاز به توضیح و تفسیر ندارد.

یادت نیز می‌بشار میرود که در تاریخ هنر دنیای قدیم کمتر نظیری بر آن می‌توان یافت.

مختصر بررسی آثار مذکور معلوم می‌دارد که وسایل نبرد مردم لرستان درین حال که بهترین سلاح‌ها را جنگ‌آوردی زمان خود بوده است صورتی چنان زیبا و پسندیده دارد که در موزه برگزیده‌ترین نمونه‌های هنری دور انهای باستانی شناخته می‌شود. ضمناً بوزنات پیکره‌های مذبحی و ادوات کوناگون رزمی تعداد فراوانی وسایل کشاورزی و زیوربان‌ان همچون دست‌بند و کمر بند و حلقه‌های جورا جور و گردن‌بند و آینه و سنجاق‌های کوچک و بزرگ حتی سنجاق قفلی و دیگر وسائل زینتی هم بصورت فوق‌العاده ظریف در میان اشیاء منفرغی لرستان وجود دارد و در همه‌ی می‌توان پنداشت که هنر خاص مفسر لرستان در سبک‌های تازه بر تاریخ تمدن دنیای قدیم گشوده است.

بدیهی است که چنین هنر و تمدنی نمی‌تواند نباید به آثار منفرغی و محدود و منحصر باشد و آثار بازمانده از دیگر چشمه‌های تمدن غنی و سرشار لرستان در دل خاک یا بر روی زمین آن سامان هدف بررسی و پژوهش کاوشگران جویندگان حقایق تاریخی است که تا حدی طی چند سال اخیر صورت گرفته و می‌گیرد و انتظار می‌رود این رشته خدمت شریف سالهای آینده بهتر و فروخته‌تر انجام پذیرد.^(۱)

(۱) - در چند سال گذشته خام‌کلوف G. L. Goff عضو مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه لندن محل باستانی باباجان واقع در بخش نورآباد دهقان و آق‌ای بر نورولونی و اندرک Prof. L. Vanden Berghe دانشمند باستان‌شناس بلژیکی در قسمت پیش‌نگاه لرستان کاوشهای علمی انجام داده اند و اشیاء باستانی از سنگ مسخال و منفرغ و صفحات زیرین بسته بدست آورده اند که طبعاً نتیجه بررسیهای ایشان بمعرض انتشار و استفاده علاقه‌مندان گذارده می‌شود.

نقوش باستانی غارهای متعدّد بخش کوهدشت (مذکور در صفحات ۱۲-۱۳) به جهت ارزش تاریخی و علمی آن برای نخستین بار بوسیله مؤلف دانشمند کتاب حاضر معرفی و منتشر گردیده و آثار باستانی بی نظیر این دو منطقه جهان باستان شناسی است پدید هبیری کشف آورتازد شناخته دیگری از سرزمین لرستان شمرده میشود. یقیناً کاوشهای آیند لرستان بسیاری آثار هبیری و تاریخی را که همانند نقوش باستانی نابهرده پنهان مانده بود پدیدار خواهد ساخت و پرتوهای بیش از آنچه تاکنون برپیشینه چند هزار ساله ایران زمین تابیده است روشنی بخش تاریخ آن خواهد شد.

۱۰- در سال ۱۳۴۸ وزارت فرهنگ و هنر آقای پروفسور مک بورنی (Prof. Mr. Burny)

دانشمند باستان شناس انگلیسی را با اتفاق بستنی برای بازدید و بررسی نقوش باستانی که شرح بالا از وجود آنها اطلاع حاصل شده بود اعزام داشتند و دانشمند نابهرده و هیئت اعزامی در غار برد سفید و پنجگاه میرطاس کاوشهای انجام دادند و ترجمه متعلق مربوط باین بازدید و بررسی و کاوش در شماره سوم مجله باستان شناسی و هنر ایران نیز طی صفحات ۳۵۵ به بعد این کتاب منعرج است.

درفروغی های کوچک کوبستان صلصال واقع در قسمتهای شمالی بخش نوبران از توابع سادو نیز در حدود سال ۱۳۴۷ تعدادی نقوش مربوط به دوران پیش از تاریخ بوسیله آقای محمود کردوانی بازرسی فنی اداره کل باستان شناسی مشاهده و گزارش داده شد که بمیعار کم و کوچک قابل بخش و مقایسه با نقوش فراوان گوناگون غارهای بخش کوهدشت لرستان است.

انتشار کتاب حاضر گامی دیزین راه است آنچه از مطالب و عکسهای آن برمی آید گواه بر چنین اندیشه و امید
 و آرزو تو اند بود .

کاوشهای علمی و غیر علمی که از حدود سی و پنج سال پیش بدین طرف در استانهای آذربایجان کردستان
 و کرمانشاهان و گیلان و مازندران و شهرستانهای بهمان قزوین و کرج یعنی بطور خلاصه در سرزمینهای کشور باستانی
 ماد انجام گرفته است بطور روز افزون بجنگی و پیوستگی نزدیک بنبرهای مختلف عصر دشتان شانشایی هخامنشی
 و از جمله بنبر سیماری آن عهد را بنبر دوران ماد نمایان می سازد .

بررسیها و پژوهشهای باستان شناسی در لرستان و چگونگی اشیاء باستانی گوناگون کشف و آنجا نیز
 بیش از پیش میسر ساند که ریشه های بس استوار و ررف از تمدن هخامنشی را بهم باید در کوسار ما و دشت ها و موهنهای لرستان
 جستجو نمود و بر انداز و تحقیقات باستان شناسی در کشور ایران فروزی یابد اهمیت تاریخی و سهم فریادگی لرستان
 نسبت به پیشینه تمدن و فرهنگ ایران باستان بهتر معلوم علاقه مندان خواهد شد و چه بسا ریشه های دیگری از بنبر
 سیماری عصر هخامنشی نیز ضمن کاوشهای علمی آینده لرستان پدیدار گردد و از این بابت باز هم عواملی تازه و بزرگتر
 پزوهنده گان قرار گیرند .

انجمن آثاری کمال فرسندی . . . سال کوش بزرگ . چاپ و انتشار کتاب حاضر گشته ای ایست
موضوع و مندرجات آن با تمدن و فرهنگ تابناک هیجانی در طور گذشته مذکور افتاد انجام پذیرفته خدمتی
علمی هم بسته به چنین جشن و دین حال مناسب با هدف بیگانی انجمن جامع عمل پوشیده است امید فراوان دارد که
در آینده بیشتر و بهتر در این باره کامهای سودمند برداشته شود .

در پایان توجه خوانندگان گرامی را به پیش گفتار بسیار مفید و آموزنده کتاب که از طرف مؤلف محترم
آن مرحوم و طی آن حقایق چند و دانستنیهای ارزنده و منحصرش مذکور گشته است جلب نماید و مناسب میداند
یا در مورد که مطالب کتاب در شهر خرم آباد کسی لرستان بچاپ رسیده است چه علاوه بر اینکه مؤلف کتاب
از دانشمندان آن شهر هستند و در زادگاه خود با انجام وظائف فرهنگی خویش اشتغال دارند اساساً انجمن آثاری بهتر
میداند کتاب مربوط به آثار باستانی و ابنیه تاریخی هر محل در صورت فراهم بودن امکانات در همان محل بچاپ آید
امیدوار است کتب دیگر مربوط به آثار باستانی و ابنیه تاریخی استانها و شهرستانهای مختلف همین گرامی
که بوسیله محققین علاقه مند و دانشمندان شیفته به چنین خدمات در مرحله تدوین و چاپ است و جلد دوم کتاب حاضر
نیرو در مرز آنها بشمار میرود و تدریج در دسترس دبستان باین گونه یادگارها و آثار مغوی ایران بزرگ واقع گردد .

بمکنه و کرمه

انجمن آثاری

بنام خداوند جان و خرد

پیش گفتار

لرستان منطقه‌ای است پهناور و کوهستانی که با همه ویژگی‌های آداب و رسوم و فرهنگ و سنت‌های کهن و خصوصیات طبیعی و آثار باستانی و تاریخی و غارهایی که دارای آثار و تمدنهای بسیار کهن است و دره‌های سرسبز و چشمه‌های آب فراوان و کیفیت‌های مختلف دیگر، تاکنون چنانکه باید شناخته نشده است.

در کتابهای دبستانی و دبیرستانی نیز اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده‌ای از نظر اوضاع طبیعی و یا بناهای تاریخی لرستان آورده شده که گواه بر این مطلب است. از آنجمله نوشته‌اند: (پیشکوه و پشتکوه دو کوه مهم لرستان است). روزی در یک مسابقه رادیوئی برنامه کودک، از کودکی خواسته شد تا کوه‌های مهم لرستان را نام برد. کودک در پاسخ پیشکوه و پشتکوه را نام برد. در صورتیکه چنین نیست، بلکه یکی از کوه‌های جنوبی لرستان بنام «کور» (بفتح اول و دوم)، که از باختر به‌خاور کشیده شده است لرستان را دو قسمت می‌نماید که شمال آنرا پیشکوه و جنوبش را پشتکوه می‌نامند.

همچنین قلعه بیات را یکی از آثار تاریخی لرستان ذکر کرده اند که آنهم نادرست است ، ضمناً از آثار تاریخی دیگر این منطقه اساساً کمتر نام برده شده است . شاید درباره سایر استانها و شهرستانها دیگر نیز اینگونه اطلاعات نادرستی آمده باشد که نشانه عدم آگاهی درباره سرزمین و نیاکان خواهد بود .

در گوشه و کنار این کشور کهنسال ، مردمی زندگی می کنند و آثاری وجود دارد که بررسی فرهنگ و رسومشان و تحقیق بناهای تاریخی و باستانی آنها در شناخت مظاهر فرهنگ و تمدن ایران زمین تأثیر فراوان دارد .

شرحی کوتاه درباره جغرافیای تاریخی لرستان

لرستان از نزدیک به نیم قرن پیش به سبب کاوشهای علمی و پژوهش های باستان شناسی بوسیله هیأت های علمی ، بایداشتن ابزار و آلات مفرغی در ایران و جهان ، نامور شد و شهرت یافت . بررسیهای بعدی هم اغلب برای شناسائی قومی بود که سازنده این ابزار بودند و با تحقیق درباره چگونگی ارتباط آنان با دیگر اقوام متمدن هم زمان آنها بوده است . مورخان و جغرافی نویسان اسلامی بصورت پراکنده و محدود و یا بد نقل از پیشینیان خود از بعضی نقاط این منطقه که اکنون رویهم لرستان نامیده می شود ، مطالبی در آثار خود آورده اند که متأسفانه برخی از این مطالب و اطلاعات هم درست نیست .

چنانکه شهر باستانی « شاپور خواست » را که به امر شاپور اول بنا گردیده است و خرابه های آن اکنون در جنوب خاور شهر خرم آباد برجاست ، جزء قسم دانسته اند . یا مثلاً لسترنج چنین می نویسد :

رود « گاماساب » که يك قسمت آن « قره سو » یعنی سیاه رود است ، از دشت همدان برمی خیزد . همانجا که نه‌رهای از اسد آباد و کوه الوند و ولایت قره سو فرود می آید و از آنجا اول به سمت شمال و سپس بایک پیچ تند بطرف مشرق سرازیر میشود و از طرف جنوب آن رودخانه بزرگی که از حوالی کرج ابودلف سرچشمه می گیرد ، به آن متصل میگردد ... بالاخره بارودخانه قم که از کلیایگان می آید مخلوط میشود^۱ در صورتیکه سرچشمه این رود از کوه « گرین » (بفتح اول) است که بین لرستان و نهاوند واقع گشته و « گاماساب » هم نام دهکده و سرچشمه این رود است که در صفحه ۱۱ این کتاب تحت عنوان رود « سیمره » بتفصیل توضیح داده شده است. رود « قره سو » هم از کوههای کرمانشاهان سرچشمه میگیرد و گاماساب بد لرستان می آید و در آنجا « سیمره » نامیده میشود .

پیدا است که بعضی جغرافی نویسان اسلامی و خاورشناسان به سبب نداشتن آگاهی بیشتر از يك منطقه تنها به نقل و باز نویس کردن آثار پیشینیان خود اکتفا نموده اند که مطالب نقل شده نیز اغلب نادرست است. البته بسیاری از مطالب هم درست است. از طرفی مورخان و جغرافی- نویسان اسلامی بیشتر درباره نقاطی از لرستان بحث کرده اند که به سبب رویدادهای مهم زمانی در آن نقاط در عصر خود مشهور بوده است . به همین علت نام قبیله های مسکون در آن نواحی نیز آمده است که اکنون هم قوم باطایفه ای از آنها باقی است که بهمان نام قدیمی معروفند . بنابر تقسیم بندی جغرافی نویسان اسلامی ، سراسر لرستان

۱ - سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج ، ترجمه آقای محمود

امروز، جزء پهلۀ اشکانی بوده است. حتی تاساها پیش این منطقه را «لرستان فیلی» می‌گفته‌اند. گاهی در کتیبه‌ها بدنبال نام حکام محلی نیز، کلمه «فیلی» را آورده‌اند. چنین گمان می‌شود که این واژه صورت دیگری از کلمه «پهله و پهللو» باشد، مضاف بر این، گویش ساکنان این قسمت از ایران را «فهلویات» گفته‌اند.

از تقسیمات دیگر این دوره آگاهی بیشتر بدست نیامد اما برخی از آثار اشکانی که از تعصب‌های ویران‌کننده عهد ساسانی محفوظ مانده در دوره اسلام نیز بعلمت رنگ دین و مذهب که به آن داده شده، تا امروز به جا مانده است. نشانه اهمیت این منطقه در دوره اشکانی است. از آنجمله دخمه مهرپرستی دره باباعباس که هنوز هم بنام مقبره باباعباس مشهور است و یا غار عجیب «کوگان» که یکی از آثار بسیار جالب توجه است که در مجلد دوم همین کتاب ضمن آثار باستانی بخش ملاوی معرفی می‌شود.

بنابر تقسیمات «موسی خورنی» محقق ارمنی در زمان ساسانیان محدوده لرستان، جزء کوست خوربران بود و از شهرهای مهم آن «مهرجان قدق» و «شاپورخواست» را نام می‌برد که شهر اخیر گویا تختگاه ساسانیان بوده و حتی تا قرن هفتم هجری آبادان و بهمین نام مشهور بوده است.

به پیروی از آنچه در عصر ساسانیان معمول بود، در تقسیمات دوره اسلام، این منطقه جزء استان جبال محسوب می‌شد، از نظر حکومت و سازمان، جنوب غربی آن «سیمره» نامیده می‌شد که حاکم-نشین آن «مهرجان قدق» بوده است. شمال جزء محدوده ماه البصره و مرکز آن «شاپورخواست» بعنوان حاکم نشین آن نام داشت.

از نیمه اول سده چهارم تا اوایل سده پنجم هجری قسمت زیادی از لرستان زیر فرمان امرای برزیکانی (حسنویه پدر حسین و بدر پسر حسنویه) اداره میشد. در زمان بدر حسنویه در لرستان بناها و پل‌های مهمی بنا گردیده که آثار برخی از آنها و کتیبه‌های بعضی، تا امروز باقی مانده است.

در سده ششم هجری از طرف پادشاهان سلجوقی، امارت « شاپور خواست » و « الیشتر » به خاندان برسقی واگذار گردید. تا آن زمان هنوز این منطقه بنام لرستان مشهور نبود. در دوره حکومت سلسله اتابکان، به سرزمین لر کوچک اشتهار یافت شاید پس از آن لرستان نامیده شده باشد.

در باره این کتاب

تردید نیست که بررسی‌ها و پژوهش‌های خاور شناسان و دانشمندان بیگانه، در معرفی و شناخت تمدن و فرهنگ کهن کشور ما به جهانیان بسیار مفید و مؤثر بوده است. چنانکه امروز آثار مودون آنان مآخذ ارزنده و مراجع سودمندی، برای آشنائی با پیشینه‌های تاریخی میهن عزیزمان بشمار می‌آید. ولی نباید این نکته را نادیده گرفت که يك پژوهشگر و محقق ایرانی و علاقمند بهتر میتواند خانه خود را جستجو کرده و بی‌غرضانه آنچه می‌یابد با آشنائی به‌خوی و سرشت ساکنان آن ثبت نماید.

چه بسیار آثار ارزنده از مظاهر فرهنگ و تمدن ما در گوشه و کنار دور افتاده این کشور پنهان گردیده و ناشناس مانده است که بررسی و جمع‌آوری اطلاعاتی از آنها چه بسا روشنگر زوایای تاریک تاریخ

این سرزمین و مهره‌های اتصال رشته‌های فرهنگ و تمدن ما بشمار
میرود .

خوشبختانه این تلاش و کوشش آغاز شده است . چنانکه علاوه
بر آنچه بوسیله مقامات و هیأت‌های علمی وزارت فرهنگ و هنر و دیگر
مؤسسات و مراجع علمی انجام میگردد ، از چند سال پیش به کوشش
انجمن آثار ملی و با برخورداری از نعمت امنیت کم نظیری که
در کشور حکمفرماست عده‌ای از محققان برای بررسی و شناسایی بیشتر
تمدن و آثار بجا مانده در سراسر کشور باستانی ایران میکوشند تا این
مهم را به انجام رسانند. تاکنون تعدادی کتاب در معرفی آثار تاریخی و
یادگارهای هنری و فرهنگی استانها و شهرستانهای ایران از جانب
انجمن آثار ملی بچاپ رسیده و نشر یافته است . بدون هیچ‌گرافه‌گویی
باید گفت این کار انجمن خدمتی است بس ارزنده و درخور ستایش .

بدنبال همین اقدامات نیک بود که سه سال پیش اولیای محترم
و دانشمندان این انجمن از بنده خواستند کتابی درباره آثار باستانی و
تاریخی لرستان تهیه و برای چاپ تقدیم دارم . سالها پیش از این دعوت ،
سرگرم جمع‌آوری فرهنگ لری ، ترانه‌های محلی و آداب رسوم و
قصه‌ها و فرهنگ عامه لرستان بودم که دو کتاب فرهنگ لری و
ترانه‌های محلی به چاپ رسید .

ضمن گردش برای گردآوری این مجموعه ، از وسعت منطقه و
فراوانی آثار باستانی و تاریخی آن آگاهی یافته بودم . از این جهت
به اهمیت و وظیفه محوله آگاه بودم .

در این مدت کوشش شد که تا از هر بنا و اثری باستانی و تاریخی که
در پهنه لرستان و این گوشه از ایران بود عکس برداری شود . در این

کار اشکالات و دشواریهای زیادی بود. در هر دره بنائی و یا بر بالای کوهی اثری یادگار و پناهگاهی نقشی یا بر روی رودی بقایای پلی و یا درمکانی باقیمانده شهر یادری یافتیم ثبت کردم.

از این رهگذر بود که نقوشی کهن، بارنگهای سیاه و قرمز و زرد را در یکی از کوههای طرهان دیدم که از هر جهت دارای اهمیت فراوان بود که در فصل ششم این کتاب معرفی شده است.

اگر برای بناها و آثار، افسانه‌هایی در محل شایع بود یادداشت شد که در ذیل صفحات آورده‌ام. این گزارشها با موافقت انجمن، بنام (آثار باستانی و تاریخی لرستان) در دو جلد تدوین شده است که اینک نخستین جلد آن از نظر علاقه‌مندان و دانش پژوهان میگذرد.

این جلد شامل هفت فصل موضوع و یک فصل فهرست است. سه فصل اول کلیاتی درباره لرستان و پیشینه‌های تاریخی و راههای باستانی را در بر دارد. هر یک از چهار فصل دیگر اختصاص به یک قسمت از لرستان داده شده است که در تقسیمات شهرستان، آنرا «بخش» شناخته‌اند. در هر فصل به ترتیب آثار دوره‌های مختلف سنگی و پیش از تاریخ و تاریخی پیش از اسلام و اسلامی آمده است و برای آسانی کار خوانندگان گرامی تصاویر مربوط به هر فصل، پس از متن آن گنجانیده شده است.

گزارش از دره خرم آباد شروع شده و سپس بخش‌های غربی و جنوب غربی لرستان، یعنی چگنی، طرهان و سیمره، مورد بررسی قرار گرفته است. شك نیست که این مختصر نمی‌تواند جامع و کامل باشد، امیدست برای محققان و پژوهندگان آینده بصورت راهنمایی مفید بکار رود.

در پایان و طیفه خود میدانم از انجمن آثار ملی، بویژه تیمسار
 سپید آقاولی ریاست محترم هیئت مدیره انجمن بخاطر مساعدتهای
 بی دریغی که در تهیه و چاپ این کتاب فرموده اند،
 از مأموران محترم دوات در بخشهای لرستان که مساعدتهای
 آنان موجب سرعت عمل شد،
 از همراهی و همگامی و محبت های دوستان عزیز آقایان حمید
 خسروی و غلامحسین عباسی،
 از آقای مهندس مارتین که طرح روکش کتاب را با ذوق و هنر
 خودشان تهیه نموده اند،
 از آقای هرمز راشدی که نقشه های این کتاب را تهیه کرده اند.
 از روستائیان مهمان نواز با همه محبت ها و قصه گوئیها و
 راهنماییهای ارزنده شان، از مدیر چاپخانه دانش و کارگران و حرفه چین ها،
 و از همسر که در کار تنظیم این گزارشها مرا یاری کرده است و بالاخره
 از تمام همشهریهای عزیز و کسانی که به نحوی همراهی و همکاری
 نموده اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

تاچه قبول افتد و چه در نظر آید

خردادماه ۱۳۵۰ - خرم آباد لرستان
 حمید ایزدپناه

اقلیم لرستان

فصل اول

اوضاع طبیعی*

اقلیمی که امروز مشهور به لرستان است، سرزمینی است پهناور که مساحت تقریبی آن نزدیک به بیست و دو هزار کیلومتر مربع و محدود است از شمال به نهاوند و از شمال باختری به استان کرمانشاهان از باختر به منتهی الیه خاك سیمره، از جنوب و جنوب غربی به استان - خوزستان، از شرق به رود «سزار» (۱) یادز، که حد فاصل خاك بختیاری و لرستان است. از شمال شرقی به رشته کوه هائی که ملایر و بروجرد را دور میگیرند.

لرستان مرکب است از سلسله کوه هایی برآمد و کاملاً موازی، که بتوسط دره هایی عمیق که از غرب ایران بسمت جنوب شرقی سطحشان نقصان می یابد، از همدیگر جدا میگردند.

* این حدود از لحاظ اقلیم، نژاد، فرهنگ و گویش و آداب و رسوم شامل حدی تاملز عراق میشود و در تقسیمات کشوری، قسمتی از پشکوه و نیز غرب لرستان بصورت فرمانداری کل، اداره میشود و مرکز آن ایلام است.

Sezar-۱

بیشتر خاك لرستان را رشته کوههای مرتفع و یا کم ارتفاع در بر گرفته، و به جهت نبودن دشتهای وسیع امکان شهرسازی در مناطق مختلف آن میسر نگردیده. بطوریکه در درّه های «منگره» (۱) زمین هموار آن منحصر به سطح درّه های میان کوههاست که اهالی ترجیح میدهند شکاف کوهها را برای زندگی انتخاب نمایند و درّه ها را با اینکه پهنای اندک دارند، به ایجاد باغهای انار و یا برای کشت مختصری اختصاص دهند. لرستان بلحاظ تازگی و طبیعت شاعرانه و نظم مطلق پدیده های طبیعی که وجودش مربوط و مدیون آنهاست شایان دقت و توجهی خاص است. (۲)

مهمترین سلسله کوههای لرستان عبارتند از :

الف : کوههای جنوبی

۱- کوه «کور» (۳) که امروز آنرا کبیر کوه می نامند. طول آن در خاك لرستان بیش از ۱۷۰ کیلومتر است و در بعضی نقاط پهنای آن تا ۲۰ کیلومتر می رسد. و از شمال باختری به جنوب خاوری کشیده شده است و دارای چین خوردگیهای منظم و درّه های عمیقی است.

مرتفع ترین نقاط آن، در بخش میانی، بیش از ۳۰۰۰ متر بلندی دارد و چون دیواری عظیم، لرستان را به دو قسمت پیشکوه و پشتکوه تقسیم نموده

۱- Mongera ۲- ترجمه حفرایای غرب ایران نوشته دومورگان ص ۱۶۱

۳- Kavar

است. (۱)

بعضی از قلل آن بیشتر سال پوشیده از برف است. در جنوب باختری دَره های وسیعتری دارد و در دو طرف شمال و جنوب کوه، چشمه های پر آبی وجود دارد که اغلب بواسطه عمق بستر و پیچ و خمهای فراوان بریدگیها و دَره های عمیق، استفاده از آب آنها غیر ممکن است. راههای پیاده رو آن از روی صخره های مشرف بدَره ها و پرتگاههای متعدد میگذرد، از اینجهت عبور از آنها به دشواری صورت میگیرد. در دهانه بعضی از تنگه های آن، بواسطه چشمه های آب، آثار شهر یاد هکده هائی بجای مانده است که اغلب بر اطلال بعضی از آنها، بناهای تازه ای ساخته اند.

کوه «کور» سراسر پوشیده از درختان کهنسال بلوط، ارجن، پسته و بادام کوهی است.

۲- رشته کوه «دلچ» (۲) که بعضی از جغرافیایانویسان، آنرا «دهلیز» هم نامیده اند، مرکب از دو تنه و پاره موازی میباشد که چینهای زیادی را در بر دارد.

۳- کوه «کیالو» (۳) که طول آن نزدیک به ۷۸ کیلومتر است و پهنای آن در بعضی نقاط، تا ۱۰ کیلومتر می رسد.

۱- متأسفانه در کتب درسی، پیشکوه و پشتکوه را دو کوه مهم لرستان ذکر کرده اند که بهیچوجه درست نیست زیرا همانطور که اشاره شد دو منطقه هستند که بوسیله کوه د کور، از هم جدا شده اند.

۲- Dalich

۳- Keyalo

این رشته از رودخانه «کشکو» (۱) باکشان شروع شده و امتداد آن به جانب خاور، تا رودخانه «زال» ادامه می یابد. چینه های متعدد دامنه جنوبی آن تا کناره رود سیمره می رسد و راه سراسری از آن میگذرد و به «تنگ فنی» مشهور است.

۴- کوه «سنبغ» (۲) که دنباله زاگرس است، حاشیه شمالی دره سیمره را تشکیل میدهد.

ب: سلسه کوه های شمالی

۱- کوه «گری» (۳) است که بخط مستقیم از بیستون تا کارون یعنی از شمال باختری به جنوب خاوری کشیده شده است و اشترانکوه دنباله این کوه است، طول سراسری آن نزدیک به ۱۸۰ کیلومتر است. قله عمده این رشته عظیم، در لرستان یکی «چهل نابالغان» (۴) است واقع در شمال دشت الیشر که بلندی آن تقریباً ۴۵۰۰ متر است و دامنه های آن مدتی از سال پوشیده از برف می باشد و مانند دیواری، در شمال لرستان کشیده شده و حد فاصل بین خالک نهانند و لرستان است. و از جمله کوه های پر برکت لرستان و محل یلاق طوایف مختلف ایل های حسنوند و یوسفوند می باشد. بواسطه ذخیره زیاد برف، در قسمت دامنه های شمالی، رود گاماسب و در دامنه

۱-Kashko • ۲-Mala بافتح و کش میم • ۳-Garri •

۴- وجه تسمیه این قله به «چهل نابالغان» بنا بر آنچه در میان مردم مشهور است، هنگام حمله عرب در جنگ جلولای چهل نفر از کودکان و جوانان ساسانی از راه این قله قصد داشتند به لرستان بیایند که همگی اسیر گردیده و بقتل رسیدند. اینک نیز روی این قله چهل قبر وجود دارد.

های جنوبی رودخانه‌های الیشترو دلفان از آن سرچشمه میگیرند.

۲- کوه «پینه» (۱) یاپونه یکی دیگر از قلل عمده این رشته است که ارتفاع آن کمتر از «چهل نابالغان» است و چند معبر و گردنه سخت آن. بروجرد را به شمال لرستان متصل می‌سازد.

ج: سلسله کوههای غربی و مرکزی.

۱- سفید کوه که از خرم آباد شروع شده و تا شمال باختری لرستان ممتد است و طول آن نزدیک به ۵۶ کیلومتر میباشد. تنگه مشهور «گاوشمار» در منتهی الیه غربی آن واقع شده است.

۲- کوه «مپل» (۲) در غرب چگنی که از محل (سماق) شروع میشود با دره‌ها و چینهای متعدد تا شمال باختری لرستان امتداد می‌یابد.

۳- دو کوه «وراز» (۳) و «همیان» (۴) نیز از رشته کوههای مهم این منطقه میباشد.

د: رشته کوههای مرکزی و خاوری.

۱- کوه «یافته» نزدیک خرم آباد، قله‌ای است با شکل مخصوص و عجیب و بسیار قابل توجه و مشخص که دامنه‌های آن تقریباً عمودی هستند.

۲- کوه «هشتادپهلو» در جنوب خرم آباد که دنباله شرقی آن بکناره رود (دز) یا سازار منتهی میشود و دنباله غربی آن «دادآباد» نام دارد.

۳- کوه «چوونی» (۵) و «چناره» (۶) که دارای ستیغ‌های بلند بوده و معابر

۱- pina: در گویش لری «پینه» بمعنی پونه است • Mapel-۲

۲- Veraz: این کلمه در گویش لری بمعنی «گراز» است • Homyan-۴

۳- Choweni • ۴- Chenara-۶

آنها بخاطر صعوبتی که دارند در لرستان مشهورند.

۴- کوه (تاف) که بلندترین قله آن بنام «کوه کلا» (۱) مشهور است .

آب وهوا و رودهای لرستان

وجود کوههای پربرف، چشمه های فراوان و جنگلهای انبوه موجب اعتدال هوادر بخشهای میانی و شمالی لرستان گردیده است. ولی هوای بخشهای جنوب تا اندازه ای خشک و تابستان های گرمی دارد. در لرستان سه رود بزرگ جریان دارد که رود خانه های دیگر به یکی از آنها می پیوندند و این سه رود عبارتند از:

۱- سزار یا (دز) که حد فاصل میان بختیاری و لرستان است، قسمتی از آب آن از کوههای بختیاری سرچشمه میگیرد و قسمتی دیگر از کوههای شمالی لرستان و سیلاخور، جاری میشود و در محلی موسوم به «دورود» بهم پیوسته و پس از عبور از بستی پریچ و صخره و تنگه های کوهستانی، آبهای بخش پابی و نیز رودخانه «دمدم» (۱) که از دهستان «مازو» سرچشمه گرفته، در بر میگیرد و بجانب خوزستان روان میگردد، و این همان رودی است که ابنک سد بزرگ محمدرضا شاه (دز) بر آن زده شده است.

۲- رود کشکان که در گویش لری «کشکو» (۲) نامیده میشود از کوههای «ازگنه» (۳) و «خاک مالگه» (۴) واقع در دردمکده «قارن» در بخش شمال

•Xakmalga-۴

•Azgena-۳

•Kashko-۲

•Deindem-۱

خاوری لرستان، سرچشمه گرفته و بسوی باختر روان میشود. سرچشمه اصلی این رود بنام «گلم سوز» (۱) مشهور است و وجه تسمیه آن هم بعلت تراکم آب و سبزی رنگ آنست.

این رود در مسیر خود پس از عبور از بخش «چقلوندی» به بخش الیستر وارد میشود، بستر آن در تمام مسیر عمیق و کوهستانی است، در الیستر بنام «آب کاکارضا» معروف است.

رودخانه الیستر که آب عمده آن از کوه «گرمی» و همچنین از سرباهو چشمه های دشت الیستر مایه میگیرد، در محلی موسوم به «ملک میرزا» واقع در دهستان «بسطام» به این رود میریزد.

و نیز رودخانه «تیزاو» (۲) که از کوه های بخش دلفان جاری میشود، در شمال تنگه (گاوشمار) به آن می پیوندد و پس از عبور از تنگه، به سمت جنوب تغییر مسیر داده به بخش چگنی میرسد. که از آن به بعد «کشکان» نامیده میشود.

رودخانه خرم آباد که سرچشمه اصلی آن از تنگه «رباط» است، پس از پیوستن آب چشمه های داخل شهر به آن، در ۴۴ کیلومتری جنوب باختری شهر خرم آباد، در منتهی الیه بخش چگنی، در شمال محلی بنام «تنگ تیر» برود کشکان می ریزد.

قسمتی از آب «میان کوه» که به رودخانه «غزال» مشهور است در دهکده «افرینه» پس از تشکیل آبشاری، به ارتفاع نزدیک به ۲۰ متر، به این رود داخل

۱- Golemsouz «گلم» در گویش لری بمعنی آبی است که در یک کودی جمع شده است.
۲- Tizow «سوز» بر وزن حوض بمعنی سبزه است.

میشود.

رود کشکان در غرب جلگه «جایدر» در محلی موسوم به «باباخوارزم» به رود پر آب سیمره پیوسته و از آن پس بنام «سیمره» نامیده می شود.

۳- رود سیمره: این رود پر آب ترین رود لرستان و غرب ایران است سرچشمه اصلی آن از کوههای شمالی لرستان «گری» است که بسمت نهاوند جریان می یابد. قسمت عمده آب آن از محلی است موسوم به «سراب گاماسب» (۱). آبهای الوند کوه نیز به آن پیوسته و بجانب باختر در کوهپایه ها بابتی آرام روان میشود

در جنوب کرمانشاهان آب رودخانه «قره سو» به آن می ریزد و با تغییر مسیر بجانب جنوب، قسمتی از آبهای «ایلام» و کوه «مانشت» (۲) و نیز رودخانه هایی که از دنباله غربی کوه «کور» جاری میشوند و آب رودخانه «کلم» (۳) به آن پیوسته بسمت خاور، جاری میگردد. این رودخانه در لرستان «سیمره» نامیده میشود.

رود سیمره پس از دربر گرفتن آب رود کشکان، در امتداد دامنه های کوه «کور» بابتی پهن و نسبتاً آرام جریان می یابد و در بعضی جاها این بستر تنگ میشود از آنجمله در محل پل تنگ.

۱- در گویش لر: Gamasyow نامیده میشود. این نام مرکب از دو کلمه «گاوه» و «ماساب» است که کلمه دومی ریشه سانسکریت دارد و بمعنی ماهی است که به این ترتیب «گاوه و ماهی» میشود. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به «بخش البشتر» از همین کتاب، با کتاب خاتون هفت قلعه، نوشته آقای دکتر باستانی پاریزی ص ۲۸۴ و ۲۸۵

Manesht-۲ kolm-۳

محققان این پل عجیب ترین نقطه سیمره است. زیرا رود پس از جریان یافتن در یک بستر عریض و عمیق و محصور بر (فالزهای) خشن رودخانه. ناگهان خود را جمع کرده و در حوالی پل تنگ بستر خود را در مرمره ها حفر میکند، عمق مغاک ها و پرتگاه ها، گاهی به ۴۰ متر میرسد و عرض آنها در بعضی نقاط بیش از سه متر نمی باشد. (۱)

رودخانه «زال» که از کوه های «کرکی» (۲) سر چشمه میگیرد و بعثت تراکم، سبز رنگ است، با تغییر جهت بسمت باختر، پس از قطع جاده سراسری، در محلی موسوم به «دمشا» (۳) با سرعت و تندی که دارد، بستر آرام رود سیمره را می برد و به آن می پیوندد. (۴)

رود سیمره پس از گذشتن از آخرین تنگه منتهی الیه غربی کوه «کور» بخاک خوزستان وارد میشود که در آنجا «کرخه» نامیده میشود.

۱- ترجمه جغرافیای غرب ایران تألیف دموورگان، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

Domsha-۳ Korki-۲

۴- این مورد در لرستان ضرب المثل شده است و میگویند [زال آمد، سیمره را برید] بمفهوم موضوعی جزئی که يك مسئله اصلی را تحت الشعاع قرار دهد.

فصل دوم

بررسی مختصری از اوضاع اجتماعی و سیاسی

توضیحی درباره کلمه
کلمه لر بر مردمی گفته میشود که در دو
اقلیم . لرستان و بختیاری مسکونند
ولی بابررسی بیشتر ، ثانیه دوم قرن
لرو پیدایش آن:

چهارم هجری ، هیچیک از مورّخین . قوم و طایفه ای را به این نام در آثار
خویش معرفی ننموده اند و اقلیم کنونی نیز بنام لرستان مشهور نبوده است .
بلکه هر قسمت از آن در حیطه حکومت حاکمی بوده است که در تواریخ
از آنان ذکر شده و یاسنگ نوشته هایی از آنان بخط کوفی بجای
مانده است .

در فصول بعدی در باره این تقسیمات و حکام آنها بتفصیل بیان مطلب
خواهد شد .

اما در مورد وجه تسمیه (لر) ، اغلب مورّخین . روایات مختلفی نقل
کرده اند که از آن جمله مستوفی مینویسد : (۱)

۱- تاریخ گزیده ، ص ۵۳۵ و ۵۳۶ .

(در زبده التواریخ آمده که این اسم بر آن قوم بوجهی که گویند آنست که در «مانرود» دهی است که آنرا «کرد» خوانند و در آن حدود بندگی است که آنرا به زبان لری «کول» خوانند و در آن بند. موضعی است که آنرا «لر» خوانند. چون اصل ایشان از آن موضع برخاسته اند. از آن سبب ایشان را (لر) گفته اند.

وجه دوم آنکه، بزبان لری، کوه پر درخت را «لر» گویند «بکسر را». بسبب ثقلت. کسر لام را بضم بدل کرده اند و (لر) گفته اند. وجه سیوم آنکه شخصی که این طایفه از نسل اویند (لر) نام داشته و قول اوّل درست ترمی نماید.)

بدلیسی در شرفنامه نیز قول اول مستوفی را ذکر نموده و آنرا پذیرفته است. (۱)

غیر از این اقوال، شاید طوایفی از ساکنان شهر قدیمی «لور» که استخری آنرا چنین توصیف کرده است. «لور شهری آبادان است و هوای کوه بر آن غالبست، از جمله خوزستان بود، اکنون در شمار کوهستان میدارند.» (۲) به قسمت های شمالی کوچ کرده و محل سکونت تازه بنام آنان «لورستان» نامیده شده، که بعداً کلمه «لور» پس از تخفیف، «لر» شده است و اکنون نیز در جنوب لرستان و ده کیلومتری شمال اندیمشک محلی است، که بنام «لور» مشهور است و همان است که استخری آنرا حد شمالی خوزستان دانسته و مینویسد [...] و حد شمالی آن سیمره و کرخه

ولوراست تابا حدود جبال میبندد.» (۱) و این حدس ممکن است صحیح باشد، بدلیل آنکه امروز دهات شمال و شمال غربی شوش بنام «سگوند» مشهور است که «سگوند» شاخه‌ای از ایل سگوند لرستان است که سالها پیش به اطراف شوش مهاجرت نموده و متوطن گشته‌اند و اکنون این محل بنام آنان مشهور است.

زبان بعد از حمله عرب و انقراض ساسانیان، آنچه موجب پایداری و غلبه معنوی ایرانیان بر عرب شد، فرهنگ و زبان قوم ایرانی است. در تمام دوره‌های تاریخی بویژه دوره‌هایی که با فقدان قدرت سیاسی و یا نظامی روبرو بوده، تنها به نیروی فرهنگ و تمدن خویش، از میان حوادث خوردکننده تاریخ، پیروز و سربلند بیرون آمده و استقلال خویش را با این نیرو حفظ نموده است.

کاری دشوار بود که ایرانیان پس از گذشت دو قرن از آغاز اسلام بتدریج بتوانند استقلال خود را بدست آورند و زبان پارسی را در برابر زبان عربی که زبان دین و سیاست بود قرار دهند. این توفیق نتیجه همت ایرانیان و مردم اقالیم و ایالات و ولایات و پایداری آنان در حفظ و گسترش زبان و فرهنگ ایرانی بود. اگرچه کیش باستانی خود را بعلی رها کرده و به آیین اسلام گرویدند، ولی زبان کهن خویش را حفظ نمودند، که این میراث پرارزش اکنون نیز جاودانه است.

درباره زبان پهلوی یا «فهلو» مورخین، مطالب فراوانی نوشته‌اند از

آنجمله یاقوت حموی (۵۷۵-۶۲۶ هجری) در معجم البلدان (۱) در مورد کلمه «پهل» مینویسد .

(حمزه اصفهانی در کتاب التنبیه (۲) گوید که زبانهای فرس باستانی پنج گونه بوده، پهلوی، دری، فارسی، خوزی- سریانی ...)

ابن ندیم در توضیح پهلوی مینویسد :

«پهل» نام پنج شهر است. اصفهان، ری، همدان، ماه نهاوند و آذربایجان» (۳) بعضی دیگر بلاد پهلوی را هفت شهر: ماسبدان، همدان، ماه البصره، سیمره، ماه الکوفه و قرمیسن، نوشته اند که برابر این توضیح و تقسیم، سراسر لرستان پیشکوه و پشتکوه را شامل است و اکنون نیز بیشتر لغات گویشهای لرستان ریشه باستانی داشته و یا اینکه نزدیک به اصل و ریشه قدیمی خود تلفظ، میشوند و این گویشها، یکی از افتخارات مردم لرستان است در حفظ فرهنگ قدیمی خود.

گویشهای لرستان بدو گویش لری و لکی تقسیم میشوند گویش ساکنان بخشهای شمالی و شمال غربی، لکی و بقیه «لری» می باشد

۱- معجم البلدان جاب مصر، جلد ۶ ص ۴۰۷

۲- کتابی که یاقوت یاد میکند. کتابی است بنام والنبیه علی حدوث النصیف، از حمزه اصفهانی که نسخه ای از آن در کتابخانه مروی تهران، وجود است رجوع شود به مقدمه شادروان استاد پور داود بر کتاب فرهنگ بهدنیان حاشیه صفحه ۵۰

۳- ترجمه فهرست ابن ندیم ص ۲۲.

باز در این دو لهجه بین ایل‌های مختلف ویژگی‌هایی از لحاظ تلفظ کلمات وجود دارد.

این گویش‌ها، دارای ضوابط دستوری ویژه‌ای هستند و از واژه‌های بیشماری برخوردارند که اغلب هنگام برگرداندن کلمات آنها به فارسی، چون قالب کلمه و یا مشابه آنها در فارسی نیست، ناچار بایستی آن واژه‌ها را توجیه کرد. دیگر اینکه در این دو گویش قاعده ابدال جاری است و بیشتر کلماتی که به آنها وارد می‌شوند ابتدای یکی از حروف و یا تلفظ آنها در گون می‌شود، سپس مورد استفاده قرار می‌گیرد، که این خود نوعی استقلال برای این دو گویش است (۱)

غیر از اینها، دو گویش اختصاصی، یکی گویش طایفه رشنوو دیگر لهجه‌ای که کولیا با آن تکلم می‌کنند، وجود دارد.

لرستان شامل ۱۲ بخش است که اسامی بخشها و تعداد جمعیت هر یک از آنها بشرح زیر است (۲)

جمعیت

تعداد جمعیت

نام بخش

۲۲۹۳۷ نفر

۱- بخش الیستر

۱۰۶۵۲

۲- چقلوندی

۶۵۷۷۴

۳- دلفان

۶۱۱۲۰

۴- طرهان

۱- نگارنده، واژه‌های لری را جمع آوری نموده که در سال ۱۳۴۳ بهمت انجمن فرهنگی ایران باستان بلام و فرهنگ لری، به چاپ رسیده. ۲- بخش سیمه تا چند سال پیش جزء لرستان بود ولی پس از تبدیل ایلام به فرمانداری کل، این بخش نیز جزء آن گردیده.

آثار باستانی و تاریخی لرستان	۱۸
۲۳۹۵۷ نفر	۵- « چگنی
۲۲۹۳۷	۶- « ملاوی
۱۴۷۴۲	۷- « الوارگرمیری
۱۵۹۶۹	۸- « پاپی
۱۹۵۷۲	۹- « ویسیان
۱۵۷۶۱	۱۰- « زاغه
۱۸۳۱۴	۱۱- « حومه
۶۲۵۴۰	۱۲- « خرم آباد

مرکز لرستان شهر خرم آباد است که اینک مرکز حوزه فرمانداریکل نیز میباشد (۱)

در سطح لرستان تاکنون مطالعات مردم شناسی
آداب و رسوم بطور کامل و دقیق انجام نگرفته است. آنچه نیز

از جانب افراد و یاهیتی بعمل آمده است، ناقص و با اشتباه زیاد همراه است. اخیراً کتابی بنام «مردم شناسی» (۲) انتشار یافت که بررسی مختصری است که آنهم خالی از لغزش نمی باشد، زیرا نویسنده آن بدون توجه به کیفیت اقلیمی و رشد منطقه ای و تفاوت و تباینی که بین ایل ها و طوایف مختلف از هر لحاظ موجود است اکتفا به مطالعه قسمتی

۱- فرمانداریکل لرستان شامل سه شهرستان خرم آباد، بروجرد و الیگودرز است
۲- مردم شناسی: تالیف هنری فیلد ترجمه آقای دکتر عبدالله قریار.

از غرب لرستان را نموده و روی آن اظهار نظرهایی شده است که کلیت ندارد و در این مورد نمی توان مشت را نمونه خروار دانست. زیرا اختلاف از نظر جسم و مشخصات زیست و سایر موارد، بین ساکنان خاور و باختر و شمال لرستان زیاد است.

مثلاً ایل «قلائی» ساکن دهستانی بهمین نام در جنوب باختری بخش الیستر، از نظر وضع جسمانی و گویش و آداب و رسوم با طوایف مجاور خود اختلاف زیاد دارند. مردان و زنان این ایل دارای قامتی بلند و اندامی متناسب و ورزیده و دماغ گوژر هستند که طوایف همسایه چنین مشخصاتی را ندارند و با عقاید و رسوم و بزه و سنت های باستانی که در میان آنان رواج دارد در تناقض دیگر معمول نیست. گویش آنان «لری» است در صورتیکه طوایف مجاور با گویش «لکی» و ترکیه میانه ای است. بهر صورت در میان طوایف لرستان، لاری، لکی، و ترکیه و آداب و رسوم و عقایدی

در میان آنها که در یک خط است و در یک خط است و در یک خط است

در یک خط است و در یک خط است و در یک خط است

افروزی و حلقه زدن به گرد آن و خواندن سرودهای مذهبی همراه است. طب و جراحی عامیانه لرستان خود نیز موضوعی جالب توجه است. (۲) آیین، اعیاد و جشن های باستانی بارونق خاصی برگزار میگردد. **کانون خانوادگی** : مردان صاحب اختیار خانواده بوده و در روستاها زن و مرد، دوش بدوش هم کار می کنند. زن علاوه بر تهیه خوراک و رسیدگی به امور خانوادگی، در کار زراعت یاری صمیمی برای مرد است. مشقت بارترین زندگی، از آن کوچ نشینانی است که برای تربیت دامهای خویش همیشه در حرکتند، زمستانها به گرمسیر میروند و تابستانها به بیلاق بر میگردند، و برای این منظور ناچارند هر سال بیش از ۴۰۰ کیلومتر راههای کوهستانی و دشوار را طی نمایند. درآمد آنان از این راه ناچیز است، زیرا هر سال تعداد زیادی از احشام آنان بعلل مختلف از بین میروند و باقیماند نیز با طی مسافتی زیاد، لاغر میشوند. عایدی آنان از فراورده های بهاره نیز چشم گیر نیست و باصطلاح آنچه از این راه بدست می آورند کمتر از مبلغی است که برای مایحتاج خود خرج میکنند.

معتقدات مذهبی : مردم لرستان بخصوص عشایر، بمعقادات دینی و مذهبی سخت پای بندند و در برخی نقاط که مقبره امامزاده ای باشد، اهالی هنگام کوچ، مازاد ااثیه و لوازم زندگی خود را در حریم مقبره به امانت میگذارند و میروند و هنگام برگشتن، آنها را بر میدارند در طول

۲- نگارنده تحقیقاتی جامع از نظر مردم شناسی لرستان در مدت ۶ سال انجام داده ام که هنوز چاپ نرسیده است.

اینمدت هیچکس بارای تخلف و دست درازی به اموال موجود در حریم را ندرد. بطور کلی این ادعا صادق است. که لرستان گنجینه افسانه های کهن و آداب و عادات و رسوم باستانی است که متأسفانه قبل از بررسی آن در شرف نابودی و دگرگونی بوسیله زندگی امروزی و پیشرفتهای ماشینی میباشد.

سازهای محلی لرستان عبارتند از: کمانچه،

موسیقی

نی، سرنا، دهل، تنبک، دوزله و یک نوع ساز

که مخصوص انجام مراسم مذهبی فرقه اهل حق میباشد و نام محلی آن تمیره (۱) است. آهنگهای لرستان دو برنوع است.

الف- آهنگهای سوگ: در زمانهای پیش، آئین سوگ و عزاداری در لرستان بویژه در روستاها، بانوهای موسیقی و آهنگهای سوگواری همراه بوده و اجراء میگرددیده است که اکنون قسمتی از آنها منسوخ و فراموش شده و برخی هنوز هم معمول است. و آلات موسیقی این مراسم تنها سرنا و دهل بوده و هست. این آهنگها عبارتند از:

۱- سحری یا «یاری» که بهنگام فوت شخص برجسته ای اجراء میگرددیده و بانواختن این آهنگ بوسیله سرنا و دهل مرگ کسی اعلام میشده است و مردم را برای شرکت در تشییع، دعوت مینموده اند

۲- پاکتلی: (۲) آهنگ سوگی است که هنگام بستن «کتل» نواخته

۱- Tamira: همان تنبور است منتهی باشکلی خاص ۱- pakotali: کتل عبارتست از اسبی که لباسها و سلاح شخص مرده را روی آن انداخته باشند.

میشود.

۳- رارا (۱) این آهنگک هنگامیکه عده‌ای زن و مرد از دهات مختلف برای شرکت در سوگ کسی می آمدند نواخته میشد و آنان بانوای «رارا» دستهای یکدیگر را می‌گرفتند و نوعی رقص اجراء مینمودند و در ضمن آن اشعاری نیز در توصیف مرده میخواندند.

غیر از اینها، زنان نیز با مویه دستجمعی، اشعاری می‌خوانند که نوای آن چنان تأثیر انگیز است، هر کس هم که حتی مفهوم کلمات را درک نکند روحش از اندوه متأثر میگردد. گاهی مردان نیز اشعاری با آهنگک مخصوصی بنام «ور» (۲) سر میدهند.

ب : آهنگها - ترانه‌ها آهنگها و ترانه های لری - بیشتر
و رقص‌ها جنبه حماسی دارند . بجهت آنکه

دروصف شجاعت جنگجویی و رشادت يك قبیله و ایل ساخته و سروده شده‌اند از اینرو ترانه‌هاییکه جنبه عشق و عاشقی دارند، کمتر متداول و معمول است. رقصهای لری نیز چهار نوعند که بصورت دستجمعی اجراء میگردند منتهی بعضی با آهنگی ملایم و برخی با آهنگک تند.

۱- Rara : این کلمه بمعنی «رود رود» است و اصل آهنگک بنام «خانکم رارا» مشهور است.
۲- Mur .

اجتماعات نخستین و پیشینه‌های

تاریخی لرستان

۱

اجتماعات نخستین
در بهار سال ۱۹۴۵ برای نخستین بار در
ایران، آقای گیرشمن با حفاری غاری در
«عصر حجر»
تنگ «پده» (۱) در کوه‌های بختیاری واقع

در شمال شرقی شوشتر موفق به یافتن بقایای انسان عهد پیش از تاریخ
گردید (۲) که آنها را مربوط به ۱۰ تا ۱۵ هزار سال قبل از میلاد، دانسته‌اند،
ولی با بررسی‌هایی که از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۴۸ وسیله هیئت علمی
دانشگاه‌های رایس (۳) آمریکا و کمبریج انگلستان انجام
گردید، در نقاط مختلف منطقه لرستان آثار تمدن، از دوره‌های مختلف
حجر بدست آمد. قدیمی‌ترین آثار تمدن سنگی، از کوه «همیان» واقع در
شمال کوه دشت و بعضی نقاط دشت «رومشکان» و نیز از «غار کنجی» واقع
در جنوب خاوری دره خرم آباد و غارهای دیگر این دره یافت شد. ابزار

۱- pabda • ۲- ایران از آغاز تا اسلام • ۳- Rice •

مکشوفه از غار «کنجی» و غار «همیان» مربوط بدوره «پالئولیتیک» (۱) میباشند و قشر «مستری» (۲) آنها نزدیک به چهل هزار سال تاریخ گذاری شده است.

در قسمتی از غار «کنجی»، طبقات مختلف تمدن بهم ریخته بود که در بعضی نقاط بین قشرهای زیرین و سطح غار هیچ اثری از ادوار دیگر، دیده نشده. به عقیده «دکتر اسپت» این خلاء شاید علتش آب بردگی قشرها، در طول سالیان درازی است که این غار خالی از سکنه بوده است. در دیگر نقاط لرستان نیز آثاری از دوره های میانه سنگی و نوسنگی باز شناخته شده اند که در فصل مربوط به خرم آباد مفصلاً توضیح داده شده است.

با کاوش و بررسی هایی که بعمل آمده است، لرستان از دیر باز مسکون بوده است. سیر و تحول زمان و رویدادهای مختلف طبیعی، امکان تکامل تمدن را فراهم کرده و ساکنان آن در جهت این تحول پیشرفتهایی حاصل نموده و بتدریج با اختراع و ایجاد وسایل و ابزار تازه، زندگی کاملتری را بوجود آورده اند که این سیر تحول تدریجی در طول مدتی نزدیک به سی و پنج هزار سال انجام گرفته است. از ابزار سنگی بدست آمده، زندگی و نوع معاش مردم دوره حجر لرستان، قابل توجه و بررسی است. خوراک عمده آنان از گوشت حیواناتی تأمین میشده است که در اطراف اقامتگاه خود شکار میکردند. در این جامعه بدوی،

۱- p aleolitik ۲- توضیح این کلمه در فصل مربوط به خرم آباد آمده است

وظیفه مخصوصی به عهده زن گذاشته شده بود که وی گذشته از نگهداری آتش و احتمالاً ساختن ظروف سفالی میبایست در کوهها بجستجوی ریشه‌های خوردنی نباتات و جمع آوری میوه‌های خشک‌پزدازد. (۱) پس از خشک شدن دره‌ها که معلول دوره بی آبی بود، دگرگونیهای تازه‌ای در شرایط زندگانی آنان حاصل شد. کوچ آنان از کوه بدشت تحول تازه‌ایست که مولود تغییرات وضع طبیعی است. اقامتگاههایی که دردشت‌های «کوه‌دشت» و دره خرم آباد مورد مطالعه قرار گرفته اند رابطه این تغییرات را مشخص میسازد. در بعضی از این آثار ظروف سفالی دست ساز دیده میشود که نشانه آنست که هنوز آنان به اختراع چرخ کوزه‌گری موفق نشده‌اند. (تصویر شماره ۱)

چون غرض اشاره به قدمت منطقه لرستان از لحاظ سکونت انسان است، به کیفیت‌های دیگر اشاره‌ای نمیشود (۲). و اینک توضیحی در باره کاسیت‌های ساکنان لرستان در هزاره دوم پیش از میلاد.

۱- ترجمه ایران از آغاز تا اسلام تألیف گیرشمن ، ص ۹ و ۱۰.

۲- برای آگاهی بیشتر، رجوع شود به ترجمه تاریخ ماد و ایران از آغاز تا اسلام.

۲

قوم کاسیت « کاسیان »

قبایلی کوهستانی در ناحیه واقع میان ماد و ایلام (در لرستان کنونی) بنام کاسیت - مشهور بوده اند که چیره دستی فوق العاده ای در ساختن مصنوعات مفرغی بدست آورده اند . این قوم در زمان خود - مهمترین قبایل کوهستان زاگروس شمرده می شدند . (۱)

محل سکونت کاسیتها که به اکدی « کاشی » گفته میشدند ، از ازمه قدیم تا فتح ایران بدست اسکندر مقدونی . کشوری کوهستانی بود واقع در بخش علیای رود هائی که دره های آنها . در عهد باستان . کشور ایلام را تشکیل میداد و اکنون لرستان نامیده میشود . (۲)

۱- محوطه زاگروس که مسکن کاسیان بود ، مربوط به قسمت مرکز رشته جبال لرستان حدید است . اما حکومت آنان در طرف شمال و مشرق آن ایالت توسعه یافته و بقول بعضی محققان شامل اطراف همدان هم ، می شده است . متون بابلی مربوط به کاسیان نشان می دهد که در ناحیه آنان ، اختلاطی از آیینهای مختلف وجود داشته است . و ایران از آغاز تا اسلام ، ص ۵۵ و ۵۴ - ۲ تاریخ ماد تألیف دیاکوف ترجمه آقای کریم کشاورز ص ۱۶۰ و ۱۶۱ .

بنا بر تحقیقی که «دیاکونف» دانشمند روسی نموده است، گواه نشاء نژادی «کاسیان» نزدیک به پنجاه کلمه و نام خاص است که با ترجمه اکدی در متون لغوی آشوری و بابلی محفوظ است و بعقیده اومیتوان این حدس را بیشتر متحمل دانست که کاسیان قبیله‌ای بوده‌اند کوهستانی و پیشه دامداری داشته‌اند و بزبانی که با ایلامی قرابت داشته، سخن می‌گفته‌اند. و نیز مینویسد (زمانی این عقیده رایج بوده که کاسیان هند و اروپائی بوده، یا لافل چنان روابط و تماس نزدیک با عناصر نژادی هند و اروپائی داشته‌اند که زبان و فرهنگ و تمدن ایشان، بنحوی مشهور از آن متأثر گشته.

ولی مدارکی که بنفع مناسبات هند و اروپائی کاسیان وجود دارد چنانست است که بالضرورة باید کاسیان را یا فاقد رابطه با هند و اروپائیان شمردو یا غیر مستقیم و بسیار دورا دور با عناصر اخیرالذکر مربوط دانست.

گمان می‌رود که کاسیان از دوران دیرین که کسی بیاد ندارد، در ناحیه مذکور زندگی میکردند. همچنانکه ایلامیان که محتملا خویشاوند ایشان بودند در سرزمین خویش میزیستند.

بهر تقدیر، کاسیان از آغاز هزاره سوم قبل از میلاد، در آن مکان زندگی می‌کردند و بعدها بدامداری و زندگی نیمه اسکان یافته در کوه‌ها اشتغال داشتند. به احتمال قوی قبایل کنونی لر که با دامداری در کوهستان اعاشه می‌کنند. از اخلاف ایشان می‌باشند و اکنون نیز در همان سرزمین

ساکن هستند. سرزمینی که بنام ایشان «لرستان» خوانده میشود. در ربع دوم هزاره دوم قبل از میلاد، بخشی از کاسیان در حرکت و انتقال قبایل، شرکت جسته از کوهها، بدره رود دیاله نفوذ کرده و از آنجاگاه و بیگاه به بابل دستبرد میزدند. اکثر محققان این فعالیت کاسیان را بظهور اسب: حیوان حمل و نقل مربوط میدانند. از زمانهای دیرین مردم آسیای غربی با اسب آشنا بودند. مثلاً شومریان از اسب اطلاع داشتند و آنرا خرکوهی مینامیدند؛ ولی اسب در آن زمان هنوز اهلی نشده بود و اهلی شدن اسب بانام کاسیتها بستگی و پیوستگی دارد. (۱)

قدیمی ترین مراجعی که در آنها ذکر کاسیان آمده. متون مربوط به قرن بیست و چهارم قبل از میلاد است که متعلق به عهد پوزور-انیوشیناک (۲) است. آشوریان آنرا به نام «کاسی» میشناختند که این اسم بشکل «کوسایونی» (۳) توسط استرابون یاد شده است. (۴) به اعتقاد بعضی «کانداش» مؤسس سلاله کاسی معاصر «سامسوئیلونی» پسر هامورابی پادشاه بابل بوده است؛ در سال نهم سلطنت «سامسوئیلونی» (۱۷۴۱ قبل از میلاد) جنگی میان بابلیها و کاسیان در گرفت و در معبد بزرگ بابلی، خدای «انلیل» در شهر «نیپور» نیزه ای یافت شد که نام «کانداش» بر آن کنده شده بود و چنین برمی آید که کانداش نه فقط

۱. ترجمه تاریخ ماد، ص ۱۶۲ و ۱۶۳ - ۲. Inshushinak

۳. Kossaiioj - ۴. ایران از آغاز تا اسلام تألیف گیرشمن ترجمه دکتر معین ص ۵۵ تا ۵۷

دربخش مرکزی خالك بابل نفوذ کرده، بلکه چندی نیز در آنجا توقف نمود. برابر تحقیق دیاکونف، اسامی نخستین پادشاهان کاسی و مدت سلطنت ایشان به تقریب چنین است (۱)

۱- گانداش	تقریباً از ۱۷۴۱ تا ۱۷۲۶	قبل از میلاد
۲- آگوم بزرگ	» ۱۷۲۵ تا ۱۷۰۴	»
۳- کاش تی لیاش اول	» ۱۷۰۴ تا ۱۶۸۳	»
۴- اووشی	» ۱۶۸۲ تا ۱۶۷۴	»
۵- آبی راتاش (۲)	» از اواسط قرن هفدهم	»
۶- اورشی گوروماش (۳)	» پایان قرن هفدهم	»

نفوذ و تسلط قوم کاسیت

نفوذ روز افزون شاهان کاسیت و تسلط آنان بر کشور همسایه خود بابل و حمله بر آن دولت، از جمله

بر بابل

حوادث مهم این زمان است. از عواملی که موجب تسلط قوم کاسیت بر بابل شد، اول نیرومندی آنان و دوم ضعف حکومت وی خبری و تن آسانی مردم بابل بود.

این تقریباً قانون کلی تاریخ است که همان ثروتی که سبب پیدایش تمدنی می شود، همان ثروت هم بیم دهنده انحلال و انقراض آن تمدن می گردد. و این از آنجهت است که ثروت همان گونه که هنرا پدید می آورد

۱- ترجمه تاریخ ماد، ص ۱۶۵ و ۱۶۶ • Abirattash - ۲

۳- Urshigrumash •

نژاد آسائی را نیز همراه دارد. جسم و طبیعت را لطیف و ظریف میکند و راه تجمل و خوشگذرانی را بروی آنان می‌گشاید، جنگجویان خارجی را که پنجه پولادین و شکم گرسنه دارند بهجوم بر چنان سرزمینهای پر ثروت می‌خواند.

قوم کاسیت که همسایه شرقی دولت بابل بود، قبیله‌ای نیرومند بودند که هشت سال پس از مرگ «حمورابی» بر کشور بابل تاختند و بجای خود برگشتند و پس از آن، حملاتی پی‌در پی به این کشور نمودند تا عاقبت بعنوان کشور گشایان، حکومت را بدست گرفتند و نزدیک به شش قرن حکمرانی آنان دوام یافت. (۱) تا آنجا که پس از «آنگوم دوم» شاهان کاسی بصورت شاهان واقعی بابلی درآمدند و تازمانی که در دودمان در دست شاهان کاسی بابل بود، قادر بودند کماکان بر مردم لرستان و سایر بلاد همسایه خود تسلط داشته باشند. (۲) پس از آنکه کاسی‌ها در دودمان کاسی بابل از دست آمدند، مردم لرستان و سایر بلاد همسایه نیز از دست کاسی‌ها رها شدند.

پس از آنکه کاسی‌ها در دودمان کاسی بابل از دست آمدند، مردم لرستان و سایر بلاد همسایه نیز از دست کاسی‌ها رها شدند.

نمی‌رفت، بلکه تهدید بیشتر از جانب آشور بود. (۱) عاقبت «شوتروک ناخوته» اول (۲) پادشاه ایلام (۱۲۰۷-۱۱۷۱ قبل از میلاد) به بابل هجوم شکستی قطعی بر کاسی ها وارد آورد و آخرین نماینده سلسله کاسی را برانداخت و پسر خود «کوتیر ناخوته» (۳) را جانشین او کرد. در این زمان، دامنه فتوحات ایلام به نقاط دور کشیده شد و تاهجوم آشور و دوره اعتلای این دولت، که قرن یازدهم پیش از میلاد، ابتدای آنست، ادامه یافت.

در سال ۷۰۲ «سناخریب» پسر «سارگن» به کشور «الی پی» لشکر کشی کرد، ولی منظور او دست یافتن به کشور کوه نشینان جنوب این ناحیه، یعنی لرستان بود.

در این محل آشوریها، پیروز شدند و تعداد زیادی اسب و قاطر به غنیمت گرفته و مردم آن ناحیه را در دو قلعه، و اسرای خارجی را در قلعه سوم مستقر ساخته و خود بطرف کشور «الی پی» سرازیر شدند.

در آنجا نیز پیروزی همراه آنان بود و منظور از این جنگ، بی طرف کردن گله چرانان لرستان، یعنی قوم کاسیت بود، تا نتوانند با کشور همسایه خود «الی پی» متحد شوند.

تا قرن هفتم پیش از میلاد، آشوریها هنوز ناحیه لرستان را بعنوان کشور «کاسی» می شناختند و مرز شمالی آنان، کوه «چهل نابالغان» (۴) بود.

۱- ترجمه ایران از آغاز تا اسلام، ص ۵۵ تا ۵۷-۲ Shutruck-nahhunte

۳- Kutir-nahhunte ۰ ۴- ترجمه هنر ایران، تألیف گیرشمن، ص ۲۸۲ تا ۲۸۴

[چهل نابالغان قلعه ای از کوه و گری، واقع در شمال لرستان میباشد، نگارنده]

با این توضیح، کاسیها، قدیمیترین ساکنان و حکام آریائی لرستان بوده‌اند که احتمالات زمان انقراض هخامنشیان نیز، سلاله آنها باقی بوده است و تأثیر تمدن و فرهنگ و هنر آنان در تشکیلات و تمدن مادها و هخامنشیان غیر قابل انکار است. (۱)

فرهنگ و تمدن پیش از تاریخ در لرستان

تمدن و فرهنگ قوم کاسیت

کاسیت‌ها، متمدن‌ترین ملل عصر خود (ایلامیها، بابلیها، مصریها، سامیها و آشوریها) بوده‌اند. این قوم بدون آنکه میهن کوهستانی خویش را فراموش نمایند، باعنصر بابلی آمیختند و قرن‌ها بر آنان حکومت نمودند. شاید اولین قومی بوده‌اند که از اسب استفاده نموده‌اند و آنان بودند که برای ساکنین بین‌النهرین سفلی که جزالایح، حیران دیگری نمی‌شناختند اسب آماده کردند و بهمن مناسبت اهالی بین‌النهرین سفلی به اسب‌نام خر کوهستانی دادند (۱). آشوری‌ها عرابه‌های خود را با اسب‌های کاسیتی بحرکت در می‌آوردند. در نقاشی‌های غارهای تنگه «میرملاس» (۲) و «همیان» (که اخیراً با بررسی‌های مقدماتی که وسیله آقای پرفسور «مک‌بورنی» انجام گرفت و آنها را مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد دانست). از اسب برای شکار و جنگ، استفاده می‌شده است و این نقوش، یکی دیگر از تجلیات اندیشه قوم کاسیت است که بر سینه غارها نقش شده است. این نقوش بعداً در مفرغ سازی شکل یافته و با کیفیت تازه‌ای برابر از مفرغی نقل شده است. کاسیت‌ها در دوران تسلط بر بابل از تمدن بابلی‌ها استفاده

۱- راههای باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب، ص ۱۴۱. ۲- Mirmelas

نمودند. خط آنانرا پذیرفتند، آداب و عادات و اخلاق بابایانرا گرفته و باخویش به سرزمین کوهستانی خود لرستان، همراه آوردند و در تماس با مردم بین النهرین با اموردینی آنان آشنا گشته و احتمالاً «گیل گامش» را بخداوندی خود اختیار کردند و در صنعت خویش بیکره های مفرغی از او ساختند.

راجع به کیش کاسیت ها، «دیاکونف» مینویسد: از جمله کیش خدایان کاسیت یکی «کاشو» است که ظاهرأ خدای قبیله و نیای کاسیان شمرده میشد. دیگر «شیمالی» الهه کوهستان که نام دیگر او «شیارو» (۱) بود. «شوکامون» (۲) خدای آتش زیرزمینی و حامی سلاله شاهی بود. خدایان دیگر عبارت بودند از «هاربه» (۳) و «شیخو» (۴) و خدای خورشید «ساخ» (۵) «یاشور یاش» (۶).

ساکنان پیش از تاریخ لرستان. با اینکه در پیدایش و گسترش صنعت سفال نقش مهمی داشته اند. ولی در ساختن آن چنان دقتی بکار نبرده اند که ساکنان «سیلک» از خود نشان داده اند. باید گفت در این قسمت، از سایر اقوام آنروز عقب ماندند. ظروف سفالی لرستان از لحاظ شکل و رنگ و دیگر مشخصات، شباهت کامل بظروف تپه «گیان» دارند. سفال سه پایه (تصویر شماره ۶) بانقش سبد باف که از تپه «درکه» (۷) بدست آمده است.

Shihū-۴ Harbe-۳ Shukamun-۲ Shibahhu-۱

Sakh-۵ ۶- ترجمه تاریخ ماد، ص ۱۷۳

Derreka-۷ تپه ای است در ۲۰ کیلومتری غرب کوه دشت، واقع در دهکده ابوالوفا.

بهترین و کامل ترین نوع سفال این منطقه است که با سفال طبقه سوم گیان شباهت تام دارد بقعیده آقای گیرشمن، دخول آنها به محوطه ای که مسکن «کاسیان» بود، مصادف گردید با ورود جنگجویان اروپائی در میان آن قوم. منشأ این ظروف عجیب را بیشتر باید در مغرب، در سوریه یا آسیای صغیر جستجو کرد. چه در این مناطق از این نوع ظروف یافته شده است. به نظر میرسد که در بعضی قسمتهای زاگرس، سه پایه بیشتر متداول بوده است (۱).

بین سفال تپه «گیران» (۲) و تپه «درکه» نیز تفاوت زیادی نیست مگر از لحاظ نقوش آنها، که این تبار را با پیدناشی از اعتقاد به خدایان دانست که نگارگران سفالینه هر قوم، سرنوشت خویش را با این نقوش مربوط دانسته و بهمین جهت سعی کرده اند تا این اعتقاد را با بهترین مظاهر فکری در مصنوع خویش جلوگرسازند.

اکنون دانشمندان و محققان به اتفاق، مفرغهای

مفرغ لرستان

لرستان را به «کاسیتها» نسبت میدهند. آلات و

اشیاء مفرغی، اولین بار در سال ۱۳۰۴ وسیله مردم روستاها پیدا شد و از آن به بعد که محققین راه تازه ای برای بررسی یافته بودند، متوجه مفرغ لرستان شدند. تنوع و خصوصیات برنز لرستان در جنبه های اعتقادی سازندگان آنست که رونق بیشتری به آن داده است.

مذهب این مردم از مذهب همان نقاشان ظروف سفالی متفرع شده است

۱- ترجمه ایران از آغاز تا اسلام، ص ۵۹ و ۵۸.

۲- Geryro تپه ای باستانی است در ایشتر

که بر قدرت آسمانی تکیه دارد. مهم آنست که جزئیات زندگی کاسبت‌ها در هنرشان هویداست.

تاکنون هیچ خانه مسکونی از کوه نشینان و صنعتکاران برنز در لرستان پیدانده‌است و آنچه بدست آمده‌است از گورستانهای آنها بوده است. اشیائی که در قبرها همراه مردگان دفن شده، مانند آلات و ابزار کار و اشیاء مربوط به زندگی در خانه، سلاح جنگی و زینت آلات، چنان زیاد و متنوع است که مشخص می‌سازد مردم با اندیشه‌های شدید مذهبی حتی روزهای زندگی را بخاطر تهیه مقدمات مرگ و دنیای پس از آن بصرمی برده‌اند و اعتقاد داشتند که وسایل زندگی مورد نیاز در این دنیا، در جهان دیگر نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. شاید بهمین دلیل باشد که هنر بنظر آنها تجلی از نیروهایی بوده است که بر زندگی و مرگ انسان حکومت میکرده‌اند. تحقیقی که در محل قبور حفاری شده وسیله روستائیان بعمل آمد، در دهکده‌ای بنام «پیاره» (۱) واقع در «سرطرها» دونوع قبر مشاهده کرده‌اند. اول قبرهایی که علاوه بر اسکلت انسان و لوازم مورد نیاز او، اسکلت اسب و تمام اشیاء فلزی مربوط به زین و دهنه نیز یافت می‌شده‌است که گویا هر کسی می‌مرده، اسبش را نیز می‌کشته‌اند و با تمام لوازم زندگی و جنگی در کنار او بخاک می‌سپرده‌اند. در قبرهای دیگر تنها وسایل فلزی مربوط به رکاب و زین و دهنه اسب یافت شده و یا قبوری که خاص زنان بوده و مردان را در

گورستان زنان دفن نمی کردند. و این از آنجا معلوم است ، که از تعداد گورهای کنار هم . که روستائیان باز کرده اند ، محتوی آنها تمامی ، اشیاء تزئینی زنانه بوده است .

جالبترین ویژه گی مصنوعات مکشوفه لرستان ، تزیینات پیچ در پیچی است که به سحر و خدایان اساطیری مربوط است و بصورت نقش و آدمیان و حیوانات مختلف بوده و بوضع شگرفی تلفیق گشته است . (۱) کوشش هنرمندان فلز کار ، برای پیدا کردن رموز جدیدی از نظر تجسم خدایان بوده است که هوشمندی خود را بکار بسته اند و هنر در خدمت بت سازی قرار گرفته است . تمام موضوعهای اساطیری قدیم به صورت مجموعه ای از وقایع یا نتیجه ای از مجموعه وقایع ، نیست بلکه تنها به صورت مظاهر یا علاماتی است که بعداً در تمام طول تاریخ ایران ، از آنها تقلید و یا اقتباس گردیده است .

یکی از این بت ها «سروش» یا مظهر عدالت است که دارای چند سر بوده و قسمت های بدن او از حیوانات مختلف تشکیل گردیده است . (تصویر ۲) دیگری ، الهه مادر بنام «اشی» است که برای بارداری از او استمداد میشده است . (تصویر ۳) روکش تیردانی که درموزه «متروپولیتن نیویورک» نگهداری میشود شاهکاری از ذوق و هنر کاسیت ها است . بعقیده گیرشمن و «روسو» نقوش آن مربوط به روز قیامت در مذهب ایرانی پیش از زردشت است . (۲) (تصویر ۴) در این میان نذوراتی که به معابد و به خدایان تقدیم

۱- ترجمه تاریخ ماد ، ص ۱۷۲
۲- ترجمه هنر ایران ، تألیف گیرشمن ، ص ۴۷ تا ۴۷ و ۷۰

میشده است؛ ظرافت بیشتری دارند. مانند میله هایی که انتهای آنها مدور بوده (تصویر ۵) و بوسیه دکتر اشمیت از معبد «سرخ دم» کوه دشت یافت شده است. معبد «سرخ دم» یکی از عبادتگاه های ساکنان لرستان است که نشان میدهد که مردمان ساکنان آن زمان که از نواحی مختلف بودند، در مرکز مقدسی، آداب و رسوم مذهبی واحدی را معمول میداشتند. (۱)

۱- اکنون نیز با آیین اسلام، چنین سنتی در میان ساکنان، لرستان جاری است که مردم بخش های مختلف در فصل زمینی از سال بزیارت یکی از منابر، یا اماکن مذهبی میروند.

لرستان در دوره‌های بعدی

۳

در دوره مادی - هخامنشی راجع به نفوذ و فرمانروائی مادها، هخامنشیان و سلوکیدها در لرستان، سلوکید - اشکانی اطلاع زیادی در دست نیست، لکن

در لرستان سکّه‌هائی از سلوکیدها و آثار قلعه‌ها و قبور و تپه‌ها و چند معبد مهر پرستی از دوره اشکانیان بجا مانده است که شاخص آنها، سکه‌های بدست آمده از این آثار است. از آن جمله، غار «کوگو» (۱) و قبور اشکانی در دهکده «چمشک» (۲) نزدیک غار «کوگو»، وستون و سرستونهای سنگی از دهستان «تشکن» (۳) واقع در بخش چگنی میباشد. شاید علت کمبود این آثار، ویرانی آنها در دوره ساسانیان بدست آنان بوده است.

۴

در عهد ساسانیان بنا بر آنچه آگاهی از دوره ساسانیان داریم، لرستان جزء سرزمین «پهله» یا «پهل» یعنی استان

بزرگی که بعداً عربها آنرا «جبال» نامیدند، بود. پهله همان سرزمینی است که شاهنشاهان اشکانی، نخست پادشاهی را از آنجا آغاز کرده‌اند

و شامل، اصفهان، ری، و همدان - کرمانشاهان. دینور. ماسبدان مهرجانقدق. نهاوند، کوفه، قم. قزوین. کومش. و آذربایجان بوده است. (۱) با توجه به این تقسیم بندی، غرب لرستان شامل دوبخش مهم «ماسبدان» یا «ماسپتان» و مهرجانقدق (مهرگان کده) و شمال آن شامل «الیشتر» بود که جزء ماه کوفه محسوب میشد. بخش میانی نیز جزء «شاپورخواست» بود، و «شاپورخواست» شهری بوده است که بفرمان شاپور اول، پادشاه ساسانی بنا گردید. (۲) شهرهای مشهور دور و نزدیک عبارت بودند از ۱- سیمره مرکز مهرجانقدق - که بعد ها «دره شهر» یا «دارا شهر» نامیده شده است. ۲- شیروان - حاکم نشین ایالت ماسبدان ۳- «شاپورخواست» مرکز بخش میانی ۴- «الیشتر» که بنا بنوشته مورخین. آتشکده بزرگ «اروخش» در آنجا بنا گردیده است و مرکز بخش شمالی لرستان بوده است. «دره شهر» و شیروان محل بیلاقی بعضی از امرا و عهده ساسانی بوده، و هنوز آثار دژ و حصار «تنگ چوبینه» که بنام بهرام چوبینه نامگذاری شده است. باقی است.

از حکمرانان ساسانی در لرستان، اطلاع زیادی نداریم. ولی آخرین فرمانروای عهد ساسانی شاید هرمزان بوده است که بر سیمره حکمرانی مینموده است.

۱- تاریخ تمدن ایران ساسانی، تألیف شادروان نفیسی، ص ۲۸۶ و ترجمه تاریخ یعقوبی، ص ۲۱۸
 ۲- مجمل التواریخ و القصص، ص ۶۴.

۵

لرستان در دوره اسلام

بعد از حمله سپاهیان، اسلام، در تقسیمات و

تشکیلات اسلامی، هنوز هم لرستان جزء

ایالت «جبال» یا کوهستان بود (۱) منتهی قسمت های شمالی آن در تصرف

حکام «کرد» بود و سایر بخشهای آن، یعنی «شاپورخواست»، «سیمره و

شیروان که هر یک از آنها ایالتی بودند، جزء حیطه حکومتی بغداد و بصره

محسوب میشدند.

در سال ۱۳۳ هجری. سفاح خلیفه عباسی، عموی خود سایمان را به

ایالت بصره فرستاد، بحرین و عمان و مهر جاننقد و اطراف آنرا نیز باو

سپرد که والی همه آنها باشد. (۲)

در زمان پادشاهان آل بویه و خلافت الطایع بالله، حسنویه پسر حسین

برزیکانی، بر دینورو سراسر محدوده لرستان کنونی حکمرانی میکرد.

حسنویه در سال ۳۶۷ هجری قمری در در «سرماج» مرد، پسران او - ابوالعلا،

عبدالرزاق، ابوالنجم بدر، ابوعدنان بختیار و عبدالملک، متفرق

شدند. بعضی از آنان به فخرالدوله و برخی به عضدالدوله پیوستند.

«ابوعدنان بختیار» در قلعه «سرماج» باقی ماند و ذخایر را در آن تصرف شد،

عضدالدوله او را در در محاصره کرد تا در آنجا به تصرف خود آورد. فرزندان

دیگر حسنویه را نیز به چنگک آورد. از همه آنان، «بدر» را مقام داد. (۳)

۱- در زمان -لاجه نام کوهستان به عراق عجم تبدیل شد-

۲- ترجمه کامل ابن اثیر، ج ۹ ص ۸۱، ذیل وقایع سال ۱۳۳ هجری.

۳- کامل ابن اثیر، ج ۹ ص ۸۰ و مجمل الزواریغ و القصص، ص ۳۹۴ تا ۴۰۳ و شرفنامه بدلیسی، ص ۴۰ تا ۴۲.

«بدر» پسر حسنویه دز سال ۳۸۸ هجری در زمامداری خود به اوج ترقی رسید و از بغداد لقب ناصراً لدوله گرفت و حدود حکومت او از همدان تا اهواز بود. در دوزان فرمانروائی خویش به امور عمرانی و آبادانی توجهی خاص داشت. او در لرستان چند پل بزرگ بر روی رودهای «کشکو» و «سیره» ساخت که اکنون نیز خرابه‌های آنها با کتیبه‌هایی بخط کوفی باقی است. در سال ۴۰۰ هجری هنگامیکه «بدر» می‌خواست بالشکری بیاری شمس الدوله برود. پسرش «هلال» یا هلیل بر پدر عاصی شد و او را دستگیر نموده و لشکرش را متفرق ساخت. بین پدر و پسر توافق شد که حکومت به هلیل سپرده شود و «بدر» در دژ «ازینه» به عبادت پردازد. لکن پدر پنهانی نامه‌هایی به بغداد و برای بهاء الدوله پسر عضد الدوله و نیز شمس الدوله و ابوبکر رافع و ابو عیسی شاذی، فرستاد و آنها را بطمع ثروت بیکران خویش وادار بجنگ با هلال نمود. از طرفی یک نفر هم بجانب گورانیان فرستاد و از آنان یاری خواست و خود همچنان در دژ به زندگی و عبادت مشغول بود.

در این وقت ابو غالب از جانب بهاء الدوله با سپاهی مأمور جنگ با هلال شد. شمس الدوله نیز ابوبکر رافع را بالشکری فرستاد. «بدر» نیز از قلعه بیرون آمد و با کمک گورانیان که سپاهی آماده کرده بودند، جنگی سخت با «هلال» نموده. او را اسیر کردند.

ابو غالب پس از تصرف قلعه «شاپورخواست» (۱) مالی فراوان بدست آورد. ۱- قلعه شاپورخواست، همان قلعه‌ای است که امروز به فلك الافلاك مشهور است.

که بنابه نقل ابن اثیر رقم آن چهل هزار بدره، درهم و چهار صد بدره طلا و مقدار زیادی جواهر و سلاح و بارچه‌های گران قیمت بود. (۱)

عاقبت در سال ۴۰۵ هجری قمری، هنگامیکه «بدر» بکنار سفید رود برای جنگ با «خوشین مسعود» (۲) رفته بود، در محلی بنام «کوش‌خد» یا کوس‌خد، چند نفر از لشکریانش که از نزدیکان او شمرده می‌شدند، به چادرش حمله نمودند و طناب‌های خیمه او را پاره کرده برویش انداختند و بازو بین هلاکش کردند. جسد «بدر» بدستور خوشین مسعود به‌مشهد علی علیه‌السلام حمل و در آنجامدفون شد. شمس‌الدوله پس از آگاهی از قتل «بدر» به قلعه «شاپورخواست» حمله برد و او نیز غنیمت فراوانی بدست آورد که آنرا کرانه نبود (۳).

هلال یا هلیل پسر «بدر» پس از شنیدن خبر قتل پدر، از زندان گریخت و به بغداد رفت و سپاهی تپیه نمود و به مقابله شمس‌الدوله رفت، ولی شکست خورده و اسیر شد. شمس‌الدوله «هلال» را به طایفه فودلادوندان داد تا به قصاص خون عبدالملك ماکان بکشند. شمس‌الدوله خبر این پیروزی را برای «سیده» به‌ری فرستاد.

حکام بعدی این خاندان، قدرت زیادی نداشته‌اند. آخرین آنها بدر بن طاهر بن هلال بود که بفرمان «ابراهیم بنال» (۴) بحکومت رسید.

۲- کامل ابن اثیر، ج ۹، ص ۸۰.

۳ و ۲- حسین‌الدعودالکردی، رجوع شود به متن و حاشیه صفحه ۴۰۱ مجمل‌التواریخ و القصص. ۴- ابراهیم بنال یا اینال برادر طغرل بیک سلجوقی است. مجمل‌التواریخ، ص ۴۰۷ و تاریخ گزیده، ص ۲۵۳ و شرفنامه بدلیسی، ص ۴۲.

بنی عناز یابنی عیار، از طایفه شاذیحان کرد
حکام بنی عناز میباشند. سرسلله آنها شخصی بنام ابوالفتح
 محمد پسر عناز بود. که در خدمت بدر پسر حسنویه روزگار میگذرانید
 و مقام یافت و ۳۰ سال بر حلوان حکومت کرد. خاندان عناز نزدیک
 به ۱۳۰ سال بر قسمتی از لرستان حکومت نمودند. (۱)
 ابوالفتح در سال ۴۰۱ هجری مرد. حکام دیگر این دودمان عبارت بودند از:
 ۱- ابوالشوک بن محمد بن عناز ملقب به حسام الدوله متوفی بسال
 ۴۳۷ هجری قمری.

۲- ابوالماجد مهلهل بن محمد بن عناز، که در سال ۴۴۲ بخدمت
 طغرل بیک سلجوقی رسید و برای خلاصی برادرش «سرخاب» کوشید و
 عاقبت او را آزاد کرد.

۳- سرخاب بن محمد متوفی بسال ۵۰۰ هجری قمری.

۴- سعید بن ابوالشوک.

۵- سرخاب بن بدر بن مهلهل مکنی به ابوالفوارس.

در زمان حکومت سلاجقه، گروهی دیگر از امرای
برسقیان این دولت بر قسمت هایی از لرستان حکومت

کردند که به «برسقی» مشهورند. برابر آنچه بر سنگ نوشته ای مکعب
 مستطیل شکل در شرق شهر خرم آباد باقی مانده شخصی بنام امیر اسفهلار

۱- پور سینا تألیف شادروان نفیسی ص ۸۶ و شرفنامه بدلیسی، ص ۴۲ و ۴۳.

کبیر، ابوسعید بر سق بن بر سق بن حسنویه (؟) در زمان سلطنت سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه بر «شاپورخواست» و قسمت های غربی فرمانروایی مینموده است (۱) تاریخ سنگ نوشته ۵۱۳ هجری قمری است. اما نکته مهم این است که در تاریخ، از اعقاب و دودمان حسنویه بن حسین برزیکانی کسی بنام بر سق دیده نشد، ولی بر سقیان فرمانروایانی بوده اند که مقدم ایشان «ابوسعید آقسنقر بر سقی» (۲) است. بر سقیان از حکام و عمال مؤثر و مشهور روزگار سلاجقه میباشند. در الیستر نیز امرای بر سقی حکومت نموده اند که تفصیل فرمانروائی آنان در فصل مربوط به الیستر آمده است. این خاندان تا روی کار آمدن اتابکان لر نفوذشان باقی بود.

متأسفانه درباره بر سقیان لرستان آنچه در تواریخ نقل شده مجمل و پراکنده است. تنها سند مربوط به آنان سنگ نوشته مذکور است و سنگ قبرهایی که از آنان در الیستر بدست آمده است.

تاسال ۵۰۵ هجری قمری، لرهاز

اتابکان لر کوچک (۳)

خود فرمانروائی نداشتند، خراج و

مالیات لرستان به بغداد میرفت و اغلب در حیطه فرمان حکام عراق عجم بود. (۴) تازمانیکه حسام الدین شوهلی، یکی از امرای سلجوقی، فرمانروای لرستان و قسمتی از خوزستان گردید.

۱- شرح کامل این سنگ نوشته در فصل مربوط به خرم آباد آمده است.

۲- لغت نامه دهخدا ذیل کلمه «ابوسعید».

۳- تاریخ گزیده، ص ۵۵۱ تا ۵۶۱ و شرفنامه بدلیسی، ص ۵۶ تا ۶۲، تاریخ و نول تالیف

شادروان اقبال، ص ۴۵۱ تا ۴۵۳ ۴- عراق عجم یا کوهستان

از قوم مشهور «چنگری» (۱) محمد و کرامی پسران «خورشید» به خدمت «حسام الدین» در آمدند . به مقام و مرتبت رسیدند. حسام الدین، سرخاب بن عناز را به امارت قومی و شجاع الدین خورشید را به حکومت بخش دیگری از لرستان مأمور کرد. پس از مرگ حسام الدین شوهلی، شجاع الدین خورشید حکومت تمامی لرستان را بافت و متصرفات سرخاب را نیز ضمیمه محدوده حکمرانی خود نمود. پایه گذار و سرسلسله «اتابکان لر کوچک» همان «شجاع الدین خورشید» است. اتابکان لر کوچک نزدیک به پنج قرن بر لرستان حکومت نمودند. آخرین امیر آنان «شاهوردی» بود که سر از فرمان شاه عباس صفوی باز زد و شاه عباس برای سرکوبی او به لرستان، لشکر کشید و شاهوردی را در سال ۱۰۰۶ هجری قمری در در سیمره دستگیر نموده بقتل رسانید.

اسامی امرای اتابکان لر کوچک و مدت حکومت آنان

- ۱- شجاع الدین خورشید بن ابوبکر ۵۸۰ تا ۶۲۱ هجری قمری
- ۲- سیف الدین رستم ۱۶۲ -
- ۳- شرف الدین ابوبکر - -
- ۴- عزالدین گرشاف - -
- ۵- حسام الدین خلیل بن بدر بن شجاع الدین خورشید ۶۴۰ تا ۶۵۸ هجری قمری
- ۶- بدرالدین مسعود بن حسام الدین خلیل ۶۵۸ تا ۶۵۸ هجری قمری
- ۷- تاج الدین شاه بن حسام الدین خلیل ۶۵۸ تا ۶۷۷ هجری قمری

فصل دوم	۴۷
۸- فلک الدین حسن و عز الدین حسین پسران بدر الدین مسعود	۶۷۷ تا ۶۹۲ هجری قمری
۹- جمال الدین خضر بن تاج الدین شاه	۶۹۲ تا ۶۹۳ » »
۱۰- حسام الدین عمر بیک و صمام الدین محمود	۶۹۳ تا ۶۹۵ » »
۱۱- عز الدین محمد بن عز الدین حسین	۶۹۵ تا ۷۰۶ » »
۱۲- دولت خاتون همسر عز الدین محمد	۷۰۶ تا ۷۲۰ » »
۱۳- شجاع الدین محمود بن عز الدین حسین	۷۲۰ تا ۷۵۰ » »
۲۴- ملک عز الدین بن شجاع الدین محمود	۷۵۰ تا ۸۰۴ » »
۱۵- سیدی احمد بن عز الدین	۸۰۴ تا ۸۱۵ » »
۱۶- شاه حسین عباسی	۸۱۵ تا ۸۷۳ » »
۱۷- شاه رستم عباسی	۸۷۳ تا - » »
۱۸- اغور بن شاه رستم	- -
۱۹- جهانگیر بن اغور	- تا ۹۴۹ » »
۲۰- رستم خان بن جهانگیر	۹۴۹ تا ۹۷۸ » »
۲۱- محمدی	- -
۲۲- شاهوردیخان	- تا ۱۰۰۶ » »

بطور کلی حکومت اتابکان لرستان، جنبه سلطنت نداشته است، بلکه حکومتی عشیره‌ای بود، که از طریق پیوندهای ایلی و سببی و نسبی، اداره می‌شده است. از اتابکان لر کوچک چند نفر با درایت و سیاست بوده‌اند

از آنجمله، شجاع‌الدین خورشید و سیف‌الدین رستم و شاه رستم را باید نام برد. دوتن از آنان لقب «شاه» داشته‌اند که بنظر میرسد لقبی تشریفاتی بوده است، زیرا همواره تابع پادشاهان وقت خویش بوده‌اند مگر بعضی از اوقات که ادعای استقلال می‌نمودند.

پس از کشته شدن «شاهوردیخان» آخرین امیر از اتابکان - بدستور شاه عباس کبیر (۱۰۰۶ هجری قمری) سلسله اتابکان برافتاد و بفرمان شاه عباس شخصی بنام «حسین خان»، والی سراسر لرستان شد. حکمرانی حسین خان تا سال ۱۰۴۳ ادامه داشت و او در این سال مرد و در بقعه «شهنشاه» در ۲۰ کیلومتری جنوب خرم آباد بخاک سپرده شد. پس از او، از این دودمان کسان دیگری بوالیگری پیشکوه و پشتکوه لرستان منصوب شده‌اند.

بدستور غلامرضاخان والی، معروف به ابوقدّاره بر روی سنگی بطول دو وعرض یک متر در محلی بنام «تخت خان» واقع در ۳۴ کیلومتری راه ایلام به مهران، تاریخ مختصری از حکام و کارهای این دودمان نوشته شده است که متن آن چنین است.

هو الله تعالی

تاریخ ولات لرستان فیلی حسب الفرمایش جناب امیرالامراء العظام غلامرضاخان والی فتح السلطنه امیر تومان در این سنگ ثبت نمود. اوّل والیه، حسین خان بن منصور العلوی عباسی، که در زمان سلطنت شاه عباس صفوی ماضی، لقب به لقب والی گری کَل لرستان شده، مقبره والی مرحوم درب امامزاده واجب التعمیم «شاهنشاه» است. بعد، والی گری به شاهوردیخان پسر او رسید. بعد حسین خان ثانی و پسر او والی بود. در زمان سلطنت نادر، علی مردان و میر حسین ثانی والی بود. به امر حضرت نادری

به سفارت اسلامبول روانه شد: در زمین راه کرکوک فوت شد، و در مقام مشهور به امام زین العابدین مدفون است. بعد از او برادر خود اسمعیل خان بن شاهوردیخان در جای خود، منصوب نمود (!؟) مدت چند ریاست والی گری کل لرستان داشته، مدفن او در کشیک خانه نجف اشرف در زمان سلطنت محمد خان قاجار مرحوم حسن خان بن اسدالله خان بن اسمعیل خان به امر والی گری برقرار گردید و قریب نود سال والی بر تمام پیشکوه و پشتکوه بود و در سنه سال ۱۲۵۵ وفات نمود و در کشیک خانه مذکور مدفون است. بعد از وفات مرحوم حسن خان، صفحات ثلاثه پشتکوه به مرحومان علیخان و احمدخان و حیدرخان انتقال یافته مرحوم حیدرخان جد غلامرضاخان والی و فتح السلطنه امیر تومان در سنه ۱۲۷۳ وفات نمود بعد از مرحوم مغفور حسین قلیخان والی تابه نراه به والی گری پشتکوه منصوب شده و اقدام در خدمات بدولت ابد، مدت قاهره شاهنشاه عجم جاه شاه شهید ناصرالدین شاه قاجار نورالله مرقده و در زمان فرمانروائی حمزه میرزا امیر جنگ تابه نراه والی گری پیشکوه را هم به والی مرحوم مرحمت و در زمان حکمرانی امیرخان سردار از جانب دولت ابد مدت، ملقب به جناب صارم السلطنه سردار اشرف و امیر تومان شده عمر شریف والی مرحوم

۶۸ سال بود و دوزمان سلطنت مظفرالدین شاه نورالله مرقدہ در سنه ۱۳۱۸ وفات یافت. متبره والی مرحوم دروادی السلام نجف اشرف است. والی مرحوم ابنه متعدد بنهاد از جمله قلعه و باغ و کاخ و حمام حسین آباد در سنه ۱۲۹۴ به معماری استاد آقای کرمانشاهی و نظارت حاج محمدعلی شیرازی به انجام رساند و نخلستان و قلعه حسینه را در سنه ۱۲۹۷ به معماری استاد آقای کرمانشاهی و نظارت میرخلیل بك رشوئی باتمام رسانده و بعد در سنه ۱۳۰۷ به معماری استاد قنبرك تفنگچی باشی ملکشاهی به حفر قنات امیر آباد و طواحین قیام و به اتمام رسانید و در سنه ۱۳۱۹ امر والی گری پشتکوه از جانب اعلیحضرت مظفرالدین شاه به غلامرضا فتح السلطنه امیر تومان مرحمت فرمود. پیش از امر والی گری در حکمرانی مرحوم والی والد، تاب ثراه در سنه ۱۳۰۹ به خدمت امامزاده علی صالح علیه الرحمہ بن عبدالله الاعرج بن حسین اصغر بن زین العابدین قیام نمود. بقعه مطهره کاشی و حصار او از گچ و سنگ به معماری استاد غلامحسین دزفولی و نظارت و مقرب الحضرت نایب کرمانشاهی عینل خان رشوئی باتمام رسیده، بعد امر به ساختن قلعه حسین آباد که مشهور به «ده بالاست» نمود. و قلعه و حمام و باغ به معماری حاج درویش علی کرمانشاهی و حجاری رضا

قلی و به خط مقرب الخاقان میرزا عبدالحسین خان بیک
 رشنویی در سنه ۱۳۲۵ به اتمام رسانید و در سنه ۱۳۱۹ جناب
 مستطاب اجل اکرم افخم به القاب جلیل صارم السلطنه
 سردار اشرف نایل گردید و در سنه ۱۳۲۵ در بدو جلوس
 سلطنت عادل محمد علی شاه به حکمرانی صفحه طرهان برقرار
 و در همین تاریخ به حفر قنات سرداریه مشهور به مله بازان
 به معماریت استاد حسین مقنی باشی اصفهانی با تمام و در
 همین تاریخ چند رشته آسمان آباد که مشهور به اشرف آباد
 است به اتمام رسانید (۱)

* * *

نام بعضی از والیان پیشکوه . در این سنگ نوشته، نیامده است، از
 آن جمله منوچهر پسر حسین خان ثانی میباشد که بر ابر حکایت یک آگهی
 که بحکم او بر روی سنگی نوشته شده است در سال ۱۰۶۴ به والیگری
 پیشکوه رسیده است .

در دوره های بعد حکام لرستان از جانب پادشاهان قاجار تعیین
 می شدند ولی همواره طوایف مختلف هر یک برای خود حکومتی و خانی
 داشته اند و از آن جهت همیشه لرستان در ناامنی و جنگهای داخلی بود تا
 زمانیکه رضاشاه کبیر قدرت یافت و به همت او لرستان نیز بتصرف
 قوای دولتی درآمد .

۱- متن کتیبه بوسیله آقای اسفندیار غضنفری امرائی در اختیار نگارنده قرار داده شد
 و عیناً در اینجا نقل گردیده.

فصل سوم

راههای باستانی لرستان

لرستان در مسیر دوراه عمده شمال به جنوب و غرب به شرق واقع شده است. راههای باستانی لرستان اغلب از شاهراههایی است که از دوره های پیش از تاریخ و دوره های تاریخی پیش از اسلام و در عصر اسلام و پس از آن، دارای اهمیت زیاد بوده اند.

وجود آثار پل هایی از دوره ساسانی بر شاهراه غرب به شرق و تعمیر و تجدید بنای برخی از آنها در عهد حکام اسلامی، مؤید این نظر است. اکنون نیز با وجود راههای شوسه، گله چرانان و ایل های مختلف برای عبور حشم خود هنگام بیلاق و قشلاق نمودن از آنها استفاده مینمایند. جغرافیانویسان اسلامی مسافت راههایی را که از لرستان عبور کرده ذکر نموده اند. استخری و ابن حوقل، همدان را مرکز قرار داده و مسافتها را شرح داده اند و این راهها به دو شعبه عمده، تقسیم میشوند که عبارتند از،

الف: راه شمال به جنوب

۱- استخری در ذکر مسافت شهرهای جبال تحت عنوان

«فاصله همدان به خوزستان» مینویسد: (۱) (از همدان تارود را و ر هفت فرسنگ از رود را و ر تا نهاوند ۹ فرسنگ، از نهاوند تا «لاشر» ده فرسنگ از «لاشر» (۲) تا «شابرخواست» (۳) دوازده فرسنگ، از «شابرخواست» تالور، سی فرسنگ، هیچ آبادانی نیست. از لور تا اندامش دو فرسنگ. و از پول اندامش تا جندی شاپور دو فرسنگ و...) (۱)

ابن حوقل نیز شرح مسافتی که آورده است مشابه با همان است که استخری ذکر نموده است. وی تحت عنوان «راه همدان به خوزستان» مینویسد:

(از همدان به روزا و روزا ۷ فرسخ است و از روزا و روزا تا نهاوند ۷ فرسخ. از نهاوند تا لاشتر ۱۰ فرسخ و از لاشتر تا شابرخواست ۱۲ فرسخ است و از آنجا تا لور ۳۰ فرسخ است و در فاصله «شابرخواست» و لور، شهری باقریه ای نیست. از لور تا پل اندامش ۲ فرسخ و از این پل تا جندی شاپور ۲ فرسخ است...) (۴)

اکنون این راه که از لرستان میگذرد بیشتر آن کوهستانی است، از نهاوند به گاماساب و از آنجا به «چهل نبالغان» یکی از قلل مهم کوه «گری» می رسد و دوشعبه میشود. شعبه غربی به بخش دلفان و شعبه دیگر آن پس از گذشتن از تنگه «دره آش» (۵) بدشت الیشر منتهی میشود

۱- مسالك وممالك استخری به اهتمام آقای ایرج افشار، ص ۱۶۳.

۲- «لاشر یا لیشر همان جایی است که امروز به «الیشر» مشهور است. نگارنده [

۳- «شابرخواست» املائی دیگری از «شاپورخواست» است.

۴- ترجمه سورة الارض تألیف ابن حوقل، ص ۱۰۴. ۵- Dera-ash

وازالیشتر بطرف «شاپورخواست» که در یک کیلو متری جنوب فعلی شهر خرم آباد بود ، ادامه میافته است . این راه بوسیله پلی ازدوره ساسانی که بر روی رود کشکان در محلی موسوم به «کاکارضا» ساخته شده ، عبور میکرده است . مسافتی که ذکر شده است تقریباً صحیح است . فاصله «شاپورخواست» تا «لور» اکنون نیز در مسیر کوهستانی نزدیک به ۳۰ فرسخ است و قسمت های دشوار این راه سراسری بین «شاپورخواست» تا «لور» بوده است ، زیرا از راه های سخت کوهستانی ، و جنگلهای انبوه میگذشته است .

در دوره صفویه ، در هر یک منزل راه (۱) ، کاروانسرائی ساخته اند که امروز نیز برجای مانده اند و اغلب روستائیان در آنها سکونت جسته اند . این قلعه ها از خرم آباد به لور و دزفول عبارتند :

۱- گوشه ۲- چمشک (۲) ۳- قلعه نصیر ۴- اوسر (۳) ۵- میشون (۴) ۶- رزه ۷- «چارتا» . ولی فواصل بعضی از قلعه ها ، کمتر از ۵ فرسنگ است .

از «شاپورخواست» راهی نیز بجانب بروجرد و اصفهان منشعب میگرددیده است و از گذرگاه های کوهستانی سختی مانند «پینه» مله تخت میگذشته است . این همان راهی است که «لسترنج» به نقل از تاریخ گزیده . درباره آن مینویسد :

(آنطرف بروجرد راهی است که از نهاوند می آید و به اصفهان میرود ، دو شعبه میشود . شعبه راست به «شاپورخواست» و شعبه چپ که

۱- هر یک منزل راه ، فاصله ای نزدیک به پنج فرسنگ می باشد .

۲- Chameshk ۳- Owsar ۴- Mishvan

جاده اصلی است به سمت مشرق به کرج ابودلف می‌رود. (۱)
 ۲- راه دیگری که از شمال به غرب لرستان می‌رفته است، بنابه توصیف
 استخری چنین بوده است.

(از همدان تا دینوریست و اند فرسنگ: از دینور تا سیمره پنج مرحله،
 از دینور تا سیروان (۲) چهار فرسنگ از سیروان تا سیمره یک روز راه ...)
 ابن حوقل این مسافت را چنین ذکر نموده است:

(... از دینور تا سیمره ۵ منزل و از دینور تا سیروان ۴ منزل و از سیروان
 تا سیمره یک روز ...). (۴) ذکر این نکته لازم است که، استخری مسافت بین
 دینور تا سیروان را چهار فرسنگ نوشته است که اشتباه است. و باید
 چهار منزل باشد، ابن حوقل نیز «چهار منزل» نوشته است.

ب: این راه نیز یکی از شاهراههای باستانی است که
 راه غوب به شرق شاید مسیر کوچ کاسیت ها و بعد راه ایلامیها و
 پارتها و ساسانیها و عرب ها بوده است شاید «کلور نانخونتا» (۳) پادشاه
 ایلامی، پس از شکست از آشوریها و آگاهی از اینکه «ماداکتو»
 امنیت قابل اعتمادی نداشت از این راه بجانب «خای دالو» در دشت
 خرم آباد عقب نشست (۴)

در دوره ساسانی این راه اهمیت بیشتری داشته است. دلیل این ادعا، ایجاد

۱- ترجمه جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ص ۲۱۷ و ۲۱۸

۲- «سیروان» که گاهی با این املاء [سیروان] نیز نوشته شده است، امروز شیروان نامیده

میشود. ۳- Kudurnankhonta

۴- تاریخ قدیم ملل مشرق تألیف ژ، ماسپرو، ص ۱۴۴

چندپل است که در آن زمان بر روی رود سیمره و کشکان در مسیر این راه، زده شده است. در بیشتر این راهها که از دره‌ها و پرتگاههای کوهستانی گذشته است، محل های خطرناک آن یا تعریض و یا اینکه با سنگ و گچ مرمت گردیده است. قسمتی از این راهها از آب رو میباشند. راه غرب بشرق در ایالت ماسبدان دوشعبه میشده است، راه شمالی به «حلوان» و راه شرق به شهر «شیروان» منتهی میگرددیده است. از شیروان این راه نیز دو شعبه میگرددید.

۱- راهی که به ولایت «مهرجانقذق» و مرکز آن شهر سیمره یا «دره شهر» میرفت که این راه در سیمره نیز انشعاباتی داشت به این شرح:

یک راه با گذشتن از تنگه و راههای دشوار کوه «کور» (۱) به خوزستان میرفت و راه شرقی که منتهی به شاهراه شمال به جنوب میگرددید، در مسیر آن دو پل عظیم بر روی رود سیمره و کشکان در «گاومیشان» و تنگه «جایدر» ساخته شده بود که خرابه های آنها هنوز باقی است. در دوره اسلام این پل ها ترمیم شده و یا قسمتهایی از آنها تجدید بنا گردیده اند.

سومین شعبه، راه منشعب از «سیمره» بطرف شمال است که به طرهان منتهی میگرددید. در زمان ساسانیان بر روی رود سیمره در مسیر این راه پلی بزرگ ساخته بودند که خرابه های آن باقی است.

ابودلف سیاح عرب از روی آن عبور کرده و آنرا دو برابر پل خانقین توصیف نموده است.

این راه پس از عبور، از پل، از تنگه‌ای که امروز بنام «ملّه‌دار» (۱) واقع در کوه «مله» گذشته و بدشت «رومشکان» طرهان میرسیده است. ابودلف در سال ۳۴۱ هجری قمری از «حلوان» با این مسیر، به سفر خود ادامه داده است. وی در سفرنامه خود چنین مینویسد:

(از طرز بسوی راست به ماسبدان و مهرجانقذق میروند که شامل شهرهای متعدد، از جمله «اریوجان» است از آنجا تا «رد» و «براو» چند فرسخ است.

سپس از آنجا به «سیروان» میروید، آنگاه به سیمره میروید. میان سیمره و طرهان پل بزرگ و زیبا و عجیبی برپا می‌باشد که دو برابر پل خاقین است. از آنجا به «قرمیس» [کرمانشاه] ... (۲)

۲- شعبه دوم از شیروان بسمت شرق و بجانب طرهان جدا میگردید. این راه نیز از «چرداول» (۳) و «بیژن‌وند» و پل چهار چشمه‌ای که در عهد ساسانیان بر روی رود سیمره ساخته شده، و امروز به پل «سی‌پله» (۴) مشهور است عبور میکرده و به طرهان منتهی میگردیده است.

از این پل دو چشمه باقی است که در بخش طرهان معرفی گردیده است. این راه در طرهان باراهی که از سیمره می آمده است یکی میشده، سپس در یک چهارراهی در غرب کوه دشت، راه شمالی به کرمانشاه، و راه شرقی پس از عبور از دشت کوه دشت به بخشی که اکنون به نام «چگنی» مشهور است و گذشتن از پل بسیار جالب توجهی که بر روی

۱- Mellaor مله در گویش لری بمعنی گردنه است ۲- ترجمه سفرنامه

ابودلف، ص ۶۰ و ۶۱ ۳- Chardowel ۴- Sipela

رود کشکان زده شده بود، عبور نموده به شهر قدیمی «شاپور خواست» و یامحلی که پیش از آن موسوم به «خای دالو» بود منتهی میگردیده و به شاهراه اصلی متصل میشده است.

در چگنی يك شعبه از این راه بسمت راست، به «پل کلهر» (۱) که امروز بنام «ممولو» (۲) مشهور است، که آنهم در «میان کوه» به راه اصلی میرسیده است. این راه نیز از آبرو بوده است.

راههای فرعی داخلی دیگری نیز هست که همگی به راههای اصلی میرسیده اند مانند راهی که از بخش الیشرو دلفان پس از عبور از تنگه «گاو شمار» به بخش چگنی و راه غرب به شرق میرسده و یاراهی که از مشرق به جانب «چه شك» می آید و از دره «کروگان» میگذشته است. و به راه شمال به جنوب می پیوسته است.

فصل چهارم

دره خرم آباد (*)

بخش اول

آثار تمدن دوره سنگی

دره خرم آباد بطول ۱۵ و عرض ۱۲ کیلومتر ۰ در میان کوه‌های موازی شکل آهکی به ارتفاع ۱۱۷۰ متر بین ۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه طول و ۳۰ درجه و ۳۲ دقیقه عرض واقع شده است.

محدود بودن دره و وجود ذخیره فراوان آب در دل کوه‌ها و چشمه های آب شیرین و گوارا و جنگلهای اطراف که علیرغم قطع مداوم، هنوز انبوه و فراوانند، سرسبزی و نشاط ویژه آن از دوره های قدیم تا کنون موجب شده که همواره محل زیست و زندگی باشد و آثار تمدنهای ادوار مختلف را در برداشته باشد. دوره های پیش از تاریخ این دره، مؤید قابل زیست بودن آن در زمانهای قدیم است که شاید جامع ترین و کاملترین اطلاعات را میتوان از غارهای محل سکونت بشرهای اولیه بدست آورد.

* در این فصل بعضی از آثار معرفی شده است که از لحاظ تقسیمات داخلی ممکن است جزء یکی از بخشهای تابع شهرستان باشد.

غارهای دره خرم آباد

۱- غار قمری (۱) این غار در غرب و در سینه کوه مشرف به شهر خرم آباد واقع شده، دهانه غار بجانب جنوب بوده

و سطح داخل دهانه غار بیش از دو سست متر مربع است و طول راه و باریک آن زیاد است و تابحال کسی نتوانسته است به انتهای آن برسد. درباره این غار افسانه های زیادی بین اهالی خرم آباد مشهور است.

۲- غار پاسبانگر این غار نیز در شمال شهر کهنه واقع شده و محله دامنه آن نیز به همین نام مشهور است.

سطح داخل آن خیلی کمتر از غار اولی است و چون در قدیم برای سنگرازان استفاده میشده. امروز نیز به این نام موسوم است. نام دیگر آن «گور خلیفه» میباشد؛

۳- غار یافته این غار در ۲۵ کیلومتر و متری جنوب باختری شهر خرم آباد بر سر راه کوه دشت در محلی بنام «سولیزه» (۱) در دامنه «کوه یافته» واقع شده و سطح داخل آن کم است

۱- Ghamari در گویش لری غار را «اشکفت» میگویند ۲- Soliza

غار «کنجی» بمفاصله چهار کیلومتری جنوب شهر خرم آباد در کمرکش کوه قرار دارد. راه رسیدن به آن از دره باریکی است که مسیل است و در بهار از دامنه های آن چشمه های آب جاری میشود. یکی از منظم ترین غارها از لحاظ سطح داخل میباشد. مساحت آن بیش از دویست مترمربع است که کف آن خاکی بقطر دو متر دارد. قسمتی از دهانه آن را یک تپه خاک دستی گرفته که با کاوشی که در بهار سال ۱۳۴۸ در این تپه بعمل آمد چند قبر پیش از تاریخ با اسکلت های متعدد از آن بدست آمد. در دامنه و چشم انداز این غار دشتی وسیع و باتپه های مصنوعی نیز وجود دارد.

در دشت جنوبی دره خرم آباد کوه کوچک و کم ارتفاعی قرار دارد موسوم به «گرارجنه» غاری در سمت خاوری آن کوچکتر از غار «کنجی» دیده میشود که بنام همان کوه مشهور است.

تحقیقات غارشناسی در دره خرم آباد

در سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۴۵ و ۱۳۴۸ چند هیئت علمی غارشناس آمریکائی از طرف دانشگاه های «رایس» (۳) امریکا برای بررسی و تحقیق در غار های خرم آباد مأموریت یافتند. ریاست یکدسته از آنها بادکتر «فرانک هول» (۴) بود. این هیئت، بیش از ۲۷ محل مربوط بدوره

های مختلف حجریافته و مطالعه نمودند و نتیجه این پژوهش‌ها از طرف دانشگاه «رایس» زیر عنوان (گزارش مقدماتی دورانهای پیش از تاریخ در جنوب غربی ایران) (۱) در سال ۱۹۶۷ انتشار یافت که بنابه اهمیت نتیجه این کاوشها، نقل ترجمه بعضی از قسمتهای این گزارش را در اینجا ضروری میدانم. (۲)

بی شک با تحقیقات بهار سال ۱۳۴۸ و حفاری در غار «کنجی»، پس از آزمایشهای (کربن ۱۴)، مکمل این گزارش نیز بچاپ خواهد رسید و مجهولات تازه‌ای در مورد تمدنهای اولیه بشری لرستان برما آشکار خواهد شد. از میان محل های یافته شده حداقل پنج محل به عهد حجر پالئولیتیک «موستری» (۳)

The Prehistory of South western iran

-۱

Apreliminart. By Frank hole

Rice University omb kentv Flannery

- این کتاب را آقای دکتر اسپت (Speth)، بنوان ره آوردی از آمریکا به نگارنده مرحمت نموده‌اند، بدینوسیله از لطف ایشان سپاسگزاری میشود
- ۲- ازدوستان عزیز آقایان هوشنگ بهرامی و شیرازی که در ترجمه این قسمتها قبول زحمت نموده‌اند سپاسگزارم «نگارنده»
- ۳- «Mousterian»، تمدن و فرهنگ موستی - «Monstier»، فرهنگ و تمدن دورانی بسیار قدیم و اواسط عصر حجر قدیم و زمان حدا اکثریخ پندان در اروپاست، این نام از آغاز موسینی، در فرانسه، اخذ شده است و مربوط به فرهنگ مرحله اول جماعات بدوی میباشد، انسان‌های این دوره در غار منزل داشتند و بطور دستجمعی بشکار حیوانات بزرگ «ماموت» می پرداختند، سلاحشان عبارت بود از سنگ چخماق تیز و بیلچه‌مانندی برای تراش این تمدن و فرهنگ در اروپای میانه بسط داشت و «حواشی تاریخ ماد»

شش محلّ به عهد حجر «بارادوستی» (۱) و دو محلّ به عهد حجر «زارزی» (۲) تعلّق دارد. البته در چند مورد نیز شناسائی درست و دقیق صورت پذیر نبود. در پنج محلّ از ۱۷ محلّ ذکر شده، آزمایش و خاک برداری در تمام قسمت ها انجام گرفت و در سال ۱۹۶۳ به بررسی غار «کنجی» متعلّق بدوره «موستری» پرداخته شده و کاوش در غار «ارجنه» متعلّق بدوره «موستری و بارادوستی» از نظر تجزیه خرده سنگها بوسیله دکتر «فرانک هول» و از لحاظ تجزیه آثار جانوران وسیله «کنت وفلانری» صورت گرفت و در سال ۱۹۶۵، «هول» به بررسی غار «یافته» (۳) «بارادوستی» و غار «قمری» «موستری» و حفاری غار پناهگاه «پاسنگر» (موستری و بارادوستی) پرداخت و با تجزیه خرده سنگها و استخوانهای جانوران بوسیله آقایان «هول» و «فلانری» و «جانسی ویلر» و با آنکه کاوشها آنچنانکه باید صورت نگرفته است ولی بیش از ۹۰۰۰ ابزار سنگی دستکاری شده و ۶۰۰۰ استخوانهای حیوانات قابل شناخت بدست آمده است. وجود مواد فراوان قابل تحقیق و بررسی، توفیق مطالعه دقیق را در تغییرات ابزارها، در زمان بین «موستری زیرین» ۵۰/۰۰۰ سال قبل از میلاد و «زارزی زیرین» ۱۲۰۰۰ سال قبل از میلاد (نصیب هیأت ساخت، و توانستیم تقسیم بندی تازه ای از دوره «بارادوستی» که قبلا بعنوان یک دوره در نظر گرفته شده بود بدست بدهیم.

صنایع خورده سنگی

مسئله اساسی در مطالعه ما قبل تاریخ در کوههای زاگرس، اینست که صنایع دوران «موستری» و «بارادوستی» و «زارزی» بشکل يك تكامل تدریجی جلوه گر شده اند. آیا تقاطعی بین صنایع این سه دوره وجود دارد. یا اینکه صنایع هر دوره - از دوره پیشین ریشه میگیرد؟ «دکتر فرانک هول» از آزمایشات خود چنین نتیجه میگیرد که - شاید این سه دوره از يك پیوستگی کامل برخوردارند. تاریخ این دوره ها عبارتند از:

سال	دوره
۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ قبل از میلاد	زارزی
» ۲۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰	بارادوستی زیرین
» ۳۸۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰	بارادوستی زیرین
» ۳۸۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰	موستری

نمودار تغییرات ابزار گوناگون در طول دوره «پالولتیک» دره خرم آباد (تصویر ۷۸ و از دوره مذکور است) سیزده نمونه از ابزار خورده سنگی آتش زنه، انتخاب شده است. با آنکه مراحل کامل تغییرات را نشان نمیدهد، میتواند بعثت شناسائی کافی که بدست میدهد: عنوان فسیل های نمونه، در شناسایی مراحل مختلف پارینه سنگی بکار آیند .

نتیجه کاوشهای «پاسنگر» (تصویر ۹ و ۱۰) بر این دلالت میکند که صنایع «زارزی» در بطن صنایع «بارادوستی» بارور شده‌اند. و باید دنباله مستقیم یکدیگر، بحساب آیند. ولی تا کنون شواهدی برای توجیه بستگی صنایع «موستری» و «بارادوستی» بدست نیامده است.

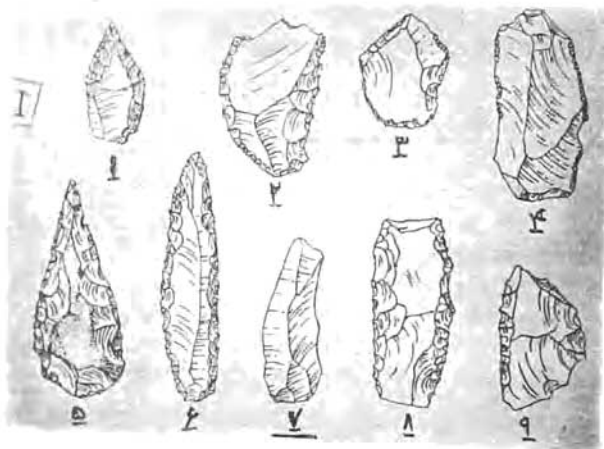
غار کنجی (تصویر شماره ۱۱) فقط آثار صنعتی دوره موستری را در خویش نگاهداشته است. در حالیکه «غار یافته» فقط دارای آثار «بارادوستی» بود. ولی در «غار ارجنه» صنایع هر دو دوره دیده میشود. در حالیکه نشانه‌ای از اختلاف بزرگی که بین صنایع این دو دوره هست، بدست نیامده است. آزمایشهای «رادیو کربن» بر نمونه‌های ذغال بدست آمده از محله‌های درزاگرس، بر علامتهای ذکر شده «رادیو کربن» دلالت میکند. (GX) علامت اختصاری آزمایشگاههای «Geochron» و «Si» یا «W» علائم اختصاری آزمایشگاه (Groningen) می باشد

محل و واحد حفاری	شماره آزمایشگاه و دوره آن	تاریخ بر حسب سال قبل از میلاد
غار یافته	بارادوستی	۲۹۰۰ ± تا ۳۴۸۰
د کنجی	GX - ۷۱۱	حد اکثر بیش از ۴۰۰۰ سال
	موستری	
	Si - ۲۴۷	۴۰۰۰۰

آشفته‌گی‌هایی که در زمین کف «غار ارجنه» وجود داشت جای اظهار

نظر صریحی را در مورد ابزار بدست آمده باقی نمی گذارد. بطور کلی این امکان وجود دارد که صنایع پشت تیغه ای «بارادوستی» از اواخر دوره «موستری» ز اگرس ریشه گرفته و تکامل یافته باشد، ولی این نظریه بر اساس تمام نتایج بدست آمده سایر محل هاییکه مورد حفاری واقع شده است قابل توجهی نمیباشد. به یافتن غاری که از دستخوردگی و آسیب در امان باشد احتیاج هست تا پیوستگی صنایع را به اثبات برساند.

ابزار نمونه تمدن موستری دره خرم آباد



۱ و ۵۶ سر نیزه های موستری، ۷۴ و ۷۳ تینه و ۸۲ و ۹۰ تینه های جانبی

توالی دوره های پالئولیتیک می تواند از روی تغییرات گوناگونی که

در ابزار خرد شده سنگی دیده می‌شود، دنبال و خلاصه شود. در ایران این تغییرات، طولانی‌تر و بتدریج صورت گرفته است و تقسیم بندی دوره‌ها، می‌تواند آسان‌تر بر حسب فراوانی انواع ابزارهایی که در هر دوره یافت می‌شود صورت پذیرد.

دوره «موستری» (۱)

آثار «موستری» خرم‌آباد شاید به اواخر این دوره می‌رسد و ظاهراً از سکونت‌های اولیه درزاگرس حکایت می‌کند. از مشخصات ویژه این دوره ابزار مثلثی شکل، سرنیزه‌ها، تیغه‌های جانبی، که رواج آنها تقریباً سه برابر سرنیزه‌ها می‌باشند، و دیگر ابزار، بصورت قلم‌های حکاکی ساده با رواج کمتری دیده می‌شوند. تعداد فراوانی ابزار دستکاری شده که در تصویر صفحه ۶۷، آمده از مصنوعات موستری خرم‌آباد بحساب می‌آیند.

ارقام مربوط بدوره موستری از این قرار است:

غار کنجی ۳۵٪ و غار «قمری» ۳۸٪ (تصویر شماره ۱۲ از غار قمری است)

نسبت تغییرات صنایع نوسنگی و ارزش «بارادوستی» پاسنگر در مقام مقایسه با «غار یافته» از اینقرار است.

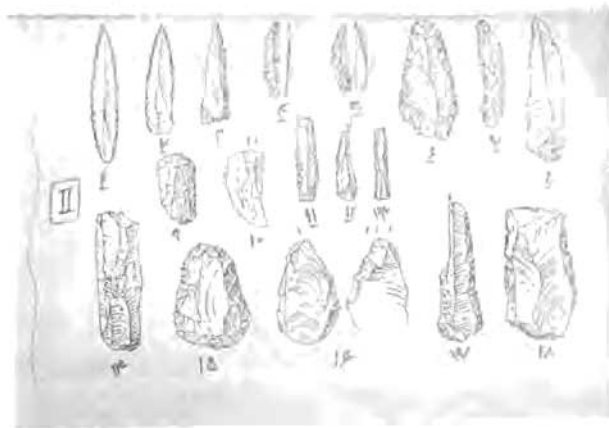
نسبت ابزار دستکاری شده بر حسب درصد	محل و دوره
	غار پاسنگر
۹٪	۱- زارزی
۴/۵٪	۲- بارادوستی زبرین
	غار یافته
۷/۵٪	۱- بارادوستی زبرین
۷٪	۲- بارادوستی میانی
۱۰٪	۳- بارادوستی زیرین
	غار کنجی
۳/۵٪	۱- موستری
	غار قمری
۳۸٪	۱- موستری

بارادوستی (۱)

در مقایسه با «موستری» در اوایل «بارادوستی» با افزایش تولید انواع ابزار روبرو می‌شویم. در این دوره، کوشش بیشتری در صنعت تیغ‌سازی بوجود می‌آید که

پیش از آن در موستری ارستان نایاب بود .
 دگر گونیهای «بارادوستی» غار «یافه»، نسبت بدوره موستری، به آسانی
 استنباط میشود و اولین تغییر چشمگیر آن، افزایش تعداد انواع ابزار
 شیشه ابزار دوره موستری میباشد .
 شاید توضیح این اختلاف هنگام مطابقه، بادوره های دیگر ضروری باشد.
 نکته جالب توجه اینجاست که در شیوه زندگی این دودوره، اختلاف
 قابل توجهی دیده نمی شود و این تشابه، لااقل در مورد روش و چگونگی
 سکونت و شکار حیوانات، غیر قابل تردید است .

ابزار نمونه «بارادوستی» دره خرم آباد



۲۰۱ سرنیزه های غار ارجنه، ۳ تیغه پشت خوابیده، ۴ تیغه دستکاری شده ۱۸۹۶ لیسه
 های جانبی، ۷ تیغه دستکاری شده، ۱۴ و ۸، تیغه، ۱۵۹ لیسه های راست، ۱۰ قلم
 حکاکی ۱۱ و ۱۳ قطعات دستکاری شده، ۱۲ تیغه دستکاری شده، ۱۶ و ۲ قلم
 حکاکی شده چند وجهی، ۱۷ قطعه حکاکی شده زائده دار.

از خصوصیات ویژه اوایل «بارادوستی»، سرنیزه های ظریف و کوچک میباشد که در «شانیدر» یا مکان های زمان آن در شرق نزدیک یافت شده اند که شاید همان مورد استعمال سرنیزه های «موستری» را داشته اند.

سایر ابزار تازه این دوره عبارتند از، تیغه های پشت صاف، انواع مختلف چاقوهای دستکاری شده، لیسه های راست، لیسه های مدور و ابزار شگفت انگیزی که پیشنهاد میشود به آنها نام عصای دستکاری شده داده شود. این ابزار از دو تیغه شیب دار که دو کنار آنرا گرفته است، تشکیل میشود. قلم های حکاکی ساده نیز دیده میشوند که به قلمای حکاکی شده چند وجهی میانجامد و قلمهای حکاکی چند وجهی در اواخر «بارادوستی» اوج و رونق کامل میگیرند. لیسه های سبک «موستری» هر چند به فراوانی گذشته نمی باشند، باز هم مشاهده میشوند که تصویر صفحه ۷۰ ترتیب ابزار نمونه و رسوبات «بارادوستی» دره خرم آباد را نشان میدهد.

رسوبات مربوط به اوایل، اواسط و اواخر بارادوستی «غار یافته» به نسبت ۱۰٪ و ۷٪ و ۵٪ به ترتیب تقدّم برقرار است.

تطور ابزار سراسر دوره «بارادوستی»، مطلب قابل توجهی است، بخصوص از جنبه اختراع صنایع «میکرولیت». مطالعه توالی سرنیزه های «موستری»، یا سرنیزه های غار «ارجنه» و تیغه های دستکاری شده و میکروولیت های باشکل هندسی برای یافتن مسیر پیدایش و تکامل ابزار

بعدی ضروری است. بطور خلاصه: میتوان گفت سرنیزه‌های موستری بیشتر برای پرتاب و سوراخ کردن بکار میرفته‌اند، درحالی‌که سرنیزه‌های تیزتر و سبکتر غار «ارجنه» پیکانهای اولیه را بوجود آورده‌اند. (باتوجه باینکه در طول این مدت، مردم یکسان و به یک طریق به شکار حیوانات پرداخته‌اند، میتوان برای این ابزار، مورد استفاده یکسانی در نظر گرفت.)

اعتقاد اینست که ظهور تیغه‌های گوناگون دستکاری شده، نشانه آنست که وسایل پرتاب کننده‌ای که از یک سنگ چخماق تنها تشکیل میشده است جای خود را بوسایل دیگر از سنگ چخماقهای کوچکتر داده‌اند که روی دسته‌ای قرار میگرفتند.

شیوه تظّور این ابزار، میتواند در جهتی که به ایجاد مثلث‌های مختلف الاضلاع و شکلهای دیگر میکرو لیت‌های هندسی پشت صاف انجامیده است، مشاهده شود، که سرانجام پادسته‌های چوبی در روسوباتی تقریباً همزمان با روسوبات اروپا دیده میشود.

تمدن دوره زارزی (۱)

محل‌های مربوط به دوره «زارزی» نسبتاً محدود میباشند. تنها در یک کاوش در غار «پاسنگر»، آثاری بدست آمد. ابزار زیادی مربوط به اواخر دوره «بارادوستی» از قبیل چند نوع چاقوهای دستکاری شده،

لیسه‌های چند وجهی، تعدادی عصای دستکاری شده. در این دوره نیز بحیات خود ادامه می‌دهند.

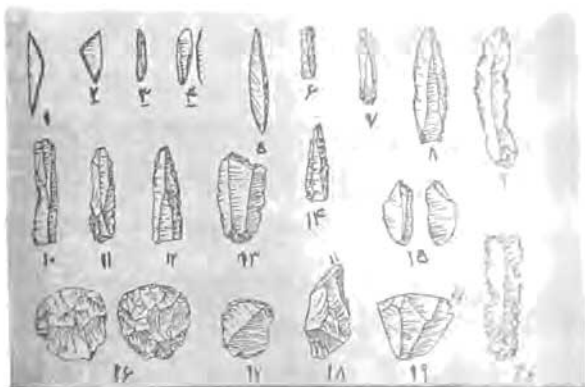
لیسه‌های مدور فراوانترند؛ در حالیکه همانطور که قبل از این ذکر شد، اندازه‌های آنها کوچکتر و ظریفتر میشود ولی دیگر از سرنیزه‌های مشابه غار «ارجنه» اثری نیست.

برای اولین بار در دوره «زارزی» تیغه‌های شکاف دار و میکرو لیت هایی به اشکال هندسی دیده میشوند، و ابزار اخیر بشکل‌های مثلث مختلف الاضلاع، هلالی، و ذوزنقه‌ای دیده میشوند. چاقوهای پشّ پخ شده، جانشین تیغه این شکل میشوند.

تمام ابزار «زارزی» از جمله قلم‌های حکاکی و تیغه‌های ساده، در رسوبات غار «پاسنگر» از نظر فراوانی، ابزار دستکاری شده میباشند و نسبت درصد (Flake) ها ۹۰٪ میباشد.

در این زمان دوره صنعتی تازه‌ای آغاز میگردد و صنایع تیغه‌ای که کوچکتر و استادانه‌تر ساخته شده‌اند، از ابزار اولیه تولید غذا بشمار می‌آیند، هر چند در هیچ يك از حفاریها چند محلّ واقع در درّه خرم آباد مدرکی که گواه بر این تغییر از «زارزی» به دوره ماقبل کوزه گری بعد از سنگ هم دیده نمی‌شود. از نظر تکنولوژی، توالی دوره‌های «پالئولیتیک» زاگرس نسبتاً بخوبی شناخته شده است، و اینها نقطه ابهام شکاف بین «موستری و بارادوستی» می‌باشند.

ابزار نمونه دوره «زارزی» دره خرم آباد



۲۰۱ میکرولیت‌های هندسی، ۴۰۳ چاقوهای دستکاری شده، ۶۰۵ چاقوهای پشت
 پخ، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ تیغه‌ها، ۱۳۰۸ تیغه‌های دستکاری شده، ۱۳ لیسه‌های راست،
 ۱۴ عصای دستکاری شده، ۱۵ قلم حکاکی، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ قلم‌های حجاری
 شده چندوجهی، ۲۰، ۲۱ تیغه‌های شکافدار.

بطور کلی نواحی دوستری در زاگرس با یکدیگر شباهت فراوان
 دارند ولی تقارب صنایع در «بارادوستی و زارزی» به این وضوح
 و روشنی نیست و چنین به نظر می‌رسد که در این زمان اختلاف نسبی
 در نواحی مختلف پدیدار شده است و با اینکه در محل وظایف
 ویژه‌ای را عهده دار بوده است. به این دلیل بطور کلی در مورد ابزار

بدست آمده بعنوان (نوع خرّم آباد) يك نوع مخصوص را بايد در نظر گرفت .

سایر صنایع

فقط صنایع خرده سنگی که از وجوه مشخصه «موستری» . است در غارهای «کنجی» و «یافته» مورد بررسی و آزمایش قرار گرفت . هر چند در آثار «بارادوستی» غار «یافته» چند سنگ بدست آمد که برای ساییدن گل اخری بکار میرفته اند . وجود این ابزار سبب این تصور شد، که در کوههای زاگرس سنگهایی بوده که برای ساییدن و خورد کردن مورد استفاده قرار می گرفته اند . این موضوع ما را بباد آسیابهای گل اخری کشف شده در «اورینگنا-ین» (۱) رافع در «کسار آکیل» (۲) لبنان میاندازد که وجود آن در آثار استخرانهای قبور درهم ریخته، مشاهده شد.

سنگ تراشهای بی شکل . برای اوکین بار در پایان دوره «بارادوستی» دیده میشوند در رسوبات «زارزی» پاسنگر بطور فراوان و معمول نمایانند. البته در دوره «بارادوستی» سنگهای ساییده شیار دار نیز مورد استفاده قرار می گرفته اند، و در رسوبات اوایل «بارادوستی» . هم در «غار ارجه» و هم در «غار یافته» تعداد زیادی سنگ قاو ذنبتاً صاف . مشاهده شد که ممکن است از بستر رودخانه ای که چند کیلو متر فاصله داشته، آورده شده اند. اگر چه مورد انتقال این سنگها بخوبی روشن نیست ولی وجود خراش و آثار ضربات در انتهای آنها نشانه آنست که شاید در دستکاری سنگ چخماقها بکار میرفته اند .

تاریخ‌های بدست آمده از رادیو کربن

تاکنون سیزده مورد تاریخ یابی بوسیله رادیو کربن از آثار دوره «پالئولیتیک» دره خرم آباد انجام شده است که یازده مورد مربوط بدوره «بارادوستی» و دو مورد مربوط به دوره «موستری» است ولی تاکنون ذغال دوره «زارزی» در لرستان بدست نیامده است. هر دو نمونه «موستری» از سطوح زیرین غارکنجی بوده و دارای تاریخی بیش از چهل هزار سال میباشند.

نمونه‌های «بارادوستی» که همه از غار «یافته» بدست آمده‌اند، تاریخی از بیست و یک هزار تا بیش از چهل هزار سال نشان می‌دهند. بیشتر نمونه‌ها تاریخی بین بیست و نه تا سی و هشت هزار سال را نشان داده‌است. (جدول صفحه ۶۶) مؤسسه (اسمیت-سونین) (۱) رویهم‌رفته از مؤسسه (ژئوکرون) تاریخ‌های کمتری را نشان داده ولی میزان و اندازه انحراف را زیاده‌تر ذکر میکند و این اختلاف، ممکن است قابل قبول نباشد. از طرفی تاریخ‌ها باچینه‌شناسی غار مطابقت کامل ندارند بدین معنی که نمونه‌هایی از سطح پائین‌تر، دارای همان تاریخ نیستند. بهر حال بدون اینکه مفروضات زیاد گسترش داده شود، این تاریخ‌ها می‌توانند برای یک سال شماری عقلایی بکار برده شوند.

از آثار غار «یافته» بررسی دو نوع تهنشت دوره «پالئولیتیک» در دست

انجام است که فقط نمونه قشرهای زیرین قابل تاریخ یابی با رادیوکربن است. در این محدوده، چهار کانون مهم آتش وجود دارد. اگر تاریخهای این کانونها بررسی شود - تاریخ پنجهزار ساله ای بدست خواهد آمد که از ۳۱ تا ۴۰ و یا ۴۵ هزار سال پیش از زمان حاضر ادامه داشته است. این برای «بارادوستی» زیرین و میانه، عقلانی بنظر میرسد و مطابق با تاریخهای «غارشانیدر» است. روی قراین ممکن است فرض کنیم که سکونت در غار «یافته» در حدود ۲۵ هزار سال پیش از زمان کنونی منقضی شده باشد.

بقایای جانوران

استخوانهای نواحی دره خرم آباد همه خوب حفظ شده اند، ولی استخوانهای بدست آمده در غارهای مذکور، دارای غشاء آهکی میباشند. حیوانات دره خرم آباد که فهرست آنها در زیر آمده است، بعضی با علامت (۵) مشخص شده اند که خاص این منطقه بوده اند.

- | | |
|------------------------|-------------------|
| ۱- بز وحشی یا قوچ کوهی | } پستانداران بزرگ |
| ۲- گوزن قرمز | |
| ۳- میش وحشی | |
| ۴- گاو وحشی | |
| ۵- گورخر | |
| ۶- غزال | |
| ۷- خولک وحشی (گراز) | |
| ۸- پلنگ | |

- | | |
|----------------------------|-----------|
| ۱- كبك دري (آوازخوان) | } پرندگان |
| ۲- كبك سياه | |
| ۳- كبوتر كوهي | |
| ۴- غار خاكستري | |
| ۵- مرغابي هاي نامشخص | |
| ۶- پرندگان آوازخوان نامشخص | |

۱- خرگوش صحرائی

۲- روباه قرمز

۳- گربه وحشی

۴- سمور

۵- راسو

۶- جوجه تیغی یا خارپشت

۷- گرگ

۸- خرگوش بی دم

۹- موش صحرائی

۱۰- خفاش

۱۱- موش آبی

۱۲- خفاشهای نامشخص

پستانداران کوچک

۱- لاک پشت

۲- سوسمارهای آوازخوان نامشخص

خزندگان

ماهی: نامشخص

- ۱- خرچنگک رودخانه
 ۲- صدف مخصوص آبهای شیرین
 ۳- حلزون مخصوص آبهای شیرین
- بی مهرگان

بطور کلی حیوانات متعلق به اواخر دوره چهارم زمین شناسی در دره خرم آباد، محیطی را نشان میدهند که مانند امروز حفره‌هایی بوجود آورده‌اند. صخره‌های سنگ آهکی ناهموار برای بز، کبوتر کوهی و کبک، حفاظی بوده‌اند. خرکوش صحرایی، لاک پشت، جوجه تیغی و روباه خاکستری هنوز در دره و بر بالای کوه‌های کم ارتفاع، فراوانند ولی بنظر میرسد که گوزن قرمز (۱) و گاو وحشی در لرستان از بین رفته باشند.

شکل و نوع اسکان و معاش

جای تأسف است که چون از گذشته خبری بجای نمانده، تقریباً هیچگونه اطلاعی از موارد استفاده نباتات غذایی بوسیله انسانهای دوران چهارم زمین شناسی در جنوب غربی ایران در دست نیست و دانش ما از طرز معاش آنها محدود است به مصرف مواد گوشتی.

۱. یکی از معرین بخش کوه دشت گفت، قریب شصت سال پیش شکارچیان محلی برای اولین بار یک گوزن قرمز در کوه‌های «مپل»-Mapel، واقع در بخش طرهان و چگنی دیده بودند و بدستور رئیس ایل آنها شکار کردند و از آن پس از این نسل گوزنی دیده نشده. «نگارنده»

طبق شواهدی که از غار ها ، بدست آمده است ۹۰٪ از حیوانات مورد مصرف غذایی ، سم دار بوده اند ، از قبیل بز کوهی ، آهوی قرمز و سایر نشخوار کنندگان .

بعلاّت وجود نقاط و محلّ های مربوط بدوران چهارم زمین شناسی دردّره خرم آباد ، يك طبقه بندی موقّتی از محلّهای مسکونی را توانستیم ترتیب دهیم که ممکن است روزی از راز و خصوصیات طبقات اصلی در لرستان در اواخر دوران چهارم زمین شناسی پرده بردارد . این بحث تا حدّی فرضی است و باید تحقیقات و مطالعات بیشتری در این مورد انجام گیرد .

در دوران «پالئولیتیک» ، سه نوع محلّ سکونت دردّره خرم آباد تشخیص داده شد .

اول: محلّهای سکونت فصلی که ممکن است اقامتگاه يك یا دو خانوار در تمام يك فصل از سال بوده است .

دوم: مکانهای کشتار که تنها برای يك یا دوروز ، اقامتگاه شکار چیان بوده است .

سوم: اقامتگاههای موقّتی که معمولاً شکارچیان برای لحظات کوتاهی بمنظور بررسی وضع شکار و یا شاید برای تهیه وسایل سنگی جهت شکار کردن ، توقف مینمودند و پس از ترك آن ، دیگر به آن محلّ مراجعت نمی کردند .

بیشتر ، اقامتگاههای اصلی در غارها ، با دیدگاههای مناسب

یعنی در محل عبور و گذر گاه شکار بوده است و اغلب در ارتفاعاتی آهکی باشیب، مشرف به سطح درّه واقع شده اند. مهمتر آنکه این غارها دارای تعداد کافی غرفه هستند که وسایل ادامه زندگی عده زیادی شکارچی را تأمین میکنند. از طرفی غار اقامتگاه، بایستی در محل مناسبی از لحاظ تهیّه آب، غذا، سوخت و وسایل شکار، قرار داشته باشد.

در اقامتگاههای اصلی، مقدار زیادی بقایای استخوان حیوانات قابل تشخیص موجود است، که در هر متر مکعب به ۵۰۰ قطعه میرسد. (۱) در اقامتگاههای فصلی بطور فرض، میبایستی انواع بیشتری از آلات و ادوات موجود باشد، تا اقامتگاههای کشتار و سلاخی. این نه تنها شامل وسایل کار مربوط به مردان، بلکه زنان نیز میشود. مانند وسایل کوبیدن و مصرف کردن گوشت. همچنین در این محل ها میبایستی مقدار بیشتری وسایل تزئینی، باقی مانده تراش سنگ و اسباب کار سازی و یا قبوری از آنها یافت شود، در صورتیکه بندرت در این محل ها چنین چیزی موجود است.

در اقامتگاههای فصلی، اجاقهای بیشتری میتوان یافت که در میان باقیمانده آنها ذغال زیادتری پراکنده است که با وضوح بیشتری نشان میدهند این مکانها، محل زندگی بوده اند.

گرچه نمی توان گفت این محل ها در درّه خرم آباد در چه فصولی از

۱- در میان آنچه که از غارهای ناحیه خرم آباد یافت شده است، بقایای استخوانی به ۱۵ درصد از کل میرسد.

محل سکونت و اقامتگاه اصلی برده شود. اینکه ادعا میشود که قسمتی از حیوان، گاهی در همان نقطه به مصرف میرسیده است، از آن جهت است که تعداد نزدیک به چهار صد قطعه استخوانی که در غار ارجنه پیدا شده متعلق به یک گاو بوده است.

وقتیکه شکار چیان مجبور بودند که چند روزی در یکی از این شکارگاهها بمانند، سعی میکردند حیوانات کوچکی از قبیل خرگوش، کبک و یا بزکوهی را در اطراف اقامتگاه موقتی خود، شکار کنند. ولی کار عمده آنها ظاهراً قطعه قطعه کردن حیوانات بزرگ، از قبیل گاو وحشی و گورخر، در کف دره بوده است. گاهی استخوانهای بزرگ حیوانات نشخوارکننده در مکان کشتار دیده میشوند که در اقامتگاههای اصلی خیلی بندرت مشاهده گردیده است.

در این مکانها، وسایل سنگی کمی در سطح اقامتگاههای موقتی: پراکنده است. تمام محل‌هایی که مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت خیلی سطحی بودند و در ردیف مکانهای مشابه مربوط بدوران «پالئولیتیک» در جنوب روسیه و چکاسلواکی نیستند. تنها از این نوع، چند محل در خرم آباد یافت شد.

ضمن بررسی اطلاعات بدست آمده از لرستان، متوجه شدیم که از لحاظ نژادشناسی، بموازات کاوشهای ما، اخیراً مطالعاتی بوسیله «جان کمپبل» (۱) از دانشگاه نیومکزیکو در ناحیه اسکیموهای «کاریبو» (۲)

محلّ های کشتار که مورد مطالعه دقیق بوده اند ، عبارتند از غار «ارجنه» (۱) و غار «پاسنگر» ، واقع در درّه خرم آباد که به تفاوت بین ۴۰/۰۰۰ و ۱۰/۰۰۰ سال قبل از میلاد ، از آنها استفاده میشده است. سایر محلّ های کشتار غرب ایران که از زیر خاک بیرون آورده شده اند غار های «کل داوود» و «رواسبی» و بیستون میباشد.

در اقامتگاههای کشتار ، میبایستی وسایل و ابزار مربوط به کار کشتار یافت شود ، در نتیجه وسایل تزیینی ، ابزار و اسباب ساخته شده از استخوان و سنگ مخصوص خورد کردن گوشت ، بسیار بندرت یافت میشود. این محلّها فاقد مکان های مخصوص سکونت میباشد که با مقایسه با اقامتگاههای اصلی ، تراکم بقایا و خاکروبه آنها زیاد نیست. معمولاً در هر متر مکعب کمتر از ۱۰۰ استخوان غیر مشخص حیوانی پیدا میشود و غالباً ممکن است این رقم به ۵ برسد .

در حقیقت محلّهای کشتار آنقدر قطعات استخوان و اشیاء مختلف دارند که میتوان کشتارها را از جنبه های مختلف مشخص کرد. که بهترین نمونه آن غار «ارجنه» است. اولین واقعه ای که در این محلّ روی داده سلاخی و قطع اعضای آهوی قرمز بوده است. حادثه دوم ، قطع اعضا و قطعه قطعه کردن گاو وحشی است . کاملاً واضح است که تمام لاشه حیوان بغارهای بالای کوه ، برده نمیشد . زیرا که گاو وحشی جثه بزرگ داشته و تقریباً هموزن گاو میش های آمریکا بوده اند . از تمام لاشه ، سروران و پشت حیوان را در کشتنگاه ، قطعه قطعه نموده تابه

محل سکونت و اقامتگاه اصلی برده شود. اینکه ادعا میشود که قسمتی از حیوان، گاهی در همان نقطه به مصرف میرسیده است، از آن جهت است که تعداد نزدیک به چهار صد قطعه استخوانی که در غار «ارجنه» پیدا شده متعلق به یک گاو بوده است.

وقتی که شکار چیان مجبور بودند که چند روزی در یکی از این شکارگاهها بمانند، سعی میکردند حیوانات کوچکی از قبیل خرگوش، کبک و یا بزکوهی را در اطراف اقامتگاه موقت خود، شکار کنند. ولی کار عمده آنها ظاهر آ قطعه قطعه کردن حیوانات بزرگ، از قبیل گاو وحشی و گورخر، در کف دره بوده است. گاهی استخوانهای بزرگ حیوانات نشخوارکننده در مکان کشتار دیده میشوند که در اقامتگاههای اصلی خیلی بندرت مشاهده گردیده است.

اقامتگاههای موقتی: در این مکانها، وسایل سنگی کمی در سطح پراکنده است. تمام محل‌هایی که مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت خیلی سطحی بودند و در ردیف مکانهای مشابه مربوط بدوران «پالئولیتیک» در جنوب روسیه و چکاسلواکی نیستند. تنها از این نوع، چند محل در خرم آباد یافت شد.

ضمن بررسی اطلاعات بدست آمده از لرستان، متوجه شدیم که از لحاظ نژادشناسی، بموازات کاوشهای ما، اخیراً مطالعاتی بوسیله «جان کمپبل» (۱) از دانشگاه نیومکزیکو در ناحیه اسکیموهای «کاریبو» (۲)

در سلسله جبال «بروکس» (۱) در آلاسکا، بعمل آمده است .
 «کمپ بل» متوجه شد که شکارچیان گوزنهای قطبی، معمولاً در
 اقامتگاههای فصلی بسر میبرند . و از آنجا گروههای کوچکی از
 مردان، در ناحیه ای، جهت شکار پراکنده میشوند و در مکانهایی که آنها
 برای دیدن گلههای گوزن توقف میکنند. آثاری از خود بجای میگذارند
 شبیه به آنچه که ما، در اقامتگاههای موقت یافته ایم. اسکیموها وقتی که
 اولین شکار گوزن را سلاخی میکنند يك نفر را به اقامتگاههای فصلی
 برای گرفتن کمک، جهت حمل قطعاتی از لاشه حیوان، میفرستند. محل
 اقامت کوتاه این اسکیموها، مشابه محل های کشتارد در دره خرم آباد
 میباشد.

در هر صورت، یکی از جوانب مطالعات «کمپ بل» در حکم
 اختطاری است به باستانشناسان .

نسبت تعداد اقامتگاههای موقتی و محل های کشتار به توقفگاههای
 اصلی، صد به يك است . در صورتیکه باستانشناسان، در تحقیقات و
 کاوشهای خود بندرت، اقامتگاههایی از نوع اول را می یابند . در حالیکه
 اقامتگاههای اصلی بواسطه دائمی بودن آنها، آسانتر یافت میشوند
 عجیب نیست اگر نتیجه تحقیقات ما، در خرم آباد، تعداد اقامتگاههای
 موقت را با توجه به اطلاعات مربوط به اسکیموهای «کاریبو»، کمتر از
 حد انتظار نشان میدهد .

باتوجه به این مشکلات و محدودیت‌ها، میتوان این تصویر را از درهٔ خرم‌آباد، در دوران «بارادوستی» مجسم نمود که:

شاید دو دسته، مشتمل بر گروه‌های دو، تا چهار نفری و منسوب بیکدیگر، در این دوران در درهٔ خرم‌آباد بسر میبرده‌اند. ممکن است دسته‌ای برای اقامتگاههای اصلی خود قحتمی از سال، از غار «یافته» و بایکی از غارهای نزدیک، استفاده میکردند. در حالیکه دسته‌ای دیگر در یکی از غارهای واقع در ناحیهٔ شرقی درهٔ خرم‌آباد، نزدیک چشمه‌های آب، مسکن گزیده باشند.

در خلال اشغال این قسمت، زنها، شکارهای کوچک (لاک‌پشت و کبک) و مانند آن را شکار میکردند و بصورت غذا ذخیره مینمودند. بعلاوه، گروه کوچکی از مردها، حتی تا فاصلهٔ ۱۵ کیلومتری بایستر، از محل مسکونی دور میشدند و حیوانات دیگری شکار میکردند.

طریقهٔ شکار بدینگونه بوده است که در محلی که بصورت پایگاه آنها بوده، ایستاده و یک گروه از حیوانات را مانند گورخر و گوزن قرمز، محاصره نموده و بشکار آنها میپرداختند چنانچه تعداد زیادی از حیوانات، در فاصلهٔ بیشتری از اقامتگاه خود شکار میکردند. محلی موقتی برای نگهداری آنها میساختند آنگاه لاشه‌های آنها را قطعه‌قطعه کرده بصورت قطعات قابل حمل در آورده و به اقامتگاههای اصلی خود میبردند.

بعضی از این اقامتگاههای موقت در پناهگاههای سنگی کوچک واقع

شده بود که ما آنها را ایستگاههای قصّابی نامگذاری کرده ایم و بعضی اوقات دو تا سه روز ممکن بود لاشه های شکارها در آنجا باشند. بالاخره این گوشت ها به محلّ اصلی برده میشد. موقعیکه دیگر شکاری در اطراف محلّ مسکونی خود پیدا نمیکردند محل سکونت خود را تغییر میدادند و تمام کارها از سر گرفته میشد. در اینمدّت ماشك داریم که جمعیت درّه خرم آباد بیش از ۱۵ تا ۲۰ نفر رسیده باشد. این نشانه آنست که در دوران «بارادوستی» قدیم، تراکم جمعیت یکدهم نفر در هر کیلومتر مربع بوده است.

اولین اقامتگاههای لرستان

بنظر میرسد قدیمترین اقامت دوره «زارزی» در کوهستانهای لرستان ظاهرآ مربوط به ۹ هزار سال قبل از میلاد باشد و تاکنون جایی (حتی بطور کلی در خاور نزدیک) کشف نشده است که بطور مطمئن فاصله مابین «پائولتیک» و اوایل زمان ایجاد محلّهاییکه در آنجا غذا تهیه میکردند بر کند.

در درّه خرم آباد، کانهاییکه به ۶ هزار تا ۵۸۰۰ سال قبل از میلاد مربوط باشد، در لایه های فوقانی، در غارهای «کنجی» و «قمری» پیدا شد ولی تاکنون هیچ اثری از دهات مسکونی و دائمی این زمان بدست نیامده است. در قسمت هایی از غارهای «کنجی» و «قمری» قشرهای

خاکستر واستخوان های بزاهلی و دونوع ظرف که باچوب و چرم گامیش تهیه شده بود، یافت شد که شاخص هزاره ششم قبل از میلاد این نواحی است.

دردره هیلان تقریباً نرسیده بشمال آن، نتیجه حفاریهاییکه بوسیله «مرتسن» (۱) در ۱۹۶۴ در تپه گوران انجام یافته است، کاملترین اطلاعات راجع به لرستان است.

لایه های (باسال) (۲) در گوران که مربوط به ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد است، حاکی از يك دهكده نیمه مسكونی از خانه های چوبی است، این دهكده تا سال ۵۸۰۰ قبل از میلاد، بصورت يك دهكده كاملاً مسكونی، با خانه های آجری در آمده در حالیکه لایه های زیرین آجری نبودند لایه های فوقانی کاملترین رده سفالهای رنگین و ساده را (که در زاگرس کشف شده است) نشان میدهد.

جووبز بطور وضوح از نباتات و حیوانات اهلی بودند. وجود تخم های کرنبیزه شده، محصولات تابستانی و استخوانهای مرغهای دریایی نشان میدهد که در سراسر سال در لایه های فوقانی، زندگی و فعالیتی وجود داشته است لکن چنین چیزی واثری در لایه های زیرین مشهور نیست. (این اطلاعات از مرتسن و فلانری-۱۹۶۴ می باشد).

بنا بر این، تقریباً میتوان نتیجه گرفت که گوران سندی است از استحاله زندگانی نوع دوم به اول.

انواع زندگی در لرستان، آنطوریکه نتیجه تحقیق سال ۱۹۶۱ بود، جهش‌هایی را در بعضی از نواحی نشان می‌دهد. علت این جهش پایین بودن سطح آب، کمی آبهای روی زمینی یا زمینهای سنگلاخی میباشند. مثلاً دره‌های «طهران» و «رومشکان» اثر کمی از سکونت همیشگی را در این زمان نشان می‌دهد در حالیکه دشت «کوه‌دشت» فقط در بعضی از نواحی دارای دهکده‌های اولیه می‌باشد. در جاهای دیگر، در قسمت‌های غربی ایران در دشتهاییکه مابین کوه‌ها قرار گرفته‌اند و آب زیر زمینی در سطح بالاتری قرار دارد و دارای نواحی باتلاقی زیادتری می‌باشند. دهکده‌های بیشتری وجود داشته است. (۱)

این ترجمه قسمتی از نشریه دانشگاه «رایس» امریکا بود که دکتر فرانک هول و همکارانش نتیجه تحقیقات خود را پس از آزمایشهای لازم بوسیله آن، نشر داده‌اند.

در بهار سال ۱۳۴۸ آقای دکتر «اسپث» (۲) در غار کنجی در محلی که دکتر «فرانک هول» قبلاً گمانه زنی کرده بود، تحقیقات پیشین را دنبال کرد. بین طبقات زیرین و فوقانی، حفره‌های عجیبی موجب شده بودند که آثار بالا در سطح پائین ریزش کند که کار مطالعات و تحقیق را مشکل می‌ساخت ولی دکتر اسپث در حفاری خود ابزار سنگی «موستری» و «زارزی» و دوره‌های دیگر پیدا کرد.

دکتر اسپث در دهانه غار کنجی قبوری نیز یافت، که در داخل بعضی

از آنها اسکلت شش تاهفت انسان وجود داشت. برخی از این قبور دو دیوار سنگی چین داشت و طول آنها نزدیک به چهار متر بود. در این قبور ظروف سفالی و مسی و یک ظرف سربی پیدا شد. از نظر تاریخ، این قبور ممکن است بدوره (اوروک) و شاید به ابتدای برنز لرستان مربوط باشند.

آخرین بررسی درباره غارهای لرستان که انجام گرفت در تابستان ۱۳۴۸ آقای پروفسور مک بورنی استاد دانشگاه کمبریج ضمن تحقیق برای تعیین تاریخ نقاشیهای دره «میرملاس» و کوه همیان واقع در «کوه دشت» در چند غار آنجا گمانه زنی نمود و برابر گزارش مقدماتی که در اینباره داده است وی موفق به یافتن آثار دوران پالئولیتیک و نئولیتیک شده است. احتمالاً در تحقیق و کاوشهای بعدی منابع تمدنی جالب توجه از دوران «مستری» در این مکان پیدا خواهد شد.

تپه «باغ نو»

این تپه در سه کیلو متری جنوب باختری شهر خرم آباد و نزدیک خرابه های پل شاپوری واقع شده است. تپه بزرگی بود ولی مردم اغلب خاک آنرا برای اندود کردن پشت بام مورد استفاده قرار داده اند در سال ۱۳۴۵ آقای دکتر «فرانک هول» از این تپه دیدن کرد و بنحقیق پرداخت، نتیجه گزارش او چنین بود. قسمت زیرین تپه پس از آزمایش کربن ۱۴ بدوره نئولیتیک (۶۰۰۰ تا

۵۷۰۰ سال پیش از میلاد) مربوط میشود. طبقات بالا دارای آثار تمدنی باستانی، و طبقه روی آن دارای آثار دوره اسلامی است.

تپه سراب یاس

این تپه نیز یکی از تپه‌های باستانی است که قشرهای مختلف آن هریک نمونه‌ای از تمدنی است و ممکن است محل بهاره و نابستانی مردمانی باشد که زمستانها را درغار کنجی بسر برده باشند. بر روی تپه سفالهای منقوش قرمز و سفید و سیاه‌رنگ هم یافت میشود.

بخش دوم

آثار دوران تاریخی (پیش از اسلام)

دخمه باباعباس

«معبد مهر پرستی»

در جنوب غربی شهر خرم آباد بمفاصله ۸ کیلومتری . سمت راست جاده خرم آباد به کوه دشت دَره ای است مشهور به «باباعباس». این دَره بین دو کوه واقع شده که کوه شمالی آن به (سفید کوه) مشهور است. در ابتدای دَره و در سینه کش «سفید کوه» . دخمه ای از کوه کنده اندو اطراف دخمه نیز چند ستون و چهار دیواری نیز ساخته شده است . این بنا يك دخمه مهر پرستی است.

راه کشیده شده بطرف دخمه . بصورت طبقه طبقه و بشکل پله های وسیع و سراسری در آمده و نزدیک اطاق ها . این پله ها کم کم تنگ و باریک میشوند تا جائیکه فقط يك نفر از آن میتواند عبور نماید . (نصویر شماره ۱۳) تعداد آنها ۳۰ پله است آخرین پله ، قدری وسیع تر است و از آن ، دوراد بسوی شمال و غرب منشعب میگردد . راه شمالی بدواره کوه که دخمه در آن کنده شده و همچنین به سطحی نسبتاً وسیع منتهی میشود

۵۷۰۰ سال پیش از میلاد) مربوط میشود. طبقات بالا دارای آثار تمدنی باستانی، و طبقه روی آن دارای آثار دوره اسلامی است.

تپه سراب یاس

این تپه نیز یکی از تپه‌های باستانی است که قشرهای مختلف آن هریک نمونه‌ای از تمدنی است و ممکن است محل بهاره و تابستانی مردمانی باشد که زمستانها را درغار کنجی بسر برده باشند. بر روی تپه سفالهای منقوش قرمز و سفید و سیاه‌رنگ هم یافت میشود.

سردابه: در سمت غربی دخمه، هم سطح زمین، بفاصله سه متر، دریچه‌ای هست که قسمتی از آن سنگ چین شده و بقیه دیواره آن همان دیوار کوه است. این دریچه وارده « سردآبه » ای میشود که از قسمت‌های سقف آن قطرات آب میچکد و بزمین فرو میرود. طول این راهرو بیش از هفت متر است که این راهرو به دخمه‌ای در زیر دخمه فوقانی که شرح آن آمد منتهی میگردد. از دریچه کوچکی که در زیر دخمه فوقانی قرار دارد، نور وارد دخمه زیرین میشود. در این سردآبه یا دخمه نیز هیچ اثری از قبر وجود ندارد. (تصویر شماره ۱۴)

مشخصات آثار بیرون از دخمه

۱ - در دو طرف دخمه، دو پایه یا ستون از کف زمین تا بیضه پیش آمده کوه ساخته شده است که بلندی هر پایه ۳/۱۰ متر و پهنای آن ۸۵ سانتیمتر است. در قسمت شرقی دو پایه مشابه پایه های اوکی بهمان کیفیت ساخته شده است. پایه‌ها، با کج، اندودشده و قشر زیرین اندود آن رنگ قرمز دارد (تصویر شماره ۱۵)

۲ - از دهانه دخمه و مردآبه، يك چهار دیواری بشکل مربع ساخته شده که سقف ندارد. اندازه هر ضلع آن يك متر و نیم و گودی آن بیش از يك متر و نیم است. در گوشه جنوب خاوری دریچه‌ای در دیوار ساخته اند که اندازه آن ۸۰×۶۰ سانتیمتر میباشد. این دریچه به چهار دیواری بی سقف دیگری منتهی میشود که در جلو آن واقع شده است

۳ - این اطاق بی سقف بزرگتر از اطاق بی سقف اولی و شمالی است. طول و عرض آن $۲ \times ۳/۵$ متر و گودی آن کمی بیشتر از اولی است. دیوار شرقی این دو اطاق وصل به کوه است و در دیوار اطاق دوم دریچه‌ای تعبیه گردیده و در دیوار جنوبی نیز دو دریچه دیده می‌شود که بدره جنوبی راه دارد.

۴ - در غرب این ساختمان چند پله را باید طی کرد تا بقسمتی بالاتر از دخمه و ساختمان رسید. در این قسمت از کوه که ارتفاع آن نادره نزدیک به ۱۰۰ متر است سطحی باندازه ۳×۳ متر روی تیغه کوه سنگ چین شده و تخت و مسطح گردیده که شباهت فراوان به قربانگاه را دارد.

۵ - در پائین محل معبد فاصله ۵۰ متر، بسمت دره، دو حلقه چاه که دوری آنها از یکدیگر ده متر است کنده اند. اطراف و دیوارهای چاه، سنگ چین است ولی اکنون عمق زیادی ندارند.

آنچه توضیح داده شد با کیفیت ساختمان دخمه و داخل آن و سردآبه مجاور و برج قربانگاه تطبیق می‌کند به آنکه این بنایك دخمه مهر پرستی باشد. زیرا، در سردآبه زیر دخمه و اطراف آن، قبری دیده نشد و معلوم نیست بابا عبّاس چه کسی بوده و مقبره او کجاست. ولی مردم اعتقاد دارند که (بابا عبّاس) در این دخمه دفن شده است. (۱۹) میتوان گفت که این احترام مردم، از يك اعتقاد کهن (مهر پرستی) باقی مانده است. زیرا تازمان اشکانیان دخمه ها و معابد مهر پرستی رونق خود را

داشتند ولی در دورانه‌های بعد با تحول و تغییر و پدید آمدن اصول اعتقاد و دین تازه، این معابد نیز بوسیله مردم ویران و با تغییر شکل یافتند چنانکه اغلب مهرابه‌ها (۱) در زمان ساسانیان بصورت آتشکده درآمد و در دوره گسترش دین اسلام، شکل عبادتگاه یا اماکن مقدسه یافتند. در این میان بعضی از مهرابه‌ها که دارای بناهای عظیم و گنجینه‌های گرانبها بودند به آسانی نمیشد بشکل معبدی برای دین تازه درآیند، به‌تاراج دشمنان دینی رفتند. مانند معبد مهری ناهید یا (آناهیتا) در کنگاور. بعضی دخمه‌های طبیعی و یا کنده شده از کوه، که دارای چشمه آبی هم هستند و در زیر یا کنار آنها آبی روانست، هنوز جنبه دینی و احترام آنها باقی است و علت بقای آنها نیز تغییر اعتقاد و تطبیق این معابد با معتقدات تازه بوده است. مقبره بابا عباس (تصویر شماره ۱۶) هم، بی شک يك معبد مهر پرستی است که تنها علت باقی ماندن آن نیز تابع دگرگونی‌های اعتقادی و تغییر نام این معبد بوده است. اثری جالب و بنائی عجیب است و عجیب تر آنکه تا این زمان باقی مانده است. تنها عوامل طبیعی موجب تغییراتی در آن شده است. بویژه قربانگاه آن که در غرب دخمه واقع شده و جهت آن بسوی خاور است. قسمت اصلی آن هنوز هم برجاست غیر از این دخمه، آثار دیگری از مهر پرستان در لرستان بجای مانده است.

۱ - آبه یا «آوه» در فارسی گنبد را گویند مانند سردآبه و گرم آبه یا کلمه «مهرآبه» که بعد بصورت مهراب یا محراب نوشته شد (مهرابه‌های ایران بقلم آقای دکتر مقدم بنقل از نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره اول شماره ۲ - ۳)

شهر - شاپور خواست

«شاپور خواست» یکی از شهرهای دوره ساسانی بوده است که بنا بر روایت صاحب مجمل التواریخ والقصص، بفرمان شاپور اول: بنا نهاده شده است. مؤلف کتاب در این مورد چنین مینویسد:

(...) در سیر الملوك چنانست که شاپور اردشیر بود والله اعلم. اما همتی بزرگ داشت اندر داد و انصاف و آبادانی عالم برسان پدر. و شادروان شوستر او کرد که عجایب عالمست. شهرها بسیار کرد چون شاپور و نیشاپور و «بدان اندیو شاپور» (۵) و «شاپور خواست» و بلاش شاپور ... (۱)

نگارنده بیش از این به کتابی دست نیافتم که تفصیل بیشتری داشته باشد، ولی نام شهر، خود میتواند مؤید این خبر باشد. جغرافی نویسان، از محل و کیفیت این شهر مطالبی ضبط کرده اند ولی نام آنرا با املاهای مختلف نوشته اند از آن جمله (سابرخواست - شابرخواست - سابورخواست - سابرخاست) که برخی از آن مطالب چنین است:

۱- یاقوت حموی مینویسد: (۲) شاپورخواست شهر و دژ بنامی است

* - «به از اندیو شاپور» و این نام در اصل «به از انتبوه شاه بوهر» یعنی بهتر از انتاکی از آن شاپور بوده «و همانست که بعد جندی شاپور شد و اصل متن باید «به از اندیو شاپور» باشد «حاشیه صفحه ۶۴ مجمل التواریخ بقلم مرحوم بهار».

۱ - مجمل التواریخ و القصص بتصحیح شادروان بهار، صفحه ۶۴.

۲ - برگزیده یاقوت حموی ترجمه آقای محمد پروین گنابادی، ص ۹-۱۰.

در کوههای لر .)

۲- ابن حوقل ضمن توضیح فواصل شهر های میان راه همدان تا خوزستان - نوشته است :

(ازلاشتر «البشتر کنونی» تا شابرخواست. دوازده فرسخ و از آنجا تا لور ۳۰ فرسخ و در فاصله «شابرخواست» و لور شهری باقریه ای نیست...) (۱) سپس ذیل کلمه «قم» آورده است :

(خرمای «شابرخواست» اندک ولی به سبب نزدیکی به عراق خوب است. (۱۴) (۲) ابن حوقل شاید دچار اشتباه شده است که «شاپورخواست» را جزء محدوده قم آورده است زیرا در توضیح فواصل - شرح دیگری دارد که معلوم میشود خود این شهر را ندیده و توصیف و تعریف آن را با شنیده و با از کتب متقدمین نقل نموده است .

۳- اصطخری که کتاب مسالك و ممالك خود را با نقل مطالب «صورة الاقالیم» ابوزید سهل بلخی متوفی (۳۲۲ هجری) تألیف کرده است، زیر عنوان (ذکر مسافت شهرهای جبال) مینویسد :

(.... از نهانند تا لاشر ده فرسنگ . ازلاشتر تا «شابرخواست» دوازده فرسنگ . و از «شابرخواست» تا لورسی فرسنگ . هیچ آبادانی نیست.) (۳)

۴- در حدود العالم فقط جملة (سارجلست جایی...) (۴) آمده است

۱- صورة الارض ترجمه دکتر شمار ص ۱۰۴ و ۱۱۳.

۳- مسالك و ممالك اصطخری باهتمام آقای ایرج افشار، ص ۱۱ مقدمه صفحات ۱۶۲ تا ۱۶۵ ۴- حدود العالم بمصحیح آقای دکتر منوچهر سنوده، ص ۱۴۱ و حواشی آن.

که بقیه آن از بین رفته است و کلمه (سارخاست) بی شك تحریف کلمه «سارخاست» است .

۵- لسترنج نیز از آن بنقل از کتب جغرافی و مسالك و معالك نام برده و مینویسد :

(شاپور خواست که جغرافی نویسان عرب آنرا «شاپورخواست» نوشته اند نیز در زمان ابن حوقل بسبب خرمای خود معروف بوده است.) و درباره محل آن بنقل از تاریخ گزیده مینویسد .

(آنطرف بروجرد راهی که از نهاوند می آید و به اصفهان میرود دوشعبه میشود، شعبه راست به شاپورخواست و شعبه چپ که جاده اصلی است به سمت مشرق به کرج ابودلف میرود . (۱)

بنابر این توضیحات ، شهر «شاپورخواست» همانست که خرابه های آن امروز در ۲ کیلومتری جنوب خاوری شهر خرم آباد بر جای مانده است . این محل نیز با فواصلی که جغرافی نویسان ذکر کرده اند مطابقت دارد و از خرابه های «شاپورخواست» نالیشتر ۱۲ فرسنگ و تا «لور» یعنی دشت شمالی ایندیشک و دزفول سی فرسنگ است . و بهترین سند، سنگ نوشته مکعب مستطیل شکلی است که بر دروازه شمالی «شاپورخواست» در سال ۵۱۳ از طرف امیر اسفهلار ابوسعید برسق در دوره سلطنت سلاجقه ، فرمانی بر آن کنده شده و اینک نیز باقی است . (۲)

۱- ترجمه جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ص ۲۱۷ و ۲۱۸ و حواشی آن
۲- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به توضیح درباره این سنگ نوشته که در این فصل آمده است .

موقعیت شهر «شاپورخواست»

از رونق و اعتبار این شهر در زمان ساسانیان اطلاعی نداریم، ولی کیفیت آثار بنا خود نشانه بزرگی و اهمیت آنست. از مورخین ایرانی تنها مستوفی در باره آن توصیفی دارد. وی مینویسد:

(... شاپورخواست در اوّل شهری بود و از هر جنس مردم بسیار در آنجا بودند و بغایت معمور و آباد و تختگاه پادشاهان، و اکنون قصه است.) (۱)

در غرب آن نیز آثار پلی بزرگ از دوره ساسانی باقی مانده که اکنون هم به «پل شاپوری» مشهور است. در اطراف این شهر بشعاع يك كيلومتر بجناب غرب و جنوب بناهای سنگی، مشابه آثار اصلی دیده میشود که ممکن است هر يك محله ای از آن شهر بوده اند. چنانکه در اطراف آن بفاصله کم، دهاتی هستند بنام «عربان» و «تیربازار» که شاید روزی در عظمت و رونق این شهر نقشی داشته اند.

پس از هجوم عرب هنوز این شهر آبادان بود، بویژه حکام دیالمه به این شهر توجهی خاص داشتند. «حسنویه» برزیکانی و پس از او پسرش «بدر متوفی ۴۰۵» آنجا را مرکز حکمرانی خویش ساختند و قلعه آنرا گنجور خویش گردانیدند. (۲). مالیات و عواید شاپورخواست جزء «ماه بصره»

۱- تاریخ گزیده چاپ امیرکبیر، ص ۵۶۱ و ۵۶۲.

۲- کامل ابن اثیر، ج ۹ ص ۷۹ و ۸۰.

بحساب می آمد. در سال ۴۹۹ «شاپورخواست» - نهاوند و الیستر بتصرف
اتابك منكر برس در آمد. (۱)

بهنگام سلطنت سلاجقه نیز از شهرهای مهم و معتبر بشمار می آمد
و هنوز: اعقاب سلسله حسنویه بنا به حکایت سنگ نوشته مذکور برای
شهر فرمانروائی میکردند. از آن جمله، ابوسعید برسق بن برسق بن
حسنویه (۲) که از طرف سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه سلجوقی،
حاکم آن بود در سال ۵۱۳ هجری حق تعلیف و گله چرانی را به مردم این شهر
و ساکنین اطراف آن بخشید.

در اوایل سال ۶۲۱ هجری قمری سلطان جلال الدین خوارزمشاه در
سر راه خود به بغداد، يك ماه در شهر «شاپورخواست» توقف کرد که تفصیل
آنها «جوینی» در تاریخ جهانگشاه - زیر عنوان « ذکر حرکت سلطان
جلال الدین بجانب بغداد» چنین آورده است.

(در اوایل سنه احدى و عشرين و ستمائه - عزیمت کرد تا بجانب
تستر (شوشتر) رود و زمستان آنجا مقام سازد. بر سبیل تبرك ایلچی پهلوان
را در مقدمه باد و هزار مرد روان کرد و خود بر عقب روان شد و در آن گذر،
سلیمان شاه بخدمت او رسید و خواهر خویش را بدو داد و چون سلطان
به «شاپورخواست» رسید و «شاپورخواست» شهری بزرگ بوده است،
مشهور و معروف و ذکر آن در تواریخ رسمی، بیش نمانده، مدت یکماه
آنجا مقام ساخت. امرای «لور» بخدمت او آمدند، چون مراکب قوی

۱- ترجمه سردمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج ص ۲۱۷ و ۲۱۸

شدند بر راه بغداد روان شد... (۱)

گرچه در این زمان شهر «شاپورخواست» رونق پیشین خود را نداشت ولی باز بهمین نام مشهور بوده است.

شاپورخواست متروک

بطور قطع و یقین معلوم نیست در چه سالی و بچه علت شهر کاملاً خالی از سکنه گردیده و ویرانه شده است. آیاموجب عده، زلزله بوده است یا عامل دیگر و یا اینکه مردم و ساکنین آن، شهر تازه ای در محل فعلی خرم آباد بنانهاد و آنرا ترک کرده اند.

چنانکه اشاره شد تا سالهای بعد از نیمه دوم قرن هفتم باز دارای جمعیتی بوده است. حمدالله مستوفی در نزت القلوب (سال ۷۳۰) نامی از خرم آباد آورده و نیز در تاریخ گزیده هم از خرم آباد و هم از «شاپورخواست» بعنوان شهرهای لر کوچک نام برده است.

ممکن است این صحیح باشد که ادعا کنیم مردم بعلت طراوت و آب فراوان دره، شهر تازه ای بنانهادند که به خرم آباد مشهور شده است و با گذشت ایام، شهر «شاپورخواست» خالی از سکنه و ویرانه شده باشد بطوریکه در سال ۷۸۸ هجری قمری هنگام حمله امیر تیمور «شاپورخواست» بکلی متروک شده بوده، چنانکه مؤلف ظفرنامه نیز چنین نوشته است. (و آن حضرت روز جمعه غره ربیع الاخر بمبارکی و طالع سعد به

بروجردن زول فرمود و امیرزاده عمر شیخ پیاپی سریر اعلی رسید. و اجازت طلبید. حضرت صاحبقران سیف الدین قلداش را بکونوالی قاعه و روجرد نصب فرمود ... و روز سوم بفیروزی و خرمی به خرم آباد رسید. ملک عزالدین چون تو قف نیارست کرد، بضرورت و اضطرار. فرار اختیار کرد. صاحبقران يك شب بسماعت آنجا گذرانید. (۱)

با این تفصیل میتوان دلیل را وجود دژ مستحکم «شاپور خواست» (که امروز بنام قلعه فلك الافلاك نامیده میشود) و فراوانی آب دره و سیاست حکام زمان دانست.

مشخصات آثار شهر «شاپور خواست»

آنچه از این شهر باقی است دیوارهای بزرگ و پهنی است از سنگ و ملاط به سبک بناهای ساسانی که در سطح آن کوچه و معابر کاملاً مشخص و معلوم است، پهنای هر دیوار بیش از دو متر میباشد و تخته سنگهای بزرگ به ابعاد ۴۰×۵۳×۸۰ در آن بکار رفته است. در جنوب شرقی، و مشرف بکوه «مدبه» (۲) بنای عظیمی از يك آسیاب، باقی است (تصویر شماره ۱۷) بلندی دیواره آن ۱۲ متر و پهنای آن ۳/۵ متر است و امروز به «آسیاب گبری» مشهور است. آب شهر و نیز آسیاب بوسیله نهري نسبتاً بزرگ از رودخانه ای که امروز «کر گانه» (۳) نامیده میشود تأمین میگرددیده است. در شمال شرقی این آثار چند حلقه چاه دیده میشود. در سالهای ۴۶ تا ۴۸ برای

بناهای تازه ، قسمتی از زمینهای اطراف آنرا کنده اند که از آن چند ستون سنگی و یک پایه ستون بزرگ و مدور ، بقطر ۲ متر از خاک بیرون آمد که بر سطح یکی از ستون ها با خط کوفی جمله (برکة لصاحبه) نوشته شده است (تصویر شماره ۱۸). و نیز در قسمت های شمالی ، آثار ساختمانهای آجری و سفالهای لعاب دار عصر سلجوقی دیده شد. اخیراً نیز نقبی طولانی و پیچ در پیچ که شاید برای فاضل آب شهر تعبیه گردیده است ، ظاهر شد . در داخل یکی از چهار دیوارهای سنگی ، قسمتی از طاق و دیوارهای چند اطاق بیرون است . وسعت بناهای سنگی زیاد است .

از موضوع های جالب توجه ، سنگی است که در شکاف باریکی از کوه «مدبه» قرار دارد و اهالی خرم آباد تا سالها پیش نيمروز را بارسیدن شعاع خورشید به این سنگ تشخیص میدادند .

پل شاپوری

در دو کیلومتری شهر خرم آباد، و در غرب و محاذی شهر «شاپورخواست» بفاصله يك کیلومتر، باقیمانده پلى بزرگ، که یکی از شاهکارهای معماری گذشته است، دیده میشود. این پل بر روی رودخانه ای که از دره هاو کوههای شمالی و چشمه های خرم آباد جاری میشود، ساخته شده است و راه غربی را که از سیمره و طرهان می آمده، به «شاپورخواست» مربوط میساخته است (تصویر شماره ۱۹) مشخصات و سبک بنا عیناً شبیه به پل ساسانی است که در غرب طرهان بر روی رود سیمره زده شده است. احتمالاً پل کشکان را با الهام از سبک بنای این پل، در سال ۳۸۸ هجری ساخته اند. هیچک از جغرافی نویسان اسلامی از این پل نامی نبرده اند. ولی اکنون به پل شاپوری مشهور است.

مشخصات پل

این پل بیست و هشت چشمه طاق داشته و جهت آن شرقی و غربی است. امروز تنها شش طاق آن باقی است و بقیه فرو ریخته و با پایه های موج شکن آن بجای مانده است.

سطح هر پایه ۶۶ متر (۶×۱۱) و فاصله بین دو پایه، ۷/۶ متر و ارتفاع کنونی با اینکه قسمت روی پل برور ریخته است ۱۶۰ متر میباشد. سنگهایی به ابعاد ۶۰×۶۰×۵۸ در پایه ها بکار رفته است، طاقها نیز با سنگهای

حجاری شده ساخته شده اند . تمام بنا از سنگ و ملاط است . نوع ملاط ترکیبی است که اکنون نیز جدا کردن آن از سنگ ، کار دشواری است .

گرداب سنگی

در شمال غربی شهر خرم آباد ، بر دامنه کوه چشمه آبی است . مشهور به «گرداب سنگی» (۱) ، که معمولاً از نیمه دوم اسفند تا اواسط تابستان ، آب دارد و بقیه سال آب آن خشک میشود .

گرداب آن دیوار است دایره ای شکل ، به پهنای سه متر از سنگهای نسبتاً بزرگ به ابعاد ۱×۱ متر . قطر دایره دهانه ، غیر از پهنای دیوار ، ۱۸ متر است و پیرامون آن ۲۵۶/۲۴ متر و بلندی تا کف چشمه ۱۸۰ متر میباشد . «تصویر شماره ۲۰» در قسمت شرقی ، در چپه ای به بلندی و پهنای ۹۰×۱۶۰ سانتیمتر تعبیه شده است . «تصویر شماره ۲۱» این در چپه بوسیله کشوی بسته میشود ، و آب بالایی آمده و به نهری که از لبه غربی گرداب ، به نهر میرخته است . آب «گرداب سنگی» را بوسیله همین نهر که از غرب دره خرم آباد و در دامنه کوه ، کشیده شده و با سنگ و ملاط ساخته شده است ، به دره ای که امروز «بابا عباس» (۲) نامیده میشود ، برده اند . فاصله مبدأ تا مقصد (از گرداب سنگی تا بابا عباس) نزدیک به ۱۲ کیلومتر است . در آنجا آثار بنای يك آسیاب ، شبیه به آنچه در شهر قدیمی «شاپورخواست» ، موجود است ، بجای مانده است که آب آن از گرداب سنگی تأمین میشده است و نیز شاید

۱- در گویش لری «گردو بردینه» Gardowbardina نامیده میشود .

۲- در این دره يك معبد مهر پرستی نیز وجود دارد که قبلاً معرفی شده است .

برای زراعت هم مورد استفاده قرار می‌گرفته است .
 نوع مصالح از قبیل سنگ و ملاطی که در این بنا بکار رفته . همانند
 مصالح آثار پل شاهپوری و بنای شهر «شاهپورخواست» میباشد .

آسیاب باباعباس

در جنوب درّه باباعباس، واقع در غرب درّه خرم آباد دیوار و باقیمانده
 بنای آسیاب نسبتاً بزرگی برجاست (تصویر شماره ۲۲) .
 طول دیواری که برای نهر آب آن ساخته شده ۸۰ متر و پهنای آن سه متر است .
 جهت آن از شمال به جنوب و ساختمان آن طوری است که در امتداد شمان
 بازمین هم سطح می‌گردد .
 انتهای جنوبی آن، دیوار چهارگوشی است که هر ضلع آن ۶ متر میباشد .
 در وسط آن محلّ تنوره یا ناودانی آسیاب قرار دارد .
 تمام بنای آن از سنگ و ملاط است . چنانکه قبلاً توضیح داده شد ،
 آب این آسیاب ، بوسیله نهری از «گرداب سنگی» واقع در شمال غربی
 خرم آباد تا این محلّ آورده شده . ساختمان آن نیز شبیه به آثار بنای آسیابی
 است که در جنوب شرقی بنای شهر «شاهپور خواست» واقع شده است .

بخش سوم

آثار و بناهای بعد از اسلام

قلعه فلك الافلاك

بر روی تپه‌ای بزرگ و سنگی ، در میان شهر خرم آباد ، مشرف به رودخانه ایکه از شرق آن میگذرد ، قلعه معروف و تاریخی «فلك الافلاك» ساخته شده است. از زیر تپه ، چشمه بزرگی جاری است که نزدیک به هفت سنگ آسیاب ، آب دارد. پایه های قلعه ، بر روی تیغه های سنگی و بنای سنگ قلوه ای استوار است. بطور کلی تاریخ بنا و نام سازنده اصلی آن معلوم و مشخص نیست. ولی در گذشته بنام قلعه شاهپور خواست^۱ مشهور بوده است. مورخین اسلامی اغلب نیز آنرا به همین نام در آثار خود ذکر کرده اند.

یاقوت مینویسد: (شاهپور خواست شهر و دژی است در کوه های لر) این اثر ضمن شرح وقایع اوایل قرن پنجم در لرستان از آن چنین ذکر میکند

(... قبل کان بها) ای فی قلعه شاهپور خواست) اربعمون الف بدره دراهم

۱- برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه آقای محمد پروین گنابادی ص ۱۰۹

و اربعمائه الف بدره ذهباً سوى الجواهر النفیسه والثیاب والسلاح (۱)
صاحب مجمل التواریخ والقصص نیز ضمن بیان وقایع اواخر
قرن چهارم و حوادث ابتدای قرن پنجم مربوط به دوره حکومت «بدر
پسر حسویه» و پسرش هلیل نوشته است.

(... هلیل به بوبکر رافع کس فرستاد که اگر خواهی که ترا بگذارم
تا بروی. بوعیسی را بدست ده، ابوبکر رافع چنان دانست که چون بوعیسی
نباشد کاروی بلند گردد. موافق داشت این کار را...

پس چون «بدر» از همه جوانب معاونت یافت و گورانان بیامدند،
او از دز بیرون آمد و با هلیل حرب کرد و بگرفت و بندی عظیم محکم بر
نهادش و باز داشت: وزیر الوزراء ابو غالب، بی اندازه. مال و نعمت از
قلعه‌ای که از بر «شاپورخواست» بود بر گرفت. از زرینه و سیمینه و تخت‌ها و
جامه‌ها و نقد و جواهر که آنرا قیاس نبود و هر چند در سپاه عراق چهارپا
بود، بکرا گرفتند، جمله پربار کردند و بجانب بغداد رفتند، و بعد از
رفتن ایشان «بدر» به «شاپورخواست» آمد... (۲)

لسترنج به نام «شاپورخواست»، کلمه (دزیز) را اضافه نموده و
چنین مینویسد.

(... بدر بن حسویه اموال خود را که در سال ۴۰۴ بدست دیالمه
افتاد، در قلعه شاپورخواست که (دزیز) (۳) نام داشت، و از حیث استحکام

۱- کامل ج ۹ ص ۸۰ و ۷۹. ۲- مجمل التواریخ والقصص بتصحیح شادروان بهار،
ص ۴۰۰ و متن حاشیه، ردیف ۵.

۳- یوز: بفتح اول و سکون دوم بمعنی پشته بلند و تیغه کوه می باشد [فرهنگ نفی].

باقلعہ معروف «سرماج» برابر بود. نگاه میداشت... (۱)

با این توضیح، بی شک قلعه‌ای که اکنون به فلك الافلاك موسوم است، همانست که در گذشته بانام شهر قدیمی «شاپورخواست» مشهور بوده است. بنابراین، این ادعا که گفته میشود، قلعه در زمان اتابکان لر کوچک ساخته شده، نمیتواند درست باشد. احتمالاً امرای این سلسله در تعمیر بنای آن کوشش داشته‌اند که برای این مطلب نیز سندی در دست نیست. اصولاً اتابکان، نقطه اصلی و مرکز حکمرانی خود را بیشتر در دژهای دور افتاده‌ای که دسترسی به آنها دشوار بوده مانند (دژ منگره) و یا «چنگری» انتخاب نموده‌اند.

از اوایل قرن هشتم به بعد، و پس از بنای شهر تازه خرم آباد، قلعه را نیز بنام شهر نامیده‌اند و بهنگام حمله امیر تیمور به خرم آباد، (۷۸۸ هجری) صاحب ظفرنامه، ضمن شرح وقایع آن مینویسد:

(... روز سیوم بفیروزی و خرمی، به خرم آباد رسید... صاحب قران کامگار یکشب بسعادت آنجا بگذرانید و روز دیگر بجهت محاصره قلعه خرم آباد جماعتی از سپاه را تعیین فرمود...)

که دومورگان در حین مسافرت خود این قلعه و باروی آنرا دیده و عکسی از آن در کتاب خود (جغرافیای غرب ایران) چاپ کرده ولی توضیحی درباره آن نداده است.

۱- ترجمه سرزمینهای خلافت شرقی، ص ۲۱۷

است. احتمالاً نام «فلك الافلاك» از زمان قاجاریه، روی آن گذاشته شده است.

در طول زمان، تغییراتی در وضع ظاهری آن داده شده، لکن اصالت بنا و ساختمان طاق و برجهای آن همچنان دوراز دگرگونی مانده است. مشهور است که میگویند این قلعه، بوسیله يك راهرو زیرزمینی به شهر «شاپورخواست» مربوط می شده، ولی این موضوع بعید بنظر می آید.

مشخصات قلعه

قلعه دارای هشت برج است و محیط کلی آن ۲۲۸/۶۰ متر و بلندترین دیوار آن تا سطح تپه، ۲۲/۵ متر میباشد. در گذشته، تمام قلعه يك صحن داشته لکن در دوره های بعد با ساختن چند اطاق در وسط، آنرا بدو قسمت تقسیم کرده اند.

در ورودی قلعه بجانب شمال بازمی شود (تصویر شماره ۲۳) و در برج جنوب غربی ساخته شده است. پهنای آن ۲/۱۰ متر و بلندی آن سه متر است. این در، به يك راهرو سرپوشیده منتهی میگردد که داخل برج (سمت غربی) و اطاق و در شرق آن يك اطاق ساخته اند. این راهرو، با شیب کمی و پس از يك پیچ، بسمت شرق. به اولین صحن میرسد.

صحن اول

صحن اول ۵/۲۲×۳۱ متر و طول آن شمالی جنوبی است. وهشت اطاق دارد. در شمال شرقی، راهروی است که با هفت پله به محوطه‌ای منتهی است که چاه قلعه در آن واقع شده است. (تصویر شماره ۲۴) عمق این چاه ۰ تا انتهای تپه و تاجش می‌ایست که از زیر تپه جاری است. در گذشته آب مورد نیاز ساکنین قلعه از این چاه تأمین می‌گردیده است. دهانه چاه چهار گوش و هر ضلع آن ۲/۷۵ متر و دیوار آن تا اندازه‌ای که اکنون پیدا است یعنی تا عمق هفت متر با آجر ساخته شده و در این عمق، دهانه چاه را مسدود کرده‌اند و طوری دیواره آن ساخته شده که در هر چند متر می‌توانسته‌اند روی آن را بپوشانند.

در باره این چاه، افسانه‌های مختلفی در میان مردم رواج دارد. گفته می‌شود در گذشته برای رصد کردن ستارگان و برای ستاره‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گرفته است (۴). ولی در این مورد مأخذی و مدرکی بدست نیامد. دور این قاعه باروئی داشته است که بوسیله دوازده برج بهم متصل می‌شده است و بنا به گفته یکی از معمرین، هر برج این بارو در هر ماه شاخص نیمروز بوده است.

اکنون از این بارو اثری نیست ولی دو مورگان تصویری از این قلعه و با روی آن در کتاب خود چاپ کرده است. (۱) امروز خیابان

۱- جغرافیای غرب ایران ترجمه دکتر ودیعی، ص ۲۱۰ تصویر ۹۶

غربی قلعه هنوز بنام دوازده برجی مشهور است

صحن دوم

در جنوب بنای وسط قلعه ، راهروی است قریب راهرو منتهی
بچاه ، که به صحن دوم میرسد . طول این راهرو ۲۲ متر است و در
سمت چپ راهرو ، آبریز گاه قلعه ساخته شده و در سمت دیگر
راهی است که به پشت بام قلعه منتهی میشود . صحن دوم مستطیل شکل
و مساحت آن ۲۱×۲۹ متر و طول آن شرقی غربی و دارای شانزده
طاق و یازده کفش کن بین اطاقهاست . کف اطاقها یک متر و نیم
بلندتر از کف حیاط است که این بلندی بوسیله چهار پله پر شده است
در قسمت جنوبی، سه اطاق ساخته شده است که طول و عرض هر
یک $۳/۸۰ \times ۱۰/۸۰$ متر و سه کفش کن که درازا و پهنای هر یک
 $۱/۹۰ \times ۱۰/۸۰$ متر است . (تصویر شماره ۲۵) اطاقهای وسط و غربی
درازای بیشتری دارند . چون منتهی به دو برج جنوبی هستند.

در سمت شمال، چهار اطاق و چهار کفش کن هست که بزرگتر
از همه ، اطاقی است که سه ستون دارد . (تصویر شماره ۲۶)
طاق دیگر دارای دو ستون است و اندازه قطر هر ستون ۹۷×۹۷
سانتیمتر و هر اطاق دو پنجر شمالی و دو در جنوبی دارد .
سمت شرقی . دارای پنج اطاق و دو کفش کن است . که یکی از
طاقها بداخل برج راه دارد و در دیواره برج ، چند مزقل تعبیه

شده ، طاق برج‌ها ، مقرنسی است که با طاقهای زنجیری بهم متصلند و تمام آنها با آجرهای قرمز و بزرگ ساخته شده اند و مرتفع ترین دیوار خارجی در این سمت واقع شده است . (تصویر شماره ۲۷).

در سمت غربی ، بنای برجی از آن تازه ساز است که دارای چهار اطاق و دو راهرو می باشد و درازا و پهنای هر يك 3×5 متر است . (تصویر شماره ۲۸)

در شمال شرقی ، راهروی است که هم به اطاقی تاریک که گویا زندان بوده و هم به پلّه‌هائی که برای رسیدن به پشت بام ساخته شده منتهی میگردد . یکی از برجهای شمالی در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی فرو ریخت که وسیله ارتش تجدید بنا گردید . برج جنوب غربی نیز چند سال پیش خراب شده که وسیله وزارت فرهنگ و هنر ترمیم گردید .

کنگره‌های قلعه گویا بفرمان رضا شاه کبیر ساخته شده اند .

در اطراف تپه نیز آثار سنگ قلوه‌ای دیده میشود و برجهای جنوبی بر بنای سنگ قلوه‌ای نهاده شده است (تصویر شماره ۲۹) .

راه رفتن به قلعه ، اکنون از میان بنای باشگاه افسران پادگان میگردد . این قلعه یکی از بناهای معتبر تاریخی است که با گذشت زمان هنوز استوار و پابرجاست . اخیراً نیز جزء بناهای تاریخی در فهرست آثار ملی وزارت فرهنگ و هنر به ثبت رسیده است .

سنگ نوشته‌ای از قرن ششم *

در جنوب شرقی خرم آباد بر سر راه خوزستان، بمفاصله تقریبی ۵۰۰ متر از شهر، و در شمال خرابه های شهر قدیمی «شاپور خواست»، سنگ نوشته ای به شکل مکعب مستطیل برجاست که مشخصات آن از این قرار است:

۱- ارتفاع از بالا تا پله اول ۳۵۴ متر و ارتفاع از روی پله تا کف زمین پنجاه سانتیمتر می باشد.

۲- بلندی پله اول تا دوم بیست و هفت سانتیمتر و عرض آن سی سانتیمتر است.

۳- بلندی پله دوم تا کف زمین بیست و سه سانتیمتر و عرض آن سی و دو سانتیمتر است.

گوشه های این سنگ با جهات فرعی، منطبق است و نوشته، از پهنه جنوب شرقی، شروع و به پهنه شمال شرقی ختم میشود.

روی سطح جنوب شرقی پنج سطر و بر سطح جنوب غربی، شش سطر و بر سطح شمال غربی چهار سطر و بر آخرین سطح، نیز چهار سطر با خط نیم کوفی و نسخ، بطور برجسته حجاری شده است.

دور این نوشته هشت متر و شصت و چهار سانتیمتر است. کنیه با جمله (بسم الله الرحمن الرحيم) شروع میشود و مربوط به زمان حکومت

*- این سنگ نوشته در شماره پنجم سال نهم مجله راهنمای کتاب معرفی شده است.

ابو سعید برسق کبیر امیر اسفهلار که از امرای سلطان محمود بن محمد بن ملک‌شاه سلجوقی بود و تاریخ آن (۵۱۳) هجری قمری است. (تصویر شماره ۳۰)

شادروان مینورسکی سواد این سنگ نوشته را که «در تسفلد» برای او فرستاده بود جهت خواندن چند کلمه. برای شادروان قزوینی میفرستد. مرحوم قزوینی نیز پاسخ لازم را میدهد که عین آن. در یادداشت‌های آن مرحوم تحت عنوان (خرم آباد) چنین آورده شده است. (۱)

خرم آباد

(13.4.39) آقای مینورسکی امروز سواد کتیبه‌ای که روی میلی است، در حوالی خرم آباد بخط کوفی. «در تسفلد» برای ایشان فرستاده است و چند کلمه‌اش مشکوک بود. برای من فرستادند. من هم بعضی کلمات مشکوک که آنرا خواندم و مجدداً آنرا برای ایشان پس فرستادم. بعضی کلمات و عبارات این کتیبه بدبختانه محو شده است، و کتیبه را کسی که امیر طغرل تکین (۴) (گویا در تسفلد غلط خوانده و رونویس کرده و باید «والمسلمین» باشد).

ابو سعید برسق بن برسق بن حسنویه (۴) نام داشته، از امرای سلطان محمود بن محمد بن ملک‌شاه بوده و در سنه ۵۱۳ (ظ) ساخته با این کتیبه را روی آن رسم کرده. صورت آنچه از این کتیبه باقی است اینست.

[بسم الله الرحمن الرحيم در عهد سلطان [ش] -هاها [نشاه]
 مغيث الدنيا والدين (ملك؟) الاسلام و [المسلمين ابوالقا] سم
 محمود بن محمد بن ملكشاه يعين امير المؤمنين [خلد] -دا الله
 سلطانه امير اسفه سالار كبير ظهر الدين والدوله معين الاسلام
 طغر لثكين (والمسلمين؟) ابوسعيد «برسق بن برسق بن برسق
 ابن حسوب [ه] ۰۰۰۰۰ و رسم بد ۰۰۰ كه بشابر خواست
 می‌شدند

و ۰۰۰۰ بود بر مجتازان و مردمان از ۰۰۰ و باشکایت بودند
 و همچنین رسم کهجرائی [ظ. کهجرائی] کرهم [یا: درهم]
 بشابر خواست می‌شدند بغير می ۰۰۰ وان ازهرگاه بودن
 می ۰۰۰ رسم بد ۰۰۰ این معاملت ۰۰۰ سیرتهای کس
 ابتغاء لمرضاة الله تعالى و طلباً لثوابه و آمناً من عقابه و در
 آن نظر کردند ثبات دولت قاهره ثبتها الله خواست و زاد
 آخرت جست تا خلق خدای تعالی از این دورسم بد ، آمن
 و آسوده باشند و بمرد افی سبیل الله می‌شوند ... می‌کند و
 برنگاه [ظ] داشت [یابکار داشت؟] این ... حوادث و
 سکا ... تغییر کنند و از سخط خدای تعالی بترسند و لعنت
 خدای تعالی باد بر هر کس کباسر [= که باسر] آن رسم بد، رود
 (هرتسفلد و گویا آقای مینورسکی نیز این عبارت را (هرکس کماش)
 (یالباس) ابریشم بدوزد خوانده اند و یکی از علل سوال از من

همین عبارت بوده است.) فمن بدلہ بعد ما سمعہ فأنما ائمه
 علی الدین یدلونہ ان الله سمیع علیم . امر بذالك برسق بن
 برسق بن برسق فی سنه (ثلث عشره و خمسانه) لعناله ... (تصور شماره ۳۱)
 آقای مینورسکی بحق نوشته اند بمن . که این خانواده برسقیان بظن
 غالب ، گویا همان خانواده است که در منجم باشی ج ۲ ، ص ۵۲۸ (۱) از
 چند نهر آنها اسم برده شده است و در مجمل التواریخ هم یکی دو
 اسم از یکی دوسه تن از این خانواده گویا برده شده که من بعضی از آنها را
 در پشت آن یادداشت کرده ام . باید راحة الصدور و (عماد کاتب) را هم
 به دقت خواند شاید باز اسامی بعضی از این خانواده پیدا شود و این میل
 ظاهراً چنانکه از مکتوب آقای مینورسکی بر میآید مرع الاطلاع است
 و این کتیبه بر چهار طرف آن مکتوب است . بترتیب شمال . شرق . جنوب
 غرب . و چون در اطراف خرم آباد تپه های بسیار هست که روی آن تپه
 ها ، چراگاهها و مراتع . مخصوص طوایف الوار و سکنه واقع است .
 لهذا من به ایشان نوشتم کلمه عجیب (کهجرانی) رامن [کهجرانی =
 کوه چرانی] میخوانم که گویا در آن عصر ، بعضی حقوق مجحفانه
 بر آن بسته بوده اند ، که این امیر ملغی کرده بود و « کرهم » شاید اسم خاص
 موضعی یا مرئی از آن واحی بوده . در هر صورت کتیبه غریب تاریخی
 است که خیلی خوب میبود یک عکس بایک سواد درست مطابق با اصل از
 از آن برداشته می شد .

۱- نگارنده این کتاب را دیدم و متأسفانه مطلب تازه ای نداشت . این کتاب به گویش
 ترکی است .

تا اینجا مطلب مرحوم قزوینی بود. لازم است چند توضیح، درباره آنچه در این قسمت آمده است داده شود.

اول اینکه بر سقبان (بر سق بضم اول و سوم) خانواده‌ای بزرگ از اعیان حسویه (۱) حاکم دینور بوده اند و در زمان سلاجقه، جاه و مقام یافته اند. از آنجمله ابوسعید امیر اسفهلار بر سق کبیر حاکم «شاپورخواست» بوده. همچنین بر سق خداوندیشتر یا الیشتر (۲) که مقرر حکومت او در الیشتر، دوازده فرسخی شمال خرم آباد بوده است که پس از کشته شدن «مسترشد»، خلیفه، عباسی «۵۲۷» هجری قمری، با خلیفه، «المقتدی» برای انتقام خون خلیفه علیه سلطان ابوالفتح مسعود بن محمد بن ملک شاه همدست شد و پس از آن تسلیم و مطیع سلطان گردید و راه اطاعت گرفت که در فصل مربوط به الیشتر نیز درباره آنها مطالبی آمده است.

نکته دوم اینکه مرحوم قزوینی، «طغرل تکین» را (والمسلمین) دانسته، در صورتیکه در کتیبه «طغرل تکین» است. همچنین اشاره به کلمه که چهرانی نیز صحیح است. در اطراف شهر قدیمی (شاپورخواست) مراتع و چراگاههای زیادی هست. کلمه (کرهم) شاید دشتی بوده است که امروز مشهور به «کره گه» (۳) است و در جنوب شهر خرم آباد واقع است این کتیبه الحق سندی است ارزنده که متأسفانه در معرض انهدام قرار گرفته است.

۱- حسویه بن حسین متوفی سال ۳۶۹ هجری قمری

۲- سلجوقنامه طهرالدین نیشابوری ص ۲۷ راحة الصدور، ص ۱۴۰ و ۲۲۹

۳- Korega

«مناره»

در کنار آثار شهر قدیمی «شاپورخواست» مناره‌ای آجری و استوانه‌ای برجاست که احتمالاً متعلق به قرن پنجم هجری است. و ممکن است برای هدایت کاروانیانی که از غرب و راههای دیگر «شاپورخواست» می‌آمده‌اند از آن استفاده میشده است. (تصویر شماره ۳۲)

گویا ساختن مناره، ابتدا در سوره معمول بود و بعداً ایرانیان ساختن آنرا اقتباس نمودند. ولی تفاوتی که هست مناره‌های سوره چهارگوش بوده و مناره‌های ایران استوانه‌ای با پایه‌های چهارگوش یا شش گوش احداث شده‌اند. تفاوت دیگر آنست که مناره‌های سوره از سنگ بوده ولی مناره‌های ایران آجری میباشند.

بلندی کنونی مناره از بالای تاروی پایه سنگی ۲۰/۲۶ متر و از پایه سنگی تا کف زمین ۲۵/۳ متر. که بلندی آن تماماً تا زمین ۴۵/۲۹ متر است. بی‌شک ارتفاع آن بیش از این بوده است زیرا یکی از درجه‌هایی که نور بداخل مناره میرساند، در انتهای لبه آن قرار دارد که با مقایسه فاصله پنجره‌های دیگر و درجه‌های نزدیک به سطح آن، دلیل بر اثبات این مطلب است.

پایه مناره چهارگوش و از سنگهایی با ابعاد ۶۰×۴۰ و ۵۰×۳۰ سانتیمتر و از ملاط ساخته شده است. اضلاع شرقی و غربی این پایه ۶/۲۸ متر و شمالی و جنوبی ۶ متر است.

دور پایه. ۲۴ر۵۶ متر و سطح آن ۳۷ر۶۸ متر که ۲۲ر۸۹ متر از آن سطح باقاعده زیرین مناره است.

مشخصات دیگر این مناره چنین است.

۱- اندازه دور آن ۱۷ر۵ متر

۳- قطر ۵ر۵۰ متر

۳- سطح ۲۲ر۸۹ متر

۴- سطح جانبی در حدود ۴۳۰ر۴۰ متر

ستونی استوانه‌ای در میان مناره ساخته شده و ۹۹ پله بدور آن می‌چرخد که می‌توان به وسیله این پله‌ها به بالای مناره رفت. قطر این ستون ۷۰ سانتیمتر است.

آجرهای مناره، نسبتاً بزرگ و ابعاد هر آجر ۲۵×۲۵ وضخامت آن ۷ سانتیمتر است.

در ورودی مناره، بطرف باختر است و اندازه آن ۲۲۰×۸۰ سانتیمتر است. این مناره دارای شش دریچه برای ورود و روشنائی بداخل راهرو است که دریچه شرقی از همه بزرگتر و تقریباً در وسط مناره، واقع شده. مصالح ساختمانی آن از ملاط و آجر است.

فلك الدين

در شمال غربی شهر خرم آباد، بردامنه سفیدکوه، دهی است مشهور به فلك الدين. و جدتسمیه این ده بواسطه نام مقبره ای بوده است که در این دهکده وجود داشته است.

از این مقبره اکنون آثاری از سنگ رگج و پایه و بنای آن باقی مانده است. اطراف آن، گورستان دهکده است، این گور ممکن است متعلق به فلك الدين حسن بن بدر الدين مسعود از اتابکان لر کوچک باشد فلك الدين و برادرش عزالدین حسین در سال ۶۷۷ پس از قتل تاج الدین شاه بفرمان ابقا خان بحکومت رسیدند.

این دو برادر مدت پانزده سال با مرافقت و موافقت یکدیگر، حکومت نموده و بساط عدل و داد، گسترده کردند. چنانکه برای خیاری جباری را بر باد میدادند.

حدود فرمانروائی آنها از همدان تا شوشتر و از اصفهان تا خاگ عراق گسترش یافت و اتفاقاً هر دو برادر در سال ۶۹۲ وفات یافتند. (۱) و این قبر امروز مورد احترام مردم است، و عجیب است که هنوز مردم روستای اطراف آن هر وقت چیزی گم میکنند بکنار این قبر می آیند و می گویند (ای برادر، فلك الدين، گمشده مرا بده ؟!)

مقبره خضر

در میان گورستان عمومی خرم آباد که در جنوب شهر واقع شده است، مقبره‌ای است که به «خضر» مشهور است. قسمت بیرونی ساختمان مقبره، چندان قدیمی بنظر نمی‌رسد. ولی وضع داخل آن قدمت بیشتری را نشان می‌دهد. بنای مقبره، چهار گوش است که بر روی پایه‌ها ابتدا طاق‌های زنجیری زده شده. بعد بر روی پیوند طاق‌های زنجیری طاق اصلی زده شده است. ارتفاع گنبد بیش از هشت متر است. روی قبر معجزه‌جویی مشبکی قرار داده شده است که هیچ اثر هنری جالب توجهی را دارا نیست. در غرب مقبره، اطافی است که مشهور به قلندرخانه می‌باشد. (تصویر شماره ۳۳)

احتمالا این مقبره متعلق به جمال الدین خضر، از اتباعکان لر کوچک می‌باشد. وی فرزند تاج الدین شاه بن حسام الدین خلیل بن بدر الدین بن شجاع الدین است که حکومت لرستان را بدست آورد. لکن حسام الدین عمریک و شمس الدین لنبکی، مانع حکومت او بودند و حاضر به اطاعت از او نشدند. عاقبت بادیاری عده‌ای از لشکریان مغول در سال ۶۹۳ هجری، او و عده‌ای از نزدیکانش را در نزدیکی خرم آباد بقتل رسانیدند. (۱) چندی قبل قبر خضر شبانه مورد دستبرد عده‌ای شیا در قرار گرفت و قبر را از هم پاشیدند

شهر خرم آباد

شهر کنونی خرم آباد در دره‌ای میان دو کوه «مدبه» و سفید کوه بین ۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه طول و ۳۰ درجه و ۴۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است. کوه شمالی آن بنام سیاه کمر مشهور است. و کوه جنوبی آن «چهار باران» نامیده می‌شود.

این شهر پس از ویران شدن «شاپورخواست» در اواخر قرن هفتم هجری روبه آبادانی نهاد و مردم هم شاید از لحاظ موقعیت شهر و هم بواسطه وجود چشمه‌های آب شیرین و گوارا، «شاپورخواست» را ترك نموده و بمحل کنونی آمده و بنای شهر را نهاده‌اند.

قبل از این تاریخ هیچ يك از جغرافی نویسان اسلامی ایرانی و مورخین، از آن نام نبرده‌اند. در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم، تنها در دو کتاب حمد الله مستوفی نامی از آن برده شده است. از آن جمله وی در نزهت القلوب تعریف آنرا چنین نوشته است.

(خرماباد شهری نيك بود اکنون خراب است و خرما بسیار است) (۱)
اما در تاریخ گزیده از آن چنین ذکر نموده است (... و از شهرهای آنجا «لر كوچك» سه معمور است : بروجرد و خرم آباد و شاپورخواست ...) (۲)

۱- نزهت القلوب ص ۷۸. [این تعریف شاید مربوط به شاپورخواست، بوده و ممکن است خود مستوفی شهر را ندیده باشد.] ۲- تاریخ گزیده، ص ۵۶۱

از قرن هشتم بکرات مورخین نام خرّم آباد را ضمن شرح وقایع و رویدادها ذکر کرده‌اند که مؤید آنست که این شهر از اوایل قرن هشتم رونق داشته است .

مؤلف تاریخ جهان آراء، شرح حمایه امیر تیمور را آورده و ضمن آن در مورد «خواجه علی مؤید» رئیس طایفه سربداران مینویسد.

او در تمام یورشها، در خدمت امیر تیمور بود در سنه ثمان و ثمانین و سبع مأیه (۷۸۸ هجری) در خرّم آباد لرستان زخمی خورد و بدان درگذشت و آن فرقه بدو منتهی شدند . (۱)

شاه عباس اول در سال هفتم سلطنت برای سرکوبی شاهوردیخان آخرین فرمانروا از سلسله انابکان لری کوچک ، به لرستان لشکر کشید. اسکندر بیک ضمن شرح وقایع آن مینویسد :

(... فوجی از عساکر فیروزی مآثر که در زکاب نصرت انتساب حاضر بودند . پای عزیمت در رکاب دولت آورده ، متوجه لرستان شدند چون توجه موکب همایون به او رسید ، از خرماباد که مسکن او بود فرار نموده بجانب «صدمره» (۲) رفت . سرخیلان قبایل از و تخلف نمود بموکب همایون پیوسته و قلعه «خرماباد» بتصرف اولیای دولت قاهر درآمد ...) (۳)

در سال ۱۱۳۵ هجری ، حزین اصفهانی به خرّم آباد مسافرت نمود که

۱- تاریخ جهان آراء، ص ۲۲۱ . ۲- منظور از «صدمره» ، سیمره است .

۳- عالم آرای عباسی ، ص ۳۲۰

شرح مفصل اقامت خویش را در این شهر در تاریخ خود آورده است .
وی مینویسد : (... فی الجملة تدارك سامان سفر نموده به بلده
خرم آباد که مقرر حکومت والی لرستان فیلی است رسیدم و آن ولایتی
است بغایت معمور و در نیکوئی آب و هوا و خرمی مشهور و ... در آن
وقت امیرالامرای آن ملک . علی مردان خان بن حسین خان فیلی از
خانه زادان قدیم و امرای بزرگ دودمان علیّه صفویه بود و بامن
الفتی خاص داشت ...) (۱)

در دوره سلطنت نادر شاه نیز خرم آباد - آبادان بود . از خاورشناسانی
که نامی از خرم آباد در آثار خود ذکر نموده اند . مهمتر از همه
دومورگان است که به سال ۱۸۹۰ میلادی این شهر را دید و از آن در کتاب
خویش چنین توصیف نموده است :

(تنها شهر لرستان ، خرم آباد است . شهری است نه چندان بزرگ
با ۳ تا ۴ هزار نفر سکنه ، واقع در دره تنگ کوچکی که کشکان رود ، از
وسط آن میگذرد .) (۲)

... خرم آباد شهر نسبتاً کوچکی است که بد بنا و تدارك شده است
خرم آباد گرچه کم اهمیت است ، اما باز از بخش اعظم لرستان است

۱- تاریخ حزین ، ص ۵۷ و ۵۸

۲- [رود کشکان از وسط دره خرم آباد عبور نمی کند بلکه در خانه کوچکی است که
از تنگه دریا به چشمه های آب در شمال شهر سرچشمه گرفته و در ۴۰ کیلومتری
جنوب غربی خرم آباد به رود کشکان میریزد . برای اطلاع بیشتر به اوضاع طبیعی
فصل اول این کتاب مراجعه شود .]

کوچ نشینان . پشم گله‌های خود را آنجا می آورند. این کالا سپس برای ارسال به اروپا متوجه بین‌النهرین می گردد . اما احتیاجات لرها کم‌اهمیت است نتیجه آنکه بازار ، غیرمتعادل و بدنتیه شده است. (۲)

در بالا دست و پایین دست شهر ، باغهایی عالی وجود دارد که در آنها درختان انار و انجیر و کلیه درختان میوه اروپائی به فراوانی میرویند از برکت موقع ممتاز شهر که محصور بین کوههاست و آب فروان چشمه ها که هرگز نمی خشکند . میوه ها و همچنین سبزیهای آن بسیار دلپسندند . محل فعلی خرم آباد جایی است که همیشه مسکون بوده است . در جنوب خرم آباد جلگه زیبایی است ، مشروب از آبهای رودخانه و در آن ده‌های چندی از قبیل «گل‌دان» و «شاهین آباد» و بسیاری دیگر وجود دارد که برای منطقه مهم اند . نزدیک این دهات ، تپه‌های مصنوعی بزرگی است که تحقیق و کاوش در آنها بسیار جالب توجه است و من فکر می‌کنم با «خای‌دالو» (۱) متون آسوری مطابقت کند. (۲)

شهر قدیمی خرم آباد در غرب قلعه فلك الافلاك و دره میان سفید کوه و کوه «چهاریاران» ساخته شده بود ولی در سالهای اخیر به سمت شمال گسترش بیشتری یافته است .

از اینکه مورّخی چون حمدالله مستوفی از خرمای خرم آباد تعریف میکند عجیب است زیرا اکنون هوای آن برای رشد درخت خرما مناسب

نیست و ممکن است در این منطقه تغییرات جوی به‌ورور زمان حاصل شده باشد. یکی از معمرین خرّم آباد که مردی ثقه نیز بود، از پدر خود نقل میکرد که در یکی از بناهای قدیمی شهر که خراب شده بود تنّه نخلی پیدا شد که حتی مورد تعجب مردم قرار گرفته بود. (۴)

شاید واقعاً این شهر در زمانهای پیش، درخت خرما داشته است. اکنون در ۱۲۰ کیلومتری جنوب خرّم آباد انواع درختان مرکبات و گرمسیری پرورش میشود.

در یکی از تپه‌های اطراف خرّم آباد، سکه‌ای پیدا شد، که بريك طرف آن يك شیر در حال حمله به گوزنی نقش گردیده است و بر طرف دیگر آن، کلمه خرّم آباد نوشته شده است. (تصویرهای شماره ۳۴ و ۳۵)

این شهر امروز بیش از هفتاد هزار نفر جمعیت دارد و مرکز لرستان و فرمانداریکل است.

اینکه گفته شده است توصیفی از خرّم آباد در شاهنامه فردوسی آمده است، باید گفت که منظور او خرّم آباد لرستان نبوده بلکه بنا به نقل یاقوت حموی: (خرماباد نام چهار جایگاه است :

- ۱- یکی از دهکده‌های بلخ است. ۲- از دهکده‌های ری.
 - ۳- دهکده‌ای است در مرو نزدیک شهر پیوسته به اربق‌آباد.
 - ۴- دهکده‌ای در طبرستان است. و همه اینها بنقل از ابوسعید است. (۱)
- و ممکن است تعریف فردوسی از خرّم آباد مرو یا بلخ و یا یکی دیگر از

۱- برگزیده مشترک یاقوت حموی ترجمه آقای محمد پروین گنابادی صفحه ۷۲ و حواشی آن.

این چهار نام باشد. زیرا در زمان فردوسی شهر خرم آباد لرستان وجود نداشته است.

در داخل شهر چهار چشمه بزرگ آب جاری است. آب شهر قدیمی بوسیله قنات و نقب از «گرداب» (۱) تأمین میشد. در وسط شهر قلعه تاریخی فلك الافلاك بر روی تپه ای قرار دارد. (تصویر شماره ۳۶) نهر آبی در غرب دره خرم آباد کشیده شده که آب آن از رودخانه خرم آباد و در شمال این شهر منشعب شده است و چون در زمان ناصرالدین شاه قاجار ساخته شده، به «نهر ناصری» شهر است.

* * *

مسجد جامع خرم آباد

در خرابه های شهر «شاهپورخواست» هیچ اثری از مسجد دیده نمیشود اولین مسجدی که در تواریخ ذکری از آن آمده است در اواخر قرن دهم بنا نهاده شده است. هیچیک از جغرافی نویسان قرن نهم از بنای مسجدی در این شهر ذکری نکرده اند. در سال ۹۷۰ هجری، به امر شاهپرو سلطان (۲) دختر اغور بیک، مسجد جامعی بنا شده است که در سال ۱۱۱ هجری یک بار، به امر شاه سلطان حسین صفوی تعمیر گردیده و یکبار نیز، خدایی خان حسنونند [جد اعلی طایفه حسنونند] آنرا مرمت کرد و چند سال بعد نیز بموجب وصیت ملا محمد تقی خرم آبادی،

۱- گرداب نام چشمه آبی است در داخل شهر.

۲- شاهپرو دختر اغور یا اغراویک و منکوحه شاه رستم بن شاه حسین از اتابکان لر کوچک میباشد. «شرفنامه» بدلیسی ص ۷۳،

شخصی بنام «حاجی زکی»، بار دیگر آنرا تعمیر کرده است. درست قبله،

شبستانی داشته است که در آن زمان نیز خراب بوده است. (۱)

هنگام خیابان کشی، قسمتی از مسجد قدیمی در مسیر خیابان واقع شد و، ویران گردید. بنای مسجد جامع کنونی خرم آباد که بر روی خرابه های قبلی ساخته شده است، قدمت زیادی ندارد و در ساختمان آن، ریزه کاریهای هنری جالب توجهی دیده نمیشود. این بنا، تا بعد از جنگ دوم جهانی رونقی نداشت و گاهی هم برای انبار کردن غله، از آن استفاده میشده است.

در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی عده ای از اهالی تصمیم به ترمیم آن گرفته و در دو طرف شمال و جنوب آن حجراتی ساختند و آنرا به حوزة علمیة تبدیل کردند، گویا در گذشته نیز حوزة درس طلاب دینی بوده است. و از قدیم بنام مدرسه مشهور بوده است. در دیواره شرقی، کاشی کاری مختصری دارد و جمله (بسم الله الرحمن الرحيم) بشکل مرغی کاشیکاری شده است. شبستان شرقی دارای طاقی است به ارتفاع ۲۰ متر. قسمت غربی که امروز در آن نماز میگذارند (تصویر شماره ۳۷ نمای غربی)، دارای ۹ متر عرض و ۳۰ متر طول و هفت ستون است فاصله هر طاق ۳٫۶۰ متر و اندازه هر پایه ستون ۸۰×۸۰ سانتیمتر و بلندی آن ۸ متر میباشد و طاقهای آن ضربی است. بالای محرابهای آن اخیراً گچ

۱- دایرة المعارف الاسلامیة ایران و امامیه تألیف عبدالعزیز صاحب جواهر، جلد ۱ ذیل کلمه جامع خرم آباد.

بری شده است. (تصویرهای شماره ۳۸ و ۳۹) در رواق شرقی کتابخانه ای ایجاد شده بنا به وصیت مرحوم آیت الله کمالوند کتابخانه آن مرحوم به این کتابخانه واگذار شده است .

* * *

زاهد شیر

مقبره ای است در ده کیلومتر شمال شرقی شهر خرم آباد بر سر راه بروجرد، که بشکل هرم است و از آجر و سنگ و گچ ساخته شده است . این مقبره بشکل هشت ضلعی است که هر ضلع آن ۲۱۰ متر میباشد. (تصویر شماره ۴۰)

در ورودی آن بسوی شمال است. مقبره دارای کفش کنی است بطول و عرض ۵۵×۵ متر و اندازه هر لنگه از درها ۵۵×۱۷۰ سانتیمتر می باشد و در بالای هر در جملاتی با خط نسخ کنده کاری شده است . روی چوب وسط این جمله نوشته است (امربعمل هذا الباب شاوردی بیک بن محمد بیک). (تصویر شماره ۴۱) اندازه قبر ۸۰×۱۵ سانتیمتر و ارتفاع آن ۳۲ متر .

از مدفون نامی بر جائی کنده نشده است و قبر نیز ضریحی چوبی دارد. بلندی گنبد تا کف زمین ، در حدود دوازده متر است اطراف این مقبره قبرستانی است قدیمی ، و بتازگی در نزدیک آن ، آرامگاه سرباز گمنام را ساخته اند .

شاهزاده عبدالله

در پنج کیلومتری جنوب غربی شهر خرم آباد بر سر راه کوه دشت در دامنه کوه، قبری است که قبلاً سنگ چنبر بود ولی اکنون دیواری آجری گرد آن کشیده شده و بنام قبر شاهزاده عبدالله مشهور است که مورد احترام مردم میباشد و عقیده آنست که از اولاد امام موسی کاظم (ع) میباشد. سنگ نوشته ای که نام صاحب قبر را معلوم کند بدست نیامد، تنها یک سنگ بر بدنه دیوار قبر کار گذاشته شده که دارای خطوطی در هم است. (تصویر شماره ۴۲)

* * *

سنگ نوشته های ازدوره صفویه ۱۰۶۴

در مسجد جامع خرم آباد سه سنگ نوشته ازدوره صفویه یافت شد که یکی از آنها آگهی جالب توجهی است در مورد آزادی انسانها، اندازه آن ۸۰×۴۸ سانتیمتر و ضخامت آن ۱۵ سانتیمتر و شامل ۱۷ سطر است متن آن چنین است (تصویر شماره ۴۳)

س ۱- آگاهی هوالحق (۰)

س ۲- غرض از تحریر این کلمات آنست که قاعده قدیم وقانون مستقیم مردم ...

س ۳- ولایت لرستان، این بوده که چون گنه کاری را بدیوان حاکم می آورده اند ، و حکم سیاست او میکرد ...

س ۴- بعضی از مردم ولایت مذکور، زبان شفاعت گشود، فراخور گناه مجرم جریمه بدیوان داده مجرم را ...

س ۵- با اهل و عیال صاحب شده در سلك بندگان منتظم میساخته ، بدین سبب خلقی کثیر ، نسلا بعد نسل ...

س ۶- در قید بندگی مردم لرستان مانده بودند و آن جماعت را نیز خریده می گفتند. چون بنده در گاه ، منوچهر ولد حسینخان در سنه

س ۷- اربع و ستین و الف (۱۰۶۴) بر تبه ایالت سرافراز گردیده گی همت ، و تمامی نهمت بر رفع و دفع این قانون ناپسند ...

س ۸- که شرعاً و عرفاً مذموم است، بتوفیق و نیروی اقبال بی زوال پادشاه ظل الله صاحبقران عالم ...

س ۹- زبده اولاد بنی آدم، خاقان عدالت گستر، ابوال مظفر شاه عباس

* این سنگ نوشته در شماره ۶ سال بیستم، جلعهنما معرفی شده است.

۱- منوچهرخان دومین فرزند والی است که پس از علی قلی خان، بحکومت رسید. باید دانست که حسین خان خود پس از قتل شاهوردی آخرین فرمانروای خاندان اتابکان که بفرمان شاه عباس دستگیر و کشته شد، مقام والیگری لرستان را یافت.

الحسین الموسوی صفوی بهادرخان...

س ۱۰- بهار عالم صاحبقرانی ، متکی ، لطف حق ، عباس ثانی
خلد الله ملکه ، رفع بدعت الوار که ماهمات عیبی تاریخ ...

س ۱۱- رفع این بدعت از ولایت لرستان نموده ، چندین هزار برناو
وپیر ، صغیر و کبیر ذکور و اناث از قید قلاذ ...

س ۱۲- مخلصد ، و بندبندی مؤبدی ، نجات ورهائی یافت ، مطلق
العنان گردیدند . امید که ثواب آن روزگار فرخنده ...

س ۱۳- آثار ، ثواب کامیاب اشرف و اقدس به میمون اعلی گردودهن
بعد ، هر کس که حاکم و فرمان ...

س ۱۴- فرمای لرستان بوده باشد ، بقانون قدیم نامستقیم که تاریخ
بر طرف نمودن این ...

س ۱۵- قانون است عمل نمایند ، بسخط و غضب گرفتار و روز
یوم لاینفع مال و للبنون ...

س ۱۶ از رحمت رب العالمین و شفاعت سید المرسلین و ائمه
معصومین صلوات الله والسلام علیهم

س ۱۷- بی بهره و بی نصیب گردد. و بحق الحق و نبی المطلق.

کتیبه‌ای به خط عبری

در شرق شهر کهنه خرم آباد، محله‌ای است که ناسالهای پیش کلیمان در آنجا سکونت داشتند و اکنون بیشتر از ۵ الی ۶ خانوار از آنان باقی نمانده است و همگی مهاجرت نموده اند .

در این محله، کنیسه‌ای قدیمی هست که چند بار تجدید ساختمان و مرمت شده است . بر دیوار جنوبی آن سنگ نوشته‌ای سیاه رنگ بطول ۳۴ و عرض ۲۲ سانتیمتر ، شامل دوازده سطرو بخط عبری باقی است . ترجمه متن آن چنین است . (تصویر شماره ۴۴)

- س ۱- این دروازه از آن خداوند است ، راستگویان درمی آیند در آن (۱)
- س ۲- این کنشت خانه که بنا کرده است آنرا مرحوم ...
- س ۳- ملا اسحاق فرزند مرحوم یعقوب از بزرگان ...
- س ۴- ساکنین خرم آباد و خاتمه داد آنرا ...
- س ۵- در اوّل ماه ایار و پس از آن ...
- س ۶- آمدند کمین کنندگان و مفسدین ...
- س ۷- غارتگران شبانه و کشتند او را ...
- س ۸- و «ارزانی» پسرش را وریقا (۲) ...
- س ۹- زنش را در خواب شبانگاه ...

۱- این سطر ترجمه آیه ۲۰ از مزموذ ۱۱۸ زبور میباشد . ۲- Ribgha

س ۱۰- در سال ۵۴۱۳ (۱)...

س ۱۱- از خلقت...

س ۱۲- [رموزی است که فهمیده نشد]. این کتیبه مربوط به سال ۱۰۷۲ هجری است

بک سنگ نوشته از عهد صفویه «۱۱۰۷ هجری قمری»

سالهای پیش در شبستان شرقی مسجد جامع خرم آباد، در میان خورده سنگ و پاره آجرها و گچ، دو قطعه سنگ مرمر سفید دیدم که متأسفانه قطعه کوچکتش شکسته شده بود و از بلندی سه پاره شده بود. آن روز مدتی صرف وقت نمودم تا خاک و گل و شمع هائی را که پس از سوختن ذوب شده و در لابلای خطوط آن رفته بود از روی سنگ پاک کردم. بعضی از روزها، به سراغشان میرفتم و سطوری از آنها را میخواندم که از چند جهت اهمیت دارند. هم از نظر هنر خط نویسی و هم حجاری و هم موضوع. الحق آگهی جالب توجهی است که بفرمان حسین خان بن شاه ویردی بر روی این دو قطعه سنگ با خط نسخ و بطور برجسته، نوشته شده است. در این آگهی از آیات قرآن برای منع منکرات استمداد و اشتباه شده است و اصطلاحات ادبی مناسبی بکار برده است.

در این سنگ نوشته، مردم را از قمار کردن و صرف مشروبات الکلی خرس فروشی و کبوتر پرانی و گرگ دوانی و نگهداری گاو و فوج و

۱- مبداء تاریخ کلیمیان خلقت حضرت آدم است

حیوانات دیگر، برای جنگ با هم، منع نموده و آنرا مغایر دستورهای دینی و اخلاقی دانسته‌اند.

این دومین آگهی قابل توجه از عهد صفویه است. شاید مشابه چنین دستور و آگهی، در شهرهای دیگر نیز از این عهد بجای مانده و بدست آمده باشد، و ممکن است تمام این اعمال در یک شهر معمول نبوده است. مثلاً درباره جنگ گاو و باقوچ و گرگ دوانی و خرس فروشی، این اولین سندی است در لرستان در مورد منع چنین اعمالی. با تحقیقی که بعمل آمد، حتی حداقل تانزدیک به یکصد سال پیش چنین رسومی در لرستان معمول نبوده است، زیرا چنانچه بود با توجه به نزدیکی زمان لااقل اثری از آن بجای می ماند. مانند کبوتر پرانی که این کار هنوز هم طرفدارانی دارد. بطور کلی میتوان گفت که این چنین قوانین از طرف پادشاهان صفویه به حکام خود در ولایات صادر میشده است.

قطعه سنگ اولی (قسمت اول آگهی) ۶۰ سانتیمتر درازا و ۳۸ سانتیمتر پهنا و ۷ سانتیمتر قطر دارد و شامل ۷ سطر است. (تصویر شماره ۴۵)
 قطعه سنگ دومی ۷۰ سانتیمتر درازا و ۵۵ سانتیمتر پهنا و ۹ سانتیمتر قطر دارد. (تصویر شماره ۴۶) کلمات زیادی از هر دو قطعه، یاشکسته است و یا خواندن آن دشوار است. و متن آنها چنین است.

متن قطعه سنگت اولی

س ۲- حکم جهان مطاع شد، آنکه عالیجاه، بیک لریبکی لرستان
فیلی بشفت شاهانه سرافراز گشته (چند کلمه شکسته) چون
هنگامیکه مهر انجم برپنجه زرنگار فلک ...

س ۳- آبگون سیماب نمون ، بیت قضا چیده و کعبتین عاج نیرین
جهت تحصیل نفع سعادت کونین بنفش، شش گردید ، جهت گنجور گنجینه
وجود، بمؤدای حقانیت اقتضای قل اللهم مالک الملك ...

س ۴- توتی املک من تشاء و تترع الملك معن تشاء و تعز من تشاء
و تذل من تشاء یدک الخیر، انک علی کل شی قدیر . درهم و دینار
اعتبارده پادشاهی فرمان روای عرصه روزگار، ...

س ۵- از جهت این دودمان خلافت و امامت و خاندان نبوت و ولایت
مخزن درهستی در کمال پردهستی ، محفوظ و مضبوط دانسته ، جهت
شناس این نعمت بی قیاس و ادای شکر این [عارضه] ...

س ۶- عارفه محکم اساس در این عهد سعادت مهد، که عدد رای
دولت روز افزون در آغوش سلطنت ابد مقرون و دوش بدوش او لاین
سال جلوس میمنت ا....

س ۷- معدلت گستر و ضمیر منبر اضاءت مهر
شریعت پرور بحکم آیه وافی هدایه ...

متن سنگ دوم

س ۱- هَذَا الَّذِي مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، بِاجْرَای اوامر ...

س ۲- خَالِقُ كُلِّ وَخَاتِمُ الْأَنْبِيَاءِ وَرَسُولٌ يُفْخِجُ فِي صَدْقِهَا أَمَّا أَطِيعُوا اللَّهَ أَطِيعُوا
الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ . معطوف مصروف داشت امر عالی

س ۳- مَطْبِعُ شَرْفِ نَفَازِ يَافَتْ كِه بِمُضْمُونِ مَلَاعَتِ مَشْحُونِ ، قُلْ إِنَّمَا
حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ وَمَا بَطَنَ ، پَرْدِ گِیَانِ پَرْدِ دِ گِشَاوِ پَرْدِ نَشِینِ وَ
شَاهِدَانِ (چند کلمه شکسته)

س ۴- چهره نما و خلوت گزین بوده بانامل عصیان نقاب بی شرراز
رخسار عفت باز نموده ، و دامن از آتش غصب دادار ، بی نیاز نکردند و
ساکنان خطه ایمان و مقیمان دار سعاده ایقان ، مضمون حقیقت نمون
با ایها الذین ...

س ۵- آمَنُوا نَمَّا الْخَمِرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ
عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ ، دست بآلت قمار دراز نکرده ،
قبل از آنکه شطرنجی روزگار ، ایشان را در روز و ماه ، ممات و فیل بند
و حرب همان ...

س ۶- هَنَّا مَاءُ عَرَصَاتِ سَاخْتِه ، معلوم شود که آنچه برده ، باخته اند .
سالك طریق اجتناب بوده بهیچوجه پیرامون عمل شنیع نگردند ، وجود
بیت اللطف و قمارخانه و خرس فروشی و بوره فروشی ممالك محروسه

که هر ساله مبلغهای

س ۷- خطیر میشد بتخفیف ... فر ... فسای ... امر و مقرر فرمودیم
و در این صدور ابواب عظام و علمای اعلام و فقهای اسلام (نبقه بقبه؟)
علیحده و مؤکده بلعن ابدی و سرمدی که موشح و مزین بخط گوهر نثار
همایون ما ثبت و بسلك ...

س ۸- تحریر کشیده اند ، مینماید که العالیجاه بعد از شرف اطلاع
رقبه بر مضمون مطاع ناقله لازال فی الاقطاع و الارباع مقرر دارد که در
کُل محال متعلقه بالعالیجاه ، ساکنین و منوطین بقانون از هر شریعت و
طریق اطهر و ناهج منهج قلت بیضا ...

س ۱۰- مطاع ، حدّ مورد ، جاری ساخته است و باز موأخذ سازد
... چنانچه احدی باعمال شنیعه دیگر مطلع گشته ، اعلام نمایند ، آن
شخص را بنوعی وسیله تأدیب نمایند که موجب عبرت دیگران گردد و
العالیجاه بعلت وجوهات مزبوره یا چیزی ...

س ۱۱- باز یافت نمود ، نگذارد که آفریده نگذارد . بدان جهت
دیناری طمع و توقع نماید و خلاف کننده ، از مردودان درگاه و محرومان
شفاعت حضرت ، و مستحقان ، لعنت و نفرین ملائکه آسمان و زمین باشد
و اهالی و اوباش ...

س ۱۲- نیز از کبوتر پرانی و گرگ دوانی و نگاه داشتن گاو و قوچ و
سایر حیوانات جهت جنگ و پر خاش که باعث خصومت و عناد و موجب

انواع شورش و فساد است، ممنوع ساخته آن ارباب را از لوازم شمرند
 س ۱۳- دقیقه ای در استحکام احکام، طاووعه و اشاعت و اجرای او امر
 شریفه فرو گذاشت ننمایند و از جوانب، بر این جمله عدلت مشحون
 روند. و بر عموم خلایق بر سنگ نقش کنند و در مساجد جامعه نصب
 نمایند و در این ابواب قدغن دانسته، هر ساله رقم ... تحریر شهر
 شوال ۱۱۱۶ (!؟) (۱)

س ۱۴- در زمان ایالت وحشت و شوکت و اقبال و عظمت و اجلال
 دستگاه عمده الامر العظام، یکرنگ اخلاص امین، کلب آستان...
 س ۱۵- علی ابن ابی طالب، حسین خان بن شاه و یردی خان فی
 سنة الف و مأیه وسیع (۲)

* * *

مقبره بابا طاهر

این مقبره در محله ای به همین نام در جنوب شهر و در غرب قلعه فلك
 الافلاك واقع شده است. سبك بنای مقبره قدیمی است و در ورودی آن
 بسمت جنوب، باز میشود. ساختمان اصلی هشت ضلعی است که چهار
 ضلع اصلی آن هریک ۲/۵ متر و اضلاع فرعی هریک ۱/۷۰ متر میباشند
 در گوشه های آن چهار طاق ساخته شده و سپس طاق اصلی بر روی آنها
 زده شده است. ارتفاع گنبد تا کف ۶ متر میباشد. (تصویر شماره ۴۷)
 در وسط، قبر قرار دارد که ابعاد آن ۵۲ × ۱۰۰ × ۱۷۷ سانتیمتر است و

۱- ممکن است ۱۱۰۶ باشد که اشتباهاً ۱۱۱۶ نوشته شده است.

۲- قسمت های از این سنگ نوشته با همکاری آقای محمد حسین مولوی خوانده شد

اخیراً اداره اوقاف، صحن حرم و روی قبر را با موزائیک فرش نموده است. روی قبر ضریحی چوبی بابعاد $۱۲۷ \times ۱۲۸ \times ۱۹۸$ گذاشته شده است. دربالاسر (سمت غربی) اطاقی است بدرازای ۵ متر و پهنای $۲/۵$ متر که اکنون هم آنرا «قلندرخانه» میگویند. باعث قنادمردم خرم آباد، این قبر متعلق به باباطاهر عریان شاعر و عارف مشهور است که دوبیتی های خود را نیز بگوش لری سروده است. ولی نگارنده سنگ قبر یا سنگ نوشته دیگری که مشخصات صاحب قبر را داشته باشد نیافتم. یکی از معمرین محله مذکور، مدعی بود که شجره «مدفون» بنام باباطاهر، باچند دوبیتی روی چوبی نوشته شده بود که وسیله شخصی که گویا دیوانه بوده است، در سالهای پیش ازین رفته است.

*

دوبرادران

در غرب شهر خرم آباد مقبره ای است که تمامی آن با آجر ساخته شده است. در جای آن کفش کنی است بطول ۴ و عرض ۲٫۵ متر. ارتفاع گنبد نزدیک به ۸ متر است. در داخل مقبره دو قبر کنار هم دیده میشود که روی هر یک ضریحی چوبی قرار داده شده است. قبور، متعلق به دوبرادر بنامهای سید ابوالوفاء و سید علی میباشد. بعضی اعتقاد دارند که آندو از اعقاب امام موسی الکاظم (ع) میباشد. از این مقبره سنگ نوشته و یا نسب نامه ای بدست نیامد.

پل خرم آباد

بر روی رودخانه‌ای که از میان شهر خرم آباد میگذرد، پلی از دوره صفویه، باقی است که هنوز مورد استفاده قرار میگیرد.

قبلاست چشمه داشت، که غیر از موج شکن ها و پایه ها، بقیه آن با آجر و ملاط ساخته شده است. ارتفاع پل ۱۸ متر است: این پل سنگ نوشته‌ای دارد بطول ۲ متر و عرض ۸۵ سانتیمتر که بر چهار گوشه آن کلمات «یا حی» «یا قیوم» «یا حافظ» «یا دائم» و در حواشی آن فواتح قرآن، مانند (یس-طس-الم-ص-حم) و در سطح آن آیه‌ای از قرآن مجید و دو سطر که سطح سنگ را سه قسمت نموده، و در فواصل قسمت هاحرف «ر» دوست مرتبه [در هر سطر ده بار] نوشته شده است شاید بتوان با مطالعه این سنگ، رموز و ابهامی را کشف کرد که تاریخ‌بنای آنرا مشخص سازد. (تصویر شماره ۴۸)

چند سال قبل برای تعریض پل چند چشمه و سطر را خراب کردند و این کتیبه از میان بدنه پل بدست آمد.

در دو طرف شرق و غرب نیز غرفه‌هایی در پل ساخته شده است. دوپل دیگر اخیراً در مسیر خیابانهای پهلوی و سعدی بر روی این رودخانه زده شده است.

مقبره زیدبن علی

مقبره زیدبن علی : در محله ای به همین نام و در غرب مسجد جامع واقع شده است. حریم مقبره ، زمینی است بوسعت تقریبی شش هزار متر مربع که در گذشته ، قبرستان بوده است. در وسط این زمین مقبره ای ساخته شده ، و شامل سه قسمت ، کفش کن ، نمازخانه و حرم می باشد. و در دو طرف آن ، دو گلدسته مدور آجری که قطر و ارتفاع هر یک ۴۰ و ۲ متر است ساخته شده است ، طول و عرض رواق نیز ۱۳×۳۰ و ۶ متر می باشد (تصویر شماره ۴۹)

دو لنگه در اصلی حرم از چوب مخصوصی است و اندازه در لنگه در ۷۵×۱۰۷۵ متر است که روی آنها کنده کاریهای زیبایی شده است و آیات و کلمات مقدسی با خط نسخ و بطور برجسته نقش کرده اند. روی لبه لنگه شرقی ، نام استادکار نجار و تاریخ ساختن آن چنین ذکر شده. (عمل استاد علی بن جمال الدین اصفهانی ، تحریر فی شهر ذالقعده سنه خمسین و تسعمایه «۹۵۰» (تصویر شماره ۵۰)

بنای کنونی مقبره در سال ۱۳۰۷ هجری قمری ساخته شد است. برابر حکایت سنگک نوشته ای بخط کوفی ، مقبره برای اولین بار در سال ۴۰۴ هجری قمری بفرمان بدر بن حسنویه ساخته شده و کتیبه شامل پنج سطر و متن آن چنین است. (تصویر شماره ۵۱)

س ۱- بسم الله هذا ما امر ببنائه

- س ۲- میرالاجل ابوالنجم بدر بن حسنو
- س ۳- یه بن الحسین مو [لی] امیر المومنین
- س ۴- اطال الله بقاءه و فرغ من به [سائه]
- س ۵- فی سنة اربع واربع مائه نفعه الله (ه)
- این بنادر سال ۱۱۱۷ هجری قمری تعمیر و قسمتی از آن تجدید ساختمان گردید و سنگ نوشته ای از مرمر سبز، که تاریخ تعمیر بناراً مشخص میسازد بر بالای در ورودی حرم نصب شده و اندازه آن ۷۵×۱۲۰ سانتیمتر و شامل ۱۳ سطر است. و متن آن چنین است. (تصویر شماره ۵۲)
- س ۱- بسم الله الرحمن الرحيم ...
- س ۲- الحمد لله الذي دلنا على السبيل الرشاد والعن لنا بيان الاعتقاد ...
- س ۳- الصلوة على نبيه محمد وآل شفاع يوم الميعاد. امّابعد، عمارت این زاویه ...
- س ۴- مشرفه متبرکه که منوره مطهره امام زاده واجب التعظیم والتکریم امام زاده زید بن ...
- س ۵- علی ابن الحسین، علیه وآبائه السلام که از تاریخ بنایش الی الان ...
- س ۶- ششصد و یازده سال است بدست یاری همت اختر تدنس صدق کیش
- س ۷- ملجاء الافاخم وملاذالا عاظم، مفخر الانام، فی الايام، عمدة الامراء العظام الکرام ...

*- این کتیبه اکنون در انبار مقبره نگهداری میشود ولی تاریخی که در آن ذکر شده است با متن کوفی ۱۰۲ سال تفاوت دارد.

س ۸- (خوانده نشد) فاه و دودمان عز و علا، خلاصه خاندان امجد و بها
الامیر الافخم الاجل...

س ۹- علیمردان خان خلف ارجمند غریق لبّه حضرت...

س ۱۰- یزدان مرحوم حسین خان تغمّد الله بالغفران و سرکاری (۴)

س ۱۱- آثار حرّیت شعار، حاج الحرمین الشریفین حاجی....

س ۱۲- ابراهیم اصفهانی پیرایه تعمیر پذیرفت و کان ذلك

س ۱۳- تاریخ شهر رمضان المبارک سنه سبع و عشرو مایه ... (۱۱۱۷)

در دو گوشه بالای سنگ، نام حجّار [العبد محمد صالح] نوشته شده

است و در ذکر تاریخ رقم هزار نیامده است...

این بنا ۲۹۰ سال پس از تعمیر، ویران شده و در سال ۱۳۰۷ هجری

قمری تجدید بنا گردیده است و همان بنائی است که امروز نیز باقی است.

سنگ نوشته ای که تاریخ بنای کنونی بر آن بطور برجسته نوشته

شده، شامل هشت سطر شعر است که بر دیوار شرقی کارگذاشته شده و اندازه

آن ۴۵×۶۶ سانتیمتر است که در آن بانی و سازنده را معرفی نموده

است و متن آن چنین است.

ایکه الهی و رحمانی و سبحانی عظیم

دو جهان پیش تو يك مشت عظامست و رمیم

این که زید بن علی بن حسین ابن علی است

در جوارش چو سنگ کف منم شیخ عذیم

من خطا کار سیه نامه سزاوار عذاب

نو خداوند خطا پوش و عطا بخش و کریم

بهمان اسم که آنی بصفاتی که چنان
 بگذر از شیخ ندیم ای که تویی رب رحیم
 بنی و علی و آل و به اسم اعظم
 رحم کن (خوانده نشد)
 آ حسین بن جهانگیر که بانی بناست
 باد پر وجه حسن جاش بجنات نعیم
 بود بنشاس حسینعلی اصفهانی (؟)
 بعلی ابن حسین بخش تو این نفس سلیم
 سیصد و هفت ز هجرت بود از بعد هزار
 که شد این روضه بناشیخ چو قطمیر مقیم

بنای مقبره هشت ضلعی است که چهار ضلع اصلی هر يك ۳۳۶
 متر و چهار ضلع فرعی ، هر يك ۱۷۵ متر است و هر ضلع به اضلاع
 کوچکتری تقسیم میگردد بصورت طاس و نیم طاس تاطاق بهم میرسد.
 تمام بنا از آجر ساخته شده است .

صندوق چوبی قهوه‌ای رنگی روی قبر گذاشته شده و بانقوش جالب
 توجهی کنده کاری گردیده است. روی آن معجری چوبی گذاشته شده است
 (تصویرهای شماره ۵۳ و ۵۴ و ۵۵)

در هر دو گلدسته پله‌هائی برای رفتن به پشت بام مقبره ساخته‌اند
 بنا بحکایت هر دو کتیبه این گنبد متعلق به زید بن علی بن حسین علی
 بن ابیطالب علیه السلام میباشد .

مقبره محمد جلاله

در تنگه باباعباس واقع در شش کیلومتری جنوب غربی حرم آباد در دامنه کوه سفید کوه بفاصله يك كيلومتر از معبد مهری ، مقبره ای است که به «محمدجلاله» مشهور است. بنای اصلی . چهار ضلعی است که هر يك از اضلاع آن ۳٫۵ متر است .

۱٫۶۰ متر از دیوار ، با سنگ و بقیه با آجر ساخته شده است به این ترتیب که از بنای چهار گوش ۱۲ یال از ملاط جدا شده که بین آنها را با آجر ، طاق زده اند . در ورودی مقبره ، جنوبی است و اندازه آن ۱ × ۱ متر است . در سه دیوار دیگر ، قرینه در را بشکل محراب ساخته اند . در اطراف مقبره . شعاع ۱۰ متر حریمی را که با دیوار سنگ چین شده است . محدود کرده اند . اطراف مقبره گورستانی است قدیمی . طاق مقبره فرو ریخته و دیوار ها هم در حال ویرانی است (تصویر شماره ۵۶).

خانواده های موسوم به عباسی مقیم شهر خرم آباد ، «محمدجلاله» را جَد اعلای خویش میدانند . روی قبر و در داخل مقبره سنگ نوشته ای دیده نشد .

مقبره میرسید علی

در غرب مقبره زید بن علی، مقبره‌ای است معروف به «مقبره میرسید علی» که دارای کفش کنی است و در دو طرف آن چند طاق‌نما ساخته شده است و طاق نمای جنوبی دری چوبی داشته و محل ورود به کفش کن بوده است. کفش کن و حرم که قبر در آن واقع شده است، بوسیله یک دری چوبی از نوع ارسی از هم جدا میشوند.

در هلالی بالای این در، منبت کاری و تزئینات بسیار زیبایی بکار برده شده است به اینصورت که در سطح آن هفت ستاره شانزده یال هست که فواصل آنها را شعاع‌هایی با اشکال برگ درختی و هندسی بر کرده است و تمام آنها با قطعات شیشه الوان تزئین شده است. چوب حاشیه این این هلالی، به مرور زمان فرسوده و ریخته شده است. در مقبره بطرف مشرق باز میشود.

مقبره اصلی بشکل هشت ضلعی است که اضلاع فرعی آن کوچکتر و طاق بر هشت ضلع استوار شده است.

روی کف مقبره سنگ قبری است بطول ۱۲۰ و عرض ۷۵ سانتیمتر که نام دو نفر با خط نسخ زیبایی بطور برجسته روی آن کنده شده است و این دو نام عبارتند از، آقامیرسید علی و آقا میر سید محمد جعفر کد ایندو. برادر بوده‌اند. مرحوم آقا میر سید علی بسال ۱۲۳۵

هجری قمری و آقا میر سید محمد جعفر در سال ۱۲۴۹ هجری فوت شده‌اند و هر دو تاریخ در حاشیه پایین سنگ، پس از جمله (الملك الاکبر) کنده شده است. اجساد در دخمه زیر کف مقبره که در بچه آن در سمت شمالی قبر قرار دارد دفن شده اند.

مرحوم آقا میر سید علی و برادر او از سادات مهاجری هستند که از شوستر به لرستان آمده‌اند و جدّاعلای میر سید علی بنام میر سید عزیز الله، عموی سید نعمت الله جزایری است که مقبره او در «جایدر» واقع شده است و در بخش‌های آینده ذکر می‌شود از آن خواهد آمد
گویا مرحوم آقا میر سید علی تألیفاتی داشته است که متأسفانه دسترسی به آنها ممکن نشد (ه)

حوض موسی

در مشرق شهر خرم آباد به فاصله دو کیلومتر، دره‌ای است بنام بست از کوه «مدبه» (۱) موسوم به «حوض موسی» و این نام به علت وجود حوض و سنگ نوشته ای است که به همین نام مشهور است.
این آثار در قسمت خاوری دره و در سینه کش کود به ارتفاع تقریبی ۲۰ متر از سطح دره قرار دارند. بر روی صخره‌ای بر سر راه آن پنج پله

❖ آیت الله آقای حاج آقا عباسی جزایری برخی از این اطلاعات را در اختیار نگارنده گذاشته اند.

کنده شده است که بلندی هر پله ۱۵ سانتیمتر است. (تصویر شماره ۵۷)
 بر روی قسمت سطح صخره، حوضی کنده شده است که طول و عرض
 و عمق آن به ترتیب ۵۵ و ۲۰ سانتیمتر است. این حوض فقط در زمستان
 پر از آب باران می‌شود. (تصویر شماره ۵۸) بر سطح دیوار کوه که در شمال
 حوض بفاصله ۳ متر قرار دارد، کتیبه‌ای کنده شده است که طول و عرض
 آن ۴۲×۳۲ سانتیمتر و شامل پنج سطر است و مربوط به عهد سلطنت
 ناصرالدین شاه قاجار است و متن آن چنین است. (تصویر شماره ۵۹)
 س ۱- در زمان ناصرالدین نبی ظل الله...

س ۲- عهدشه مسعود خورشید عدالت ظل شاه...

س ۳- حاج محسنخان خوانسالار حاکم، امر کرد...

س ۴- در سیم بعد الف این سنگشند تاریکگاه...

س ۵- سنه یک هزار و سیصد ۱۳۰۰.

این محل در قدیم یکی از گردشگاههای مردم خرم آباد بوده در
 جنوب این دره، گورستان «جی» یا کلیمیان خرم آباد واقع شده است.

تصاویر
فصل اول تا چهارم



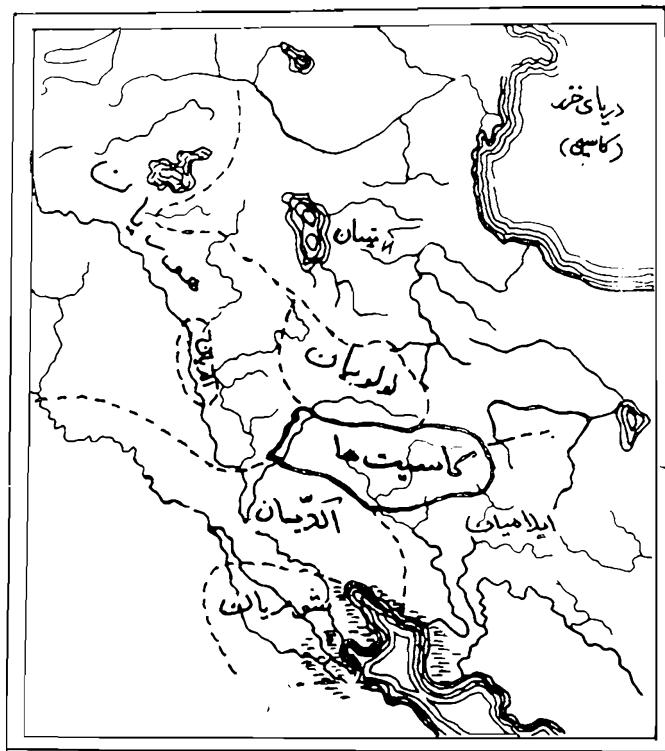
يك زن و مرد در با لباس محلی



ایلدر حال کوچ کردن به سوی گرمسیر. «مربوط به صفحه ۲۰»



نمونه‌ای از زندگی کوچ نشینی لرستان در يك اقامتگاه • موقت •



نقشه محدوده فرمانروائی کاسپیت ها، دربربط به صفحه ۲۶،



تصویر شماره ۱- ابتدائی ترین سفال مکشوف از روستای لرسه



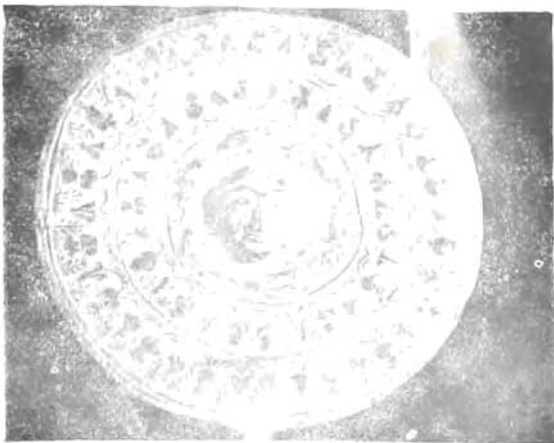
تصویر شماره ۲- بت مفرغی، سروش، لرستان،
۱۰۰۰ تا ۹۰۰ ق. م، ارتفاع ۱۸ سانتیمتر



تصویر شماره ۳- «اشی» الهه مادر - لرستان ، قرن ۸ تا ۷ ق.م ، مجموعه خصوصی ، پاریس ، عکس از کتاب هنر ایران تألیف گیرشمن



تصویر شماره ۴- روکش تیردان، لرستان، سرخ دم کوه دشت، ۸۰۰ ق.م، ارتفاع ۵۳ سانتیمتر، دوزة هنری متروپولتین نیویورک. عکس از کتاب شاهکارهای هنر ایران تألیف پوپ.



تصویر شماره ۵۰. سر سنجاق‌های فرغ‌کنده کاری، لرستان، سرخ‌دم کوه‌دشت
۸۰۰ ق.م، قطر ۱۴ سانتیمتر عکس از شاعکارهای هنرایران تألیف پوپ



تصویر شماره ۶. سفال‌های سه پایه دار با نقش سبذیاف مکشوف از نیه در گه، بخش کوه دشت



تیغه‌دهنه مفرغ ریختگی، لرستان، ۱۰۰۰ تا ۸۰۰ ق.م. طول ۱۱ سانتیمتر، مجموعه مرحوم فرانکلین موت گوتتر. عکس از کتاب شاهکارهای هنر ایران تألیف پوپ.



تیغه دهنه مرغی، لرستان، ۱۰۰۰ تا ۸۰۰ ق.م، طول ۱۳ سانتیمتر،
هوزه دانشگاه فیلا دلفیا، عکس از کتاب شاهکارهای هنر ایران
تألیف پوپ.



تینف دهنه، مفرغ ریختگی، لرستان، ۱۰۰۰ تا ۹۰۰ ق.م. عرض ۱۲ سانتیمتر،
عکس از کتاب شاهکارهای هنر ایران تألیف پوپ.



تیمه دهانه فرغ و ریختگی، لرسنان، ۱۰۰۰ تا ۹۰۰ ق.م. عرض ۱۲ سانتیمتر
موزه سن سینانی، عکس از استادکارهای هنر ایران تألیف پوپ.



طرف دیگر لیوان مفرغ کنده کاری



لیوان مفرغی کنده کاری، ارستان، حدود ۸۰۰ ق.م. ارتفاع، ۱۴ سانتیمتر، مجموعه مرحوم بانو کریستن. ر. هولمز، عکس از کتاب شاهکارهای هنر ایران تألیف پوپ.



تیغه‌دهنه مفرغ‌ریختگی، لرستان، ۱۰۰۰ ق.م، ارتفاع ۱۶ سانتیمتر. مجموعه مرحوم بانو کریستن ده‌هولمز. عکس از کتاب شاهکارهای هنر ایران تألیف پوپ.



ساغر، مفرغ دیختگی، لرستان، ۹۰۰ ق.م



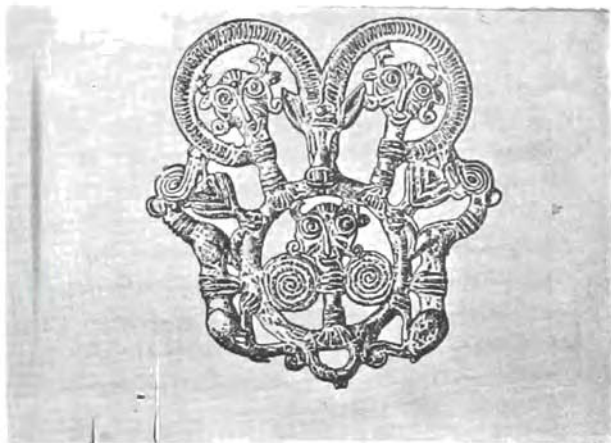
دسته خنجر لرستان، قرن ۸ تا ۷ ق.م، موزه بریتانیا، عکس
از کتاب هنر ایران، تألیف گیرشمن.



جام باکنیبه ، لرسن ، قرن ۲۴ ق.م ، عکس از کتاب هنر ایران ، تألیف گیرشمن



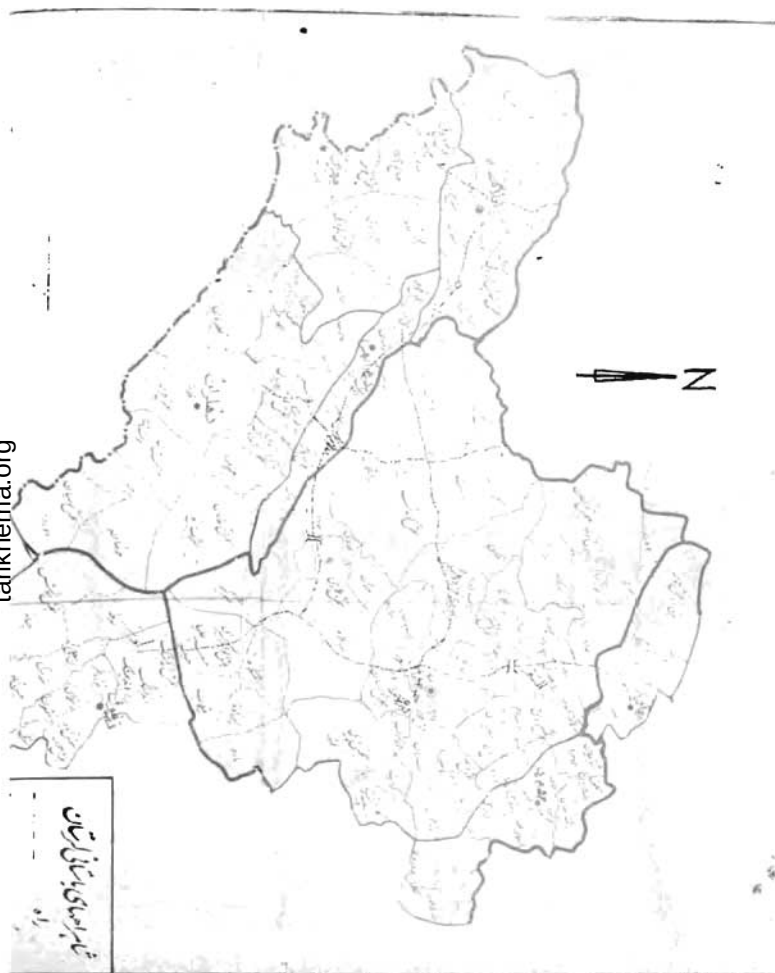
خنجر با کنیه لرستان، قرن ۱۳ ق.م، عکس از کتاب عنرايران، تأليف گيرشمن



لگام ، مفرغ، ریختگی ، لرستان ، اواسط هزارهٔ دوم ق.م، عرض ۱۲ سانتیمتر
عکس از کتاب تاریخ ماد ، تألیف دیاکونف



مفرغ ریختگی، لرستان، اواسط هزاره دوم ق.م، دوزه آرمیناز، عکس از کتاب تاریخ
 ماد، تألیف دیاکونف



نقشه راههای باستانی لرستان ، مربوط به فصل سوم



تصویر شماره ۷ - منظره‌ای از غرب دره خرم آباد



تصویر شماره ۸ - منظره دیگری از دره خرم آباد



تصویر شماره ۹ - منظره‌ای از پانگر و اقامنگاه‌های موفنی دوره حجر اولیه



تصویر شماره ۱۰- غار پاسنگر ، اقامتگاه موقتی کهنه سنگی



تصویر شماره ۱۱ - غار کنجی که از آن آثار مربوط به دوره پالئولیتیک
مستری بدست آمد



تصویر شماره ۱۲ - غار قمری یکی دیگر از اقامتگاههای دوره پالئولیتیک مستری خرم آباد



تصویر شماره ۱۳ - پل‌های معبد هری دره باباعباس



تصویر شماره ۱۴ - دهانه و نمای خارجی سردآبه مبد مهری دره باباعباس



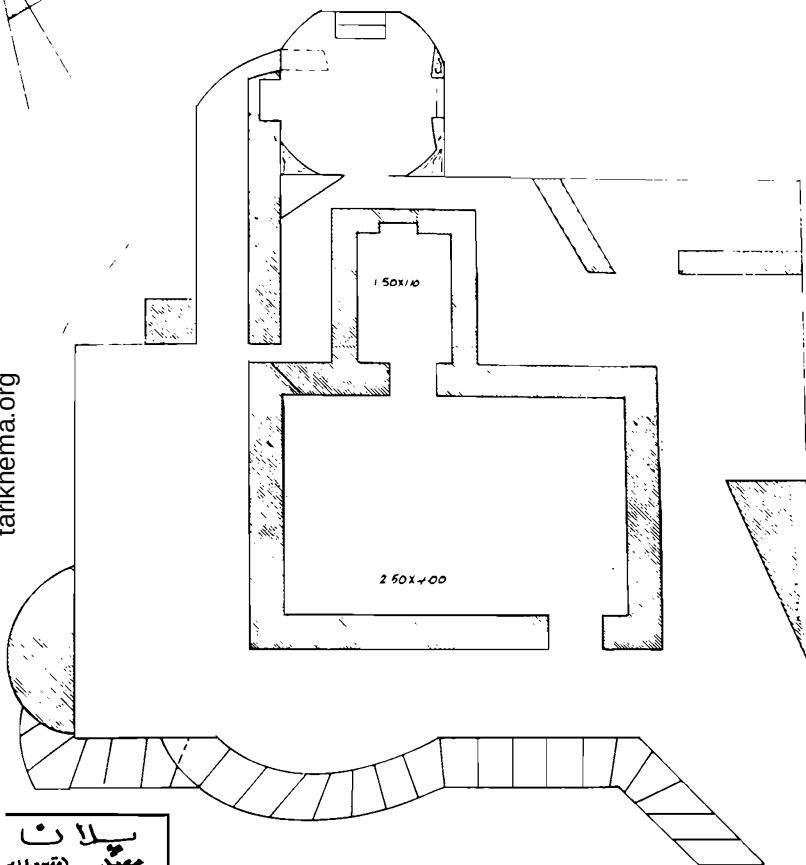
تصویر شماره ۱۵ - ستونهای ساخته شده در زیر تینهای جلو آمده کوه
در کنار دخمه مهرپرستی دره باباعباس



تصویر شماره ۱۶ - تصویر کلی از معبد مهری دره باباعباس
در پشت درخت، سمت چپ عکس قربانگاه معبد

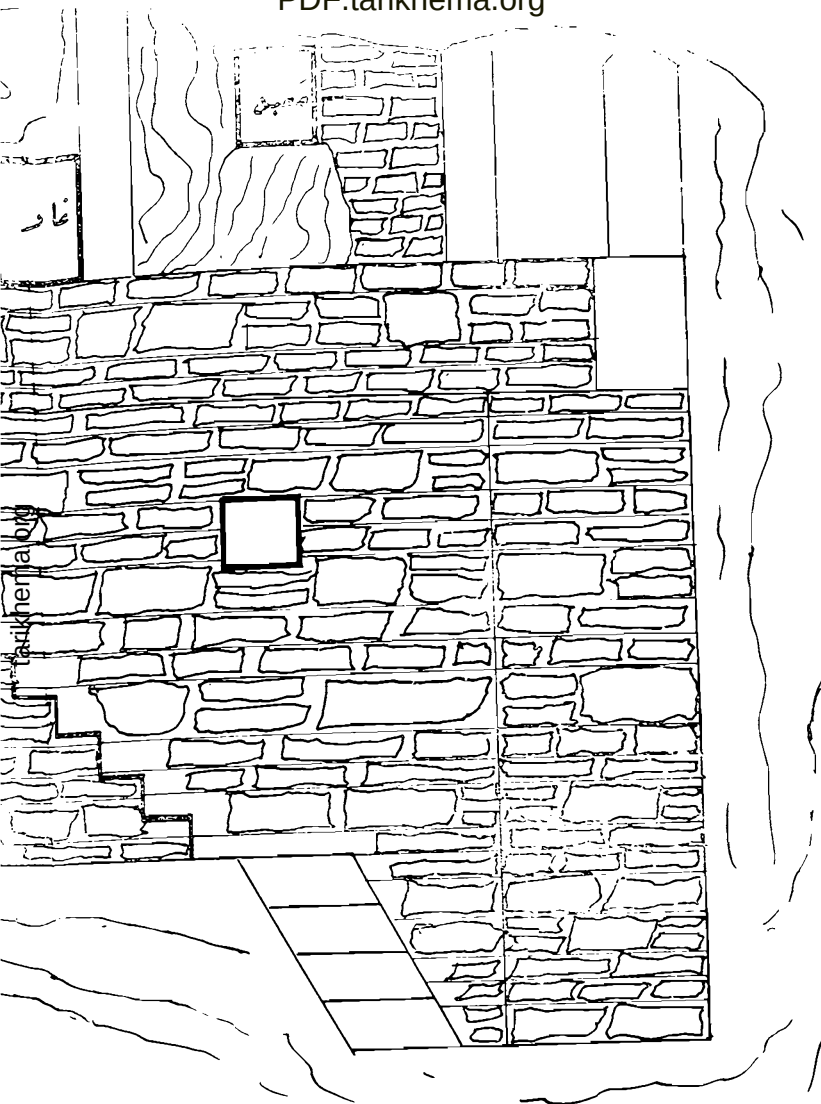


tarikhema.org



سلات
 معبد
 (مقبره باباء)
 ۱۴۲۵
 باقر حاشم
 مقاس
 ترميم

پلان کلی معبد مهری دره باباعباس





تصویر شماره ۱۷ - باقیمانده دیوار آسیاب شهر «شاپور خواست»



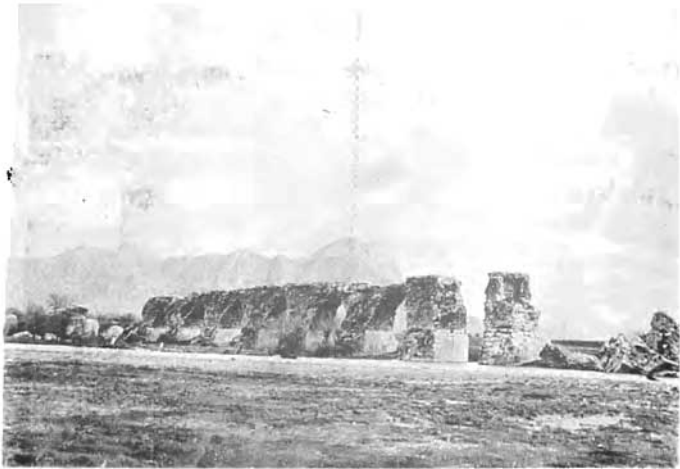
تصویر شماره ۱۸۸ - ستون سنگی مکشوف در خرابه‌های دهه اولی شهر شاپورخواست



این سنگ نوشته که بخط کوفی است گویا در بنای يك آب انبار کار گذاشته شده باشد . اخیراً در خرابه های شهر قدیمی «شاپورخواست» بدست آمده است . اندازه آن 107×60 سانتیمتر است و مربوط به سال ۳۷۵ هجری قمری است و دستور بدرپسر حسنویه نوشته شده و متن حاشیه آن چنین است :

بسم الله، ما امر بنائه الامير الاجل ابوالنج ... (يك كلمه شكسته)
[بدر] بن حسنویه

در نسمت وسط : سنة خمس و سبعين و ثلثمائه



تصویر شماره ۱۹ - باقیمانده پل شاپوری واقع در جنوب شهر خرم آباد
عکس از آقای دکتر منوچهر ستوده



تصویر شماره ۲۰ - قسمتی از دیواره گرداب سنگی خرم آباد



تصویر شماره ۲۱ - دریچه گرداب سنگی خرم آباد



تصویر شماره ۲۲ - باقیمانده دیوار آسیاب دره باباعباس



تصویر شماره ۲۳- در ورودی قلعه فلك الافلاك



تصویر شماره ۲۴ - دری که منتهی به جاه قلعه فلا الافلاک میشود



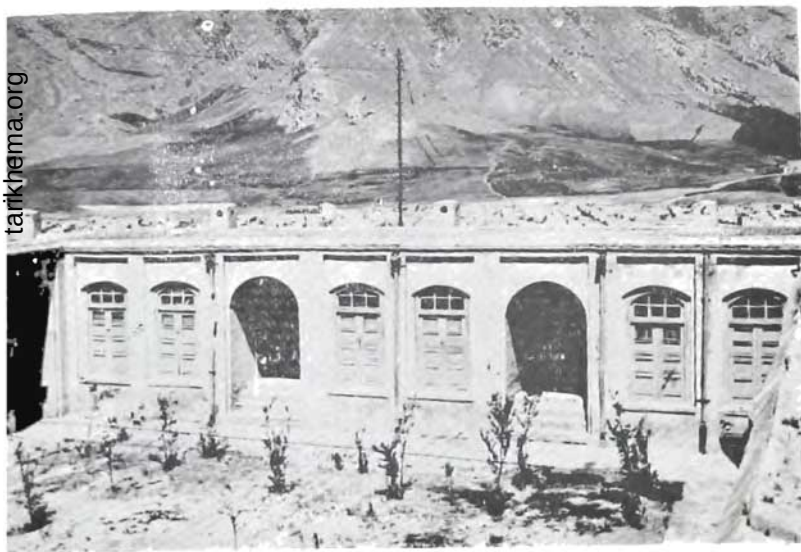
تصویر شماره ۲۵- نمای اطاقهای جنوبی صحن دوم قلعه فلك الافلاك



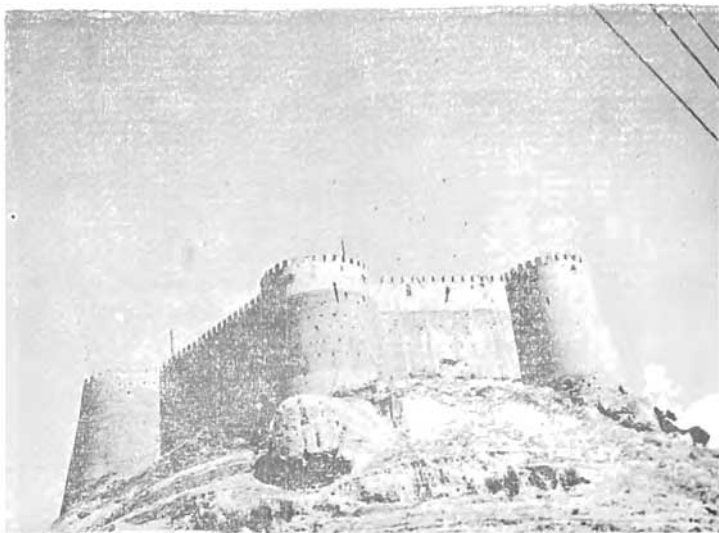
تصویر شماره ۲۶- نمای داخلی یکی از اتاقهای شمالی صحن دوم
قلعه فک الافلاک



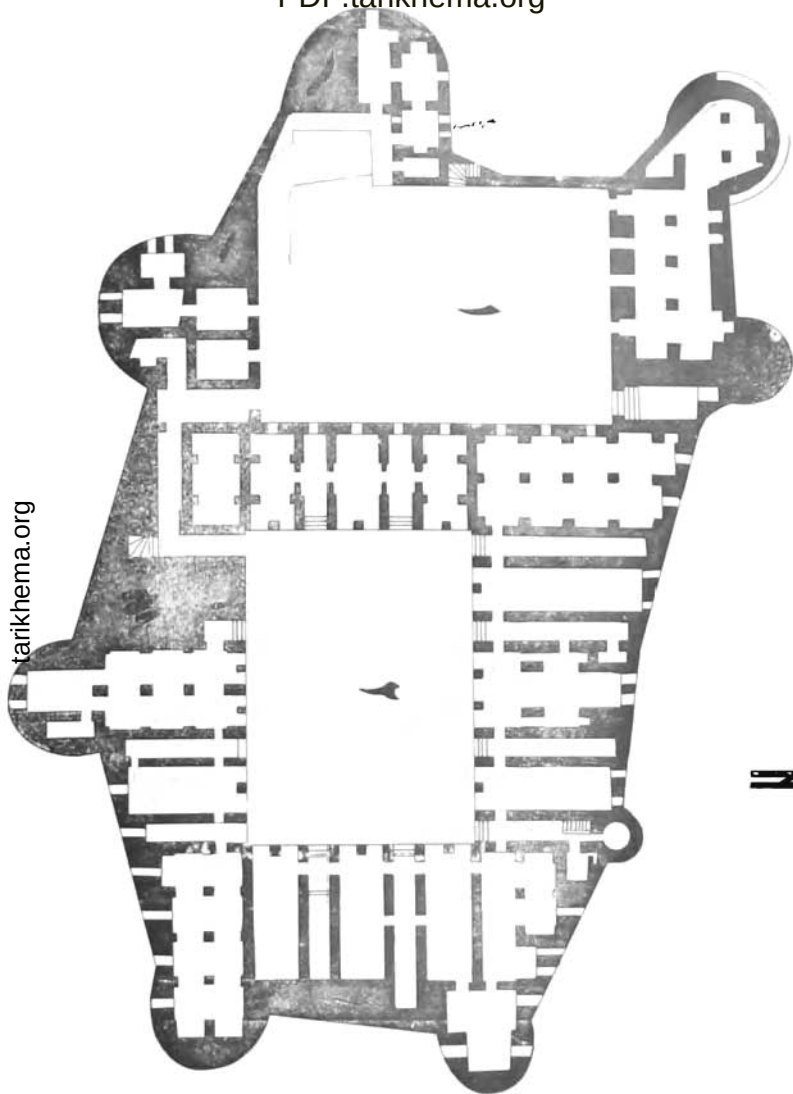
تصویر شماره ۲۷ - نمای خارجی دیوار و برجهای شرقی قلعه فلك الافلاك



تصویر شماره ۲۸ - نمای خارجی اطاقهای بین دو مسجد قلعه فک الافلاک



تصویر شماره ۲۹ - نمای خارجی برجهای جنوبی قلعه فلك الافلاك





تعبیر شماره ۳۰- سنگ نوشته، مربوط به سال ۵۱۳ هجری قمری



تصویر شماره ۳۱ - خطوط چهار سطح سنگ نوشته



تصویر شماره ۳۲ - مناره آجری شهر باستانی شاپورخواست، واقع در
جنوب شرقی شهر کنونی



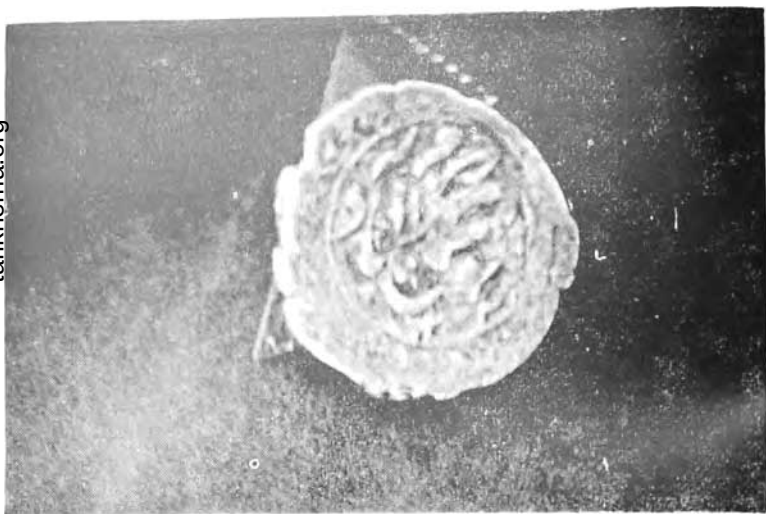
تصویر شماره ۳۳- مقبره خضر واقع در گورستان شهر خرم آباد



نمای قسمتی از شهر کهنه خرم آباد، عکس از آقای دکتر منوچهر سنوده



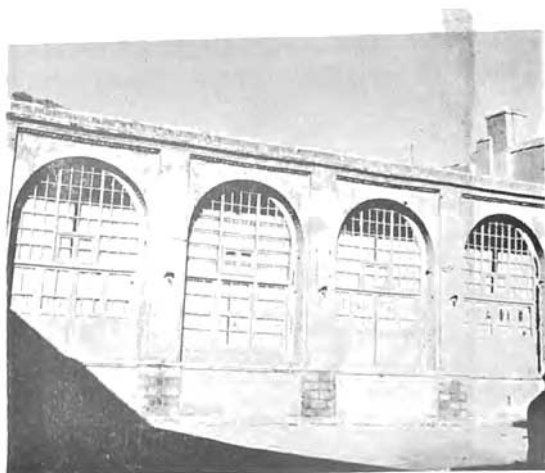
نمای قسمت نوساز شمالی شهر خرم آباد، عکس از آقای دکتر منوچهر ستوده



تصویر شماره ۳۴- سکه‌ای که کلمه «خرم‌آباد» بر آن نوشته شده است ، پنج برابر
بزرگتر از اصل



تصویر شماره ۳۵- طرف دیگر سکه ، نقش يك شیر در حال حمله به يك گوزن
پنج برابر بزرگتر از اصل



تصویر شماره ۳۷ - نمای غربی مسجد جامع خرم آباد



تصویر شماره ۳۸- محراب شرقی شهنان غربی مسجد جامع خرم آباد



تصویر شماره ۳۹۰ - نمای داخلی شبستان غربی



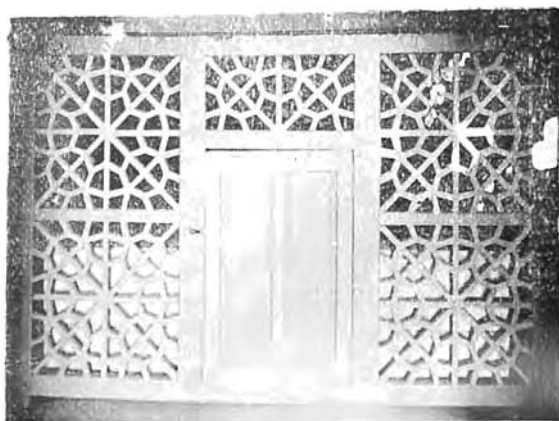
محراب دیگر شہزادان



تصویر شماره ۴۰- گنبد زاهدشیر، واقع در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی خرم آباد



تدویر شماره ۴۱ - در چوبی مقبره زاهد شیر



معجر چوبی مقبره زاهد شیر



تصویر شماره ۴۲ - سنگ منوش شاهزاده عبدالله
در ۱۰ کیلو متری جنوب غربی خرم آباد



تصویر شماره ۴۳ - سنگ نوشته ، مربوط به سال ۱۰۶۴ هجری قمری



تصویر شماره ۴۴ - سنگ نوشته، به خط عبری مربوط به سال ۱۰۷۲ هجری قمری

ترجمه متن این سنگ نوشته چنین است

س ۱- این دراز آن خداوند است، راستگویان درمی آیند در آن [آیه ۲۰ از مزمو
۱۱۸ زبور]

س ۲- این کنشت خانه که بنا کرده است آنرا مرحوم

س ۳- لا اسحق فرزندان مرحوم یعقوب از بزرگان

س ۴- ساکنین خرم آباد و خاتمه داد آنرا

س ۵- در اول ماه ایار و پس از آن

س ۶- آمدند کمین کنندگان و مفیدین

س ۷- غارتگران شبانه و کشتند او را

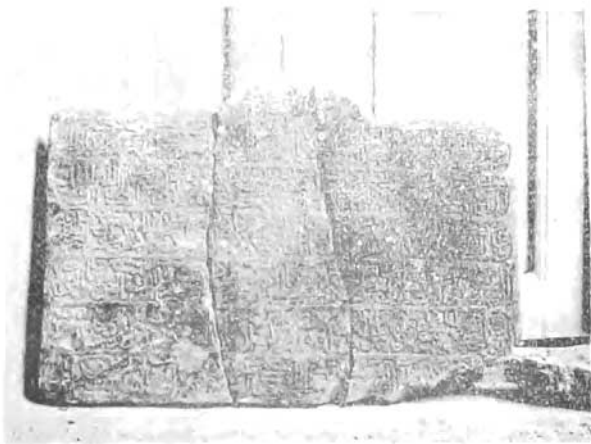
س ۸- وارزانی پسرش را و Ribgha ،

س ۹- زنتش را در خواب شبانکه

س ۱۰- در سال ۵۴۱۳

س ۱۱- از خلقت

س ۱۲- [رموزی که خوانده نشد]



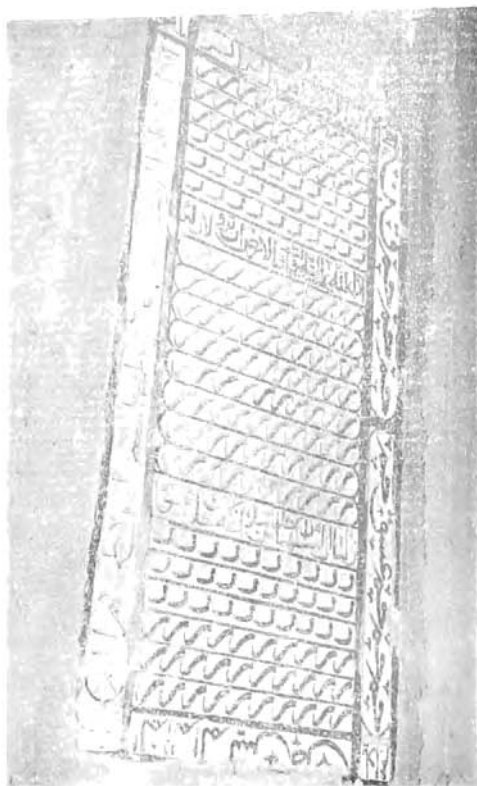
تصویر شماره: ۴۵ - قسمت اول سنگ نوشته، مربوط به سال ۱۱۰۷ هجری قمری



تصویر شماره ۴۶- قسمت دوم سنگ نوشته مربوط به سال
۱۱۰۷ هجری قمری



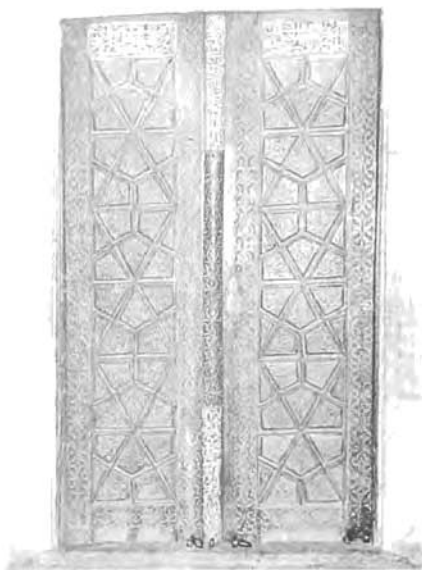
تصویر شماره ۴۷- مقبره باباطاهر واقع در شهر خرم آباد



تصویر شماره: ۴۸ - سنگه نوشته‌ای که از بهل آجری خرم آباد یافت شد



تصویر شماره ۴۹- نمای بیرونی مقبره زید بن علی



تصویر شماره ۵۰- در چوبی حرم که در سال ۹۵۰ هجری ساخته شده است



تصویر شماره ۵۱ - کتیبه به خط کوفی و تاریخ اولین بنای مقبره

عکس از آقای دکتر منوچهر ستوده

متن این کتیبه چنین است

س ۱- بسم الله هذا ما امر بینائه

س ۲-... میرالاجل ابوالانجم بدر بن حسنو

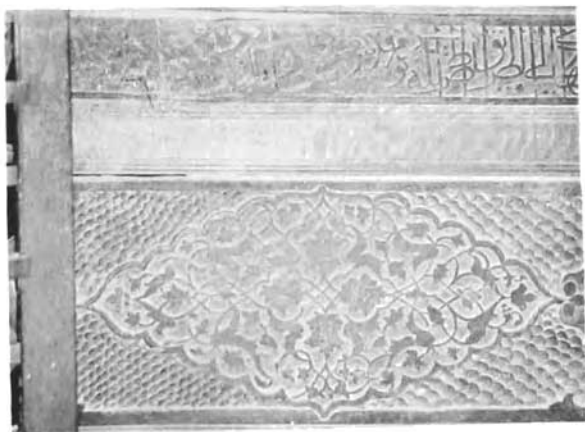
س ۳- به بن الحسین مو [لی] امیر المومنین

س ۴- اطال الله بقاءه و فرغ من بنائه

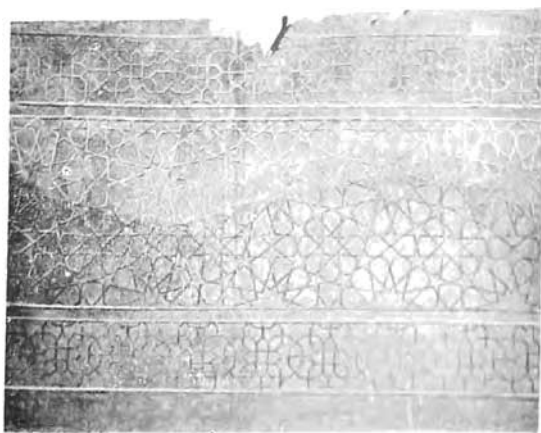
س ۵- فی سنة اربع و اربع مائه نفعه الله



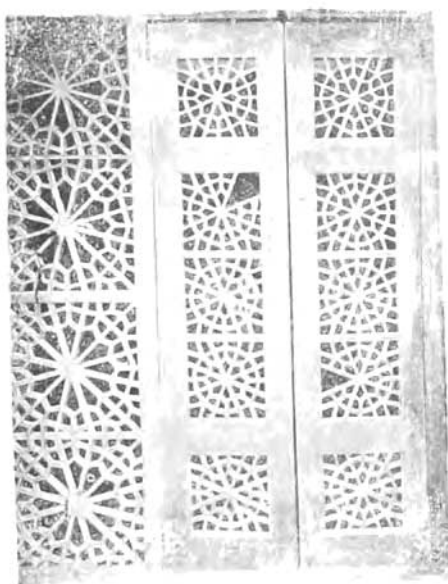
تصویر شماره ۵۲ - سنگ نوشته مر بوط به تاریخ تعمیر بنابه سال
۱۱۱۷ هجری قمری



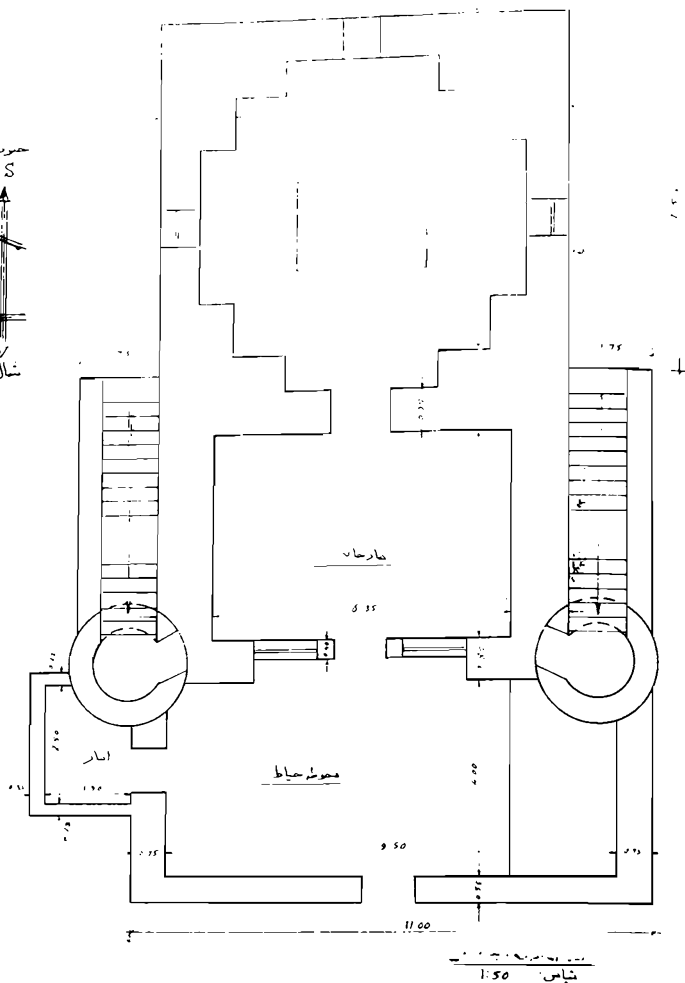
نمودار شماره ۵۳ - کند، کاری صندوق روی قبر زید بن علی



تصویر شماره ۵۴ - قسمتی دیگر از کنده کاری صندوق روی قبر زید بن علی



تصویر شماره ۵۵ - در قسمتی از معجر چوبی زید بن علی



پلان مقبره امامزاده زیدین علی - خرمآباد

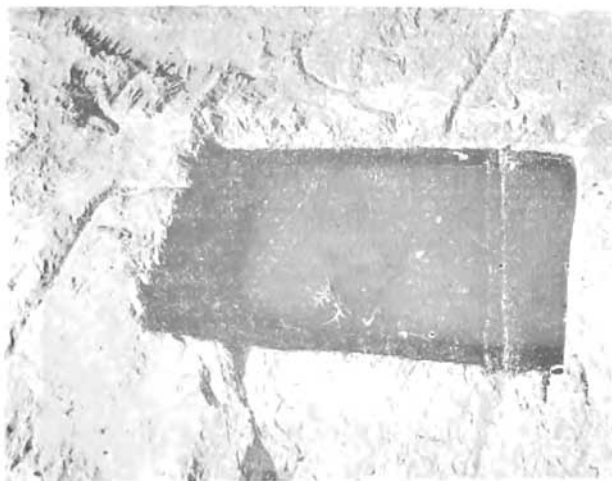
نقشه بردار : هرمز راشدی



تموير شماره ٥٦ - آثار مقبره محمد جلاله



تصویر شماره ۵۷ - پله‌هائیکه روی صخره حوش موسی کنده شده است



تصویر شماره ۵۸ - حوض موسی



تصویر شماره ۵۹ - کتیبه خوش موسی



بیوسوز از آثار دوره اسلامی

فصل پنجم

چگنی

چگنی یکی از بخشهای نسبتاً وسیع لرستان است. مساحت آن بطور تقریب یکهزار و پانصد کیلومتر مربع و محدود است از شمال به سفید کوه از جنوب و جنوب خاوری به جاده سراسری و از باختر و جنوب باختری به بخش طرهان و از خاور به محدوده شهر خرم آباد. وجه تسمیه آن ظاهراً بواسطه نام طایفه ای است موسوم به «چگن» (۱) که در خاور این بخش مسکوند و دهکده محل سکونت آنها نیز به همین نام مشهور است. گویش ساکنان آن، لری است. زمین آن نسبت به مساحت کلی این بخش اندک است. بیشتر خاک آن کوهستانی است. کوههای مهم آن عبارتند از:

۱- سفیدکوه که از شمال خاوری شروع شده و سراسر شمال آن

را چون دیواری محصور کرده است و تانگه «گاوشمار» ممتد است. طول آن نزدیک به ۴۶ کیلو متر میباشد. معابر این کوه سبب شده اند که دو بخش دلفان و الشتر به این بخش مربوط شوند.

۲- کوه «یافته» که از جنوب غربی محدوده خرم آباد شروع میشود و با شکل مخصوص و عجیب و بسیار قابل توجه و مشخص که دامنه های آن تقریباً عمودی اند، تادهکده «کی» ادامه می یابد.

۳- کوه «پل» (۱) که در غرب این بخش بطول ۲۴ کیلومتر کشیده شده و پوشیده از جنگلهای انبوه بلوط، گلابی، زالزالک، کیکم، ارغوان و مهلب است.

۴- کوههای «کَرشور آب» و «دوشه» در جنوب، که از شرق کوه دشت شروع محل پل «کلهر» واقع در شمال دهکده معمولان به رود کشکان منتهی میشود. دنباله این کوهها بسمت شرق تا «میان کوه» ادامه دارند این کوهها نیز جنگلهای بلوط زیاد دارند.

۵- کوه «بر آفتاب» بطول تقریبی ۳۰ کیلومتر با ارتفاعی کم که بیشتر دامنه های شرقی و غربی آن قابل زراعت است.

رود کشکان پس از عبور از تنگه «گاوشمار» از غرب این بخش میگذرد در نزدیکی «قریه سماق» آثار دو پل ساسانی و اسلامی که بر روی آن زده اند دیده میشود. این رود در حد جنوبی بخش چگنی به آب

رو دخانه خرم آباد می‌پیرندد .

آثار چگنی

آثار کهن و باستانی و تمدن دوره های مختلف عهد حجر و قبل از تاریخ و تمدن های بعدی آن به علت نزدیکی و همجواری ، نوعاً مانند آثاری است که در بخش طرهان مشاهده میگردود و بطور کلی پیوستگی کاملی بین آنها وجود دارد .

بخش اول

آثار دوره های مختلف حجر و پیش از تاریخ

در صفحه ۶۱ بطور خلاصه مطالبی درباره این غار

۱ - غار یافته . آورده شده است . دهانه غار بسمت جنوب است

و در دامنه کوه «یافته» واقع شده است . وجه تسمیه آن نیز از این جهت است

(تصویر شماره ۱)

سطح داخل آن بطور تقریب در حدود ۴۰ متر مربع است و در انتهای

آن نیز مقداری میشود جاو رفت . اولین هیأتی که در این غار تحقیق نموده ،

در سال ۱۳۴۳ به ریاست دکتر (فرانک هول) بود که از طرف دانشگاه

میشیگان مأموریت داشت آثار و ابزار بدست آمده از این غار مربوط به

پالئولیتیک (بارادوستی) است . از آثار غار «یافته» بررسی شده دو نوع

ته‌نشت دوره «پالئولیتیک» است.

در محدوده غار چهارکانون مهم آتش کشف شده است و تاریخ سکونت در این غار تا ۴۵ هزار سال پیش از این می‌تواند باشد و با بررسی هائیکه شده است ۲۵ هزار سال پیش سکونت در این غار منقضی شده است. (۱)

۲- تپه کرگونه
این تپه در شمال دهستان «تشنکن» (۲) و در دامنه سفید کوه واقع شده است.

تپه‌ای است نسبتاً بزرگ که بر روی آن و قسمتهائی که مردم بخاطر یافتن گنج زیر و رو کرده‌اند؟!، ابزار سنگی مانند پیکان و تیغه چاقو و نیز قطعات سفال برنگک‌های مختلف که برخی از آن هم‌دوره شوش اول است، دیده می‌شود. بطور کلی این تپه شاخص تمدنهای مختلفی است که می‌توان روی آثار آن مطالعات زیادی انجام داد.

۳- تپه تنوره‌بان
این تپه در جنوب غربی تپه «کرگونه» واقع شده است. مشخصات آثار این تپه، تقریباً مشابه تپه «کرگونه» است. قسمت شرقی این تپه نیز بعلت حفاری ناشیانه غارتگران محلی، بهم ریخته شده است و بر روی آن ابزار سنگی و سفالهای شکسته برنگک‌های مختلف و برخی منقوش، فراوان دیده می‌شود.

۱- برای اطلاع بیشتر به بخشی از فصل چهارم این کتاب مراجعه شود.

Teshken-۲

وجه تسمیه آن از اینجهت است که میگویند در این تپه تنوری پیداشد سنگی مستطیل شکل بطول و عرض ۸۵×۵۴ و عمق ۱۷ سانتیمتر که حجاری شده است دیده شد.

غیر از اینها تپه های دیگری نیز هست که از یکی از آنها ظروف مفرغی و سنگی و گرزهای سنگی و سیاه رنگی و سیله اهالی از خاک بیرون آورده شده بود که وسیله مأمورین ضبط و به اداره کابل باستان شناسی فرستاده شد. (تصویر شماره ۲)

۴- طاق ارسلان در شرق قریه (کی حاتمی) (۱) بفاصله ۱۵ کیلو متری خاور مرکز بخش، کوهی است که دنباله کوه «یافته» است.

قسمت انتهایی این کوه دیواره ای نسبتاً صاف دارد و راهی که از دره شمالی آن میگذرد به «حرور» مشهور است و راهی از این دره به کمرکش کوه میرود که «دختر راه» نامیده میشود ارتفاع این تیغه کوه بیش از ۱۲۰۰ متر است.

در سینه کوه غاری است که آنرا (طاق ارسلان) می نامند. راهی که به پائین غار منتهی میشود باید پیاده طی شود که اغلب از کنار پرتگاه های خطرناک و دو صخره عظیم باید عبور کرد.

به غار (طاق ارسلان) بهیچوجه نمی توان دست یافت. یکنفر از اهالی ازبک

۱- Key نام قریه ای و یک رشته قنات داشته است که اکنون آب آن خشک شده است

راه «بزرو» (۱) تا محلی رفت که نزدیک به ۱۵ متر پائین تر از غار قرار دارد. آنچه مسلم است دست بشر به این غار رسیده است زیرا دهانه آنرا با سنگ های بزرگ سنگ چین کرده اند.

دو موضوع قابل توجه پیش می آید اول اینکه راه این غار چگونه بوده است و دوم اینکه سنگهای سنگ چین دهانه غار چگونه به آنجا برده شده است و منظور از آن چه بوده است.

از فاصله ۲۰۰ متری بر روی تیغه جنوب آن با چشم مسأح کاوا میتوان دیوار سنگ چین شده را دید. در گوشه جنوبی غار ته و شاخه های خشک درختی نیز دیده میشود و درست شمالی میان غار حنرهای پیداست که گویا ممتد است. (تصویر شماره ۳)

بهر صورت این موضوع از نظر باستان شناسی بی اهمیت نیست. در فاصله تقریبی ۲۵ متر پائین سمت جنوب آن غاری است که اغلب محل استراحت شکارچیان است.

در انتهای این غار و ۳ متر بلندتر از کف آن درمرمره های کوه ، حوضچه ای است طبیعی که پر از آب است و آب آن از قطراتی است که از کوه می چکد و جریان آن خیلی ناچیز است (تصویر شماره ۴) این حوض تقریباً بشکل بیضی است و عمق آن ۱۰ سانتی متر و قطر بلند آن ۹۶ سانتیمتر است.

۱- راه بزرو اصطلاحاً به راهی گفته میشود که تنها بزاغلی و گوهی میتواند از آن عبور کند

غار قازّه (۱) یا مغار

در جنوب شرقی «کوه بافته» غاری است موسوم به (قازّه) یا مغار که در داخل آن تعدادی استلاکتیت و استلاکمیت دیده میشود. دهانه غار به سمت شرقی است.

در داخل غار حوضچه نسبتاً بزرگی است که عمق آن هم بیش از ۱/۵ متر است و آب آن خنک است.

در قسمت غربی دهانه غار، راه باریکی دارد که با سنگ و گچ چندپله در آن ساخته شده است.

این غار اقامتگاه موقتی است برای شکارچیان و ممکن است در گذشته این راه بوسیله شکارچیان ساخته شده باشد.

نقاشیهای غار دوشه (۲)

در جنوب دهکده و تنگه «کَرشور آب» واقع در منتهی الیه جنوبی بخش چگنی، کوهی است موسوم به «دوشه» (تصویر شماره ۵) که امتداد غربی آن به دهکده «سرخ دم» (۱) کوه دشت و دنباله شرقی آن به رومشکان و جاده سراسری و آثار پل تاریخی «کلهر» منتهی

ghazha-۱ Dosha-۲

۳- سرخ دم، همان محلی است که دکتر اشمیت ضمن حفاری علمی در آن موفق به کشف يك معبد آشوری شد در بخش کوه دشت درباره آن بتفصیل توضیح داده شده است

میشود .

در غرب تنگه «دوشه» بر بالای قله کوه، غاری است که راه اصلی آن بسته شده ، ولی بمرور زمان سقف آن بکف غار فرو ریخته و راه فعلی غار نیز از آنست ، که باید از دیوار دومتری پائین رفت (تصویر شماره ۶)

در ته غار ، ارتفاع سقف تا کف آن نزدیک به پنج متر است. داخل آن . بشکل دایره منظمی است ، که انحنای قسمتی از دیواردهای آن به علت پیش آمدن دیوار کوه ، بهم خورده است .

بر دیواره های سطح این غار، روی هم یکصد و ده نقش مختلف بارنگ سیاه ، نقاشی شده است

بدنه غربی ، غیر از نقوش ، دو کتیبه داشته است که یکی بکلی از بین رفته و نیمی از دیگری نیز محوشده است .

مهمترین علتی که موجب سالم ماندن این نقوش شده آنستکه در معرض عوامل و عوارض طبیعی قرار نداشته اند.

در دهانه حفرة های بیخ غار، استخوانهای پوسیده انسان و حیوان و سفالهای شکسته دیده شد . از این نقوش تا چند سال پیش کسی اطلاع نداشت .

نگارنده اولین کسی بوده است که از آنها عکس گرفته و جریان کشف آنها را به اطلاع انجمن آثار ملی و اداره کل باستان شناسی رسانیده است .

شرح نقش‌ها

از جنوب خاوری به شمال خاوری

۱- نقش سواری که تیردان و کمانی بدوش چپ انداخته و دهانه اسب

را در دست دارد، اندازه آن ۸×۹ سانتیمتر. (تصویر شماره ۷)

۲- نقش دو نفر پیاده تیر و کمان بدوش بفاصله چهار سانتیمتر از هم

اندازه هر یک ۲×۷ سانتی متر و فاصله آن‌ها با نقش اول ۲۴ سانتیمتر

است. (تصویر شماره ۸)

۳- نقش یک پیاده تیر و کمان بدوش به اندازه ۲۵×۷ سانتیمتر.

۴- نقش ۹ نفر که هر یک کمانی بزه شده در دست دارند. سلاح کل

نقاشی ۱۸×۱۸ و اندازه هر نفر ۳×۵ سانتیمتر. (تصویر شماره ۹)

۵- نقش یک بزکوهی به اندازه ۱۵×۱۵ سانتیمتر.

۶- نقش یک سنگ شکاری در حال حمله به سه گوزن: اندازه سطح

تمام ۱۲×۲۸ سانتیمتر و اندازه هر یک ۴×۷ سانتیمتر (تصویر شماره ۱۰)

۷- نقش یک نفر در حال تیراندازی با کمان، اندازه ۳×۵ سانتیمتر.

۸- محل کتیبه‌ای که آنرا شکسته و از بین برده‌اند. اندازه ۱۱×۲۴

سانتیمتر.

۹- قسمتی از کتیبه‌ای است در پنج - طر که به احتمال خط آرامی

است (۱) در سطح زمینه آن بانقش کمرنگ قرمز نقش يك سنگ شکاری نیز دیده می شود . اندازه کتیبه ۷×۱۰ سانتیمتر . (تصویر شماره ۱۱)
 ۱۰- نقش سواری که تیردان و کمان بدوش و نیزه ای در دست چپ دارد ؛ و بسوی دو نفر حمله کرده است ، اندازه نقش سوار ۷×۷ و اندازه هر پیاده ۵×۱۵ سانتیمتر . (تصویر شماره ۱۲)

۱۱- نقش دو نفر پیاده در حال تیراندازی با کمان به دو گوزن اندازه هر يك ۶×۶ سانتیمتر . (تصویر شماره ۱۳)

۱۲- نقش يك شکار ایستاده اندازه ۱۰×۱۴ سانتیمتر .

۱۳- نقش يك نفر پیاده در حال تیراندازی با کمان اندازه ۷×۶ سانتیمتر ؛

۱۴- نقش دو حیوان شبیه سنگ بدنبال هم ، اندازه هر يك ۶×۱۰ سانتیمتر (تصویر شماره ۱۴)

۱۵- نقش يك سنگ در حال دویدن اندازه ۸×۱۲ سانتیمتر (تصویر شماره ۱۵)

۱۶- نقش چهار شکار ایستاده ، اندازه هر يك ۶×۱۲ سانتیمتر .

۱۷- رزمگاه ، که در آن نقش ۱۸ نفر سوار و ۱۹ نفر پیاده دیده می شود سوارها در حال تاخت و حمله به پیاده ها هستند در حالی که تیردان بدوش و کمان یا شمشیر بدست دارند . در زمینه این رزمگاه نقوش قرمز محوی دیده

۱- آقای دکتر بهرام فروشی استاد محترم دانشگاه اظهار نظر فرموده که این خط آرامی است

میشود، سطح کل این رزمگاه ۸۰×۵۵ سانتیمتر است. که شرح هریک از نقوش از بالا به پائین داده میشود (تصویر شماره ۱۶)

یک- سواری با شمشیر به پیاده‌ای حمله‌ور شده، و شمشیر بر بالای سر پیاده در حال فرود آمدن است اندازه دو نقش ۱۰×۷ سانتیمتر. دو- سواری تیردان و کمان بدوش و شمشیر بدست، به سواری دیگر حمله برده و شمشیر بر سر سوار رسیده است. اندازه ۱۰×۶ سانتیمتر.

سه- یک سوار با شمشیر به پیاده‌ای حمله نموده، و پیاده یک دست خود را سپر کرده و با دست دیگر شمشیر سوار را گرفته است و او را از اسب پائین میکشد، پیاده دیگر به کمک پیاده اولی می‌شتابد، اندازه ۱۰×۷ سانتیمتر.

چهار- سواری با شمشیر بدو نفر پیاده حمله کرده است و شمشیر بگردن یکی از پیاده‌ها رسیده و پیاده دیگر به سوار در حال حمله است. اندازه ۱۲×۷ سانتیمتر.

پنج- نقش یک بزکوهی در حالیکه بر پا ایستاده. اندازه ۷×۴ سانتیمتر شش- سه نفر پیاده، شمشیر بدست دارند، اندازه هریک ۷×۲ سانتیمتر هفت- سواری تیردان و کمان بدوش آویخته، با شمشیر یک نفر پیاده را بخاک افکنده و پیاده دیگر یک دست خود را بجانب سوار دراز کرده است، اندازه ۱۴×۶ سانتیمتر.

هشت- سه نفر ایستاده در حال تیراندازی با کمان بجانب سواری هستند تیری بسوار اصابت نموده و سوار در حال فرو افتادن از پشت

زین است ، فاصله سوارتاسه نفر پیاده ۷ سانتیمتر اندازه سوار ۶×۹ و اندازه هر پیاده ۳×۶ سانتیمتر است .

نه - سواری مسلح به تیرو کمان ، با شمشیر يك نفر پیاده را بخاك افکنده است اندازه ۴×۶ سانتیمتر

ده - يك سوار با شمشیر به يك نفر پیاده حمله کرده و شمشیر بگردن پیاده رسیده است اندازه هر يك ۵×۷

یازده - سواری در حال تاختن بجانب باختر ، بدن يك شکار ، اندازه سوار ۶×۸ و اندازه شکار ۵×۷ و فاصله آنها ۴ سانتیمتر .

دوازده - نقش سواری در حال تیر اندازی با کمان بجانب پیاده ای و پیاده در حال افتادن ، اندازه سوار ۶×۸ اندازه پیاده ۳×۶ و فاصله آنها ۳ سانتی متر

سیزده - سواری در حال فرار بسمت خاور ، پیاده ای او را دنبال میکند ، اندازه ۶×۹ سانتیمتر

چهارده - سواری در حال تاختن بسوی پیاده ای تیر اندازی میکند اندازه ۷×۱۴ سانتیمتر .

۱۷ - دو پیاده که کلاه بی بلند بسر دارند ، اندازه هر يك ۳×۸ سانتیمتر

۱۸ - نقش سه شکار اندازه سطح كل ۶×۲۶ سانتیمتر

۱۹ - نقش سه نفر مسلح به تی و کمان ، اندازه هر يك ۳×۶ سانتیمتر

۲۰ - نقش يك سوار که با شمشیر به پیاده ای حمله ور شده ، پیاده دیگر

بر زمین افتاده است اندازه سوار ۶×۹ و اندازه هر پیاده ۳×۶ سانتیمتر .

(تصویر شماره ۱۷)

۲۱- سواری کمان بدوش در حال حرکت بجانب خاور ، اندازه

۱۳×۹ سانتیمتر (تصویر شماره ۱۸)

۲۲- نقش يك گوزن و يك پیاده اندازه گوزن ۸×۹ و اندازه شکارچی

۳×۲ سانتیمتر (تصویر شماره ۱۹)

۲۳- نقش يك خرگوش اندازه ۵×۷ سانتیمتر (تصویر شماره ۲۰)

۲۴- نقش سواری که بطرف غرب در حرکت است اندازه ۱۱×۱۸

سانتیمتر.

۲۵- نقش يك پیاده، در حال تیراندازی ، اندازه ۴×۸ سانتیمتر

۲۶- نقش يك سوار در حال حرکت بجانب شرق . اندازه ۱۴×۱۱

سانتیمتر (تصویر شماره ۲۱)

۲۷- نقش شکارگاهی که در آن چهار گوزن کوهی ایستاده و يك سوار

بجانب یکی از آنها تیراندازی میکند (تصویر شماره ۲۲)

۲۸- نقش يك نفر که بر پشت اسبی در حال تاختن بپا ایستاده و يك

نفر از روبرو بجانب سواره تیراندازی میکند ، اندازه ۹×۱۲ سانتیمتر

۲۹- نقش دو نفر در حال تیراندازی بطرف يك بزکوهی ، اندازه

۲۹×۲۰ سانتیمتر

۳۰- نقش يك نفر در حال پرتاب کردن سنگ بزرگی است اندازه

۱۶×۹ سانتیمتر

غیر از اینها چند نقش دیگر هست که بعلاوه آب قشری از گل

روی آنها را پوشانیده و تا اندازه‌ای محو و خراب شده‌اند .
 بطور کلی این نقوش روشتتر از نقوش تنگه «میرملاس» (۱) و «چالگه
 شله همیان» (۲) ، در کوه‌دشت میباشند و احتمالاً قدمت آنها را ندارند ،
 قبلاً نیز ذکر شد که تمامی نقوش ، بارنگ سیاه نقاشی شده در صورتیکه
 نقوش «میرملاس» و همیان « بارنگهای سیاه و قرمز و یک نقش نیز با
 رنگ زرد نقاشی گردیده است . الحق هریننده‌ای را متحیر میسازد
 که قومی این چنین کیفیت تمدن و حیات خویش را بر دیوار غارها نقش
 کرده و برای این کار رنگهایی بکار برده‌اند که گذشت زمان نتوانسته
 است آنها را پاک نموده و از بین ببرد بی شک این نقوش اثری زنده از هنر
 مردمی است که در این مرز و بوم میزیسته‌اند و شعاع فکری تابناک خود را
 در دنیای زمان خود نیز گسترش داده‌اند ، و نیز بهترین شاهد برای تاریخ
 هنر نقاشی در ایران است . اینک که ما از وجود آنها آگاه شده‌ایم کاش
 در حفظ کهن ترین یادگار هنری خود بکوشیم . که این نقوش کهن که
 هنوز جوان مانده‌اند ، نیست و نابود نگردند

بخش دوم

آثار تاریخی پیش از اسلام

تخت منیژه - چاه بیژن - باغ افراسیاب (۱)

سماق‌نام یکی از قراء بخش چگنی است که در دامنه دنباله جنوبی کوه «پل» واقع شده اطراف آنرا درختان باوط احاطه کرده و در شرق آن رود کشکان جریان دارد. بر سر اولین قلعه کوه «پل» آثار يك دژ بزرگ و قدیمی که به احتمال زیاد مربوط به دوره اشکانی است ، باقی مانده و تمامی دژ از سنگ و ملاطی بسیار سخت ساخته شده است ، در اطراف دژ قطعات سنگ شبیه چیدن و سنگ آهن در عین حال پروژن دیده میشود. نزدیک دژ چند تخته سنگ بزرگ و چهار گوش هست که به «تخت منیژه» مشهورند در میان تخته سنگ ها، چاهی عمیق هست که اطراف دهانه آن سنگ چسبیده و موسوم بچاه منیژه است. شاید آب قلعه از این چاه تأمین میشده ، ولی اکنون آب ندارد .

۱- اهالی افسانه بیژن و منیژه را به این آثار نسبت میدهند و وجه تسمیه آنها را نیز باین داستان ذکر میکنند !

دردمانه کوه، محاذی این آثار، محلی است بنام «باغ افراسیاب» که قطعات بزرگ سنگ از کوه کنده و حجاری شده است، این همان محلی است که سنگهای مورد احتیاج جهت ساختمان پل کشکان از کوه کنده و بفاصله ۱۵ کیلومتری تا محل ساختمان پل برده اند. در اطراف قلعه قطعات سفال زیاد ریخته شده چند سکه بدست آمده از قلعه وسیله مردم، مؤید این احتمال است که در زمان اشکانیان ساخته شده.

قلعه رکی (۱)

در شرق دهستان «تشن» بر بالای قلعه ای موسوم به «رکی» به بلندی تقریبی ۱۰۰۰ متر از کوه «بر آفتاب» تپه ای تاریخی هست که دو سال قبل وسیله اهالی حفاری گردیده است. (تصویر شماره ۲۳) - سطح تپه بیش از دوهزار متر مربع است.

در میان خاکهای این تپه، چند ستون پایه و ستون بزرگ سنگی استوانه ای بیرون آورده شده که در نوع خود تابحال در لرستان وجود چنین آثاری بی سابقه بوده است. (تصویر شماره ۲۴)

سطح قلعه باتخته سنگهای بزرگ فرش شده و نشان میدهد که در داخل دژ قصری بوده است. تمام دیوارهای دژ خشتی بوده است. طول هر ستون ۲/۳۰ سانتیمتر و قطر ۷۰ سانتیمتر و قطر پایه ستونها هر يك ۸۰ سانتیمتر میباشد.

موقعیت این دژ طوری است که بر تمام جلگه تشکن مسلط است و راههای دوطرف کوه و دره‌های شمالی را میتوان زیر نظر داشت. متأسفانه تپه چنان وحشیانه درهم ریخته شده است که امکان هر نوع مطالعه راجع به کیفیت بنای قصر را از میان برده است. بر سطح اطراف و خاکهای بهم ریخته : قطعات سفال قرمز و منموش و بی نقش زیاد دیده میشود. سکه‌های بدست آمده از این تپه مربوط بدوره اشکانی «مهرداد دوم» میباشند.

آثار پیل ساسانی کشکان

پائین تر از پلی که ساختمان آن مربوط به قرن چهارم هجری است. پایه‌های پلی مربوط به دوره ساسانی بجای مانده است، این پل بر سر راه باستانی طرهان به شاپور خرواست و بر روی رودخانه کشکان زده شده است. تنها قسمتی از چهار پایه آن دیده میشود و بقیه آن از بین رفته است.

دیوار سنگی تپه سراب «ناوه کش» (۱)

«ناوه کش» نام یکی از دهستانهای بخش چگنی لرستان است و مرکز دهستان و دارای چشمه آبی است که نزدیک به شش آسیاب سنگ، آب دارد. در شمال چشمه. تپه بزرگی است بطول تقریبی ۱۵۰ و عرض ۴۰ متر، که در مقطع جنوبی آن قسمتی از دیوار يك بنا که شاید باروی قلعه‌ای باشد. پیداست. این دیوار با سنگ‌های بزرگ و حجاری شده و سنگ قلوه و ملاطی سخت، ساخته شده است. طول کنونی این دیوار

۱۳/۵ متر و ارتفاع آن بیش از دو متر میباشد (تصویر شماره ۲۵)
 این بنا ممکن است قسمتی از يك قلعه بزرگ از دوره ساسانی
 باشد. بویژه اینکه بر سر راه باستانی غرب لرستان که منتهی به شهر
 «شاپورخواست» میشده است واقع گردیده است. بر روی تپه سفال
 شکسته های فراوانی دیده میشود.

بخش سوم

آثار دوره اسلام

۱- پل کشکان

برروی رود کشکان و درمسیری که طی میکند ، چهارپل زده شده است که آثار باقیمانده آنها، حاکی از کیفیت معماری زمان واهمهیت منطقه لرستان در گذشته میباشد.

این پل ها از شمال بجنوب عبارتند از :

۱- پل کاکارضا دربخش الیشر

۲- پل کشکان در بخش چگنی

۳و ۴- پل های «کلهر» و «کُرو دختر» در «ممواو» (۱) و «جابدِر» واقع

در بخش ملاوی.

از اینها، فقط پلی که در چگنی برروی کشکان زده شده و آثار

آن بیشتر از پل های دیگر است به «پل کشکان» مشهور است .

در تاریخ گزیده نام کشکان «کُزکی» ضبط شده است .

این پل در ۵۲ کیلومتری راه شوسه [خرم آباد - کوهدشت] واقع شده و در محلی است که راه باستانی قدیمی «شاپورخواست - به طرهان» از روی آن میگذشته است.

پل، در دره‌ای زده شده که تمامی آنرا قطع نموده و تپه‌های رسوبی دو طرف شرق و غرب رود کشکان را بهم متصل می‌سازد. و در قسمت غربی با انحراف بجانب جنوب غربی، سطح پل را با سطح فلات ادامه میدهد. (تصویر شماره ۲۶)

طول این پل تقریباً ۳۰۰ متر و دارای یازده پایه می‌باشد. اندازه سطح هر پایه ۱۰×۱۷ متر است که دوازده ردیف آن را با سنگهای بزرگ و حجاری شده ساخته‌اند.

فاصله پایه‌ها، بیک اندازه نیستند. فاصله پایه یک تا پایه دو ۱۵٫۵ متر و فاصله پایه دو و سه ۱۶ متر و بقیه ۱۲٫۵ متر است. (تصویر شماره ۲۷) از دوازده تاق پل، اینک فقط سه دهنه خراب شده و بقیه هنوز هم بر جا هستند. بلندی پل تا کف زمین ۱۷ متر است و بنا بر متن کتیبه‌ای بخط کوفی که از پل پیدا شده در سال ۳۸۸ هجری قمری بفرمان بدر بن حسنویه بن الحسین ساختمان آن شروع و در سال ۳۹۸ با تمام رسیده و مدت ده سال ساختن آن طول کشیده است.

بین پایه سوم و چهارم، طاقی بی رونق و کوتاه زده شده که با مقایسه طاقهای قدیمی، تفاوت ذوق و مهارت معماران دوزمان را بخوبی نشان میدهد. (تصویر شماره ۲۸)

همانطوریکه پیش از این اشاره شد، سنگ‌هایی که در ساختن پل بکار رفته است ۱۰ از دامنه شرقی کوه «میل» در ۱۵ کیلومتری شمال این پل به محل ساختمان آن آورده شده که در همان مکان هنوز سنگ‌های نیمه حجاری شده نیز دیده می‌شود.

بفاصله یکصد متری جنوب این پل آثار پل دیگری که بی شک مربوط بدوره قبل از اسلام وعهد ساسانیان است نیز باقی است.

«دومورگان» آثار این پل را دیده و درباره آن چنین نوشته است :
(شاخه رود کشکان که از دشت الیستر سرازیر میگردد، قبل از ورود اعراب در بخش «آفتاب» (۱) بتوسط پلی قطع میگردد، اما این بنا بر اثر آبادیها، بخاطر امر حفاظت در عقب نشینی سپاه ایران، خراب شده است و هرچه که باشد، امروز جز یک پایه و جرز و چند توده بی شکل و قواره از آن باقی نیست.) (۲)

اما در توصیف این پل مینویسد :

«تقریباً در یکصد متری بالا دست این خرابه ها، اعراب از نوپلی با ساختمانی عالی بطول چند متر و به بلندی بیست متر بنا کرده اند که تمامی دره را قطع و سد کرده وبدون فرود از فلات رسوبی که رود بستر خود را در وسط آنها کاویده است اجازه عبور میدهد.

این پل در بخش مستقیم خود کمتر از چهارده طاق عظیم ندارد

۱- شاید منظور دومورگان از کلمه «آفتاب» و «آفتاب» باشد، محل پل اکنون به این نام مشهور است. ۲- جغرافیای غرب ایران تألیف دومورگان ترجمه دکتر ودیدی ص ۲۱۳.

سپس با چرخیدن سمت جنوب غربی، نامحَلّ اتّصال به سطح فلات ادامه می یابد. جرزها و پایه ها از سنگهای کوتاه قد، که از کوههای مجاور گرفته شده، ساخته شده اند. فاصله واقع بین کمان طاق ها، با پنج طاق کوچک بیضوی، مثل طاقهای بزرگک بسته شده است.

تمام آن قسمت از پل که مستقیماً مقابل و در معرض آبهای سیلابی بهار است، ویران شده است. معماران بعدی، بیهوده پایه ها و جرزهای قدیمی را مورد استفاده قرار داده، کوشیده اند این بنای عالی را تعمیر کنند، آنها میبایستی بیش از نصف سینه پل را پایین آورده و مبلغ معتنا بهی خرج کنند. از آنجا که کار آنها در چهارچوب باشکوه بنای قدیمی قرار گرفته: قیافه مسخره ای یافته است. (۱)

و نیز ضمن یادداشت های سفر ۱۸۹۱م ۲۹ مینویسد:

پل کشکان که در آنجا يك پل عالی بنا ولی ویرانه وجود دارد که چند بار بنحو ناشیانه و بدون کمترین توفیق تعمیر و مستتر داشته اند، دیدن می کنیم. سابقاً این پل کتیبه ای کوفی داشت که تاریخ بنای آنرا دارا بوده است.

سنگی که این کتیبه روی آنرا می پوشانیده است، امروز بر زمین افتاده و کتیبه بشدت ضایع گردیده است.

در پایین دست این بنای عظیم، بقایای جرز و پایه های پل دیگری که خیلی کوچکتر و محققاً مقدم بر پل اسلامی است وجود دارد.

یکی از آنها از لحاظ سبک بنا، پل «زیش» (۱) را بیاد می آورد و محتملاً از آثار دور‌دور ساسانی است. بنای آن بسیار دقیق و از سنگهای کوتاه قد برای پایه و از سنگ های کوچک برای قسمت بالایی آن استفاده شده است. در بالا دست و پایین دست طاقها، بتوسط جرز و پایه ها و سیخک ها و دستک هایی نگاهداشته شده اند. (۲)

همانطوریکه پیش از این ذکر شد: از آثار پل ساسانی که ۷۸ سال پیش دومورگان آنرا دیده و وصف کرده بیش از چهار پایه ویران شده باقی نمانده است. ولی کتیبه ای که نام برده شد، بهمت شخصیتی بخرم آباد آورده شده و در محوطه دانشگاه ساسانی گذاشته شده است. این کتیبه، بخط کوفی است و بر تخته سنگی چهار گوش بطول و عرض ۹۰×۱۵۰ و قطر ۲۷ سانتیمتر نوشته شده و شامل هفت سطر است و متن آن چنین است. (تصویر شماره ۲۹)

س ۱- بسم الله الرحمن الرحيم هذا

س ۲- ما امر ببنائه الامير الاجل ابو

س ۳- النجم بدر بن حسنويه بن ا

س ۴- لحسين اطال الله بقائه سنه

س ۵- تسع و ثمنين و ثلثمائة و فرغ

س ۶- منه سنه تسع و تسعين و ثلثمائة

۱- Zeish آثار پل است بروی «گاماسب» که مربوط بدوره ساسانی است.

۲- ذیل صفحه ۲۱۳ ترجمه جغرافیای غرب ایران

س ۷- (بك كلمه شكسته) عشر سنين انا به الله عنه.

بین این پل و آثار پل ساسانی ، بیست و پنج سال پیش ، از طرف اداره راه لرستان : پل جدیدی ساخته شده که اکنون جاده شوسه کوه دشت از آن میگذرد .

پیر شمس الدین

در شمال دهستان تشکن ، در کوهپایه «سفیدکوه» قبری است که به «پیر شمس الدین» موسوم است و زیارتگاه اهالی است . اطراف قبر سنگ چین شده است و در اطراف آن آثار بنای سنگی دیده میشود که نشانه آنست که قبلاً مقبره‌ای داشته و بمرور زمان ویران گردیده است . همچنین کاشی های سبز ریشه داری روی قبر هست که قبلاً وسیله آنها قبرترین شده که اینک دیواره قبر نیز درهم ریخته و لعاب آجرها دم ریخته است . حریم آنرا نیز سنگ چین کرده اند . ولی قبر فاقد کتیبه و مشخصات میباشد . بنا بر شجره ای که ارائه شد ، نام صاحب قبر «شمس الدین بن علی بن محمد بن احمد» و از اعقاب امام موسی علیه السلام میباشد . (؟) و «احمد» جد ابوالقاسم محمد بن احمد بن رضی الدین معروف به «حیاء الغیب» و از علماء مشهور زمان خود بوده . است . اعتقاد مردم به این قبر زیاد است . هنگام بازدید از این قبر ، لوازم زندگی از قبیل فرش ، رختخواب جمعه های پراز اثاثیه و خیک های روغن در حریم آن مشاهده نمودیم ، سؤال شد که اینها شاید نذورات مردم باشند ، گفتند ، اینها مازاد اثاث الیت روستاییانی است که برای تعلیف به بالای کوه

رفته‌اند و آنها را در اینجا به امانت گذاشته‌اند بدون هیچ نگهداری و تنها اعتقاد و ایمان مردم نسبت به پیر شمس الدین بحدی است که هیچکس جرأت تخلف و دست درازی به این اموال را ندارد؛ حتی کسی خود را مجاز نمیداند که شاخه‌ای از درختان بلوط کهن و جنگل اطراف آنرا ببرد و یا بشکند اگر چه چوب دستی باشد.

بر سر در صحن سنگ چین، سنگ قبری بخط کوفی دیده شد که خطوط آن محو شده بود.

۳- بابادانیال

در ننگه‌ای واقع در شش کیلومتری جنوب مرکز بخش چگنی که بنام «ننگ موسی» (۱) مشهور است قبری سنگ چین شده با حصار سنگی باقی است که زیارتگاه اهالی بوده و موسوم به «بابادانیال» میباشد سنگی قبر و یا کتیبه‌ای که دال بر شناسائی بیشتر صاحب قبر باشد، وجود نداشت. مدتی قبل این قبر شبانه شکافته و استخوانهای مدفون را بیرون ریخته بودند.

۴- تپه‌های «باباخانی و تخته چراغ»

در يك کیلومتری دهانه شمالی «ننگ موسی» دو تپه بمفاصله دو بست متر از یکدیگر قرار دارند که تپه شرقی «باباخانی» و غربی «تخته چراغ» نام دارند. روی هر دو تپه سفال شکسته‌های زیادی ریخته شده و آثار يك

بنای آجری بر روی تپه باباخانی نیز دیده می‌شود که آجرهای آن از لحاظ عرض و طول و ضخامت دو برابر آجرهای معمولی هستند. احتمالاً طبقه اول تپه‌ها، اسلامی ولی طبقات زیرین مربوط به دوره های پیش از اسلام است.

۵- مقبره حیات الغیب

در دهکده «قالی» واقع در ۵۰ کیلومتری جنوب باختری خرم‌آباد و بر ساحل غربی رود کشکان، بر بالای تپه‌ای سنگی، در امتداد کوه «کیره» (۱) دو مقبره ساخته شده است که سمت غربی بزرگتر و به «حیات الغیب» مشهور است. (تصویر شماره ۳۰)

در ورودی آن شمالی و کفش کن آن پنج پایه بالاتر از کف مقبره می‌باشد. اندازه کفش کن ۵×۶۵ متر و سطح مقبره ۶۲۵×۶ متر است. قبر در گوشه جنوب شرقی قرار دارد و ابعاد آن $۱ \times ۱ \times ۲$ متر است. روی آن هیچ تزئین و گچ بری و یا کتیبه‌ای نیست.

در دیوار جنوبی، محرابی به بلندی ۲۱۰ متر با گچ بری های ساده بر حاشیه آن ساخته شده است. (تصویر شماره ۳۱)

چهار دیوار آن تا پنج متر با گچ سفید گردیده پس از آن دیوار به هشت ضلع تقسیم می‌گردد که طاق اول بر مبنای هشت ضلع زده شده است. طاق گنبد دو جداره است که بوسیله دریچه‌ای میتوان به فضای بین دو جدار رفت.

۱- Kira در گویش لری بمعنی کوره است.

بلندی آن تا کف مقبره ۱۲۰ متر است. در سمت شرقی پله‌هایی برای رفتن به پشت بام مقبره ساخته شده است. تمامی این بنا از آجر است تیر و ای از سادات چگنی خود را از اعقاب صاحب مقبره میدانند و همواره برای حفظ این مقبره می‌کوشند.

این بنا یکبار بدستور محمود میرزای قاجار تعمیر شده و بر سنگی تاریخ آن چنین نوشته شده است.

(کل فعّاله محمود بالله، حسب الحکم شاهزاده محمود میرزای قاجار در سال دو بیست و چهل و سه سرکاری، این بنای امامزاده حیات الغیب با تمام رسید. ۴۰۳: ۲: ۱) (تصویر شماره ۳۲)

برابر مشجودای که از کتاب تحفة الازهار نقل شده است (۱) کتبه حیات الغیب، ابوالقاسم و نام وی محمد بن احمد بن رضی الدین، و از اعقاب امام موسی الکاظم علیه السلام می‌باشد. و در پایان نسب نامه چنین آمده است و يعرف ابی الحیات الغیب و کان من العلماء و قبره فی لرستان سادات مشهور به حیات الغیبی در ایلام نیز خود را از اعقاب او میدانند.

۶- گنبد الیاس

در سمت شرقی گنبد حیات الغیب و متصل به آن. گنبدی کوچکتر و لی. و خروبه و در شرف ویرانی کامل. واقع شده است که ساختمان آن از مقبره غربی قدیمی تر و از لحاظ سبک با هم تفاوت دارند. (تصویر شماره ۳۳)

۱- به نقل از شامی بن شدغم

در ورودی مقبره، جنوبی بوده است که آنرا با آجر بسته اند و اکنون راه ورود به آن از راه مقبره حیات الغیب می باشد که فضای دوه قبره بوسیله راهروی بهم مربوط میشوند. (تصویر شماره ۳۴)

اندازه سطح مقبره ۴۵×۴۵ متر و در ضلع جنوب شرقی - قبر واقع شده است. این بنائیز آجری است و ممکن است همزمان با تعمیر گنبد قبلی، آنرا نیز ترمیم کرده باشند، زیرا قسمتی از بنا که دست نخورده - مؤید این نظر است، این مقبره اکنون مشهور به «الیاس» است. شاید قبر شهاب الدین الیاس لنبکی از حکمرانان و اتابکان لر کوچک باشد. زیرا بطوریکه مورخین مینویسند.

(... صمصام الدین محمود بن نور الدین محمد، بعد از عزل حسام الدین عمریک، بحکومت رسید. بعد از مدتی قصد شهاب الدین کرد و به تنهایی بر او و برادرانش و اقوام ایشان دوانید؛ ایشان بحرب باز ایستادند و صمصام الدین محمود را پنجاه و چهار جای زخم زدند و او رخ از ایشان بر نمی تافت، ایشان منهزم بر کوه پربرف رفتند، ایشان را به زجر فرود آورد و بکشت. این حال در سنه خمس و تسعين و ستمائة بود) (۱) مقبره، نزدیک همان محلی است که مستوفی مشخصات آنرا ذکر کرده است.

سنگ نوشته مربوط به سال ۱۰۰۲

در شمال سراب چنگائی کوه کوچکی است که بر روی یکی از تپه های صاف آن سه سطر نوشته شده است ولی به علت شکستگی کلمات، خواندن آن میسر نشد و تاریخ آن ۱۰۰۲ می باشد. (تصویر شماره ۳۵)

۷ - سنگ نوشته سراب چنگائی

سراب چنگائی چشمه آبی بزرگ است که نزدیک به پنج آسیا سنگ آب دارد. بر سطح آب چشمه، گل های نیلوفر، فراوان روئیده است، در شرق آن بر روی صخره بزرگی تاریخ کشت این گلها و کیفیت آنرا نوشته است. طبق این سند، در سال ۱۱۳۱ هجری قمری بفرمان یکی از والیان لرستان بنام علیمردان خان پسر حسین خان، هنگام بازگشت از سفر عتبات بدستور او مقداری گل از سراب نیلوفر کرمانشاه همراه آورده و در این چشمه کشت نموده اند.

کتیبه دو قسمت است در کنار هم، که سمت راست شامل چهار قسمت چپ دوسطرو اندازه کل آن ۸۵×۱۰۲ سانتیمتر و متن آن چنین است. (تصویر شماره ۳۶)

س ۱- بتاریخ [یک کلمه شکسته]... ثیل (۲) سنه هزار و صد و سی و یک

س ۲- در حین مراجعت از عتبات عالیات عرش درجات

- س۳- حسب فرمان حامی گلزار امن و امان و غارس نهال عدل و
 س۴- احسان، صاحب کشت زار حصول آمال اورنگ عظم
 س۵- و جلال عالیجاه ، علیمردان خان ، والی لرستان فیلی، ابن
 مرحمت پناه حسین خان
 س۶- طباب ثراه ریشه ابن گل نیلوفر، از سراب نیلوفر کرمانشاهان.

تصاویر

فصل پنجم



تصویر شماره ۱ - غاری فته که در آن ابزار دوره پالئولیتیک بدست آمده است



تصویر شماره ۲- اشیاء و ظروفی که از قریه نشکن بدست آمده



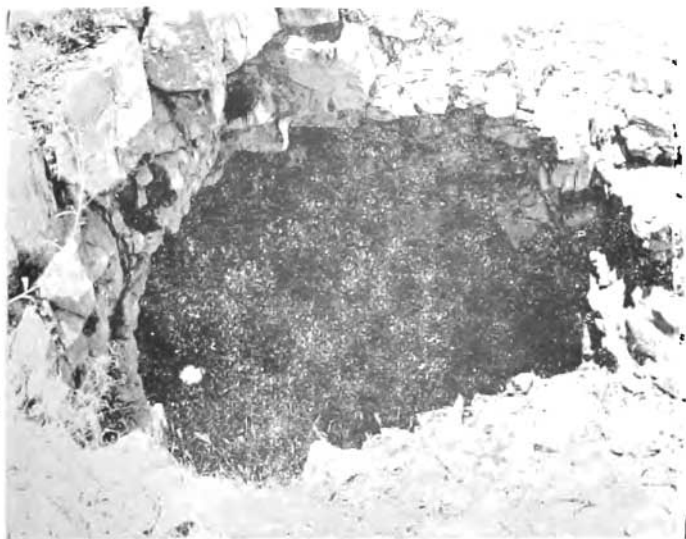
تصویر شماره ۳- غار «طاق ارسلان» و موقعیت آن، واقع در دیوار انتهایی غربی کوه بافتنه



تصویر شماره ۴- حوضچه داخل غاری در پائین «طاق ارسلان»



تصویر شماره ۵- کوه «دوشه» که غار دوشه در آن واقع شده است



تصویر شماره ۶- دهانه غاردوشه که بداخل آن فروریخته است



تصویر شماره ۷ - نقش یک سوار که تیر و کمان بدوش چپ انداخته اندازه ۸ × ۹
سانتیمتر ، رنگ سیاه



تصویر شماره ۸ - نقش دو نفر پیاده تیروکمان بدوش به فاصله ۴ سانتیمتر از هم ،
اندازه هر يك ۷۲۳ سانتیمتر رنگ سیاه



تصویر شماره ۹ - نقش ۹ نفر که عربك کمانی در دست دارند در حالت تیراندازی
اندازه تمام سطح نقاشی ۱۸×۸ سانتیمتر



تصویر شماره ۱۰- نقش يكسك شکاری در حال حمله به سه گوزن، اندازه تمام سطح
۱۲ × ۲۸ سانتیمتر و رنگ آن سیاه است



تصویر شماره ۱۱ - قسمتی از کتیبه‌ای در پنج سطر، اندازه ۷ × ۱۰ سانتیمتر



تمویر شماره ۱۲ - نقش سواری که بانیزه بدونفر پیاده حمله ور شده است و یکی از پیاده ها بر زمین افتاده است ، رنگ سیاه



تصویر شماره ۱۳- نقش دونفر در حال تیراندازی به دو کوزن، رنگسپاه



تصویر شماره ۱۴ - نقش دو حیوان شبیه "سگ بدنبال هم" اندازه ۶×۱۰ سانتیمتر؛
رنگ سیاه



تصویر شماره: ۱۵ - نقش حیوانی شبیه سگ، در حال دویدن، اندازه ۸ × ۱۲ سانتیمتر
رنگ سیاه



تصویر شماره ۱۶- نفر رزمگاه، اندازه: ۵۵ × ۸۰ سانتیمتر، رنگ سیاه



تصویر شماره ۱۷- نقش يك نفر سوار بر اسب که به پیاده‌ای حمله‌ور شده است
و پیاده دیگر بر زمین افتاده



تصویر شماره ۱۸- سوارى كمان بدوش در حال رفتن به طرف شرق اندازه ۱۳×۹
سانتیمتر ، رنگ سیاه



تصویر شماره ۱۹ - نقش يك گوزن و يك شکارچی



نصوير شماره ٢٠ - نقش يك خرگوش ، اندازه ٥×٧ سانتيمتر



تصویر شماره ۲۱- نقش يك سوار در حال حرکت به جانب مشرق ، اندازه ۱۴ × ۱۱
سانتیمتر ، رنگ سیاه



تصویر شماره ۲۲- نقش شکارگاهی که در آن چهار گوزن و یک سوار تیراندازی
دیده میشود



نقش يك سوار در حال تاختن



تصویر شماره ۲۳- تپه موسوم به درکی، که مردم آنرا برای یافتن گنج بهم ریخته اند؛!



نمای شرقی تپه «درکی»



تصویر شماره ۲۴ - پایه ستون سنگی مکشوف از تپه «درکی»



تصویر شماره ۲۵- دیواره سنگی تپه سراب «نادرکشی»



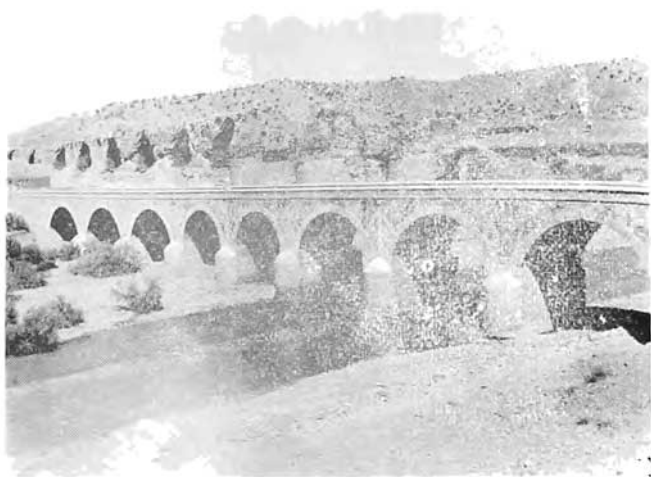
تصویر شماره ۲۶ - طاقهای غربی پل کشکان



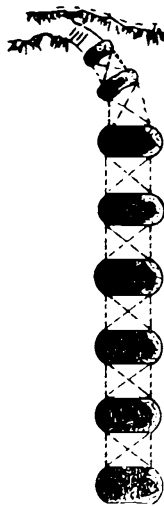
تصویر شماره ۲۷ - دوپایه شرقی پل کشکان

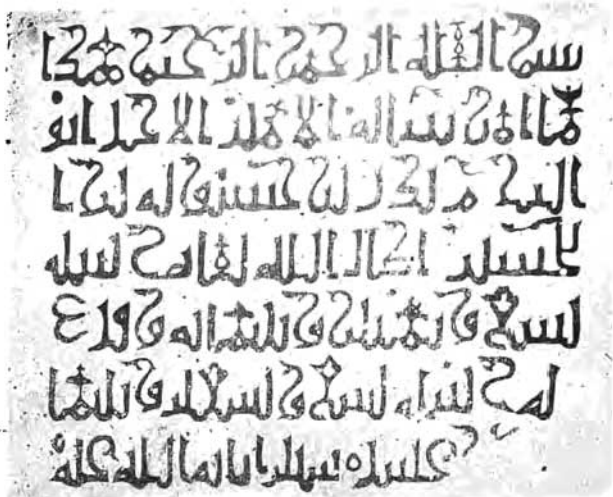


نمای شمالی قسمتی از پل تاریخی کشکان



نمای شمالی قسمتی از پل تاریخی کاشان



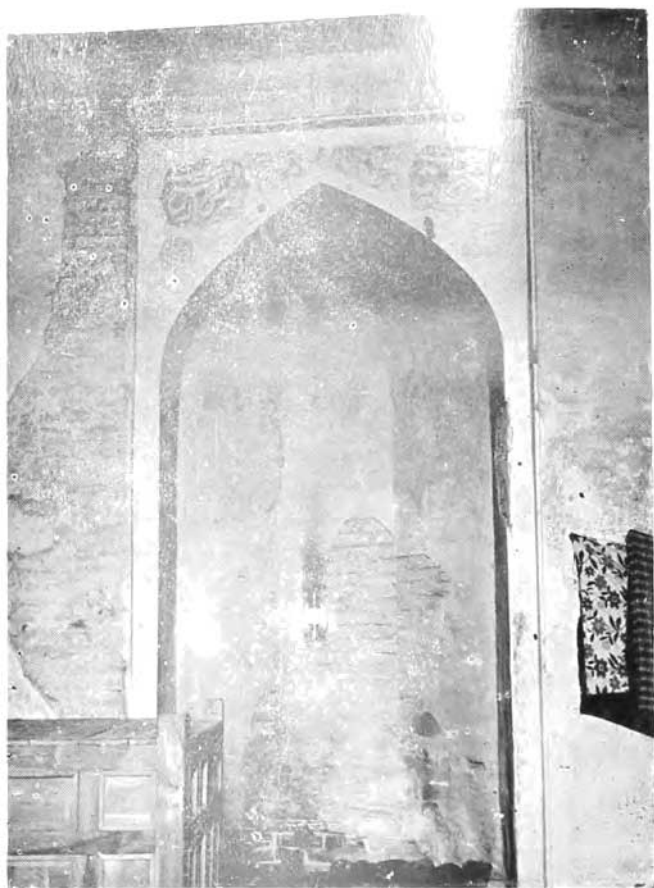


تصویر شماره ۲۹- کتیبه به خط کوفی که تاریخ بنای پل کشکان بر آن نوشته شده است و متن آن چنین است. عکس از آقای دکتر منوچهر ستوده

- س ۱- بسم الله الرحمن الرحيم هذا
- س ۲- ما امر بينائه الامير الاجل ابو
- س ۳- النجم بدر بن حمويه بن ا
- س ۴- لحسين اطال الله بقائه سنه
- س ۵- تسع وثمانين وثلثمائه وفرغ
- س ۶- عنه سنه تسع و تسين وثلثمائه
- س ۷- [يك كلمه شكسته] عشر سنين انا به الله عنه



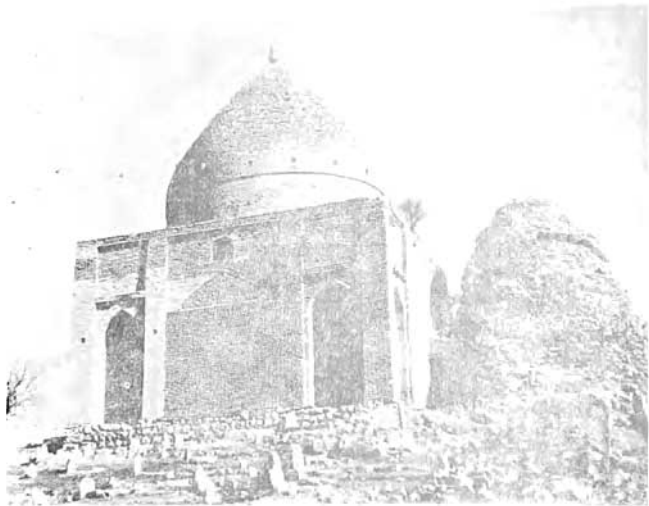
تصویر شماره ۳۰ - مقبره حیات الفیہ و درجہ آن مقبره الیاس



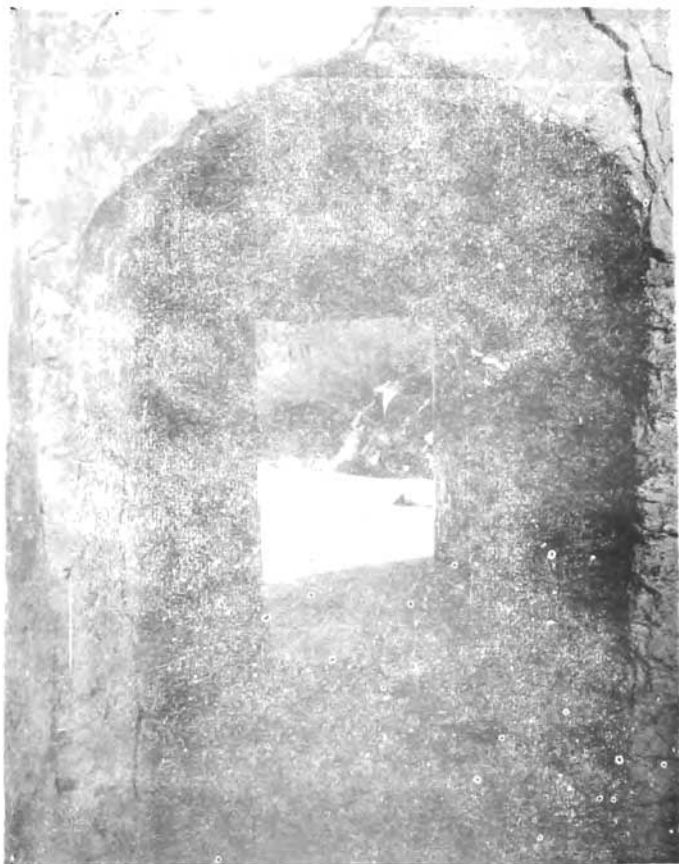
تصویر شماره ۳۱ - محراب مقبره حیات الغیب



تصویر شماره ۳۲- سنگ نوشته مربوط به تعمیر بنای حیات الفیض بناریخ ۱۲۴۳
هجری قمری



تصویر شماره ۳۳- نمای پشت دو گنبد مقبره حیات النبی و الیاس



تصویر شماره ۳۴- راهروی که دو مقبره حیاتالقیب و الیاس را بهم مربوط میسازد
و در ورودی مقبره الیاس نیز از این راه است



تصویر شماره ۳۵- کتیبه مربوط به کشت گل نیلوفر در سراب چنگائی



تصویر شماره ۳۶ - کتیبه‌ای واقع در تپه کوه شمال چنگائی

فصل ششم

طرهان

بخش اول جغرافیای طرهان

طرهان بخش وسیعی است که در غرب لرستان واقع شده است .
از شمال و مغرب و جنوب محدود است به رود سیمره، از مشرق به بخش
چگنی و از جنوب شرقی به رود کشکان . (۱)

مساحت آن بطور تقریب یکصد و چهل کیلومتر مربع است، نام طرهان
از زمانهای پیش در کتب مسالك و معالك آمده است چنانکه ابودلف
مسعر بن مهلهل خزر جی، در سفر خود از این منطقه گذشته است. (۳۴۱ هجری
قمری) و در سفرنامه خود از آن نامبرده است . (۲)
یاقوت نیز از طرهان ذکر نموده است. (۳)

۱- Kashko ۲- ترجمه سفرنامه ابودلف، ص ۱۶ ۳- یاقوت ج ۳ ص ۳۲۵

مستوفی در نزهت القلوب نام چند شهر را آورده که دوشهر آن جزء طرهان (قرن هفتم و هشتم هجری قمری) بوده است. از آنجمله مینوسد. (سمسا، ولایتی است از حساب مایرود، سی پاره ده است و در قلعه ای است که دزسیاه خوانند) (۱)

اکنون «سمسا» شناخته نمی شود ولی «مانرود» که همان مادانرود است نیز در جنوب کوه دشت مرکز بخش طرهان بهمین نام باقی است. کوه چنگری و قلعه مشهوری بهمین نام که زادگاه شجاع الدین خورشیدسر سلسله اتابکان لر کوچک بوده است در شمال خاوری کوه دشت مرکز بخش طرهان واقع شده. صاحب گزیده و شرفنامه بدلیسی در این مورد ذکری نموداند.

(... ملك لر كوچك بر شجاع الدین خورشید قرار گرفت، اورا دوسر بوده، بدر و حیدر، بفرمان او بجنگ گرو چنگروی بولایت سمها رفت و دز سیاه را محاصره کردند ...) (۲)

اهمیت این منطقه بیشتر از آنست که آثار زیر خاکی و روخاکی آن نشان دهنده دوران اعتلای هنر ایران در دوره های عیلامیان و کاسیت ها و آشوری و ساسانی است و در جهان باستان شناسی محلی شناخته شده است. از لحاظ وضع طبیعی، طرهان دارای رشته کوه های ممتدی میباشد که اغلب بایکدیگر موازی هستند و پوشیده از جنگلهای انبوه میباشد مهمترین آنها عبارتند از :

۱- کوه وراز (۱) یا گراز که شصت و شش کیلومتر طول دارد و از کنار کشکان رود [تنگ تیر] شروع شده و بکنار رود سیمره در شمال کوه دشت منتهی میگردد .

۲- کوه چنگری (۲) از شمال غربی شروع شده و تا گنبد (شاه محمد) ادامه دارد. طول این کوه نزدیک به سی کیلومتر است ، دامنه این کوه در شمال باختری کوه دشت به (سرخ دم لکی) مشهور است .

۳- دو کوه «دوشه» (۳) و «گردل کوه» که از جنوب خاوری کوه دشت شروع میشوند و تا رود کشکان امتداد و طول تقریبی آنها ۲۰ کیلومتر است .

۴- کوههای دیگر عبارتند از : همیان ، خرس در ، بلوران در کوه دشت و مله و ویزنهار (۴) در رومشکان ، گور (۵) و وسکور (۶) در سرطهران .

آب و هوای طرهان در قسمت شمالی معتدل و جنوب آن نسبتاً گرم است و بعلت چراگاههای زیاد محل قشلاق طوایف دلفان و حسوند میباشد. تمام مردمی که گویش لکی دارند مهاجرینی هستند که از شمال لرستان به آنجا کوچ کرده اند .

زمینهای طرهان اکثراً بی آب ولی حاصلخیزند و برای زراعت دیم از آنها استفاده میشود . محصول عمده آن گندم و جو میباشد .

جمعیت کل طرهان برابر آخرین سرشماری ۶۱۱۲۰ نفر است که شامل ۱۱۵۴ خانوار میباشد .

طرهان شامل سه دهستان بزرگ و وسیع بنام رومشکان - سرطرهان و کوهدشت است ، مرکز آن شهر کوهدشت میباشد که اندکی بیش ۵۵۰۰ نفر جمعیت دارد .

بخش دوم

دهستان رومشکان

آثار دهستان رومشکان

الف- آثار پیش از تاریخ
وجه تسمیه این دهستان به رومشکان،
بنابر آنچه در محلّ شایع است .

بدان علت بوده که در جنگی که بین قوای ایران و لشکریان روم
اتفاق افتاده است، جنگجویان ایرانی در این محلّ سربازان روم را
شکست داده اند و از آنجهت به رومشکان «روم شکن» مشهور شده
است . (۱)

رومشکان محلّ کاسیت ها و منطقه نفوذ ایلامیها بوده و این موضوع
بر اثر تحقیق و کاوشهای محققین روشن گردیده است .

چندتپه باستانی آن مورد و مبنای تحقیق بوده و هیئت هائی چند از
آنجمله گروهی به ریاست دکتر اشمیت ، و بعد دکتر گیرشمن از آنها
بازدید نموده و کاوشهای انجام داده اند از آنجمله ،

۱- چغاسبز (۱) تپه‌ای است که آثار بدست آمده از آن باظروف شوش اول مطابقت دارد و دکتر اشعیت نیز این موضوع را تأیید نموده است.
 ۲- تپه کفتارلو (۲) این تپه در شمال تپه چغاسبز قرار دارد و نزدیک به ۵ کیلومتر با آن فاصله دارد. در سال ۱۳۱۴ دکتر اشعیت در این تپه کاوشی بعمل آورده است، جریان حفاری این تپه را مرحوم اسماعیل پستا بازرس اداره کل باستانشناسی چنین گزارش کرده است (۳)
 (جریان حفاری اکتشافی تپه کفتارلان رومشکان بقراری است که معروض میدارد.

پشت تپه، سمت شمال غربی را بده کارگاه که هر کارگاهی دارای ده متر طول و پنج متر عرض میباشد تقسیم، و هر روز از کارگاهها: کوزه، دیک و خمره های مختلف منقوش که دارای پرنده و شکار های کوهی و نقش های ساده و ظروف بدون نقش می باشد بیرون میدهند در میان اغلب آنها استخوان آدم میباشد و در بعضی از مکانها هم اسکلت تمام و یا ناقص ظاهر میشود، ظروف کفتارلان هم عصر با ظروفی است که از نهاندا استخراج شده است.

روزیست و پنجم با آقای دکتر اشعیت مدت دو ساعت به «چغاسبز» یک فرسنگی غرب این محلی که حالیه مشغول هستند رفتیم. تپه‌هایی که در اطراف و روی آن دیده و جمع آوری شده هم نقش دارند و طبق عنوان

۱- چغادار گویش لری معنی تپه است ۲- Kaftarlo ۳- راههای باستانی و پایتختهای قدیمی غرب

آقای دکتر اشمیت مطابق با شوش اوّل است .

- هیئت پس از آزمایش «کفتارلان» به «چغابردینه» که آثار قبرستان دارد و «چغاسبز» که آثار ساختمان در آن ظاهر است خواهند رفت. میتوان با مقایسه کامل این ظروف و این اسباب و آلات با ظروف تپه گیان و تپه جمشیدی که توسط آقای کنتو و آقای گیرشمن حفاری شده و ظروف کاشان و شاپورو شوش تاریخ تقریبی آنرا معین کرد.
- | | | |
|------------------|--------------|--------------|
| ۱- کفتارلان اوّل | ۱۸۰۰ تا ۲۵۰۰ | قبل از میلاد |
| ۲- کفتارلان دوم | ۱۸۰۰ تا ۲۵۰۰ | قبل از میلاد |
| ۳- چغاسبز | ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ | قبل از میلاد |

تپه چغابیل (۱)

تپه چغابیل در دهکده ای به همین نام قرار دارد . بلندی تپه نزدیک به ۲۵ متر و قطر آن نزدیک به دویست متر است. (تصویر شماره ۱) روی تپه و اطراف آن سفال شکسته های منقوش و سیاه و سنگ های چخماق زیاد دیده میشود و در نزدیک دامنه آن یکی از اهالی هنگام پی کردن ساختمان - ظرف سفالی سه پایه داری یافته بود که با سفال سه پایه ای تپه (درکه) شباهت تام دارد. (تصویر شماره ۲) ، روی این تپه تاکنون مطالعاتی انجام نشده و تحقیق و کاوش علمی بعمل نیامده است . ولی

۱- Gegaball - بلدر گویش لری بمعنی بلند است چون تپه نسبتاً بزرگ و بلند است از اینجهت به این نام مشهور است

طبقات مختلف این تپه هریک شاخص تمدنی است.

زاخه یا زاغه

ب- آثار دوره تاریخی پیش از اسلام در شرق دهکده وتپه باستانی چغابل
بفاصله دو کیلومتر، آثاری از

یک دژ که تمامی از سنگ ساخته شده، باقی مانده است. و اغلب طاقهای آن
که سر از زیر خاک بیرون زده اند، سالم اند و اهالی آنرا «زاغه» میگویند و
بیشتر آن هنوز در زیر خاک پنهان است که بشکل تپه ای درآمده است
(تصویرهای شماره ۴۰۳)

دهانه بعضی طاقها تا پنج متر میرسد و چند اطاقی که از خاک بیرون
است بهم مربوط و متصلند. در بعضی از آنها بسمت شمال و برخی
بجانب جنوب باز میشود. بنای جنوب شرقی آن به احتمال زیاد آتشکده ای
بوده است. «تصویر شماره ۵» اکنون نیز اهالی از آنها برای نگهداری
حشم خود استفاده میکنند. چنین بنای با این کیفیت در جای دیگر در
لرستان دیده نشده.

دوموردگان این تپه و طاقهای آنرا مشاهده کرده و درباره آن چنین
مینویسد :

(در عهد ایلامی هایکی از مهمترین نقاط ساحل چپ سیمره محلی
بوده معروف به «زاخاب» یا زاخه آثار باقیه از این عصر بسیار متعدد

و در تپه‌هایی که من دیدم قطعات سفال همان خصایص سفالهای کهنه
تر شهرهای ایلامی را دارند.

مجار است که فکر کنیم که زاخه سابقاً همان «دوراندازی» (۱)
کتیبه‌های آشور بنی پال بوده و از آنجاست که شاه ایلام پس از نبردی
که با آشوری‌ها در نزدیکی رودخانه و مقابل «ماداکتو» [دره شهر] عقب
کشید. همچنین از آنجاست که برای رفتن به «خای دالو» متواری شد (۲)
سبک بنا و نوع طاق آن غیر از آثار دیگر است، سنگهای بکار رفته
اغلب حجاری شده است و یاسنگ قلوه‌ای است و از اینکه دومورگان
آرام از آثار دوردایلام دانسته است عجیب است. زیرا کیفیت بنا، بیشتر
به آثار ساسانی شباهت دارد.

قلعه کوه زاد

در غرب دهستان رومشکان، دهکده‌ای است مشهور به «سراب
قاطرچی»، در جنوب این دهکده، کوهی است بنام «ویزنهار» (۳) این
کوه که دنباله کوه «مله» است (۴) که بوسیله تنگ «بره» از هم جدا میشوند.
موقعیت این کوه طوری است که از سمت جنوب ارتفاعی بیش از
هزار متر دارد و عبور از آن غیر ممکن است. در سمت شمالی
کوه، سه دره است که دره غربی آن دارای یک بنای باستانی است که
شرح آن خواهد آمد.

سطح سراسری بالای کوه یکنواخت نیست و عریض‌ترین آن کمی بیش

۱- Dourondazi. ۲- ترجمه جغرافیای غرب ایران تألیف ژاک دومورگان

صفحه ۲۱۴ و ۲۱۵ ۳- Vyzenyar. ۴- Mala.

از دویست متر است .

در این نقطه، آثار يك قلعه بزرگ باستانی باقی است که اکنون آنرا قلعه (کوه زاد) مینامند و در باره آن افسانه های مختلفی نیز ذکر میشود . تمام دیواره های قلعه از سنگ و ملاط است . (تصویر شماره ۶) دیوار شمالی قلعه هنوز برجاست . ملاط و سنگ آن بهرورزمان هم از یکدیگر جدا نشده و چنان بهم ممزوج گردیده که جدا کردن آنهاچندان ساده نیست . طاق اطاقها بیکدیگر پیوسته است و بهمدیگر راه دارند . سبک ساختمان طاقهای آن عیناً شبیه به قلعه «زاخه» که شرح آن قبل از این آمد ، میباشد .

در دیوار شمالی قلعه، پنجره ای به ابعاد $۹۰ \times ۸۰ \times ۱۰۰$ تعبیه شده و قسمتی از طاقهای اطاقهای شمالی هنوز باقی است . (تصویر شماره ۷) ولی در سمت جنوب خاوری، طاق تمامی يك اطاق مصون مانده است . در ورودی آن بجانب مشرق است . طول و عرض آن ۲۰۵×۸۵ متر و بلندی طاق ۱۷۵ سانتیمتر است ولی کف آن را با خاک پر کرده اند و مسلمانیش از این بوده است . سقف این اطاق بصورت قالب بندی که پهنای هر قالب بیست سانتیمتر است، با ساروج اندود شده و نوعی نقش در آن بکاررفته است . (تصویر شماره ۸) طول حصار قلعه ، ۶۰ و عرض آن ۲۴ متر است و اکنون آثار هشت اطاق آن بخوبی پیدا است . (تصویر شماره ۹)

موقعیت این قلعه طوری است که چشم انداز جنوبی آن تمامی دره صمیره [دره شهر] و حدود غربی آن تا حدود «بدره» و قسمت های شرقی

دره شهر ودشت رومشکال و طرهان و همچنین دره سرطرهان میباشد.

غار ویزنهار

کوه «ویزنهار» سه دره عمیق دارد که دارای چین خوردگی های مختلفی هستند. دره غربی از دو دره دیگر اهمیت بیشتری دارد زیرا در انتهای این دره و در قسمت بن بست آن غاری است که در سینه کوه کنده شده و حریم و دیدگاه آن سراسر دره را شامل است. از میان دره و با اطراف آن راهی برای رسیدن بدرغار وجود ندارد و ارتفاع دهانه تا سطح دره نزدیک به ۲۰ متر است

در انتهای بن بست دره، دریاچه ای است که منتهی به پله های است که از کوه کنده شده و به محوطه غار میرسد این پله ها چند پیج ولی حساب شده، دره را به غار متصل میکند. تا نزدیک به بیست و پنج سال پیش کسی از وجود این پله ها آگاهی نداشت ولی بطور تصادفی این دریاچه پیدا شد که بنا بر گفته یکی از اهالی تفصیل آن چنین است.

روزی عده ای از اهالی تصمیم میگیرند که بهر کیفیت شده این این غار را تسخیر کنند. جمعی از افراد ورزیده، باربسمان و چند نردبان پیاپی غار میروند. هرچه تلاش میکنند راهی نمی یابند زیرا وضع دهانه غار طوری است که نه از بالا میتوان به آن دست یافت و نه از جانب دره رفتن به بالا امکان پذیر است. در این میان یکی از همان افراد متوجه میشود که در دامنه دیوار غار، منتهی به سطح دره نیمه سنگی از خاک بیرون است و از دیوار کوه کمی فاصله دارد. باتیشه ای که دارد خاک

اطراف سنگ را میکند و سنگ را با فشار از جا برمیکند. درپچه‌ای پیدامیشود. وارد آن میگردد و ازپله بالا می‌رود تا به غار میرسد و همراهان را آگاه می‌سازد.

سطح داخلی غار چندان وسیع نیست ولی قسمت هائی از دیوار را تراشیده و صاف کرده‌اند، میتوان براحتی در آن گردش کرد. شاید با بررسی و خاکبرداری سطح آن بتوان تاریخ آنرا بدست آورد. بهر صورت اثری بسیار جالب توجه و عجیب از دوره باستان است.

بناهای اسلامی رومشکان منحصراً

ج- آثار دوره اسلام رومشکان

به سه مقبره است که تنها از لحاظ

سبک ساختمان بنای مقبره ها تا اندازه‌ای مورد توجه بوده اند و عبارتند از

۱- گنبد عالی گیژو

در جنوب شرقی رومشکان، کنار جاده آسفالت و در میان گورستان دهکده بازوند مقبره‌ای است بشکل مخروط که تماماً از سنگ و گچ ساخته شده است. اندازه داخل آن ۳۵×۳۵ متر و ارتفاع گنبد نزدیک به ۹ متر است داخل گنبد تزئیناتی ندارد و اثر قبری نیز مشاهده نمیشود. (تصویر شماره ۱۰) این مقبره مشهور به «عالی گیژو» (۱) بوده و مورد احترام اهالی میباشد، نام و یا وجه تسمیه‌ای برای آن درست نیست، احتمالاً این بنا از

۱. Aligizhn. و او - و مردم دهات اطراف تنها جزء ای که به این مقبره نسبت میدهند آنستکه اعتقاد دارند که اگر کسی زالو گلویش را بگیرد، او را به این مقبره بیاورد از مرگ نجات خواهد یافت؛

آثار قرن هشتم هجری قمری است.

۲- سهل الدین

در دهکده «تیل کش» (۱) واقع در دامنه شرقی کوه «مله» کنار جاده. مقبره‌ای است مشهور به «سهل الدین» یا «سهل نایو» که فاصله آن تا مرکز بخش پل کتر و دختر، دوازده کیلو متر است. بنای این مقبره، مربع شکل است که اندازه هر ضلع آن ۱٫۸۵ متر می‌باشد. بر روی آن گنبدی، ساده به بلندی ۵٫۵ متر ساخته‌اند. در داخل مقبره، قبری است، روی آن قبلا با کاشی سبز تزییناتی داشته که خراب گردیده و بتازگی آن را تعمیر کرده‌اند. سنگ نوشته و یا اثری که نام و مشخصات اصلی صاحب مقبره را روشن سازد، بدست نیامد.

در دره جنوبی مقبره، دهکده‌ای است که چشمه پرآبی دارد و اطراف آن درختان کهنسال چنار و گردو زیادی دیده می‌شود و اهالی حتی این درختان را مقدس شمرده و گاهی به آنها سوگند می‌خورند ؟!

۳- بابا حوی یا بابا حبیب

در انتهای شمال شرقی رومشکان، منتهی به دهستان کوه‌دشت آثار مقبره‌از سنگ و گچ باقی است که سقف آن فرو ریخته و دیوارهای آن نیز نزدیک به انهدام است. این مقبره بنام «بابا حوی یا حبیب» مشهور است و اطلاع بیشتری از صاحب آن در دست نیست. خانواده‌های

غضنفری و امرائی که بزرگان منطقه محسوب میشوند باباحیب را
جَد خویش میدانند .

چنانکه قبلا نیز اشاره شد اهمیت این منطقه بیشتر مربوط به تپه‌ها
و آثار دوره عیلام و کاسیت و بویژه آثار زیر خاکی میباشد که در
بعضی از تپه‌های آن نیز کاوش و بررسی بعمل آمده است

بخش سوم دهستان طرهان

دهستان طرهان در شمال دهستان رومشکان واقع شده دشتی وسیع تر از رومشکان میباشد. قسمت شرقی آن به «کونانی» مشهور است و قسمت غربی آنرا «سرطرهان» مینامند.

در «کونانی» چندتپه باستانی موجود است که در اطراف آن سفالهای شکسته منقوش، قرمز و یاسیاه رنگ و ساده فراوان دیده میشود. چند سال پیش در داخل خانه یکی از اهالی نقبی پیدا شد که منتهی به يك بنای گلی در زیر زمین میشد که تمامی آن از گل ساخته شده بود. در اطراف دهکده کونانی نیز قبور مربوط بدوره های پیش از تاریخ فراوان بوده است که قسمتی مورد دستبرد اهالی قرار گرفته است.

در گورستان خسرو آباد طرهان میله ای است به بلندی ۱۰ متر که بر بالای سر یکی از گورها ساخته شده است، این میله چند وجهی است و از سنگ و گچ است. (تصویر شماره ۱۱)

آثار سرطهران

دره نسبتاً وسیع و طولانی که در غرب کونانی واقع شده است، بنام سرطهران مشهور است. این دره از سمت جنوب به کوه «گور» محدود است که مانند دیواری آنرا احاطه کرده است. در این دره دوطایفه، یکی بنام «کوشکی» دیگری «گراوند» زندگی میکنند. قسمت غربی سرطهران منتهی برودخانه سیمره میشود.

تمام منطقه غربی سرطهران، کوهستانی است و راههای آن مالرواست.

در دره سرطهران تپه‌های باستانی زیادی دیده میشود که همگی بوسیله مردم حفاری شده و اشیاء آن بیاد غارت رفته است.

شایع بود که در دره «درون بایم» (۱) سنگ نوشته‌ای بخط میخی موجود است. از دهکده گراوند ها باتفاق یکی از دوستان محلی برای دیدن آن رفتیم. پس از دو ساعت راه پیمانی در میان صخره‌ها و راه‌های سخت کوهستانی به محل رسیدیم تمام دره‌های اطراف و کوههای مسیر ما، بایک چین خوردگی منظم منظره‌ای بدیع داشت و در سینه کش کوهها، غارهای متعددی دیده شد که تمام سطح آنها را حفاری نموده و از آنها سنگ چماق و کوزه شکسته‌هایی بیرون ریخته‌اند

آنچه که مردم سنگ نوشته میخی میدانستند، سطح صاف و مخطوطی در یک قسمت از سایبان کوه بود که بر ورزمان شیارهای نامنظمی در آن پیدا شده بود که مردم آنرا خط میخی میانگاشتند. ولی در این منطقه آثاری ارزنده مشاهده نمودیم.

الف: آثار پیش از تاریخ

سرطرهان (*)

تپه پیاره تپه «پیاره» (۱) در محلی بنام «کول وایم» (۲) واقع شده است. اندازه این تپه نزدیک به 200×300 متر و به ارتفاع ۱۰ متر است. (تصویر شماره ۱۲) و مشرف بر دره ای است بنام «باریکه» که عمق تقریبی آن ۱۰۰ متر است و راهی باریک و پیچ در پیچ و سخت، تپه را بدره متصل میسازد. (۳) در ته دره، رودخانه سیمره با بستر عمیق، راه خود را از میان صخره ها، باز کرده بایک پیچ تند بجانب غرب دره، جریان میابد. تپه «پیاره» بوسیله مردم چندبار زیور و شده و آثار برنزی فراوانی از آن بدست آورده اند. اکنون روی این تپه غارت شده چند خانه روستائی نیز ساخته شده است.

(*) دوست عزیز آقای عظیم محمدی در این راه همسفر و راهنمایم بود

۱- Peyara در گویش لری بمعنی [پساده راه] است یعنی راهی که فقط پیاده میتوان

از آن عبور کرد ۲- Kulvayem

۳- در اطراف و روی تپه، خانه های روستائی است که آب خوردن خود را بامشک

از سیمره و از این راه بالا می آورند

بنابه اظهار یکی از افراد محلی: در این تپه دونوع گور دیده شده
 ۱- گورهایی که در آن اسکلت انسان با اشیاء سفالی و مفرغی و
 مجسمه هایی از حیوانات مختلف و گاهی سلاح های جنگی مانند
 خنجر، گرز، تبر، بدست آمده است .

۲- نوع دیگر که در کنار هر گور، گور دیگر بوده است که اسکلت اسب
 باتمام ابزار برنزی ۰ از قبیل دهنه ۰ رکاب و بعضی ابزار جنگی دیگر
 یافت شده است .

بیشتر اشیاء منحصری که در موزه های شخصی و دنیا و موزه
 ایران باستان بنام لرستان معرفی شده، از این تپه و اطراف آن از دل خاک
 بیرون آورده شده است. (تصویر شماره ۱۳) نمونه ای از آنهاست .

ب: آثار تاریخی پیش از اسلام

در دره «باریکه» و دنباله کوهی

۱- دژ زلال انگیز

بهمین نام که رود سیمره جریان

دارد، بر تپه کوه آثاریک دژ، باقی است . (تصویر شماره ۱۴) ساختمان
 دژ دو طبقه بوده و با سنگ قلوه و گچ ساخته شده است. پهنای دیواره آن ۲۵
 متر، و سطح داخل آن ۵×۳۸ متر است. این دژ بنام «زلال انگیز» (؟) مشهور
 است .

سمت شرقی و جنوبی دژ، منتهی به رود سیمره است که عبور از آن

با ارتفاع تیغه کوه و دیوارۀ قلعه غیر ممکن است. از دیوار شمالی قسمت های بیشتر مانده‌وای نیمی از دیوار شرقی ریخته است. در دیوار جنوبی که شکل برج دارد دریچه‌ای به اندازه ۱۲۰×۲۵ سانتیمتر تعبیه شده که بدانوسله عبور و مرور درّه و راه مارپیچی که بجانب نپّه باستانی «پیاره» می‌رود کاملاً قابل کنترل بوده است (تصویر شماره ۱۵)

تنه‌راه منتهی به قلعه، راه باریکی است که از قلّه کوه بسمت شمال دژ می‌پیچد و سپس بداخل طبقه دوم قلعه می‌رسد. (تصویر شماره ۱۶) در داخل قلعه، در بدنه کوه، چاهی کنده شده که عمق آن تا سطح رود سیمره است. و بدینوسله آب مورد نیاز دژ، تأمین میشده است. ارتفاع سطح دژ تا بنا بستر رود، نزدیک به ۱۵ متر است. ظاهراً این دژ از آثار دوره ساسانی است. سطح آن را خاک بقطر زیاد پوشانیده است.

در لرستان آثار چندپل تاریخی
۲- پل کرو دختر (۱)
 و باستانی بجای مانده که یکی

نیز این پل است و دومین اثر ساسانی در لرستان است و دومین پلی است که بنام «کرو دختر» مشهور است (۱)

- ۱- کلمه دختر که اغلب روی پل یا قلمه و باراء گذاشته شده از نام ستاره ناهید گرفته شده و برای این بنا، افسانه‌هایی نیز بین مردم سینه بسینه باقی مانده است.
- ۲- پل دیگری که بنام «کرو دختر» نامیده میشود در جابدر، کیلومتر ۱۱۰ راه خرم‌آباد اندیشه‌شك واقع شده است.

این پل در غرب سر طرهان بر روی رود سیمره و در تنگ ترین بستر رود، زده شده است. محل پل، امروز بنام «سی پله» (۱) مشهور است و طرهان را بخاک سیمره و هلیلان مربوط میسازد (تصویر شماره ۱۷). این پل چهار چشمه داشته است. طاق دو چشمه آن باقی مانده و اکنون رود سیمره از آخرین چشمه غربی آن میگذرد، و بستر آن به عمق زیادی بهمان جهت تغییر مسیر داده است.

پهنای هر پایه ۶٫۵ متر و طول آن ۱۷ متر است. اندازه دهانه هر طاق با چشمه ۱۱ متر و ارتفاع پل تا بستر خشک ۱۹٫۲۰ متر میباشد. دو پایه غربی و شرقی متکی بر کوه بوده و پایه های دیگر نیز بر سطح سنگی بستر رود کار گذاشته شده است. (تصویر شماره ۱۸)

اندازه سنگهایی که در پایه بکار رفته $۶۰ \times ۶۰ \times ۱۰۰$ سانتیمتر و بعضی نیز بزرگترند.

روی هر يك از این سنگها علامت مشخصی کنده شده است. ردیف هر پایه با این سنگها ساخته شده و طاق هر چشمه از روی ردیف نهمی با سنگ قلوه شروع میشود (تصویر شماره ۱۹)

توصیفی که هنگام مسافرت تحقیقی «سراورل استین» از این پل شده چنین است:

(پل کَر و دختر: در نزدیکی سر طرهان بر روی سیمره پلی دیگر از آثار ساسانیان دیده میشود که دو طاق از آن ریخته و بقیه بجا

مانده است .

پایه‌های اصای با سنگهای بسیار بزرگ و بالای سنگها تراشیده و تمام پل از سنگ و گچ است و این پل معروف به «کَر و دختر» و واسطه و رابط سرطرها و هلیلان و بعبارة اخرى لرستان و کرمانشاهان است. این پل از آثار ساسانیان و بسیار خوب بجا مانده ، عقل انسانی مبهور است که در آن دوران چه تشکیلات مهمّی بوده است . (۱)
از این پل هیچک از جغرافی نویسان اسلامی نام نبرده اند . شاید علت آن بوده که در مسیر راه آنها نبوده است . این پل بر سربیزی از شاهراههای باستانی ساخته شده است . کتیبه‌ای بدست نیامده که تاریخ بنای آن روشن گردد .

بت ایلامی

از جمله اشیای بدست آمده از سرطرها يك بت سنگی است که شاید مربوط بدوره ایلامیها باشد. این بت از سنگ سیاه حجاری شده است .
بلندی آن ۳۲ و پهنایش ۲۴ و اندازه دورسر آن ۴۶ سانتیمتر میباشد .
روی شکم و سینه این مجسمه چند شیار عمودی نقر شده است .
(تصویر شماره ۲۰)

آبزن

حوضی است از سنگ که طول آن ۵۱ متر و عرضش ۹۰ و گودی آن ۶۳ سانتیمتر میباشد .
در این حوض سنگی سوراخی است که برای خروج آب تعبیه

۱. راههای باستانی و پایتخت های قدیم غرب ، تألیف دکتر کریمی ، ص ۱۴۵

شده است. بدنه آن چکش کاری گردیده است زیر و لبه هایش صاف و پرداخت شده و گرده ماهی است. این حوض سنگی از یکی از تپه های «کوشکی» پیدا شده است.

در قدیم و دوره اسلامی این نوع حوض را «آبزن» می گفتند.

بنا بنوشته مجمل التواریخ والقصص، بروایت از شعر، هنگام فتح شوش بدست ابوهوسی اشعری، بقلعه شهر رفت که آنرا «مازونیال» می گفتند (... همی گزیدید در خانها، و خزینها را قبض همی کرد و عوض همی داد تا بدرخانه ای برسید، پرده بر او آویخته، اثر روغن بر او بود و در خانه بسته بود، بفرمود تا باز گشایند، باز گشادند بضرورت آبزنی دید از رخام، مانند حوضی (...). (۱)

گویا در قدیم میان ایرانیان رسم بوده است که هر کس درخانه خود آبزنی داشته و در آن استحمام می کرده است. (۲)

آبزن یا حوض سنگی سرطرها ن عیناً مانند وسیله استحمامی است که امروز آنرا «وان» میگویند.

یکی دیگر از اشیاء بدست آمده، ظرفی سفالی بود که روی آن نقوش حیوانات و اشکال هندسی برنگک سیاه نقش شده بود. بلندی این ظرف ۷۵ سانتیمتر بود. (تصویر شماره ۲۲)

بخش چهارم

دهستان کوهدهشت

کوهدهشت نام دهستان و نیز مرکز بخش طرهان است که اکنون بصورت شهری کوچک در آمده و در آن تشکیلات شهری ایجاد شده است. جمعیت این شهر بیش از پنج هزار نفر است و مرکز داد و ستد بخش طرهان است. این دهستان شامل ۷۵ دهکده بوده و دشتی وسیع و حاصلخیز دارد.

کلمه کوهدهشت در بعضی از کتب مسالك و ممالك «کورشت و یا کوذشت» آمده است. (۱) مستوفی در نزهت القلوب مینویسد، «کورشت شهری بزرگ بوده و اکنون خرابست» (۲)

دشت کوهدهشت بین کوههای «چنگری»، «سرخ دم»، «گردله» «سر سرخن» و «کژنه» (۳) محصور شده است.

۱- ترجمه سفرنامه ابودلف ص ۶۱ ۲- نزهت القلوب ص ۷۹ ۳- Kozhena

«مایانرود» یا «مادان رود» نام یکی از دهات جنوب این دشت است که در نزهت القلوب بنام «مایرود» (۱) آمده است.

آثار زیر خاکی و روخاکی بیشماری از عهد باستان و ادوار اسلامی در این دهستان بدست آمده و موجود است که هر يك در نوع خود اثری ارزنده بوده و هست.

آثار کوه دشت

الف - آثار دوره حجر و پیش از تاریخ

در این منطقه سه غار كوچك در حدود دو كيلو متری شمال همین

۱- غار برد سفید

وجود دارد که در تابستان سال ۱۳۴۸ هیئت بریاست پروفیسور «مک بورنی» استاد دانشگاه کمبریج بنا به گزارشی که به انجمن آثار ملی و اداره کل باستان شناسی فرستاده بودم مأمور تحقیق در این منطقه شدند آقای مک بورنی در گزارش مقدماتی، نتیجه کاوش خویش چنین گزارش کرده است.

در سه «غار برد سفید» علائم و شواهدی از تغییرات آب و هوا موجود است. از طریق آزمایش کربن ۱۴ و طبقه بندی آثار و تیغه های فلینت مربوط به دوره موستری که در کف غار بدست آمده و حاکی از يك دوره فرهنگ تیغه سازی است، میتوان تاریخ گذاری

دقیق نمود و آنچه اکنون میتوان پیش بینی نمود این است که این آثار مربوط بدوره پالئولیتیک کهن است. مهمترین نکته ای که باید به آن توجه داشت، کشف غیرمترقبه بقایای آثار دوره پالئولیتیک میانه درهمیان است که از فرهنگ دوره موستری حکایت میکند و همین مطالب، این امید را تقویت میکند که بتوان اطلاعاتی از نحوه زندگی مردم در دوره شکار و از وضع این منطقه و آب و هوای غرب ایران در طول زمانهای میان ۴۰,۰۰۰ تا ۶۰,۰۰۰ سال پیش بدست آورد. رویهمرفته انتظار میرود که نتیجه آزمایشات کربن ۱۴ از نمونه های «برد سفید» و مقایسه آن با آثار مکشوفه بوسیله آقای فرانک هول در منطقه خرم آباد به این نتیجه رسید که آثار پالئولیتیک فوقانی در ایران بسی قدیمتر از اروپای غربی است (۱)

۲- غار بته خانه

در جنوب شرقی شهر کوهدشت بمفاصله ۱۸ کیلو متر، دهکده ای است بنام «دم چهره». (۲) در شرق این دهکده، کوهی است که بنام «گردل کوه» (۳) مشهور است. این کوه غاری بسیار بزرگ دارد که «بته خانه» نامیده میشود. قسمتی از دهانه غار بعلة سیلابهای زمستانی

و گل ولای، مسدود شده است و از قسمتی از آن که باز است باید خزیده عبور کرد و به غار وارد شد. از اینجهت عبور از آن قدری دشوار است.

طول دهانه غار ۱۸ متر است. غار وسعت نسبتاً زیادی دارد و گنجایش جمعیتی بیش از ۵۰۰ نفر را میتواند داشته باشد. سطح غار را خاک نرمی پوشانیده که ضخامت آن در قسمت‌های مختلف، متفاوت است و تا ۳ متر میرسد. سقف آن ارتفاعی نزدیک به بیست متر دارد. سراسر سقف و دیواره غار به علت نفوذ آب از لایه های آهکی، سفید شده است. غار شامل در قسمت جنوبی و شمالی است که قسمت شمالی آن وسیع تر است.

وجود سنگ چخماق و سفال شکسته های سیاه و منقوش میتواند مؤید زندگی های غار نشینی و وجود آثار دوره های مختلف تمدن گذشته، در این غار باشد. چنانکه بررسی شود آثار پالئولیتیک و نئولیتیک از آن بدست خواهد آمد.

طول غار نزدیک به ۲۰۰ متر و پهنای متوسط آن به ۲۰ متر میرسد و جود استالاگمیت (۱) های متعددی که ارتفاع برخی از آنها به ۵ متر میرسد با شکل های مختلفی که دارند موجب شده است که این غار را به بتخانه بنامند. تصاویر شماره ۲۳ تا ۲۸

از تمام استالاگمیت ها، هفت قطعه آن از همه بزرگتر و جالب توجه

تراند بزرگترین آنها، ۵۲۰ متر بلندی دارد و بقیه از ۱۵ تا ۳۶۰ متر ارتفاع دارند. نهایتاً قطعه از آنها که در کنار دیوار شرقی غار واقع شده شکل مخصوصی دارد، ولی معلوم نیست در چه زمان و بوسیله چه کسانی به آن شکل درآمده است. (تصویر شماره ۲۹)

در انتهای غار چند پله از دیوار تراشیده شده که بسمت شرق می‌پیچد و سطح بالای غار که گنجایش بیش از چند نفر را ندارد می‌رود. دیوار غربی قسمت شمالی غار دری داشته که اکنون پوشیده و غیر قابل عبور است. در داخل غارها کافی وجود دارد و هیچگونه ناراحتی احساس نمی‌شود این غار تا کنون مورد مطالعه قرار نگرفته است.

۳- تپه درکه (۱)

یکی از تپه‌های مهم پیش از تاریخ که دور از چشم دانشمندان و باستان‌شناسان مانده است، تپه «درکه» است. این تپه در شمال خاوری کوه دشت بفاصله ۲۴ کیلو متر و در دهکده «ابوالوفا» واقع شده و طول آن نزدیک به ۳۰۰ متر و پهنای آن بیش از ۲۰۰ متر است و بلندی آن تا ۱۵ متر میرسد (تصویر شماره ۳۰)

تمام سطح تپه بوسیله اهالی حفاری شده و اغلب با کندن چاه‌های عمیق و زدن نقب در زیر زمین آنرا بهم ریخته‌اند. در این تپه هیچ بنای

سنگی یافت نشده و تمام از چینه و خشت برده است .
 آثاری که از آن بدست آمده مختلف است . از طبقه میانی ظروف
 سفالی و بعضی ظروف مفرغی یافت شده که سفالها برنگ قرمز و
 سه پایه دارند و مشابه ظروف سه پایه داری هستند که وسیله
 پرفسور گیرشمن از طبقه سوم «گیان» بیرون آورده شده است . ظروف
 سه پایه دار مکشوف بشکلهای مختلف بودند ولی نقوش آنها چندان
 اختلافی باهم نداشتند . این نقوش بشکل زیك زاك و یاسبد باف بودند
 (.... طبقه سوم گیان که بنظر میرسد معرّف دنباله تمدن بومی
 ظروف سفالین منقوش باشد؛ بوسیله ظهور متاع جدیدی با اشکال
 عجیب از قبیل «کرنوی» (۱) و سه پایه مشخص است . دخول آنها به
 محوطه ای که مسکن کاسیان بود ، مصادف گردید با ورود
 جنگجویان هند و اروپائی

منشأ این ظروف عجیب را بیشتر باید در مغرب ، در سوریه یا
 آسیای صغیر جستجو کرد . چه حقیقتاً در این مناطق هر دو نوع ظروف
 یافته شده است .

بنظر میرسد که در بعضی قسمتهای زاگرس سه پایه بیشتر متداول
 و باب بوده و استعمال آن در آنجا ادامه یافته است مخصوصاً در
 لرستان که از مقابر آن، توأم با اشیاء مفرغی که تاریخ آن به هزاره

۱- «کرنوی Kernoi» یونانی نوعی بشقاب بزرگ گلی است که در آن میوه
 مینهادند

اول میرسد : مقداری ظروف از نوع مذکور بدست آمده است . (۱)
از جمله ظروف سفالی که اهالی از این تپه بیرون آورده بودند
ساغری بود به ارتفاع ۷ سانتیمتر که در نهایت ظرافت ساخته شده
بود. ارتفاع ظروف سه پایه دار تا ۳۰ سانتیمتر میرسد و کوچکتر از
آن نیز بدست آمده است .

۴- آثار سرخ دم (۲)

دهکده «سرخ دم» در ۲۴ کیلومتری خاور کوه دشت و در دامنه
کوهی به همین نام که دنباله آن به سمت مشرق کشیده و گاهی بنام «دوشه»
نیز گفته میشود واقع شده است . (تصویر شماره ۳۱)

کلمه «سرخ دم» برای باستانشناسان جهان نامی آشناست و اشیاء
بدست آمده از سرخ دم زینت بخش موزه های خصوصی و ملی بیشتر
کشورهاست . وجه تسمیه این دهکده به سرخ دم از اینجهت است که
خاله آن قرمز است . اولین کسی که در سرخ دم حفاری کرد، دکتر
اشمیت بود که آنها را بطور اتفاقی با این محل و کیفیت آن آگاه شد.
به این تفصیل هنگامیکه برای تحقیق با هیئت خویش بقصد دنباله
تحقیق قبلی خود از رومشکان وارد کوه دشت میشود ، شب به

۱- ترجمه ایران از آغاز تا اسلام تألیف پروفیسور گیرشمن ص ۵۸ و ۵۹

۲- Sordom «سرد» در گویش لکی به معنی سرخ است

خانه حاکم آنجا به میهمانی می‌رود. روستائیان سرخ دم چند روز قبل از آن بحسب اتفاق چند مجسمه برنزی هنگام شخم زدن می‌یابند و آنها را تسلیم حاکم وقت میکنند. و او نیز آنها را به دکتر اشمیت نشان می‌دهد. اشمیت پس از مشاهده اشیاء تصمیم می‌گیرد در سرخ دم بحفاری مشغول شود.

همانطوریکه قبلاً اشاره شد دکتر اشمیت دو بار برای تحقیق و کاوش به طرهان مسافرت کرد. اولین سفر در شهریور ماه ۱۳۱۴ بود بازرس اداره کل باستانشناسی همراه این هیئت مرحوم اسماعیل پستا بود و هیئت مرکب بود از :

- | | |
|--------------------|--------------------|
| Dr. Erich schmidt | ۱- دکتر اریک اشمیت |
| Mme schmidt | ۲- خانم اشمیت |
| Mr. Georgemiles | ۳- آقای ژرژ میل |
| Mr. vanknox | ۴- وان کناکس |
| Mr. Jamesgaul | ۵- جمیز گال |
| Mr. Fredlillich | ۶- مزدلی کیک |
| Mr. Lewinbarringer | ۷- لوین بارینگر |

حوزه عملیات تحقیقی هیئت در این سفر، رومشکان بود که شرح آن در قسمت مربوط به رومشکان آورده شده است.

دومین سفر دکتر اشمیت در بهار سال ۱۳۱۷ انجام شد. نماینده اداره کل باستانشناسی در این سفر، آقای مینوئی بودند. دکتر اشمیت در حفاری سرخ دم موفق بیافتن يك معبد آشوری میشود.

آقای مینوئی دوفقره تلگراف در اینمورد به تهران مخابره نموده و جریان این کاوش را اطلاع میدهد که متن آنها چنین است .

تلگراف شماره ۳ مورخ ۱۳۱۷ر۳۱۸

تهران ، موزه . هیئت امریکائی براهنمائی بخشداد و معارف کوهداشت . درسرخده ، دامنه کوه ده کیلومتری شرق مرکز کوهداشت ، بنای سنگی عهدبرنز یافت . حفاری شروع ۱۳۱۷ر۳۱۸ - مینوئی

تلگراف دومی دوازده روز بعد به این مضمون مخابره میشود .

تلگراف شماره ۵- مورخ ۱۳۱۷ر۳۲۹

تهران ، موزه ، هیئت آمریکائی «سرخدم» از حفاری نتیجه خوب گرفته ، بنای عهد برنز ، معبدی است از سنگ تراشیده شده ، نمونه های زیادی از برنز و غیره بدست آمده ، یک هفته دیگر حفاری سرخ دم ادامه دارد . بازرس فنی - مینوئی (۱)

اشیاء بدست آمده از سرخ دم پس از معرفی آنها وسیله دکتر اشمیت برای دانشمندان باستانشناس ره آورد بسیار ارزنده و جالب توجهی بودند . چنانکه در این باره اظهار نظرهای مختلفی شد . و عبادتگاه باستانی سرخدم ، محور تحقیق برای باستانشناسی در ابران بود .

۱- متن دوفقره تلگراف را آقای حسام الدین ضیایی در اختیار نگارنده گذاشتند که بدینوسیله از لطف ایشان سپاسگزارم

نوع دیگر از میله های برنزی، آنهایی هستند که به يك صفحه مدور منتهی می گردند . و در مرکز صفحه ؛ شکل سر انسان بصورت برجسته نشان داده شده . بیشتر این میله ها در میان درز سنگهای عبادتگاهی دره سرخ دم پیدا شد و گاهی نیز در داخل خود دیوار کشف گردیده اند . (۱) دانشمندی که این اشیاء را در آن محل پیدا کرده اند عقیده دارند که آنها مانند ترکش ها و سپر ها بصورت نذر در آن عبادتگاه قرار داده شده بودند .

آقای «گدار» کشف این اشیاء را که بوسیله آقای اشمیت انجام گرفته ، بدین طریق شرح میدهد :

در این محل عبادتگاهی پیدا شد، که دیوارهای آن با سنگهای تراشیده ساخته شده بود و روی کف زمین این معبد، و در داخل درز سنگهای دیوار آن، و حتی داخل دیوار ها، تعداد زیادی اشیاء برنزی پیدا شد، که بعضی از آنها شناخته شده بود، بعضی دیگر برای اولین بار پیدا میشد و جالبترین آنها میاه هایی بود که به صفحه مدوری منتهی می شد، و روی آنها موضوع های دینی رسم شده بود و یا مجسمه های کوچکی بود از مرد یا زن و یا آینه های برنزی و مهره های استوانه ای شکل، ولی در میان نقوش این میله ها، نقش اسب، با چیزی که مربوط به آن باشد پیدا نشد . (۲)

۱- تصاویر صفحات ۱۶۰ و ۱۶۲ نمونه هایی از این میله ها هستند

۲- ترجمه هنر ایران تألیف پروفیسور گیرشمن صفحات ۴۲-۴۸-۶۶-۷۰

ساکنان لرستان در آن زمان ، (پیش از هزارهٔ اول قبل از میلاد) عبادتگاه‌هایی نیز داشتند . و یکی از آنها در ناحیهٔ «سرخ دم» طبق اصول علمی کشف گردیده است . این عبادتگاه نشان می‌دهد که مردمان مزبور ، که از نواحی مختلف لرستان بوده‌اند ، در مرکز مقدسی ، آداب و رسوم واحدی را معمول می‌داشتند .

صفحه‌های برنزی که در «سرخ دم» پیدا شده‌اند از حیث نفوش بسیار قابل توجه‌اند .

.... بیشتر سپر های نذری لرستان در عبادتگاه سرخ دم کشف گردید . در این صورت باید متذکر شویم که میان مردم اوراتور چنین رسم بوده که سپر های خود را بدیوار عبادتگاه آویزان میکردند .

بعضی دیگر از دانشمندان که اشیاء بدست آمده از «سرخ دم» را مورد مطالعه قرار داده‌اند ، معتقدند که معبد «سرخ دم» بهترین شاهد برای بیان این است که نفوذ آشوریان در میان هزارهٔ دوم و هزارهٔ اول پیش از میلاد موجب استیلای سبک هنری آشور بر سبک لرستان گردیده‌اند .

بهر صورت آثار بدست آمده از سرخ دم ، اینک در موزه‌های دنیا نگهداری میشود و سرخ دم یکی از محور های شناسایی تمدن گذشتهٔ ایران بوده است .

نقاشیهای باستانی درغارهای کوهدهشت(۱)

بدنبال جستجو برای یافتن آثار باستانی در بخش کوهدهشت، بوسیله یکی از دوستان محلی اطلاع یافتم که در کوههای اطراف کوهدهشت نقوشی برنگهای قرمز و سیاه بر دیوار بعضی از غارها موجود است. از لحاظ اهمیت موضوع، برای مشاهده این آثار، بمحل نقاشیها عزیمت نمودیم.

برای رسیدن به این غارها، راهی سخت و دشوار را باید طی کرد، زیرا همه نقوش ها در يك محل نیستند. قسمتی در کوه «سر سرخن» (۲) و بقیه، در کوه «همیان» قرار دارند(۳).

این نقوش پیرترین و کهن ترین آثار هنری اقوام ایرانی هستند که هنوز هم جوان مانده، و پس از گذشت قرن ها و هزاره ها، رنگ و حالت آنها که نمودی از کیفیت زندگی و نشانه ای از اندیشه و بالاخره هنر ذاتی آنهاست که همچون کتابی که با خط تصویری نوشته شده باشد و مبین و روشنگر گوشه ای از تمدن زمانهای دوری است که باقی مانده اند.

۱- این نقوش در شماره سوم مجله باستانشناسی و هنر ایران معرفی شده اند

۲- Sarsorxen

(*) ازدوستان عزیز آقایان حمید خرووی و غلامحسین عباسی که یار غار میرملاس من بودند و در کار تحقیق در بخش کوهدهشت مرا یاری کرده اند سپاسگزارم.

اولین غار در دره «میرملاس» (۱) در کوه «سر سرخن» واقع شده است. (تصویر شماره ۳۲) فاصله این دره تا شهر کوه دشت نزدیک به ۳۰ کیلومتر است که قسمتی از راه آن جیب رو و بقیه را باید پیاده پیچود. غار «میرملاس» که به مرور زمان درهم ریخته است، اینک سایبانی بیش از آن باقی نمانده است.

نقاشیهایی نیز در دو طرف جنوب و شمال دره، بر روی دیوار سایبان نقش شده که اینک در معرض نابودی بوسیله عوامل طبیعی میباشد خورشید، باران، قرار گرفته و بدتر از همه، عوامل مخرب، چوپانهای هستند که به این محل میروند و موجب فتنای این آثار میشوند.

طول سایبان جنوبی غار «میرملاس» سی و پنج متر است (تصویرهای شماره ۳۲ و ۳۳). نقاشیها از جنوب شروع شده و بجانب شمال، ادا نه می یابند و بیشتر آنها صحنه هایی از شکارگاه و یا رزمگاه را مجسم میسازند. برخی نیز نقش حیواناتی است که نمیتوان برای آنها نامی گذاشت. اینک هریک از این نقوش معرفی میشوند.

الف - نقاشیهای غار جنوبی دره میرملاس

۱- اولین نقش (از راست به چپ) تقریباً بشکل لنگر کشتی است که در انتهای آن حلقه ای است و بدنبال حلقه خطی به پهنای خط حلقه بطرف بالا کشیده شده و منتهی به دو بال میشود که بطرفین و تقریباً قرینه هم کج شده اند. اندازه آن ۳ × ۱۶ سانتیمتر و رنگ آن قرمز است.

این نقش که شاید از يك اندیشه کهن دینی ناشی شده است و همان پدیده فکری، ماهم نقاشان چنین نقشهایی بوده است که در صنعت مفرغ کاری نیز بکار گرفته شده است و محور بسیاری از ابزار برنزی بوده و در مفرغ سازی شکل میگیرد. به این کیفیت که بین دویال، کله گوزن نقش شده و دویال تبدیل به شاخهای آن میشود و به بدنه متصل میگردد و بر ساقه آن اشکال دیگر نقش گردیده است و دور حلقه نیز شکل دو شیر در حال حمله است که انتهای دوشاخ گوزن را بدهان میگیرند. شاید هم بز کوهی و جانوران شاخدار دیگر، اهمیت جاودانه‌ای دارند و ممکن است بین شاخهای خمیده و هلال ماه ارتباطی متصور بوده است. زیرا از زمانهای قدیم ماه با باران، مربوط شناخته میشده چنانکه در مقابل آن، خورشید در نظر مردم باستان با گرما و خشکی ارتباط داشته است. (۱) و این نقش خود شاید طلسمی است که با عقاید دینی آنها مربوط باشد. (تصویر شماره ۳۴) مقایسه‌ای است با مفرغ شکل یافته تصاویر صفحات ۱۷۴ و ۱۷۵ ملاحظه شود

۲- نقش يك سوار در حال تاختن و يك موجود خیالی، اندازه، ۱۵×۱۵ سانتیمتر، رنگ قرمز. (تصویر شماره ۳۵)

۳- نقشی از يك گاو است اندازه، ۱۵×۱۸ سانتیمتر، رنگ سیاه. (تصویر شماره ۳۶)

۴- نقش يك نفر سوار بر اسب که در حال تاختن، کمان خود را

کشیده و آماده تیر اندازی است . اندازه، ۱۴×۱۴ سانتیمتر رنگ سیاه. (تصویر شماره ۳۷)

۵- نقش چند نفر پیاده که به شکار مشغولند، اندازه، ۲۵×۲۰ سانتیمتر رنگ قرمز. (تصویر شماره ۳۸)

۶- نقش يك سوار که در حال تاختن اسب بدنبال گوزنی است و کمان خود را به شست کرده و گوزن از جلو او در حال فرار است و يك سنگ شکاری نیز در حال دویدن بدنبال گوزنی است اندازه، ۳۰×۵ سانتیمتر ، رنگ قرمز .

۷- يك شکارچی پیاده با موهای ژولیده که کمان خود را بطرف شکاری بزه کرده ، اندازه ۱۵×۱۰ سانتیمتر رنگ قرمز .

۸- نقش دو نفر سوار در حال تاختن بدنبال سه گوزن ، اندازه هر يك از شکارها بترتیب ۱۰×۳۸ و ۲۰×۱۳ و ۲۸×۲۶ سانتیمتر اندازه

دو سوار ۱۴×۱۲ سانتیمتر ، رنگ قرمز .

۹- صحنه شکارگاهی است با اندازه ۵۰×۶۰ سانتیمتر که هشت نفر پیاده با تیر و کمان بشکار مشغولند . در این صحنه نقش پنج شکار دیده میشود . (تصویر شماره ۳۹ شامل نقش ردیفهای ۷ و ۸)

۱۰- نقش حیوانی با گردن دراز شبیه زرافه و يك گوزن و نیز نقش انسانی که دستهای خود را بطرفین باز کرده، اندازه هر يك بترتیب ۲۲×۱۵ و ۸×۴ و ۷×۴ سانتیمتر ، رنگ قرمز. (تصویر شماره ۴۰)

۱۱- رزمگاهی است به اندازه ۴۰×۴۰ سانتیمتر که عده ای سوار ، پیاده باتیر و کمان و نیزه با هم بجنگ مشغولند و جمعاً ۳۷ نقش در

این صحنه دیده میشود. رنگ آن قرمز است. (تصویر شماره ۴۱)
 نقش دودرخت بشکل درخت کاج که قسمت زیادی از آنها ریخته
 شده. درخت اول ده شاخه و دومی پنج شاخه دارد. اندازه هر یک به
 ترتیب ۲۲×۱۲ و ۱۴×۱۲ سانتیمتر است و رنگ آنها قرمز میباشد.
 (تصویر شماره ۴۲)

غیر از اینها چند نقش شکار دیگر برنگ سیاه هست که چون بیش
 از حد محو شده اند عکس گرفتن از آنها دشوار بود.

ب: نقاشیهای قسمت شمالی تنگه میر ملاس

نقاشیهای این قسمت نیز دنباله آثار قبلی است و چون سقف غار
 ریخته شده است این نقوش بیشتر در معرض نیستی قرار دارند. از تمام
 آنها هفت نقش روشتر و بیشتر نمایانند که عبارتند از :
 ۱- نقشی از انسانی که بر پشت خود دو بال دارد، با اندامی درشت
 که کمرش باشی شبیه کمر بند بسته شده، با دو دست خود دو شکار
 در حال فرار را گرفته و چند شکار نیز دور تر در حال فرار هستند.
 اندازه این نقش ۴۵×۴۰ سانتیمتر بوده و برنگ سیاه نقاشی شده است.
 این نقاشی در مقطعی از یک قسمت کوه و زیر سایبانی از دیواره جلو آمده
 آن قرار دارد و یکی از نقوش بسیار روشن و جالب توجه است. (تصویر
 شماره ۴۳)

۲- در سمت غربی نقش قبلی و بر سطحی بالاتر از آن چند نقاشی
 دیگر هست که از آن جمله سواری که بدن بال سه گوزن در حال ناختن

اسب است . اندازه آن ۵۰×۳۰ سانتیمتر و رنگ آن قرمز است .

۳- نقش دوفر پیاده که بین آنها نقشی از يك زن دیده میشود و هر دو نفر کمان بدست دارند. اندازه هر يك ۶×۲ سانتیمتر و رنگ آنها قرمز است .

۴- نقش حیوانی قوی جثه بشکل اشتر، باپاهای بلند و گردن دراز که يك نفر بر آن سوار است و کمانی در دست دارد . اندازه آن ۲۲×۱۳ سانتیمتر و رنگ آن قرمز است . (تصویر شماره ۴۴)

۵- نقش دوفر با لباس بلند و کمر بسته و کلاه ، با هیئتی شبیه به پادشاهان که در برابر آنها نقش چند انسان که خم شده اند و بر بالای سر آنها سایبانی شبیه به چتر که از هر درست شده باشد دیده میشود . اندازه این نقش ۲۰×۸ سانتیمتر و رنگ آن قرمز است . (تصویر شماره ۴۵)

۶- نقش شکارگاهی است که چند نفر سوار بدنبال شکاری در حال تاختن هستند. اندازه، ۵۳×۱۵ سانتیمتر و رنگ آن قرمز است . این نقش نیز بمرو زمان کم رنگ شده است .

۷- نقش يك سوار در حال تاختن و کمان کشیده، اندازه، ۱۵×۱۲ سانتیمتر و رنگ قرمز . (تصویر شماره ۴۶)

۸- نقش حیوان عظیم الجثه ای با گردن دراز و پاهای بلند و سم پهن که يك نفر بر آن سوار است و کمان خود را بجانب شکاری بزه کرده، اندازه حیوان ۱۷×۷ و اندازه سوار ۲۰×۱۴ و فاصله آنها تا شکار ۷ سانتیمتر و رنگ آن قرمز است . (تصویر شماره ۴۷)

چنانکه قبلاً اشاره شد غیر از این نقوش، هفده نقش دیگر در این تنگه وجود دارد که به مرور زمان قشری از گل، روی آنها را گرفته و آنها را محو نموده که تشخیص و عکسبرداری از آنها مقدور نبود.

نقاشیهای همیان در کوه «کیزه» (۱)

شمال تنگه «چالگه شله» (۲)

بالای کوه «سر سرخن» (۳) دشتی نسبتاً هموار و پوشیده از جنگل است و تنها چند خانه روستائی و یک پاسگاه جنگلبانی در آنجاست. دو ماه اردیبهشت و خرداد چند طایفه برای گلّه چرانی به این محل می آیند و تابستان مجدداً بدشت کوه دشت مراجعت میکنند. «سر سرخن» یک محلّ بیلاقی است و ساکنین آن آب مورد نیاز خود را از چاههاییکه معمولاً به عمق ۲ تا ۵ متر حفر نموده اند تأمین میکنند.

از تنها دهکده «سر سرخن» راهی باریک بجانب خاور کشیده شده که این راه منتهی به درّه ای وسیع و طولانی بین کوه «سر سرخن» و کوه همیان میگردد. راه، از تنگه پر صخره و پیچ و خم میگذرد که قسمت شرقی کوه «سر سرخن» بنام کوه «کیزه» مشهور است. این تنگه چون مقابل کوه مرتفع «همیان» قرار دارد، بنام تنگه (دیوارگاه همیان) یا (چالگه شله) نامیده میشود. در کمرکش این تنگه، راه باریکی بسمت شمال و بجانب دامنه کوه و محلّ نقاشیهای این محلّ و نیز راه باریک دیگری در جهت جنوبی تنگه، بطرف محلّ دیگر نقاشیها، از تنگه جدا میشود. از تنگه تا محلّ نقاشیها که در سمت شمال آن قرار دارند نزدیک

به ۵۰۰ متر است ولی فاصله نقاشیهای غارهای جنوبی دَره، نزدیک به ۴۵ دقیقه راه پیمانی لازم دارد. تعداد نقاشیهای شمال تنگه، بیشتر از قسمت جنوبی است که اینک شرح هر يك جداگانه می آید.

الف : نقاشیهای شمال تنگه

- ۱- نقش يك اسب بدون زین و برگ در حال تاختن و نقش انسانی که ایستاده و بجانب اسب دست دراز کرده است. اندازه آنها ۲۵×۲۰ سانتیمتر و به رنگ قرمزند. (تصویر شماره ۴۸)
- ۲- نقش يك نفر شکارچی که بسوی گوزنی باتیر و کمان هدف گیری کرده و نقش اسبی در حال فرار دیده میشود. اندازه این صحنه ۴۰×۳۰ سانتیمتر و رنگ آن قرمز است (تصویر شماره ۴۹)
- ۳- نقش يك شکار در حال فرار که حیوانی شبیه به سگ بدنالش در حال دویدن است. اندازه: ۱۵×۲۵ سانتیمتر، رنگ قرمز (تصویر شماره ۵۰)

بفاصله دویست متر در شمال این قسمت، بر سینه کوه، که قبلاغاری بوده و بمرور زمان اطراف آن فرو ریخته است: و راه رسیدن به این محل از کوره راهی بسیار سخت است که به مدخل غار منتهی میشود و آن را بوسیله دیواری از سنگ و گل مسدود کرده اند و هنوز قسمتی از این دیوار گلی باقی است، (تصویر شماره ۵۱) صحنه يك شکارگاه

نقاشی شده است که بسیار روشن و جالب توجه است. در این صحنه، دو گوزن قوی هیکل در حال فرارند و یک نفر شکارچی سوار بر اسب، کمان کشیده و آماده تیراندازی بسوی آنهاست. (تصویر شماره ۵۲): گذشت زمان موجب ریخته شدن قسمتی از نقش شکارچی و بدن یکی از گوزن ها گردیده ولی نقش گوزن باقی مانده، یکی از بهترین نقوشی است که از لحاظ تجسم حالت و کیفیت صحنه و نقش، تاکنون دیده شده است و گذشت قرن ها نتوانسته است ویژگی و زیبایی این نقش را از آن بگیرد و با بهترین آثار هنری امروز در نوع خود نیز رقابت میکند. (تصویر رنگی شماره ۵۳)

اندازه نقش گوزنی که سالم مانده، 14×15 سانتیمتر و اندازه نقش شکارچی 14×20 سانتیمتر و فاصله بین شکارچی تا نقش گوزن ۱۵ سانتیمتر بوده و برنگ قرمز نقاشی شده اند.

ب- نقاشیهای جنوب تنگه «چالگه شله»

در سمت راست تنگه «چالگه شله» نیز بفاصله ای نزدیک به سه کیلو متر، که راهی بسیار سخت و ناهموار دارد، در چند محل بر سینه کوه نقوشی دیده میشود که سالم مانده اند و هنوز طراوت و تازگی ویژه ای دارند. این نقوش عبارتند از:

۱- صحنه اول ، نقش يك نفر پیاده که مشغول انداختن نیزه است . اندازه ۱۰×۷ سانتیمتر و رنگ آن قرمز است .
 ۲- نقش يك نفر که با نیزه بسوی دو حیوان شبیه روباه حمله کرده است، اندازه آن ۱۲×۱۴ سانتیمتر و رنگ آن نیز قرمز میباشد .
 ۳- نقش يك نفر که بر سنگی نشسته و دو دست خود را ستون کرده است . رنگ، قرمز و اندازه آن ۸×۶ سانتیمتر است (تصویر شماره ۵۴)

۴- نقش يك سوار در حال تاختن که اسلحه ای مانند خنجر در دست دارد . رنگ قرمز و اندازه آن ۱۲×۱۰ سانتیمتر .
 ۵- نقش يك پرنده شبیه به کلاغ در کنار درختی و يك نفر پیاده که يك دست خود را بر کمر نهاده و در دست دیگرش شیئی آویزان است . رنگ قرمز، اندازه، ۲۰×۱۶ سانتیمتر .

۵- نقش يك روباه که پشت سر يك نفر پیاده ایستاده . اندازه ۸×۴ سانتیمتر و رنگ آن زرد است . در میان تمام نقوشی که دیده شده ، تنها این نقش برنگ زرد است در صورتیکه نقوش دیگر این صحنه ، همه قرمزند .

۶- نقش يك نفر پیاده قوی هیکل که لباس کوتاه در بردارد و با موهای ژولیده، کمان خود را برای تیراندازی بسوی روباهی آماده کرده است .

در این قسمت غارهای بسیار عجیب و دیدنی باستانی وجود دارند که هنوز سالم مانده‌اند و در یکی از آنها نقوشی دیده شده که عکاسی از آنها میسر نشد. شرح این غارها بنام (بردسفید) آمده است (تصاویر شماره ۵۵ و ۵۶ و ۵۷) از این نقوش اند.

در شرق این نقوش، یک نقش هم بود که جنبه تخیلی برای نقاش آن داشته و معلوم نشد شکل چه موجودی است. (تصویر شماره ۵۸) پس از کشف نقاشیهای «میرملاس» و «همیان» موضوع باطلاع هیئت مدیره انجمن آثار ملی رسید و انجمن مساعدتهای بیدریفی نمود و مجدداً از تمام نقاشیها عکسهای سیاه و سفید، رنگی و اسلاید تهیه شده از نظر اهمیت، موضوع کوشش شد که برای اطلاع از تاریخ نقاش آنها از صاحب نظران خارجی اظهار نظرهایی خواسته شود و از آنجمله تیمسار آقاوولی رئیس هیئت مدیره انجمن، همراهِ بانامه، تعدادی «اسلاید» از نقاشیها، برای پروفور گیرشمن بفرانسه فرستادند تا در این مورد اظهار نظر نمایند. (۱)

۱- متن نامه انجمن به آقای پروفور گیرشمن چنین است:

پروفور عزیز- موضوعی که موجب خوشوقتی اینجانب و انجمن آثار ملی شد که مجدداً با آن دانشمند عزیز مکاتبه گردد این است که چندی قبل آقای حمیدایزد پناه دبیر و محقق خرم آباد لرستان ضمن تجسس و تحقیق درباره آثار تاریخی لرستان بمنظور تدوین کتاب مورد سفارش آثار ملی، در بالای قسمتی از کوهستانهای آن ناحیه بمسافت چندین ده کیلومتر در مغرب خرم آباد نقوش قدیمی را بر دیوار کوه مشاهده

بقیه در حاشیه صفحه بعد

آقای پرفسور گیرشمن پس از مشاهده اسلایدها، چنین پاسخ نوشته بود.

پاریس ۲۴ سپتامبر ۱۹۶۸

(.... کشف نقاشیها در يك غار لرستان مطلبی حائز درجهٔ اول اهمیت است. در طول تمام نجشس‌هایی که در بارهٔ کاوشهای مربوط به غارهای میهن شما انجام یافته، اعم از آنچه اینجانب در کوههای بختیاری بعمل آورده‌ام و یا آنچه پروفسور «کون» (۱) در بیستون و البرز و کوههای خراسان معمول داشته است و همچنین آنچه بوسیلهٔ دانشمندان امریکائی در افغانستان صورت پذیرفته، در هیچ جا نقاشیهایی بر روی بدنهٔ سنگ کوهستان مشهود نیفتاده است. از این جا اهمیت موضوع بخوبی روشن میگردد. موضوع تا بیخ آن نیازمند وقت بیشتری است، و برای قضاوت در این باره، باید نهایت احتیاط را بکاربرد. مخصوصاً اگر تنها از روی عکس‌ها و از مسافت پنج هزار

بقیهٔ حاشیه صفحه قبل

نموده به انجمن اطلاع داد و عکسهای ساده و رنگی و اسلاید گرفته شد و چون فرستادن اسلاید عملی تر بود بضمیمه این نامه چند اسلاید برای ملاحظهٔ آن دانشمند محترم فرستاده میشود و همانطوریکه استحضار دارید آقای حمید ایزدپناه که این نقوش را دیده است از انجمن انتظار وقوع دارد در صورتیکه قبلاً دربارهٔ آنها اطلاعی داده نشده بررسی بعمل نیامده باشد، حق او محفوظ بماند و آن دانشمند خود بهتر بچنین مراحل توجه دارید.

باعث کمال سپاسگزاری خواهد بود که نظر خود را نسبت به درخواست انجمن و هر گونه اطلاع دربارهٔ نقوش پیش از تاریخ در کوهسارهای ایران قبلاً معلوم و منتشر شده باشد اعلام بفرمایند.

Coon - ۱

کیاومتر بخوانند نظاردهند. آنچه شایسته اهمیت زیاد است، کاوش درغار است. به شرطی که اینکار بوسیله کسی انجام گیرد که آشنا به نحوه و بزه این نوع کاوش باشد. در غیر این صورت ممکن است تمام اسناد بوضعی غیر قابل جبران تباه گردد.

من تصور میکنم که نقاشی های مزبور بوسیله ساکنین لرستان در دورانیکه بشر به حالت جوینده خوراکی میزیسته است ترسیم شده باشد. یعنی دورانیکه چندین هزار سال پیش از آنکه دره ها خشک شود و انسان بتواند از کوهسار پایین آمده و بیرون از کوهستان زندگی نماید.

.... تحقیق درباره تاریخ لرستان کاریس مهمی است. این ناحیه در دوران آشوریان نقش مهمی در تاریخ لرستان داشته و شاهان آشوری در قرون نهم و هشتم و هفتم پیش از میلاد، آنجا را صحنه های نبرد ساخته بودند و منابع تاریخی مربوط بدوران آشوریان واجد اهمیت است. ر - گیرشمن (۵)

بدنبال گزارش انجمن آثار ملی همراه باعکس و اظهار نظرهای صاحب نظران به وزارت فرهنگ و هنر، در تاریخ یازدهم تیر ماه ۱۳۴۸ هجری مرکب از آقای پروفور (مک بورنی) استاد باستان شناس دانشگاه کمبریج انگلستان و نمایندگان اداره کل باستان شناسی برای تحقیق و بررسی بخرم آباد وارد شدند و به اتفاق به محل نقاشیها

* - نامه پروفور گیرشمن وسیله دانشمند محترم آقای سید محمد تقی مصطفوی ترجمه شده است.

عزیمت نمودیم . آقای پروفیسور مک ورنی در کف چند نارمحل نقاشیها اقدام به گمانه زنی نمودند و ضمن کاوش در طبقات مختلف ، موفق بیافتن ابزار سنگی و نیز سفال شکسته هایی در طبقات مختلف گردیده ترجمه گزارش مقدماتی بررسی و حفاری مشارالیه در این مورد چنین است : در ژوئن ۱۹۶۹ که برای حفاری در منطقه خراسان به ایران آمدم مقامات اداره باستانشناسی از من دعوت کردند که از نقوش صخره های کوه دشت بازدید کنم و عقیده خود را نسبت به قدمت آنها بیان دارم .

کشف نقوش روی صخره ها در ایران از دیرباز مورد توجه بوده است و بنظر اینجانب تا کنون نمونه و مثال جامعی در تمام طول امتداد منطقه مدیترانه تا شبه جزیره هندوستان بجز چند نمونه در ترکیه و منطقه کیلو در اردن دیده نشده است .

نقوش روی صخره های کوه دشت ، شبیه نقوش مکشوفه در شرق اسپانیا در دوره های اخیر ، مربوط به دوره ما قبل تاریخ است و تمامی نقوش صخره های کوه دشت بر روی بلندبهای متراکم و در چند کیلومتری جنوب غربی کوه دشت در یک ردیف دایره شکل قرار گرفته است .

این نقوش عموماً بصورت صحنه های دستجمعی و در زیر صخره های عظیم که بحالت برجسته بردیواره غار قرار گرفته اند نقش شده است .

در دو محل، تیغه‌های فلینت و خردسفال پیدا شد که دلالت بر سکونت در جوار این برجستگی‌ها می‌نماید.

سبک و طرح نقوش مذکور بشرح زیر است :

نقوش مزبور عموماً متمایز از یکدیگر و اکثراً بصورت استلیزه هستند. در بین نقوش مزبور، تصاویری از انسان وجود دارد که با یکدیگر اختلاف دارند. علاوه بر تصاویر انسانی، صورتهائی از اسب نیز که بر روی آنها سوارانی بشکل انسان نقش شده‌اند و همچنین صورت گوزن و سگ و موجوداتی شبیه به آن دیده می‌شود. اندازه صورتهای، بین ۱۰ تا ۳۰ سانتیمتر و اغلب با نقوش نقطه از حیوانات بصورت نیم رخ است فقط بعضی از صورتهای انسانی از روبرو و تمام رخ نقش شده‌اند. ترتیب نقوش اغلب بحالت منظره‌های دسته‌جمعی است که این مناظر گاهی صحنه شکارگاه و گاهی صحنه‌هایی غیر از آن است. سبک نقوش اکثراً ذهنی و هیكله‌های انسان بصورت خطوط مختلف نقش شده و يك خط مستقیم نشان دهنده اعضاء دیگر بدن مانند سر و دست و پامیباشد و در میان این نوع نقوش، گاهی صورت حیوانات نیز بشکل طبیعی و حقیقی نقاشی شده‌اند.

معمولی‌ترین رنگها در این نقوش عبارتند از رنگ قرمز اخرائی (احتمالاً اکسید آهن)، و ما برای تجزیه لابراتواری، قدری از این رنگ را نمونه برداری نموده‌ایم

بعضی از این نقوش برنگ سیاه‌اند که بسختی میتوان تفاوتی

بین آنها و گرافیت معمولی گذاشت.

یکی از زیباترین نقشها مربوط به گوزن نری است که برنگک زرد زنده، نقاشی شده و احتمالاً رنگ آنهم ترکیبی از اکسید آهن است. اولین مسئله‌ای که بلافاصله به آن برخورد نمودیم امر تاریخ گذاری نقوش بود که بدو طریق امکان آن میرفت.

۱- نتیجه گیری از مطالعه بر روی سبك و روش نقاشی و محتویات نقش.

۲- جمع آوری اطلاعات و شواهد مستقیم که از لایه‌های زیر نقوش ممکن است بدست آید و احتمالاً مربوط بهمان نقوش است.

در مورد اول متوجه شدیم که نقش اسب سواران نمی‌باید قدیم‌تر از هزاره دوم قبل از میلاد باشد چون هنر اسب سواری، اول بار بوسیله ایرانیان معرفی شده بود. بهمین نحو میبایست تاریخ کلیه نقوش و صورت صحنه هائی را که مربوط به اسب سواران است و بشکل استلزه نقش شده‌اند، به هزاره دوم پیش از میلاد مربوط دانست. مسلماً این تاریخ گذاری را نمیتوان يك تاریخ گذاری کامل و دقیق دانست زیرا با دقت بیشتر در نقوش، میتوان رویهمرفته نقوش صحنه‌های فامیلی را مربوط به آثار دوره اول فلز در ناحیه مدیترانه مرکزی و غربی دانست و هیچ نکته مشخصی که حاکی از شباهت این آثار دوره مزولیتیک و حتی ارتباط ناچیز آن به پالئولیتیک باشد در حال حاضر دیده نشد.

۳- بالاخره بخت یاری کرد و شاهی برای تاریخ گذاری محدود

خود بدست آوردیم و ناحیه‌ای بنام میرملاس در آن اطراف پیدا کردیم. در این محل با دقت فراوان در برش نیمرخ چاهی که بوسیله جویندگان گنج حفر شده بود توانستیم بیک تخته سنگ بزرگی که از دیوار بالا شکسته و فرو افتاده بود و درست در جلو یکی از نقوش حاوی صحنه‌های بزرگ قرار داشت، دست بیابیم. قطعه سنگ مزبور سالها قبل، از دیواره اصلی جدا و در زیر لایه‌های موجود مدفون شده بود و ملاک خوبی برای تاریخ‌گذاری بشمار میرفت.

در این قسمت، در لایه‌ها، قطعاتی از سفال احتمالا از نوع سفال دوره نئولیت بدست آمده که همگی آنها اندازه گیری و مطالعه شد و در تعقیب تحقیقات مقدماتی و کوتاه‌ماه ژوئن ۱۹۶۹، از اوّل تا ۱۷ ماه اگوست نیز بار دیگر يك برنامه وسیع‌تر با انجام گمانه‌زنی در چند محل بشرح زیر مورد اجرا قرار گرفت:

۱- حفاری در مناطق نقش دار میرملاس

۲- حفاری وسیع در منطقه هومیان

۳- حفاری مختصر در منطقه نقش دار هومیان

۴- حفاری در منطقه بدون نقش «بردسفید» که منسوب و مربوط

به دوره‌ای از محل مزبور ماقبل دوره نئولیت است. تمام این چهار منطقه در يك محوطه شش کیلومتری و در دامنه کوهی بنام «سر سورن» (یا سر سرخن) حلقه وار و نزدیک یکدیگر قرار گرفته‌اند. ارتفاع این نقاط از سطح دریا به ۱۸۰۰ متر بالغ می‌گردد و با توجه باینکه متشابهاً از نظر

جغرافیائی مناطق، مربوط به دوره پالئولیتیک در ناحیه غربی نیز در مرتفعترین ارتفاعات قرار داشته اند. میتوان گفت که پرتو افزار سازی سنگی بوسیله بشر اولیه در این مناطق نیز، در ارتفاعات و بلندیها، متمرکز بوده است.

اینک بطور جداگانه بشر گمانه زنی و نحوه کار و نتیجه فعالیت هیأت در نقاط چهارگانه فوق میپردازیم.

۱- حفاری در میره لاس:

در انتهای شمالی این منطقه، برش و مقطع اصلی را توسعه و تاکف صخره به پایین ادامه دادیم. شواهد مکشوفه از دوره نئولیتیک به جز سقوط صخره، عبارت از قطعات سفال و تیغه‌هایی از فلینت و نمونه‌هایی از ذغال بود که برای آزمایش کربن ۱۴ نمونه برداری شد.

صحت این تاریخ گذاری نیز با مطالعه در برش جنوبی دیگر تایید و آثار و بقایای بیشتری از دوره نئولیتیک بدست آمد. خصوصاً با مطالعه يك قطعه سنگ بزرگ بطول ۷/۵ متر که مربوط به نقشهای جمعی بشماره‌های ۲۳ تا ۲۶ بود، این امر واضح تر شد.

نقش اخیر شامل نقشی از يك میدان نبرد و با منظره ای از شکارگاه بود که در آن تعدادی نقوش منفرد وجود داشت و قدمت آنها کمتر از دوره اول نئولیتیک بود.

ضمناً تعدادی نقوش شامل صورت نیز دیده شد که تاریخ گذاری

دقیقی در باره آنها بعمل نیامد . گر چه این تصاویر بهمان سبک و مشخصات آثار قبلی هستند ولی امکان می‌رود مربوط به دوره‌ای جلوتر باشند . خوشبختانه توانستیم در این نقطه چند قطعه از مواد، به رنگ زرد و قرمز مربوط به بقای این دوره را پیدا کنیم .

۲- همیان

وضع پناهگاه‌های دو قلوی هومیان یک و همیان دو، با یکدیگر متفاوت بودند. پناهگاه یک، بزرگتر و صخره‌ای که سقف آنرا تشکیل میداد بطول ۴۰ و عرض ۶/۵ متر بود . نقشی که بهتر از همه باقی مانده قسمتی از سطح فوقانی دیواره غار و نزدیک به سقف بود که اندازه‌اش در حدود ۱×۲ متر بود و هیچ طریقی برای تشخیص و مربوط دانستن آن به مواد و لایه کف غار در دست نبود و تاریخ‌گذاری آن فقط از طریق مطالعه سبک محتویات نقش تاحدی امکان پذیر مینمود .

وجود اسب سواران در نقش، نشان میدهد که قدمت آن نباید از عصر برنز جلوتر باشد در حالیکه اگر سلاحهای تراش خورده (چنانکه یکی از بینندگان اظهار می‌داشت) بوسیله سوارکاران حمل و مورد استفاده قرار می‌گرفته است تاریخ این مجموعه نباید از دوران اخیر اسلامی جلوتر باشد .

از طرف دیگر لایه‌های موجود در این پناهگاه از بالاترین سطح تا کف با کمال وضوح مربوط به دوران پائولتیک میباشد و به فرهنگ دوره موستری تعلّق دارد و با توجه به شواهد موجود قدمت آن

نمی‌بایست کمتر از چهل هزار سال باشد . در اینجا نیز توانستیم نمونه فراوانی از ذغال، از عمق لایه‌هایی که از سکونت چندین هزار ساله، حکایت میکرد بدست آوریم .

امید میرود که تجزیه این لایه‌های مختلف و مطالعه و تجزیه استخوانهای مکشوفه، ارزش فرهنگ‌هومیان يك را که یکی از باستانی‌ترین نقاط ایران است روشن و آشکار سازد .

ضمناً با مقایسه آثار مکشوفه در هومیان يك، با آثار مکشوفه از خرم‌آباد بوسیله آقای فرانک هول از قبیل اشکال مختلف تیغه‌های فلینت و همچنین مطالعه نتیجه آزمایشهای میکروسکوپی وی در دانشگاه کلمبریج بر روی آثار مکشوفه خرم‌آباد، تبیین مطلب برای ما آسان خواهد شد .

۳- هومیان دو

در این محل تعدادی نقوش دیده میشود که توأم با آنها اثراتی هم از نوع خطوط اولیه اسلام نوشته شده است و ظاهراً چنین بنظر میرسد که هر دو محل بهم مربوط اند و بین این دو محل، هومیان يك دارای قدمت بیشتر است . در این پناهگاه لایه‌های موجود کاملاً سالم و دست‌نخورده اند و برای تشخیص علائم و تغییرات آب و هوا، خصوصاً وضع پایان دوره یخبندان که در آن دوره، هومیان يك، برای اول بار مورد استفاده ساکنین منطقه قرار میگرفته است، بسیار مؤثر میباشد . در همین پناهگاه بود که تیغه‌ای از سنگ بدست آمد که از نظر

زمین‌شناسی مربوط بدوره پالئولیتیک کهن است .

۴- برد سفید

در این منطقه سه غار کوچک در حدود دو کیلو متری شمال هومیان وجود دارد که در همه آنها لایه‌ها و طبقات جالبی شامل علائم و شواهدی از تغییرات آب و هوا موجود است . از طریق آزمایش کربن ۱۴ و طبقه‌بندی آثار و تیغه‌های فلینت، مربوط به آثار دوره موستری که در کف غار بدست آمده و حاکی از یک دوره فرهنگ تیغه‌سازی است میتوان تاریخ گذاری دقیق نمود و آنچه اکنون میتوان پیش بینی نمود اینست که این آثار مربوط به دوره پالئولیتیک کهن است که پس از اخذ نتیجه آزمایشات و مطالعات دقیق بر روی سفالهای مکشوفه . این امر بخوبی واضح و روشن خواهد شد .

نتیجه

در هر چهار منطقه باستانی مذکور در فوق، که از اوّل تا هفدهم ماه اگوست امسال مورد حفّاری قرار گرفت نشان میدهد که اغلب نقوش میرملاس قدیمتر از دوره تئولیتیک (حد اکثر شش تا هفت هزار سال) نمیشد و در سایر نقاط مذکور گر چه هنوز تاریخ گذاری دقیق نشده است و از نظر سبک، نیز طبقه‌بندی بعمل نیامده احتمالاً ممکن است مربوط به دوره‌ای جلوتر باشد .

با توجه بانواع نقوش در هومیان، نقوش مزبور باید جدیدتر باشند

و صریحاً معلوم است که قدمت برخی از صورتها در هر دو منطقه از عصر برنز بیشتر نمیشد .

مهمترین نکته‌ای که باید به آن توجه داشت کشف غیر مترقبه بقایای آثار دوره پالئولیتیک میانه در هومین است که از فرهنگ دوره موستری حکایت میکند و همین مطالب این امید را تقویت میکند که بتوان اطلاعاتی از نحوه زندگی مردم در دوره شکار و از وضع این منطقه و آب و هوای غرب ایران در طول زمانهای میان ۴۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ سال پیش بدست آورد .

رو بهمرفته انتظار میرود که نتیجه آزمایشات کربن چهارده از نمونه‌های برد سفید و مقایسه آن با آثار مکشوفه بوسیله آقای فرانک هول در منطقه خرم آباد باین نتیجه رسید که آثار پالئولیتیک فوقانی در ایران بسی قدیمتر از اروپای غربی است (۱)

تپه‌های باستانی «دالاب»

«دالاب» نام دهکده‌ای است که در دامنه جنوبی کوه «چنگری» واقع شده است : (تصویر شماره ۶۰)

در این دهکده، چند تپه باستانی است که شاید در گذشته، شهر و مرکز تمدنی بوده است. اغلب تپه‌ها را اهالی حفاری نموده و اشیاء و ابزار مفرغی زیادی از قبیل مجسمه‌هایی از انسان و گوزن و سلاح‌های جنگی مانند گرز و خنجر و یا دستبند و ظروف دیگر برنزی از آن بدست آورده‌اند. که قسمتی از آنها وسیله مأمورین در خانه‌های آنها پیدا شد و در بین این اشیاء، دهنه‌اسب و میخ‌های مخصوص، و زنگوله‌های کوچک، و حلقه‌های متعددی دیده شد. (تصاویر شماره ۶۱ و ۶۲):

در این تپه‌ها نیز تا حال تحقیق و مطالعه علمی انجام نشده است.

ب: آثار دوره تاریخی پیش از اسلام

آثار قلعه‌های موجود در کوه‌دشت دو دسته‌اند. بعضی از آنها از آثار دوره کهن و قبل اسلامند و برخی اسلامی هستند و یا احتمالاً بنای اصلیشان مربوط به پیش از اسلام است. در دهکده «چهار قلعه» که در آنجا آثار مفرغی زیادی بدست آمده، بر هر یک از چهار قلعه کوهی بنام «گردل» آثار قلعه‌ای هست و وجه تسمیه

دهکده آن نیز بواسطه همین چهارقلعه میباشد. دهکده چهار قلعه در جنوب شرقی کوه دشت واقع شده و فاصله آن تا شهر کوه دشت، ۳۰ کیلو متر است. مشخصات هر يك از این آثار بطور مختصر آورده میشود.

۱- قلعه دوشه (۱)

دو قلعه بنام «دوشه» بر روی دو قلّه بهمین نام واقع شده است که اوّلی قلعه نسبتاً بزرگی بوده است که اکنون قسمتی از دیوار شمالی آن که بر تیغه کوه نهاده شده، باقی مانده است. آثار دیوارهای دیگر نیز پیدا است. در ورودی قلعه در دیوار جنوبی بوده و تنها يك راه داشته است. در داخل قلعه سه حوض بزرگ از کوه برای ذخیره آب کنده شده است. اندازه هر يك از آنها $۵۵/۲ \times ۸$ متر است. اکنون نیز در جنوب قلعه، چشمه آبی هست. طول و عرض باروی قلعه ۱۶×۲۲ متر است.

دومین قلعه نیز از لحاظ سبك ساختمان مانند قلعه اولی، و در شرق آن ساخته شده است.

ساختمان هر دو قلعه از سنگ و ملاط است. در باره نام آنها بعقیده اهالی چون در هر يك آنها پادشاهی سکونت داشته است. از این جهت به قلعه دوشه مشهورند. (۹)

۲- قلعه گم‌ور (۱)

سومین قلعه نیز بر روی قلّه‌ای از همان کوه که بنام «گم‌ور» مشهور است واقع شده است و مشخصات این قلعه تقریباً مشابه دو قلعه دیگر است و در سمت جنوب آندو بنا گردیده است. حصار آن بزرگتر و آثار بجای مانده از این بنایش از دو قلعه دیگر است. در غرب قلعه قناتی حفر شده است که آب مورد نیاز قلعه نشینان از آن تأمین میشده است. و سالهائی که بارندگی زیاد باشد این قنات نیز پر آب است.

۳- قلعه سیله (۲)

آخرین قلعه نیز در قلّه‌ای بنام «سیله» از کوه «هیزم آباد» واقع شده و آثار بجا مانده از این قلعه، نشان میدهد که از همه بزرگتر بوده است ساختمان آن از سنگ و ملاط است. منتهی سنگهای تراشیده و نسبتاً بزرگی در آن بکار رفته است. پهنای دیوار آن ۱۸۸ سانتیمتر و طول و عرض آن 40×32 متر بوده است.

داخل این قلعه را مردم حفاری کرده‌اند. سکه‌های بدست آمده از این قلعه‌ها مربوط به دوره اشکانیها بود.

۴- غارتیشه‌کن و خمره‌های آن

در دیواره کوه جنوبی راه دَره و تیشه‌کن دهانه غاری پیدا است که در آن سه خمره سفالی را با دوربین میتوان دید. این غار هیچ

راهی ندارد که به آن منتهی شود زیرا ارتفاع از بالای کوه زیاد است و پایین نیز به همان نسبت بلند می باشد. احتمالاً راه این غار در دامنه آن واقع باشد که بوسیله پله به غار منتهی می شود ولی هیچ در این باره تحقیق علمی نشده است. در سالهای اخیر با تیراندازی بوسیله تفنگ، یکی از کوزه ها را شکسته اند.

۵- قلعه جق (جغد)

آثار این قلعه بر روی قله ای از کوه موسوم به «کژنه» (۱) واقع در دهکده «زریونی» (۲) در جنوب شهر کوه دشت واقع شده است. طول و عرض تقریبی آن ۳۵×۲۵ متر و دارای ده اطاق بوده است که اندازه بعضی از آنها ۶×۴ متر و برخی کوچکترند. تمام قلعه از سنگ و گچ ساخته شده است. داخل آن چند حوض سنگی برای ذخیره آب درست شده است. در دوره های بعد از اسلام این قلاع اهمیت نظامی داشته اند. ممکن است بنای اصلی آن بدوره پیش از اسلام مربوط باشد.

۶- قلعه منیژه

یکی از قله های کوه «سرسرخن» بنام «تیشه کن» مشهور است. علت نامگذاری آن، معبری است که از تنگه ای از این کوه میگذرد و قسمتی از راه را بصورت پله از سنگ کنده اند. بر روی این قله آثار سنگ و گچ ساختمانی دیده میشود، ولی

آنچه امروز بر این قلّه هست و بنام «قلعه منیژه» معروف است ، چهار دیواری است سنگ چین شده که بشکل سنگری درآمده و اصولاً هیچ شباهتی به قلعه ندارد .

ج: آثار دوره اسلام

۱- قلعه چنگری

چنانکه قبلاً نیز اشاره شد در تاریخ گزیده و منتخب التواریخ، معینی و نیز شرفنامه بدلیسی در بیان کیفیت کار شجاع الدین خورشید و اصل او چند مورد از «چنگری» بعنوان کوه و یا طایفه ذکر شده است از آن جمله در گزیده آمده است (... و گروه چنگروی که امرای لر کوچک خلاصه ایشانند) (۱) که کلمه چنگروی همان است که امروز «چنگری» گفته میشود . و اکنون نام کوهی است که از شمال خاوری دشت کوه دشت شروع و تا کنار رود سیمره ممتد است . بر بالای قلل این کوه آثار چند قلعه ، باقی مانده که از همه مهمتر « قلعه چنگری » است که بر روی قلّه مشرف بدشت کوه دشت ساخته شده است .

فاصله این قلّه تا شهر کوه دشت ۱۰ کیلو متر میباشد . آثار قلعه ، در سطحی است بطول و عرض ۷۵×۱۰۰ متر و این بزرگترین قلعه «مادانرود» بوده است . دوبارو، داشته که باروی اولی، از سه طرف بر تیغه کوه بنا نهاده شده و سپس قلعه، بادیار مجزاً در داخل این بارو

بنا گردیده است (تصویر شماره ۶۳)

تنها راه ورود از در غربی باروی اولی بوده است. قلعه از دو قسمت درست شده که هر قسمت آن دارای چند اطاق بوده است. در قسمت شمالی فقط دیوارهای اطاق‌ها باقی است، ولی قسمتی از طاق‌های اطاقها و دیوار صحن جنوبی هنوز بر جای مانده اند. (تصویر شماره ۶۴)

طول و عرض بعضی از اطاق‌های جنوبی $۶/۵ \times ۴/۵$ متر و پهنای پایه آنها $۱/۷۰$ متر میباشد (تصاویر شماره ۶۵ و ۶۶)

در شمال قلعه، چاهی است که اکنون پر شده و فقط $۹/۵$ متر عمق آن است. (تصویر شماره ۶۷)

محاذی این چاه، اکنون در دره شمالی قلعه، بر سینه کوه چشمه آبی جاری است که دائماً در حال ریزش آب است ولی در تابستان آب قطره قطره از آن بیرون می‌آید و امروز آنرا «تکه» میگویند. (۱) ممکن است آب مورد نیاز قلعه از این چاه تأمین شده باشد. زیرا هیچ مخزن آب و یا حوض سنگی در داخل قلعه دیده نشد.

۱- پنجه علی

از آثار دیگر دهکده «چهار قلعه» صخره‌ای بزرگ است که بر دامنه کوه «گردل» و نزدیک قلعه «گم‌ور»، در میان درختان جنگلی قرار گرفته است. طول و عرض آن $۳/۵ \times ۱/۵$ متر و بلندی آن نزدیک به چهار متر است. روی پهنه غربی این سنگ، نقش دست‌چپ انسانی است به عمق

چند مایلمتر که اندکی بزرگتر از يك پنجه معمولی است . این نقش به «پنجه علی» مشهور است . اطراف آنرا با حصارى از سنگ محصور کرده اند و مورد احترام مردم روستا است . روی سنگ نذوراتى دیده شد . (تصویر شماره ۶۸)

۳- گنبد شاه محمد

در انتهای شمالی خاک طرهان ، در دامنه کوه های «تت» (۱) و «درامار» (۲) یادرابار ، کنار رود سیمره ، گنبد و مقبره «شاه محمد» واقع شده است . (تصویر شماره ۶۹)

سبك ساختمان طاق آن عیناً شبیه طاق مسجد جامع بروجرد است . به این کیفیت که اصل بنا چهار گوش ساخته شده سپس در محلی که طاق شروع میشود هر ضلع بدو قسمت تقسیم میگردد ، بعد ساقه ای هشت ضلعی به ارتفاع يك متر ساخته شده و در دیوار هر ضلع کاشیهای مشبك كار گذاشته شده است .

بر روی هشت ضلعی ، طاق اصلی زده شده است . گنبد آن دو جداره بوده است که اکنون گنبد زیرین باقی است .

بلندی طاق تا كف زمین ۱۲ متر و ارتفاع گنبد از پشت بام ۶ متر است . نمای ده ردیف از طاق ، کاشی کاری شده است . (تصویر شماره ۷۰ از سقف گنبد است .)

گلدسته ها استوانه ای شکل اند که در انتهای هر يك تزییناتی به صورت

زيك زاك با آجر بكار رفته است . (تصوير شماره ۷۱)

تاريخ بنای آنها ۱۳۲۲ هجری قمری می باشد بر سنگی که بدیواره شرقی مقبره نصب شده هفت سطر نوشته شده که متن آن چنین است :

- ۱- در عهد سلطان عادل بقرین : شاه اسلام پناه مظفرالدین
- ۲- غلام آستان ، حسین نیکونژاد این دو گلدسته را بنا نهاد
- ۳- از برای آشکار دین رسول ، خصوصاً شیر حق زوج بتول
- ۴- در سال هزار و سیصد و بیست و دو ، باقیات صالحات من بعد
- ۵ - این آستان آل رسول ، ان شاء الله بتزد حق افتد قبول
- ۶- این بارگاه ابن موسی . محمد ، بدنیا و عقبی شفیع اعمال من است .

۷- تاریخ ، شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۲ این دو گلدسته را غلام

حسین بك پشتكوهی ساخت .

اندازه كفش كن ۸×۶ متر است ، در اصلی مقبره ، شمالی است

و اندازه هر لنگه در ۶۰×۱۱۰ سانتیمتر است .

روی هر دو لنگه در ، روکشی از نقره دیده میشود که بر هر يك آیات و

اشعاری با خط نستعلیق بصورت برجسته نوشته شده و سطح در و

فواصل خطوط را با نقوشی منظم و ریزه کاریهای بسیار جالب توجه

پر کرده اند و بر حاشیه آنها چند بیت از مرثیه مشهور « محتشم کاشانی »

نیز با خط نستعلیق نوشته شده است .

بر روی دو لنگه در ، نام واقف و سازنده آن نیز چنین آمده است .

- ۱- وقف حضرت شاهزاده محمد نمود .
- ۲- سرکار باباخان ولد مرحوم محمد قلی خان پشت کوهی .
نام هنرمند و سازنده درها، محمد حسین قلمزن کرمانشاهی است .
و در سال ۱۳۲۶ هجری قمری ساخته شده اند . (تصویر شماره ۷۲)
بر چهار چوب این در. زنجیری نقره‌ای است که نام واقف آن
چنین نوشته شده .
وقف شاهزاده محمد، بحق شاه اولیاء علی ولی -هستم از جان
و دل غلام علی ،
یادگار غلامعلی بك ترك، سنه ۱۳۱۸ . بر بالای در ورودی، نقوش
مذهبی و اشعاری نیز دیده میشود (تصویر شماره ۷۳)
بر روی قبر ضریحی از ورشو ساخته شده باندازه ۲×۲ متر و
داخل مقبره نیز ۵×۵ متر است . تمام بنای گنبد از آجر و کاشی و ملاط
ساخته شده است .
بفاصله پنج متر و نیم از دیوار حرم ، حصاری آجری کشیده
شده که هر ضلع آن هفده متر است .
در ضلع شمالی، چهار اطاق برای سکونت زائران بنا گردیده
است .
برابر شجره‌ایکه بنقل از کتاب «تحفة الازهار» تالیف ضامی
بن شدقم المدنی الحسنى استخراج و تهیه گردیده نام و کنیه شاه محمد،
چنین آمده است :

(ابی محمد الزاهد بن ابی جعفر ، احمد الزاهد بن تاج الدین
ابراهیم المجاب بن محمد العابدین بن الامام موسی کاظم علیه السلام
و قبره فی لرستان علی مای سیمره و يعرف بشاه محمد) .؟
(تصویر شماره ۷۴)

غیر از این : شجره دیگری در دست نیست . ولی نگارنده سنگ
قبر این مقبره را دیدم و نوشته بود (هذا قبر محمد بن احمد .
مقبره شاه محمد زیارتگاه مردم لرستان و کرماتشاهان است و
باعقاد فراوان به آستان بوسی او میروند .

۴- « گنبد ابوالوفا »

در غرب شهر کوهدشت ، بفاصله ۲۵ کیلومتر ، در شرق جاده (ملاوی
- شاه آباد) بر دامنه کوهی بنام «بره کاظم» (۱) دهکده ای است که
ساکنین آن همه پیرو مذهب اهل حق میباشند .
در این دهکده ، مقبره ای است که به (ابوالوفا) مشهور است . در ورودی
مقبره بسوی شمال باز میشود و کفش کن آن ، دارای پنج متر طول و
دو متر و نیم عرض است . دیوارهای مقبره از سنگ و طاق گنبد و پله های
آن با آجر و گچ ساخته شده داخل مقبره بشکل دشت ضلعی است که
بر روی آن گنبد را ساخته اند . ارتفاع گنبد تا کف مقبره ۹۵ متر است .
و اندازه هریک از اضلاع ۲۷۰ متر میباشد . (تصاویر شماره ۷۵ و ۷۶)

زائرین این مقبره ، همه پیروان مذهب علی الهی هستند .
مردم هرده و یا محل که برای زیارت می آیند ، ابتدا در برابر در
ورودی می ایستند و باهم چند «هو» میکشند و سپس پابرنه وارد مقبره
شده خاکسار میشوند. آنگاه بدور قبر می نشینند و زمزمه ای میکنند
و دعا می خوانند. پس از آن شمع های خود را روشن کرده و نیاز خود را
هر چه هست روی قبر می گذارند و عقب عقب از در مقبره خارج میشوند
و هیچگاه پشت به قبر نمی کنند .

این مقبره مدفن سید ابوالوفایکی از هفت تن از دسته دوم پیشوایان
اهل حق و از یاران برجسته سلطان اسحق (۱) رهبر این فرقه است .
کلمه «سید» نزد اهل حق تنها به مرشد و پیشوا اطلاق میشود. چون
ابوالوفا نیز جزء هفت تن دسته دوم است ، این لقب را دارد. این هفت تن
عبارتند از :

- ۱- سید محمد ۲- سید ابوالوفا ۳- حاجی بابو عیسی ۴- میر سره (۲)
- ۵- سید مصفا ۶- شیخ شهاب الدین ۷- شیخ حبیب شه .

عقاب هر يك از این هفت تن نزد اهل حق به «خاندان حقیقت»

- ۱- سلطان اسحق ملقب به صاحب کرم، نسبش به حضرت امام موسی کاظم (ع) میرسد.
او اصلاً اهل سامانیه استان کرکوک کشور عراق و از طایفه اکراد است که در قرن
هفتم زندگی میکرده است . سلطان اسحق از کرکوک به ایران مهاجرت نمود و در
قریه شیخان از قراء اورامان ساکن شد و بیش از یکصد سال عمر کرد. امیر تیمور
گورکان نیز او را ملاقات نمود . (برهان الحق ص ۳۸ و ۴۰)
- ۲- سر Sor در گویش لکی بمعنی قرمز است .

مشهورند. با این کیفیت سید ابوالوفا در اواخر قرن هفتم و یا در نیمه اول قرن هشتم میزیسته است.

در داخل مقبره، جای شمعی مسی بزرگی شبیه به ظرف گلاب گیری هست که دو دسته دارد. و دهانه آن جایی برای شمع روشن کردن دارد. (تصویر شماره ۷۷) يك حوض سنگی شبیه به آنچه که در سرطهران دیده شد موجود است این حوض از مکان دیگر آورده شده است.

۵- بلوران

بلوران نام دهکده‌ای است واقع در شمال غرب کوه دشت بر سر راه (ملاوی - شاه آباد) که بعالت جنگل های انبوه اطراف آن هوای معتدلی دارد. وجه تسمیه آن بواسطه قبری به همین نام است که بر بالای کوهی در غرب این دهکده قرار دارد. اهالی که مذهب علی الهی دارند «بلوران» را یکی از پیشوایان قدیمی خود میدانند.

در کنار قبر، سنگی است از کوه، که آنرا «دلدل» مینامند. بر روی آن، چند فرو رفتگی مدور دیده میشود که پیروان این مذهب آنرا جای سم اسب علی دانسته و از این جهت به دلدل مشهور است. (۲) یکی دیگر از آثار کوه بلوران، آتشگاهی است که آنها آیین بر افروختن آتش مقدس را در اینجا بر پای میدارند و تفصیل آن چنین است که در روزهایی از دی ماه هر سال، زن و مرد و کودک و پیر و جوان، بیالای کوه بلوران میروند و با خود چوب و هیزم همراه میبرند حتی زنان آبستن

برای فرزندی که در شکم دارند قطعه هیزمی اضافه باخود حمل نموده و آنها را در آتش مقدس میاندازند. طول و عرض آتشگاه ۲۵×۱۱ متر است و اطراف آنرا با سنگ محصور کرده اند (۱)

۶- داوود رش (۲)

در شمال خاوری دشت کوهدشت، بفاصله ۱۵ کیلومتر، در دامنه کوه، مقبره ای است که به «داوود رش» مشهور است. بنای مقبره مربع شکل است که هر ضلع آن دفت متر است. از هر گوشه در داخل مقبره دو بال در جهت طاق گنبد، بطرفین باز میشود. طاق برهشت قسمت اصلی، بنا گردیده است. قبر در گذشته، با کاشی سبز مزین بوده، که اینک تمام کاشیها و قسمتی از طاق مقبره خراب شده و فرو ریخته است. ارتفاع گنبد نزدیک به ۹ متر و تمامی از سنگ و گچ ساخته شده است. (تصویر شماره ۷۸)

هیچ سنگ نوشته ای دیده نشد که معرف مدفون باشد.

۱- آیین برافروختن آتش مقدس، در ابتدای جشن هفت روزه مذهبی، انجام میشود. پس از آن چهار شب را که معمولاً بین دهم تا بیستم دیماه است بنا به شب یاران می نامند. هر شب با نام یکی از پیشوایان، مشخص شده است. به این شرح، ۱- کامریجان Kamerijan ۲- شیرقوتی Shirghoti ۳- شاعلی Shaali ۴- پیرموسی Pirmusi، که در این چهار شب افراد خانواده باید لباس نو بپوشند و غذای آنها برنج بصورت پلو و گوشت پخته باشد. در این روزها مراسمی خاصی نیز انجام میشود.

۲- Davidrash

این مقبره نیز از جمله زیارتگاههای پیروان مذهب علی الهی میباشد. و داوود را یکی از پیشوایان خویش می‌شناسند، اگر این ادعادرست باشد؛ ممکن است این مقبره متعلق به داوود یا «یار داوود» مشهور به «موسیاد» که از جمله هفت تنان دسته اول و از یاران سلطان اسحق صاحب کرم بوده، باشد که در قرن هفتم میزیسته است.

بعضی نیز معتقدند که «داوودرش» یکی از خاندان شجاع الدین خورشید سرسله اناپکان لرستان «لر کوچک» بوده است.

اطراف مقبره، گورستانی هست کهنه و قدیمی؛ که از جمله بر سنگ قبر تاریخ ۱۱۱۸ هجری روی آن کنده شده و تصاویری نیز حجاری گردیده است. (تصویر شماره ۷۹)

تصاویر
فصل ششم



تصویر شماره ۱ - تپه چغابیل



تصویر شماره ۲- ظرف سه پایه دار سفالی مکشوف از زمینه های اطراف تپه «چغابله»

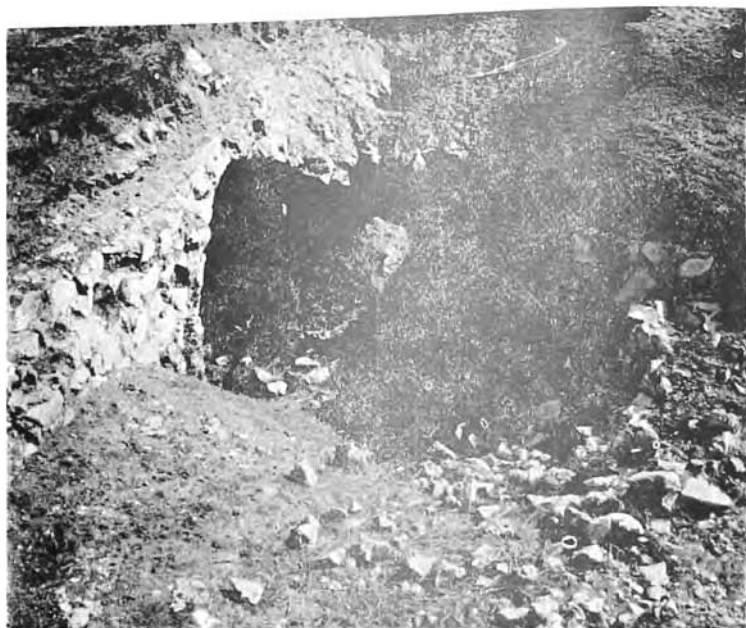
۳۸۳



تصویر شماره ۳ - دو دهنه از دژ مشهور زاغه یا زاخه مربوط به دوره ساسانی



نسر شماره ۴ - یکی از طاقهای جنوبی زاغه



تصویر شماره ۵- ضلع جنوب خاوری تپه زاغه رومشکان



تصویر شماره ۶- نمای غربی آثار قلعه کوه زاد واقع در کوه «ویز نهار» رومشکان



تصویر شماره ۷۷ - دیوار یکی از طاقهای قلعه



نمودار شماره ۸- نقشی که در ساروج کاری سقف اطاق بکار رفته است



تصویر شماره ۹- نمای شرقی قلعه

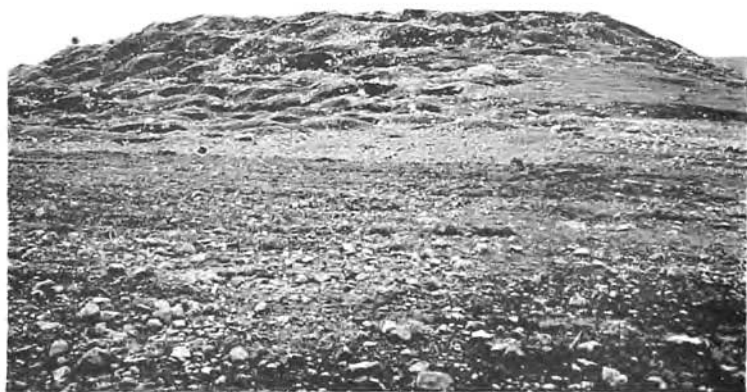




مقبره سهل الدين يا سهل نايو، در رومشكان



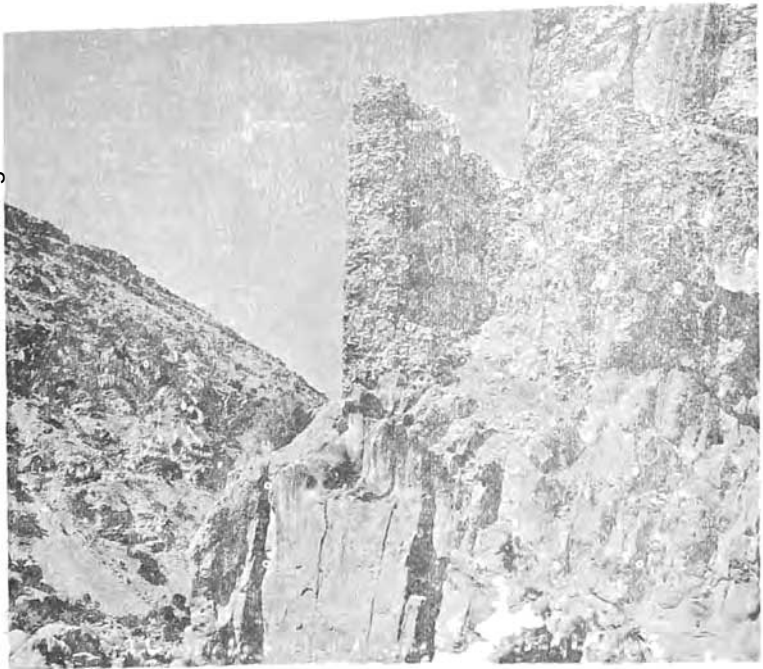
صویر شماره ۱۱ - میله سنگی واقع در گورستان خدو آباد هارمان



تصویر شماره ۱۲ - تپه پیاده واقع در سرطهران



تصویر شماره ۱۳ - نمونه‌ای از ابزار برنزی تپه د درکه ،



تصویر شماره ۱۴ - نمای شرقی دژ «زلالانگیز»



تصویر شماره ۱۵ - نمای جنوبی دژ «زلال انگیز»



تصویر شماره ۱۶. نمای شمالی و راه دژ «زلالانگیز»

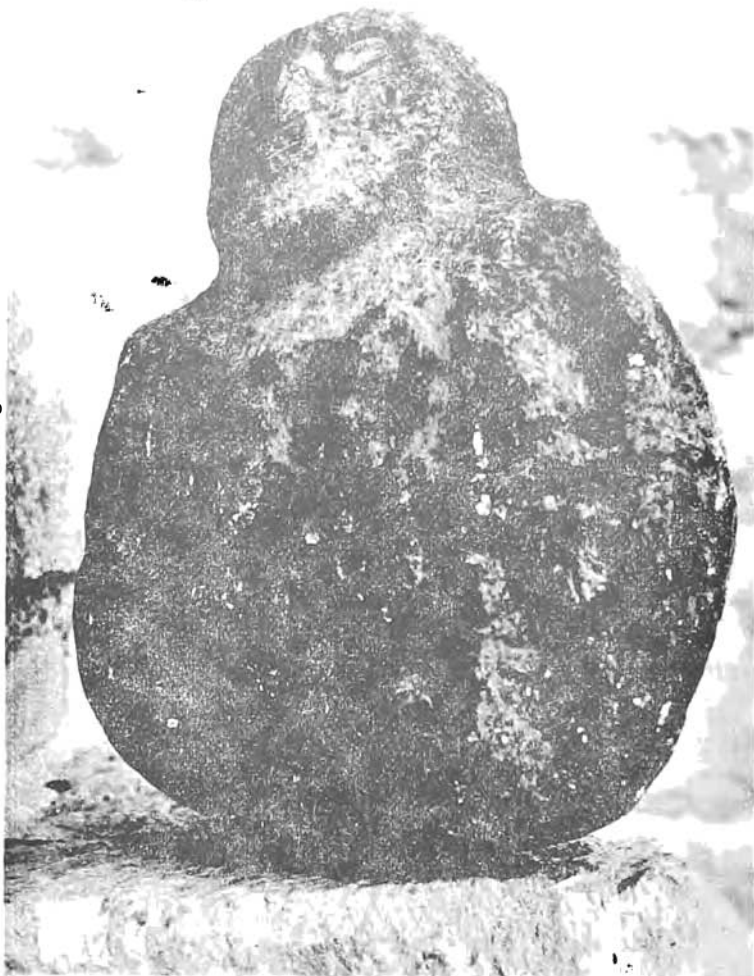




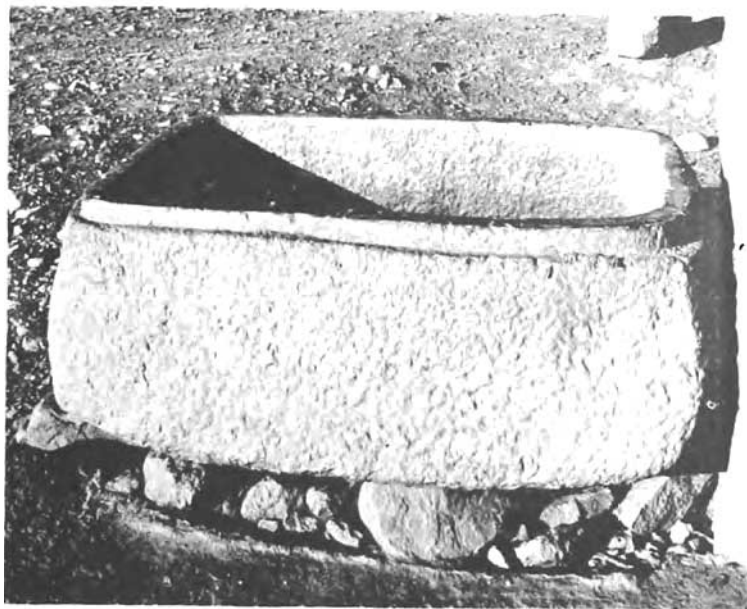
تصویر شماره ۱۸ - دو طاق از پل «کرو دختر» و سطح سنگی زیر بنا



نمایی شماره ۱۹ - سنگهایی که در پایه پل بکار رفته است



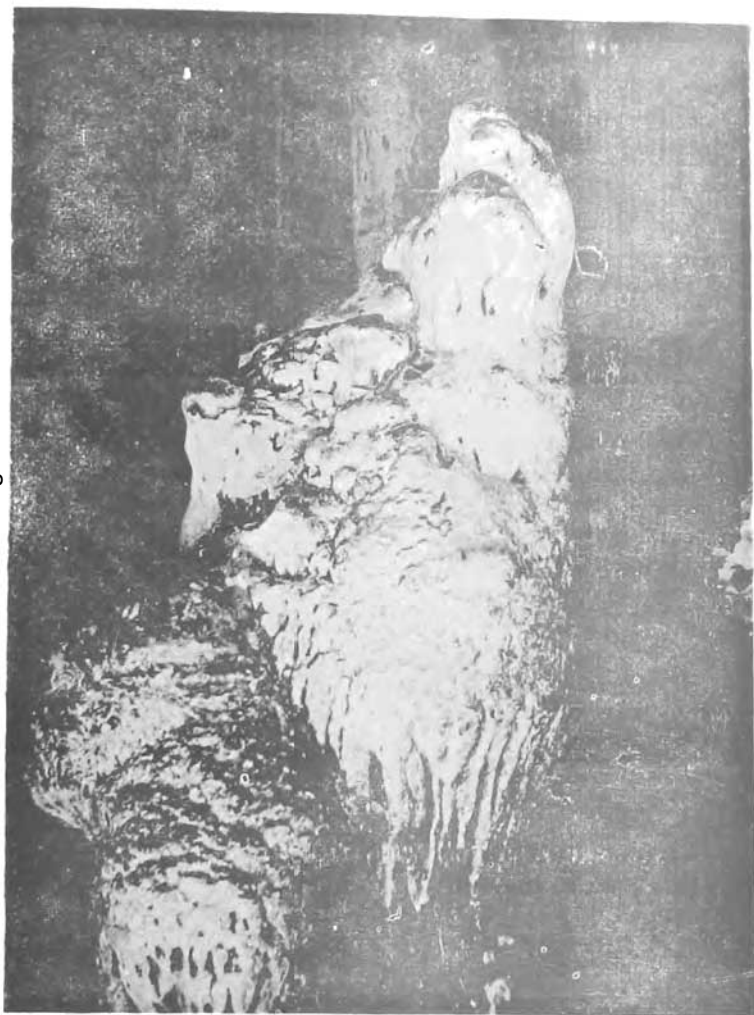
تصویر شماره ۲۰- بت سنگی که ممکن است مربوط به دوره اپلامیها باشد، همکشف از سرطهران



نسیر شماره ۲۱- آیزن یا وسیله استحمام سنگی احتمالاً مربوط بدوره ساسانیان



تصویر شماره ۲۲- ظرف سفالی منقوش پیش از تاریخ، مکشوف از سرطریان

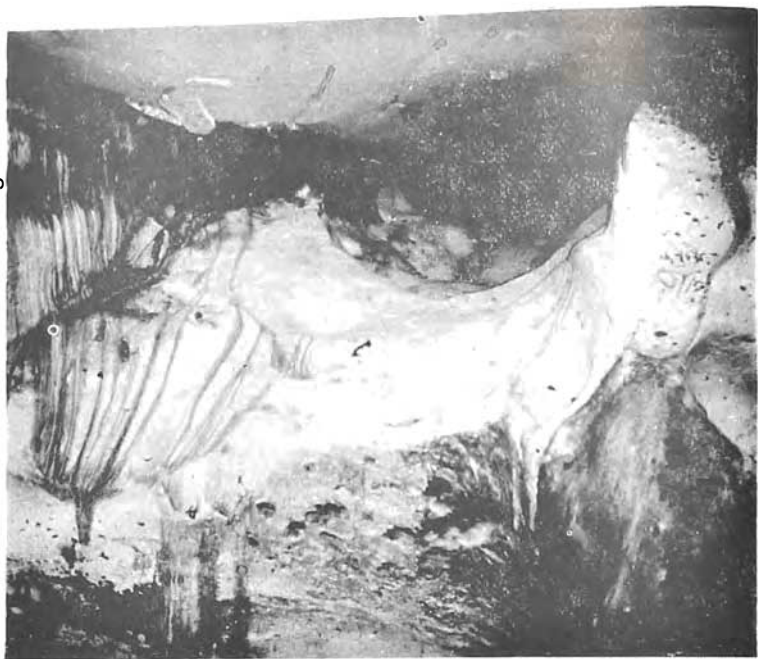


تصویر شماره ۲۳ - یکی از استلاکمیت های غارموسوم به بتخانه واقع در قریه
« قره‌لی‌وند Ghoralivan ، کوه‌دشت ، تصاویر بمدی تا ۲۹ از این نوع هستند





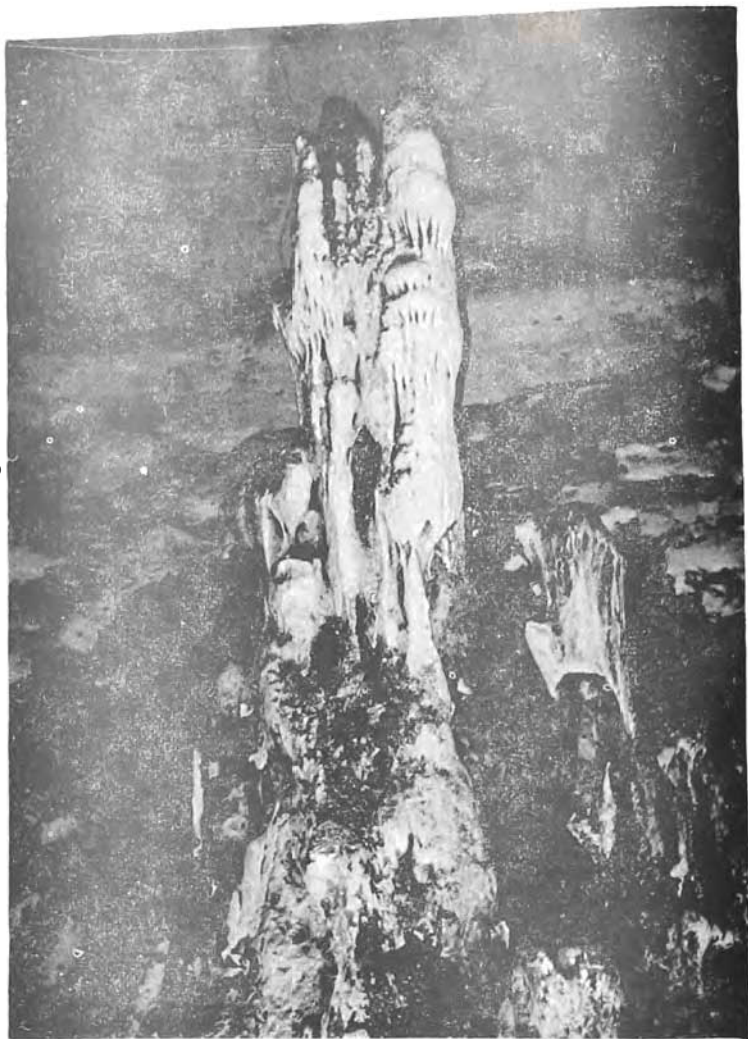
تصویر شماره: ۲۵



نصور شماد: ٢٦



تصویر شماره: ۲۷



نصير شارة: ٢٨



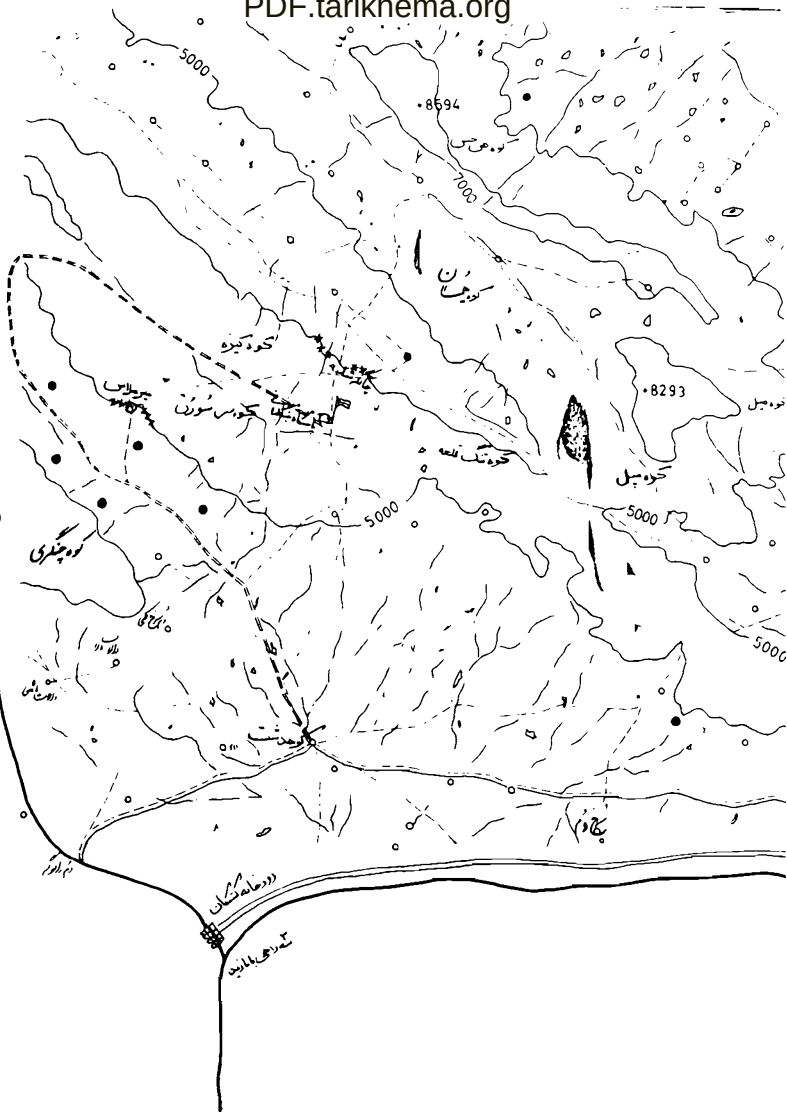
تصویر شماره ۲۹ - استلاگمیت دستکاری شده



تصویر شماره ۲۰. تپه درکه، تصویر صفحه ۱۶۳ سفالها بدست آمده از این تپه است

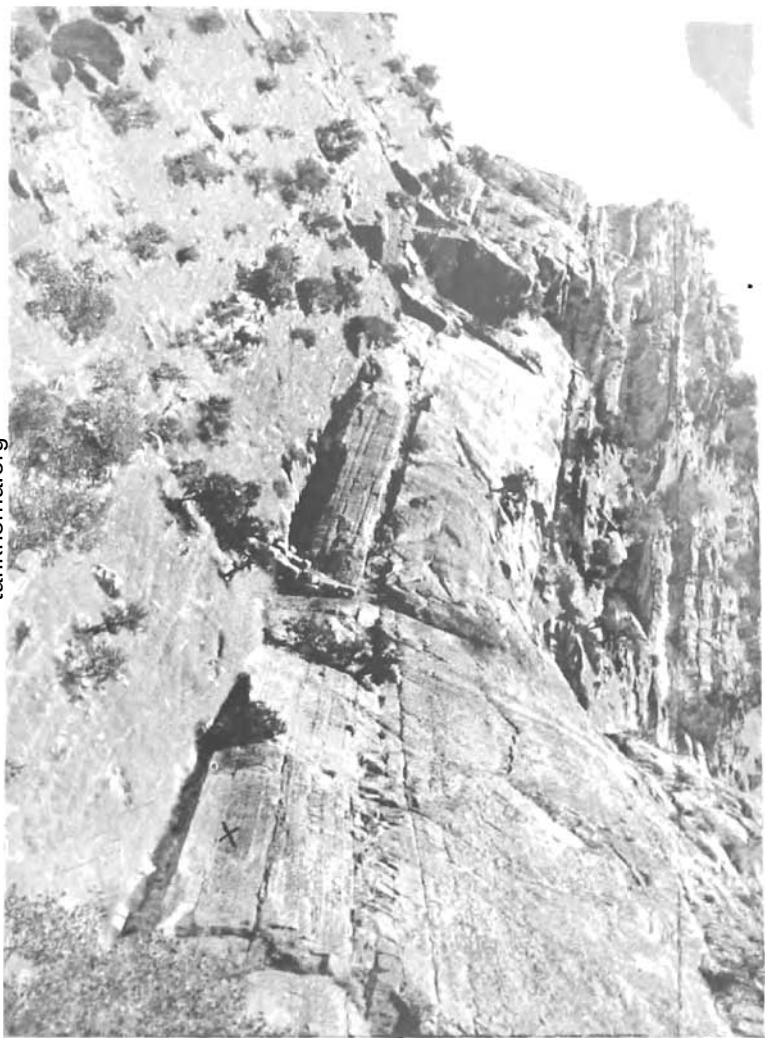


تصویر شماره ۳۱ - «سرخ‌دم» محل معبد آشوری



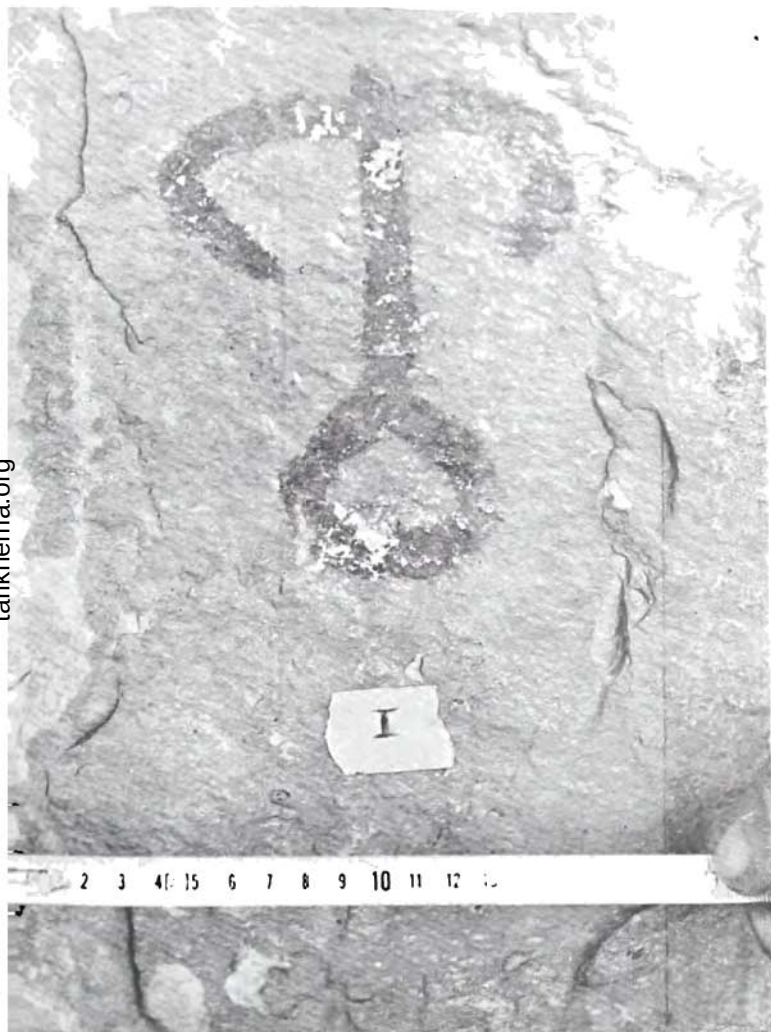


تصویر شماره ۳۲ - دره میر ملاس





تصویر شماره ۲۳ - دیوارپناهگاه و سنگ حجاری شده جلو نقاشیها



تصویر شماره ۳۴ - اولین نقش دره میر ملاس و مقایسه آن با مغرغ شکل یافته تصاویر صفحات ۱۷۴ و ۱۷۵ این ک



تصویر شماره ۳۵ - يك - رار در حال ناخن اسب



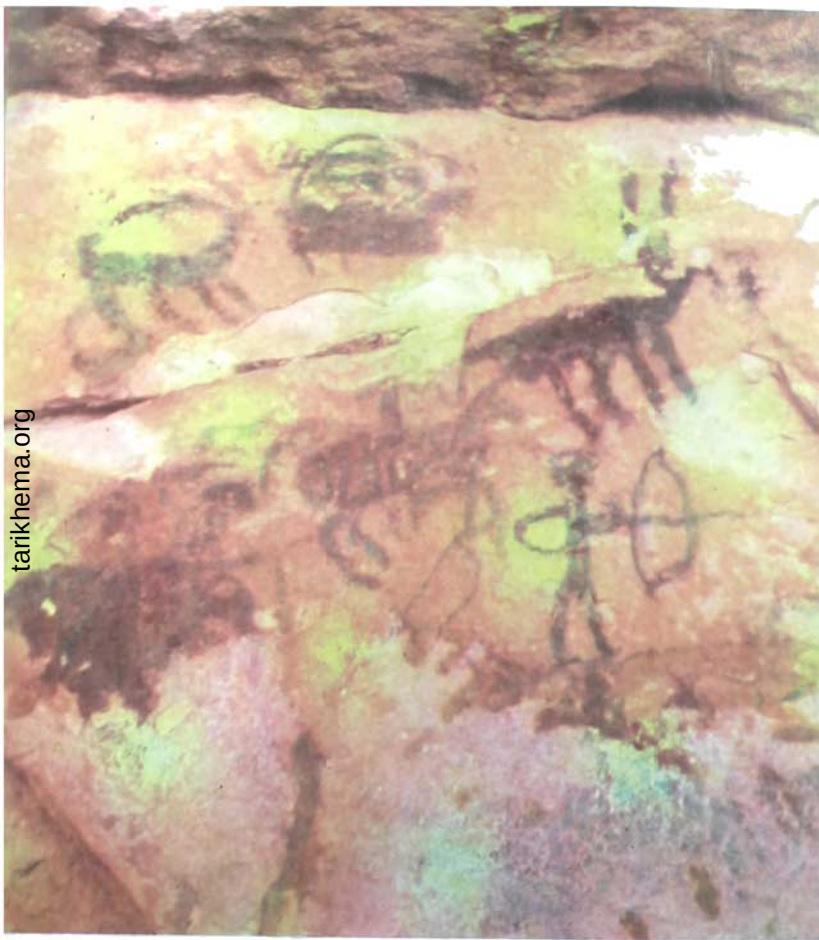
تصویر شماره ۳۶ - نقش يك گاو



تصویر شماره ۳۲- نقش يك نفر سوار بر اسب در حال ناختن با كمان كشيده.



نمویر شماره ۳۸ - نقش چند نفر پیاده که به شکار مشغولند



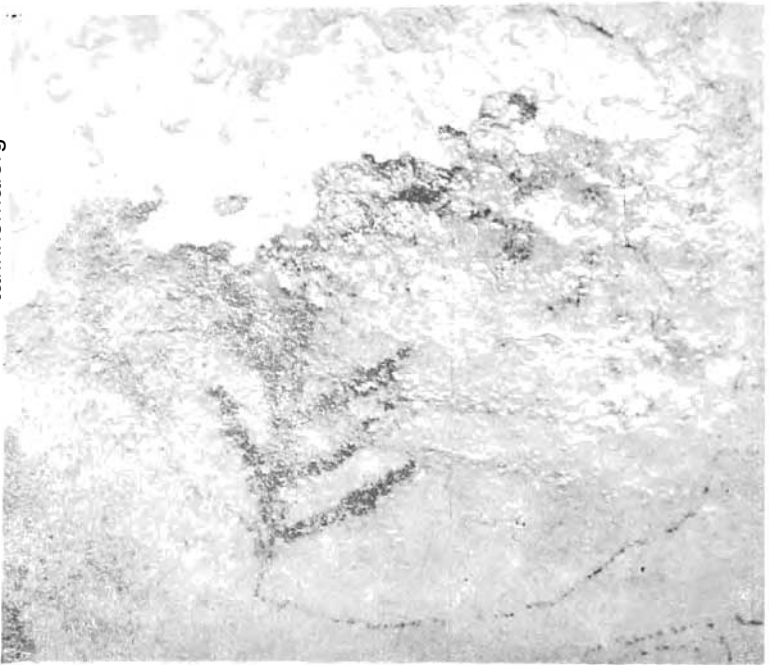
نصير شماره ۳۹ - صحنه شکارگاه



تمویر شماره ۴۰ - نقوشی که با خطوط مختلف نقش شده است



تصویر شماره ۴۸ - نقش يك رزمگا.



تصویر شماره ۴۲ - نقش يك درخت



تصویر شماره ۴۳ - انسان بالدار در حال گرفتن دو شکار



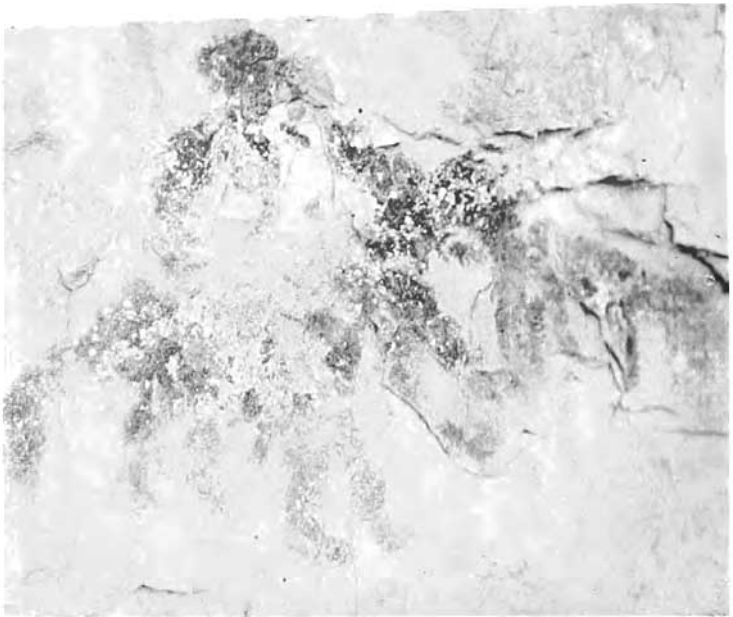
نمبر شمارہ ۱۲



نصير شماره ۴۶ - نقش يك سوار



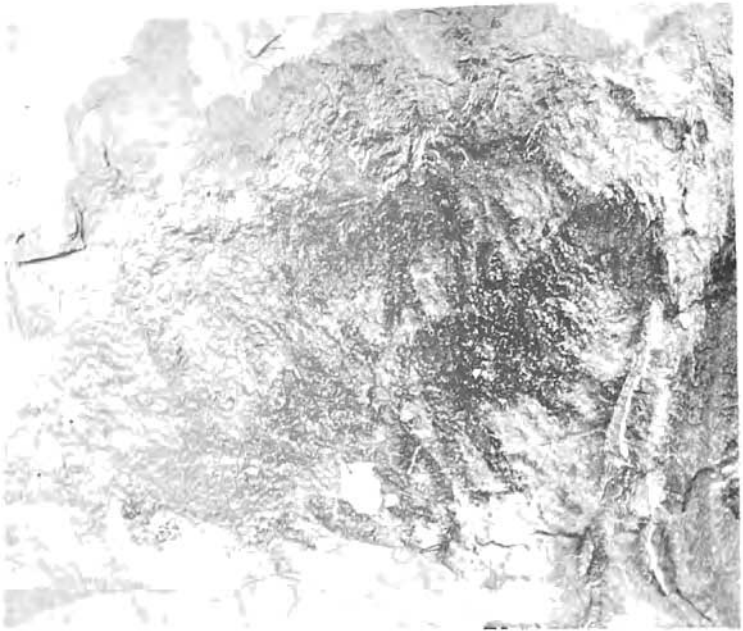
تصویر شماره ۴۵ - نقش دونفر با لباس بلند و کمر بسته با هیئتی شبیه به پادشاهان



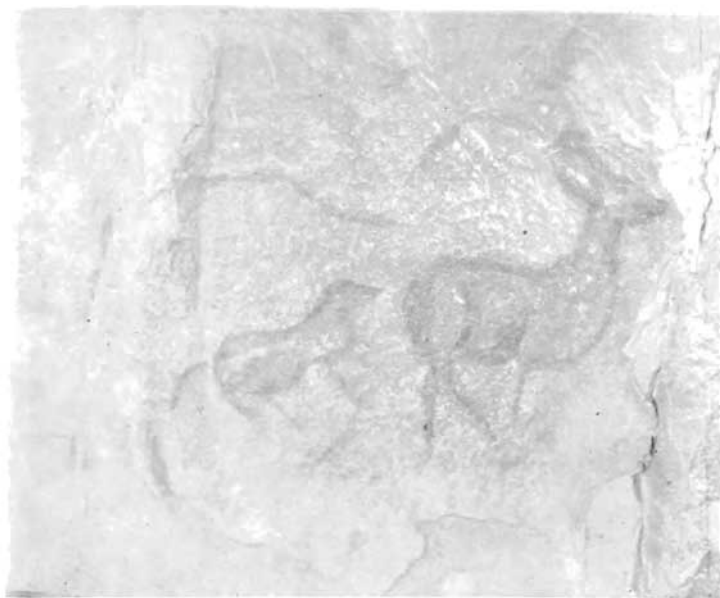
نصیر شماره: ۴۷ - نقش يك حبه ان خيالی كه يك نفر بر آن رواراست



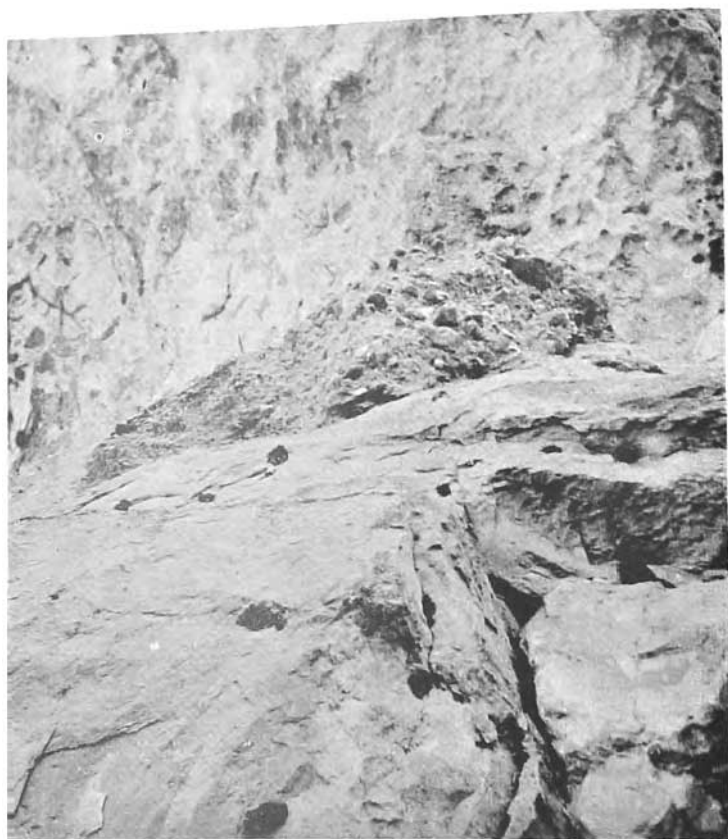
تصوير شماره: ۴۸ نقش يك اسب بدون دهن و هرگه



تصویر شماره ۴۹



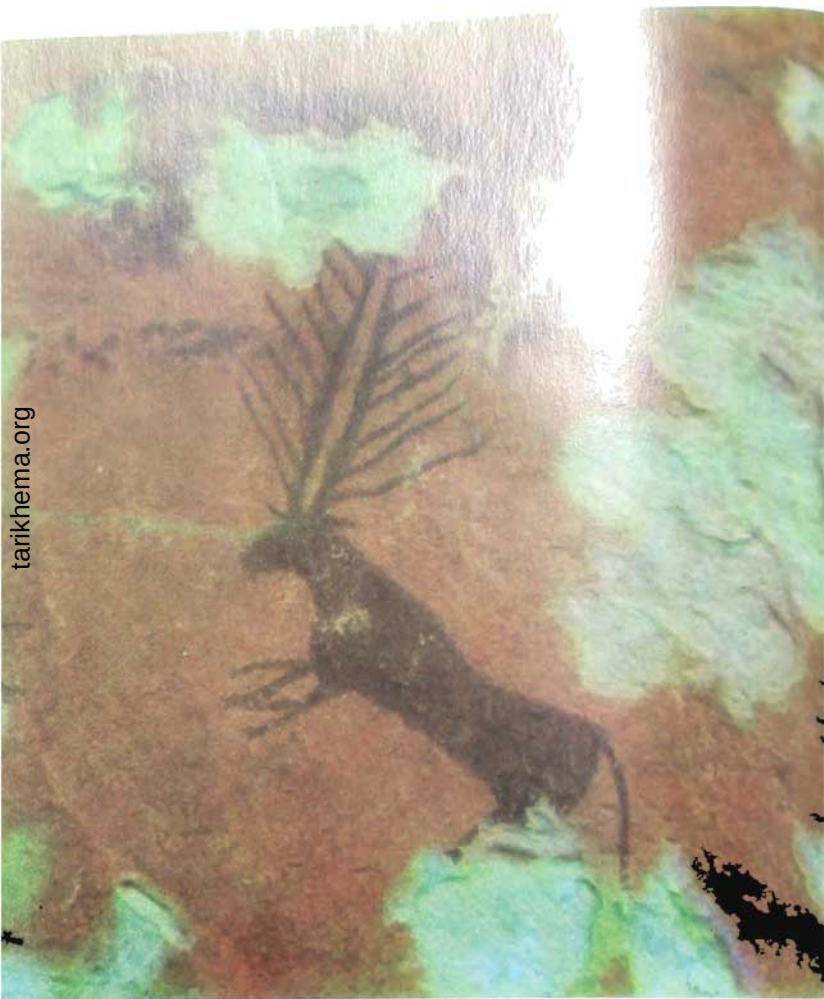
تصویر شماره: ۵۰ - نقش يك شكار در حال فرار، سگی آ، را دنبال کرده است



تصویر شماره: ۵۱ - آثار گل و سنگه دهانه پناهگاه، محل نقاشی گوزن در همیان



تصویر شماره: ۵۲. نقش صحنه شکار، یک شکارچی سواره و یک گوزن در حال دویدن



تصویر شماره ۵۳



نمونه شماره ۵۳ - قدیمی از نقوش دینه جنوبی همیان



نصبر خمار: ۵۵



تصوير شمارة ٥٦



تصویر شماره: ۵۷ - صحنه کلی از قسمتی از نقوش ه. بیان



تصویر شماره ۵۸ - یکی از نقوش همیان شکلی نخیلی است



تصویر شماره: ۵۹ - یکی دیگر از نقوش



تصویر شماره: ۶۰ - دشت کوهدشت و منظره‌ای از تپه‌های غارت شده دالاب ،





نمای در شماره ۳۶ و ۶۴ - از قسمت‌های مختلف قله چنگری است



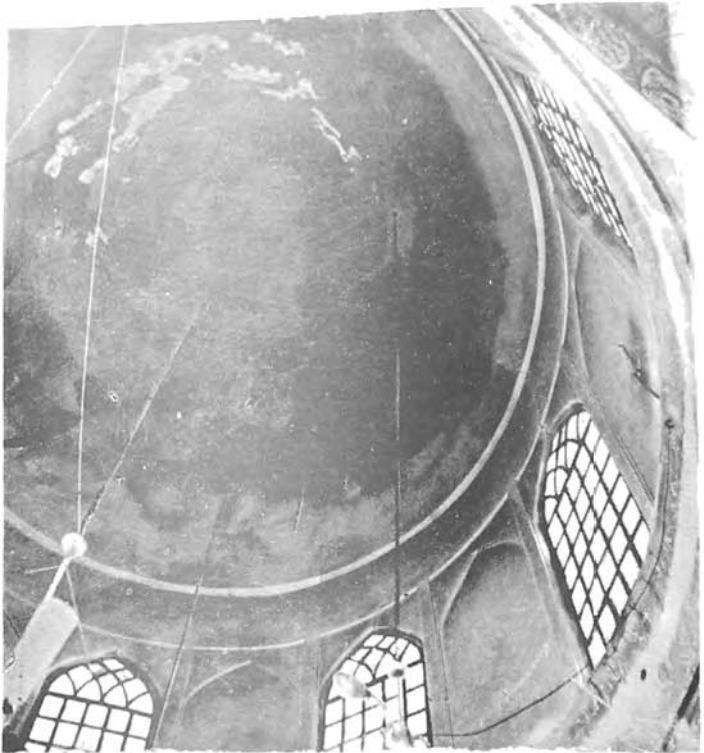




۴۴۹



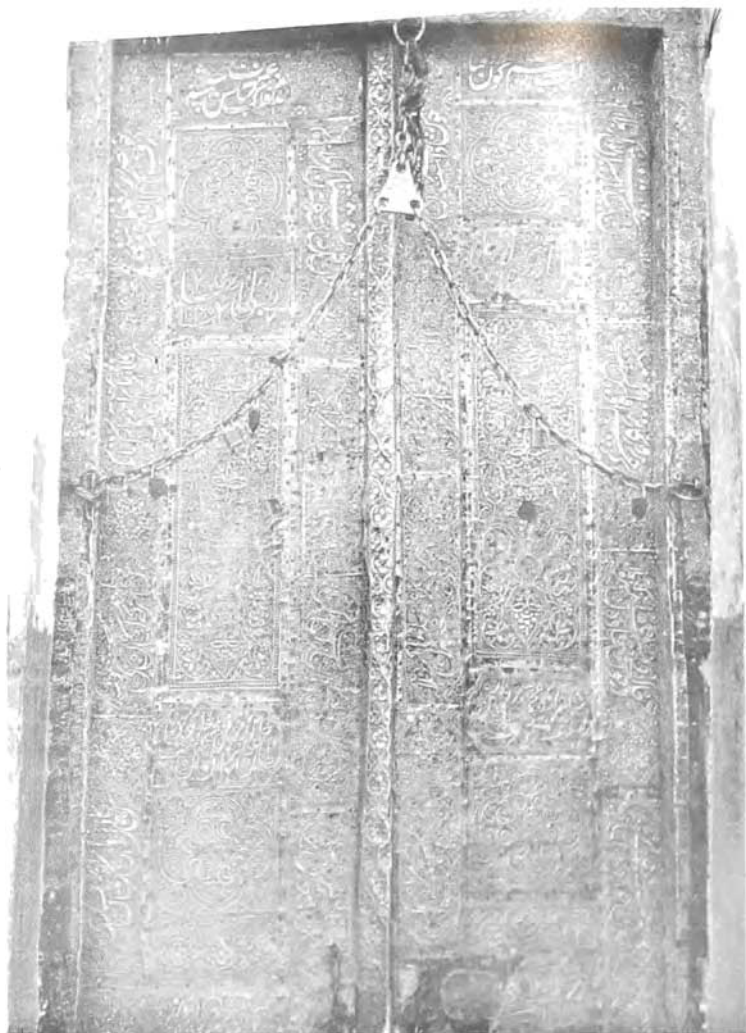
تصویر شماره ۶۹ - نمای گنبد شاهزاده محمد



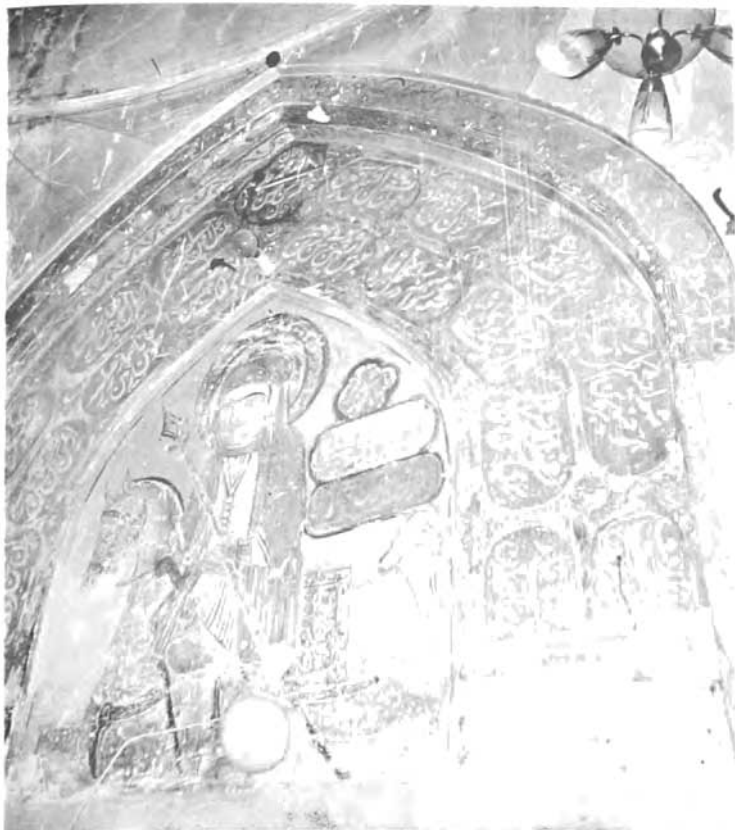
تصویر شماره ۷۰ - نمای داخلی گنبد شاهزاده محمد



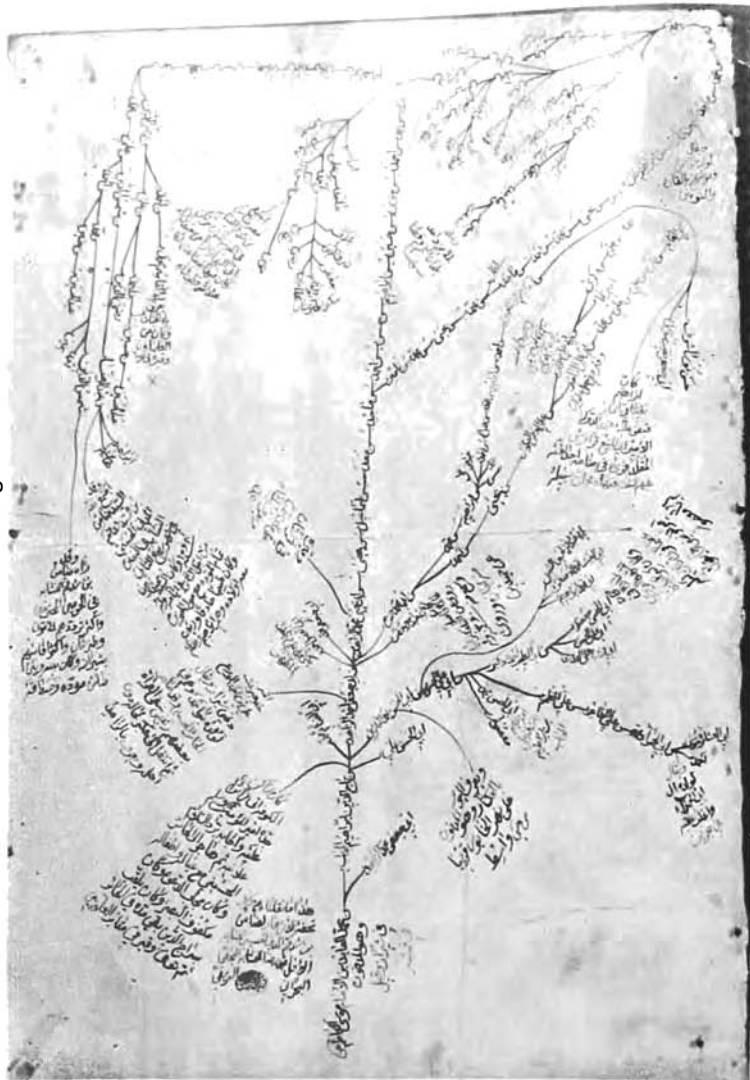
تصویر شماره ۷۱ نمای بیرونی و در ورودی مقبره



تصویر شماره ۷۲ - دولنگه در مقبره شاهزاده محمد



تصویر شماره: ۷۳. نقاشیهای سردر ورودی مقبره شاهزاده محمد







بالا - تصویر شماره ۷۷- جای شمع «۷۷» - مقبره ویران شده « داودرش »



تصویر شماره ۷۹ - یکی از سنگ قبرهای گورستان اطراف مقبره داودرش

فصل هفتم

منطقه جنوب باختری لرستان

بخش اول

وضع جغرافیائی

جنوب باختری لرستان برابر تقسیمات بعد از اسلام شامل دو قسمت بوده است .

۱ - مهرجان قذق یا مهرگان کده

۲ - ماسبندان

حدود این بخش از باختر بخاک کشور عراق ، از جنوب بخوزستان ، از شمال بکرمانشاهان و از خاور به رود سیمره محدود است . که قسمتی از این محدوده را دور میزند .

مهرجان قذق

یا

* «سیمره»

امروز مهرجانقذق را سیمره میگویند . وجه نام گذاری آن شاید از رودی بهمین نام است که مرز خاوری و جنوب و شمال خاوری آنرا دور میزند ، ولی این رود از کوههای شمالی لرستان در دامنه های جنوبی کوه «گدری» که جزء نهاوند محسوب است سرچشمه میگیرد و بنام «گاماسب» مشهور است . اما وقتی بخاک لرستان میرسد سیمره نامیده میشود .

شاید هم این نام از اسمی که عربها بر یکی از کوههای کرمانشاهان نهاده اند ، بر روی این رودخانه و نیز مرکز مهرجانقذق که قلل بلند کوه «کور» (۱) جنوب آنرا محصور کرده بجای مانده است . زیرا «سیمره» زنی عرب بود ، و دندانی داشت برآمده تر از دندانهای دیگر ، لشکریان اسلام هنگام عبور از کوهی که در کرمانشاهان واقع است بعلت قلل مرتفع و برآمده ، آنرا بنام (۲) «سن سیمره» نامیدند و بعداً سیمره نیز بهمین نام موسوم شده است . ؟

کوه «کور» مانند دیوار عظیمی سراسر جنوب سیمره را محصور

* در کتب مسالك ممالك و تواریخ گذشته این کلمه را (سیمره) با صاد و گاهی نیز (سیمره) با سین نوشته اند .

Kavar - ۱ ۲ - سرزمینهای خلافت شرقی ص - ۲۰۳

کرده است و با دره‌ها و چین‌های عجیب‌خود یکی از عالیت‌ترین مناظر طبیعت را بوجود می‌آورد .

این کوه از «ملۀ افتو» (۱) ایلام شروع شده و در محلی بنام «ده‌شاه» همانجائیکه بستر رود سیمره و پیچ این رود بجانب دشت خوزستان تغییر مسیر میدهد ، قطع میگردد . لیکن ادامه آن در خاک بختیاری کشیده میشود .

کوه «کور» پوشیده از جنگلهای انبوه بلوط میباشد . و بوسیله معابر و دره‌های سخت ، پیشکوه را به پشتکوه مربوط میسازد . کوه مهم دیگر آن بنام «وره زرد» (۲) مشهور است .

رودخانه‌های سیمره همگی از کوه «کور» سرچشمه گرفته پس از عبور از دره‌ها در بعضی تمامی و برخی دیگر تادو سوم آب آنها در کوهپایه رسوبی و دزداب‌ها فرو میروند . و عمده آنها عبارتند از :

۱ - رودخانه «شیخ ماخو» (۳) که از تنگه‌ای بهمین نام از کوه «کوره» جاری میشود ولی در دهانه تنگه ، بیش از دو سوم آن بزمین فرو می‌رود .

۲ - رودخانه «دره شهر» که آب آن نزدیک به سنگ آسیاب است و سراسر دره «دره شهر» و قسمتی از زمینهای اطراف آنرا مشروب میسازد و مازاد آن برود سیمره میریزد .

۱- Mella Aftow یعنی گردنه آفتاب Vera Zard-۲

۳ - Shyx Maxo

۳- رودخانه ماژین که از دره‌ای بهمین نام جاری است ولی تمامی آب آن در دزدآب‌های دهانه تنگه فرو رفته و بهیچوجه از آب آن استفاده‌ای نمی‌شود .

۴- رودخانه «سیکان» (۱) که تمامی آب آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و اضافه آن برود سیمره میریزد .

آب و هوای سیمره در قسمت شرقی که حاشیه‌ای بین کوه کوره و رود سیمره است ، در تابستانها گرم و در زمستان معتدل است . ولی «دره شهر» و قسمت خاوری آن ، هوای معتدل دارد. در آنجا ، هم مرکبات و هم میوه‌های سرد سیری بعمل می‌آید. کشت عمده سیمره گندم و جو است .

ساکنین آن بیشتر مهاجرین سایر بخش‌های لرستانند و از ایل‌های مختلف در آنجا سکنی گزیده‌اند . بهمین سبب گویش مردم آنجا لکی ولری است . سیمره از چهار دهستان دره شهر - سیکان - خالصه و ماژین و ۶۰ دهکده تشکیل شده و جمعیت آن نزدیک به پانزده هزار نفر است .

بخش دوم

پیشینه تاریخی

سیمره از عهد باستان ، محل ییلاق پادشاهان ایلامی و پایتخت دوم آنها - یعنی محلی که اینک «دره شهر» نامیده میشود ، بوده است .

در دوره ساسانیان نیز رونق داشته و بیلاق امرا و بزرگان ساسانی بوده است. در تقسیمات این عصر بهنگام سلطنت خسرو انوشیروان یعنی در سال ۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی برابر آنچه در جغرافیای «موسی خورنی» آمده، سیمره جزء کوست خوربران بوده است. (۱) پس از حمله عرب، سیمره حاکم نشین ولایت مهرجانقدق بوده و این ولایت حتی در قرن چهارم هجری بکثرت نعمت شهرت داشت. صاحب حدود العالم آنرا آبادان و خرم توصیف میکند (۲).

یاقوت در باره سیمره مینویسد: (شهری است از نواحی جبل ازسوی خوزستان و آنرا بنام مهر جانقدق خوانند و آن آبادان و دارای میوه‌ها و آبها است. هم نخل و هم زیتون و هم بادام و هم برف دارد) (۳). ابودلف مسعر بن المهلهل خزر جی در سفرنامه خود مینویسد: (... سیمره شهر زیبایی است که در آن درختان خرما و زیتون و گردو و برف و میوجات کوهستانی و دشت با هم دیده میشوند). (۴) ابن حوقل نیز بناهای سیمره را مانند شهرهای موصل و تکریت که از گچ و سنگ ساخته شده، توصیف نموده و مینویسد: (... میوه بسیار و گردو و دستنبویه و کشتهای بسیار دارند و در خانه و کویهای آنها آب جریان دارد). (۵)

۱ - تاریخ تمدن ساسانی تألیف شادروان نفیسی ص ۳۱۴ و ۳۱۵

۲ - حدود العالم جاب دانشگاه ص ۱۴۱ ۳ - برگزیده مشترک یاقوت، ص ۱۲۵

و سرزمینهای خلافت شرقی ص ۲۱۸ ۴ - ترجمه سفرنامه ابودلف ص ۶۱

۵ - سورة الارض ترجمه دکتر شعاد ص ۱۱۲

بعقوبی مینویسد :

(شهر سیمره مرکز ولایت مهر جان قذق ، در جلگه‌ای با صفا واقع و دارای چشمه و جویبار است که از شهر بیرون می‌آید و مزارع را سیراب میکند و مردم آن مخلوطی از عرب و عجم و کرد و فرس می‌باشند و زبان ایشان فارسی است) . ولی اصطخری زبان مردم را پهلوی دانسته است . میزان عایدات سالیانه مهر جان قذق ۱/۱۰۰/۰۰۰ درهم بوده است . (۱)

در زمان حمدالله مستوفی و بقول او (سیمره شهری نیک بوده است و اکنون خرابست و در همه کوهستان غیر از آنجا خرما نباشد .) (۲)

چگونگی نفوذ سپاهیان اسلام در سیمره و ورود آنها به این شهر با مطلبی که ابن اثیر نقل کرده ، از طریق مذاکره و قرار داد صلح بوده است . وی ضمن وقایع سال ۲۱ هجری چنین نوشته است :

(در سال ۲۱ ابو موسی ، سائب بن افرع ثقفی را سوی شهر سیمره که شهر مهر جان قذق باشد ، روانه نمود ، آن شهر را گشود و با مردمش صلح نمود ، گفته شده - او قبل از آن از اهواز . سائب را به مهر جان قذق فرستاده بود .) (۳)

از حکام مهر جان قذق در دوره ساسانی تنها نام خاندان فیروزان

۱- تاریخ تمدن ایران ساسانی تألیف شادروان نفیسی ص ۳۱۹ و ۳۲۰

۲- تزهت القلوب ص ۷۹ ۳- ترجمه تاریخ کامل ج ۳ ص ۱۹

برده شده و بیش از آن اطلاعی در دست نیست ولی پس از اشغال آن بوسیله سپاهیان اسلام . بر سر عایدات آن همواره در دستگاه خلافت و حکام : اختلاف نظر هائی وجود داشته است .

در سال ۱۳۳ هجری این ولایت جزء حوزه حکومتی بصره بوده است . این اثر ضمن شرح وقایع این سال مینویسد :

(سفاح عم خود سلمان را با یالت بصره فرستاد . اطراف بصره و بحرین و عمان ، قصبات دجله و مهرجاننقدق را به او سپرد که والی همه آن ایالت باشد .)

از رجال نامی سیمره ، ابونعمان ابراهیم پسرا حمد پسر حسین پسر احمد پسر حمدان سیمری است که اصل وی از سیمره بود و حاکم بروجرد شد . (۱)

با شرحی که گذشت ، سیمره یکی از شهرهای ولایت مهرجاننقدق بود . اینکه که آثار باستانی و تاریخی آن مورد بررسی قرار میگیرد محدود و مهرجاننقدق که جغرافی نویسان اسلامی به آن اشاره کرده اند به «سیمره» تغییر نام یافته و اکنون نیز به همین نام مشهور است .

بخش سوم

تپه های باستانی و آثار تاریخی

سیمره تپه های باستانی فراوانی دارد که برخی از آنها وسیله دانشمندان چون دومورگان و هرتسفلد و سراورل استین مورد بازدید و یا گمانه زنی قرار گرفته اند که مهمترین آنها عبارتند از :

۱ . برگزیده مشترک باقوت به اهتمام آقای پروین گنابادی ص ۱۲۵

۱- تپه موسوم به قلعه تیخن: (۱) تپه نسبتاً بزرگی است بفاصله پنج کیلومتر از دره شهر. بنا بر آنچه اهالی می‌گفتند روی این تپه آثار قلعه‌ای با برج و بارو بوده است که وسیله اهالی خراب شده و آجرهای آنرا برای ساختن مسکن خویش بکار برده‌اند.

این قلعه چاهی نیز داشته است که آثار آن هنوز پیدا است. هیئت استین، روی این تپه مطالعه نموده و با گمانه زدن، در طبقات میانی آن سفالهای منقوش و رنگین بدست آورده که تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد تاریخ گذاری شده است. (۲) شاید هرتسفلد و رولن سن، (۳) هنگام تحقیق و عبور از سیمره این تپه را ندیده باشند.

۲- تپه کوزه گران:

این تپه تقریباً سه کیلومتر با تپه تیخن، فاصله دارد، و بزرگتر از تپه اولی بوده و شاید قدمت بیشتری هم داشته باشد. استین، بر روی این تپه گمانه زنی نموده است. (۴)

طبقه اول آن مربوط بدوره ساسانی است. انواع سفال منقوش و رنگین که از طبقات زیرین آن نیز بدست آمده آنها را با سفالهای شوش هم عصر و نوع تمدن را هم با آن یکی دانسته‌اند.

قسمتی از طبقات پائین، قبرستانی بوده که چند نوع قبر در آنجا دیده شده است.

۱- Tixen-۴۰۲ - راههای باستانی و پابنخت‌های قدیمی غرب ایران ص ۱۲۰ و ۱۲۱

۲- Rawlinson

اول : قبوری که استخوانهای مردگان را در کوزه‌ها ریخته و در مکانهای سفیدکاری شده دفن کرده‌اند .

دوم : قبوری که اسکلت‌هایی در يك قبر مشاهده شده و در کنار آنها . تنورها و خاکستر زیادی نیز دیده شده است . سفال شکسته‌های زیادی در اطراف تپه ریخته و از لحاظ کیفیت نقش با هم متفاوتند . نقوش سفالها ، بیشتر پرندگان بز کوهی می‌باشد . و شاید این محل يك کارگاه کوزه‌گری بوده است . اینک نیز به کوزه‌گران مشهور است . اطراف این تپه را نیز مردم حفاری کرده و قسمت‌های زیادی از آنرا بهم ریخته‌اند .

۳ - تپه «کل یزید» : (۱)

این تپه جنب تپه «قلعه تیخن» واقع شده است و شامل چند اثر تمدنی مختلف است . بر روی آن ، آثار قصری از دوره ساسانیان دیده میشود . وجه تسمیه آن به «یزید» معلوم نیست از چه رو است . شاید محل حکومت یکی از حکمرانان اسلام به این نام بوده است . (۲)
۴ - تپه «کلک موسیوند» : در «دشت آباد» دهستان سیکان واقع شده است . و آثار ساختمانی دارد .

۵ - تپه «قلعه زینل» : فاصله ۳ کیلو متری مرکز «دره شهر» .

در محلی موسوم به چم کلان واقع شده است

۶ - تپه «قلعه گل» : نزدیک دره شهر که شاید مربوط به دوره ساسانی باشد .

۱. Kallvazid در گویش لری «کل» یا «کلک» Kallek یعنی خرابه يك شهر یا يك بنارا گویند .

- ۷- تپه «رشکله»: (۱) در جنوب جمشید آباد دره شهر.
- ۸- تپه «سیکان»: (۲) که باقیمانده عهد ساسانیان است.
- ۹- تپه فرهاد آباد: در پشته سیکان، که قبوری چند در اطراف و روی آن دیده میشود.
- ۱۰- تپه «قلعه سکه سون»: (۳) واقع در دهکده ای بهیمن نام و در جنوب غربی دره شهر نزدیک کوهپایه «کور» که در سطح بالای آن سکه های دوره اسلامی و نیز از قسمتهای عهد ساسانیان بدست آمده است.
- ۱۱- «چغاسوز»: (۴) واقع در دهستان خالصه که بیشتر آن وسیله اهالی حفاری شده است و بعضی از هیئت های علمی نیز روی آن مطالعاتی انجام داده اند و مربوط بدوره پیش از تاریخ تشخیص داده شده است.
- ۱۲- تپه دستگرد: در دره شهر که آثار ساختمانی آجری دارد و شاید مربوط به دوره اسلامی باشد.

۱۳- (دره شهر)

«دره شهر» امروز مرکز سیمره است و دره نسبتاً بازی است. فاصله آن تا خرم آباد ۱۸۵ کیلو متر است و جمعیت فعلی آن نزدیک به ۶۰۰ نفر است.

۱- Reshkela ۲- Sikan ۳- Sekaso ۴- Chegasoz چغا یا چیا در گویش لری بمعنی تپه است.

« دره شهر » شهری بلا دیده و مصیبت کشیده است . چند بار آبادان گشته و ویران شده است . عوامل ویرانی آن وحشیگری سپاهیان آشور و بعد عرب بودند . آثار کنونی دره شهر تأثیری عمیق در هر بیننده دارد .

ویرانه‌های خاموش آن هنوز میتوانند مبین تمدن درخشان گذشته باشند ، آتشکده خاموش و فراموش شده آن هنوز هم استوار و برجاست . شاید «دره شهر» محل همان شهر باستانی « ماداکتو » (۱) پایتخت ایلامی باشد . ایلامی‌ها که در تمام عهد باستان فرمانروای کوههای لرستان بودند سرعت دره رودخانه . و راه بزرگ ارتباطی بین منطقه هموار خود و مرز شمالی را متصرف شده و در آنجا اماکن مستحکم تأسیس کردند ، از آنجمله «ماداکتو» که پایتخت دوم آنها بود . از آنموقع «کبیر کوه» در سمت مشرق ، حصار کوشن‌ها گردید و آنها دیگر از این کوهها تجاوز نکردند . (۲)

شاید « دره شهر » اولین بار از جمله شهرهای ایلامی بوده است که در حمله آشور بنی پال ویران گردیده و مردم آن قتل عام شدند . اموالشان بی‌غماریت و تمدنشان بر باد شد . (۳)

ممکن است « دره شهر » در دوره اعتلای هخامنشیان هنوز هم ویران بوده و یا اهمیت گذشته را نداشته است . لیکن عهد اشکانی

۱ - MadaKtuo ۲- جغرافیای غرب ایران تألیف دوم و رگان ص ۲۵۹ و ۲۴۰

۳ - این متن یکی از کتیبه‌هایی است که آشور بنی پال در مورد حملات خویش عنوان کرده است (بقیه در حاشیه منحه بد)

دوره تجدید حیات آن بوده است ، که بعهد ساسانیان مجدداً رونق یافته و آبادان گردیده است . دومورگان مینویسد :

(... در دره سیمره من با بقایای عهد هخامنشی بر خورد نکردم اما بر عکس خرابه های عهد ساسانی در آنجا زیادند . این خرابه ها مواضعی را که سابق بطور کلی بتوسط شوشی ها مسکون بوده و این مردم در آنجا شهرهایی دژی داشته اند ، اشغال مینمایند.) (۱)

در خرابه های «دره شهر» که بازمانده يك شهر زمان ساسانیان است آثار چهار راه ها ، کوچه ها و معابر آن ، نظم ویژه ای را که در شهرسازی این دوره معمول بوده نشان میدهند .

(بقیه حاشیه صفحه قبل) (... من از شهرهای ایلام آن اندازه ویران کردم که برای گذشتن از آنها يك ماه و بیست و پنج روز وقت لازم است . همه جا نمک و خار افتاندم ، برای بایر کردن ، شاهزادگان و صنعتگران ، همه را با خود به اسیری به آشور آوردم . مردم آن سرزمین از زن و مرد را با اسب و قاطر و الاغ و گله های چار پایان کوچک و بزرگ که شماره آنها از دسته های ملخ قزون تر بود بقتیمت گرفتم . خاکه شوش ، ده مدکتو ، و دهلمتاش - Heltemash ، و شهرهای دیگر را به آتش کشیدم .

در ظرف مدت يك ماه ایلام را بتصرف در آوردم بانگ آدمیزاد و اثر پای گله ها و چهارپایان و نمه شادی را از مزارع برانداختم . همه جا را چراگاه خران و آهوان و جانوران وحشی گوناگون ساختم (تاریخ تمدن ویل دورانت جلد اول ص ۴۰۱)

۱- ترجمه جغرافیای غرب ایران تألیف دومورگان ص ۲۴۹ و ۲۵۰

در یکی از چهار راههای این ویرانه ها ، پایه ستون سنگی بسیار بزرگ و مدوّری افتاده است. (تصویر شماره ۱)

تمامی بناهای دره شهر از قلوه‌های گرد و سائیده شده ساخته و با گچ بنائی گردیده‌اند. براحتی میتوان در کوچه‌های آن سیر کرد. (تصاویر شماره ۲ و ۳ و ۴). بر تپه‌های مجاور شهر هنوز قصور حکام و شهرنشان ثروتمند دیده میشود. «دومورگان» توصیفی ارزنده از آثار دره شهر کرده است. او مینویسد:

(... خانه‌ها معمولا مرکب میشوند از يك طبقه هم سطح زمین مقوّس و طاق‌دار و با گچ اندود شده. که سکنه بهنگام گرمای شدید به آن پناه میبردند. سپس يك بالاخانه که در فصل معتدلتری در آن می‌زیستند. این بالاخانه‌ها با پشت‌بامی مسطح پوشیده شده، و دیوارها با گچ کاری مختلفی مزین شده‌اند. این سبک تزئین داخلی اطافها، هنوز در تمام ایران مرسوم است. تنها تزئینات آن فرق می‌کند و گرنه طرز عمل و انجام آن یکسان است.

ستون‌هایی که جدا و یاپیوسته بدیوارها هستند، تزئینات کچکاری دارند و هر بنای نسبتاً گرانبها، نمای خارجی آن بمانند داخلش بسیار تزئین شده است.

طاقها جمله، استوای یا اهلجی اند. محور كوچك بیضی از سطح مسنوی مبدأ می‌گذرد. (تصویر شماره ۵)

اما سقف‌های طبقات بالای آنها، از چوب درست شده

و تیرهای آن دیده میشوند.

ساختمان طاقها باهلالهای ناقص - مزین به تخته‌اند. هنوز در بسیاری از بناها، بقایای پیوندگاهها و مفاصل این اشکال دیده میشود. من (دومورگان) نتوانستم نمونه‌ای از طاقهای منحرف و کج شده و یا نمونه‌ای از طاقهایی با کمان مسدود - مثل طاقهای صومعه‌ها و دبرها به بینم. اما قسمتهای مقعر گنبد بسیار زیاد یافت می‌شوند. فراوانی گچ در دره سیمره، سهولت عمل و کار با گچ مرغوب و عالی، معماران ساسانی را بر آن داشته که آنرا زیاد بکار برند. من هیچ جا سنگ تراشیده و تزیینات کنده شده در مرمر را ندیدم. سنگ ریزه‌های فرو ریخته شده از کوهها و تپه‌های گچ مجاور تنها مصالح مورد استعمال بوده اند.

این نمونه از بنا مانند همه بناهای ساسانی، از ذهاب ناشوش بسیار مخصوص و بشدت عجیب است و تا کنون آنرا جز در قصر شیرین و چند خرابه که به سهولت در دسترس مسافران است، نمی‌شناختند. لکن بناهای دره سیمره، شمار زیادی از اسناد معماری این دوره را ارائه داده و نمونه‌های کوچکی را بدست میدهد.

عهد این شهر از روی سکه‌هایی که در خرابه‌ها یافت شده معین است. این مسکوکات از جمله سکه‌های خسرو سوم و جانشینان او می‌باشند. (۱)

۱- جغرافیای غرب ایران تألیف دو، و رگان ترجمه دکتر ودیعی ص ۲۵۰ تا ۲۵۲

فصل هفتم

بعضی از طاقهای این شهر باستانی، هنوز باقی و در زمستانها اهالی برای نگهداری گله و یا جای خوراک دام از آنها استفاده میکنند. بر دیوار و سقف برخی از طاقها کتیبه‌ای گچ بری شده است که نگارنده آنرا مشاهده نمودم. تصاویر شماره ۶ و ۷

« دره شهر » بهنگام آبادانی بنا بقولی متجاوز از پنج هزار خانه داشته است و جمعیت آن به بیست هزار نفر میرسیده است و اکنون در میان خرابه‌های آن اثری از بنایی که شاید روزی مسجد و عبادتگاه دوره اسلامی بوده باشد، دیده نمیشود.

علت ویرانی سیمره

در مورد ویران شدن مجدد «دره شهر» یا سیمره، بعضی علت آنرا زلزله میدانند و عده‌ای هجوم و یغماگری سپاهیان عرب. در مورد اول باز نسبت به تاریخ وقوع زلزله اختلاف هست. مسعودی مینویسد :

(در دیماه سال ۳۳۴ هجری، در سیمره زلزله‌ای پدید آمد و آن شهر را ویران کرد.) (۱) لیکن مؤلف احسن التقاسیم، تاریخ وقوع زلزله را ۲۵۸ هجری ذکر کرده و در کیفیت آن مینویسد :

(در سیمره صدایی عظیم بلند شد و همان روز باز صدای عظیم تری شنیده شد و زلزله شهر را تکان داد و بیشتر شهر خراب شد.) (۲) تلفات این زلزله را بیست هزار نفر نوشته‌اند.

با توجه به گزارش ابودلف که سال ۳۴۱ از سیمره گذشته و آنرا (شهر زیبایی) توصیف نموده (۳) و هیچ مطلبی در مورد ویرانی این شهر و یا زلزله ای که چند سال قبل از سفر او رویداده عنوانی نکرده ، جای تردید است که قبول کنیم در سال ۲۵۸ هجری زلزله رخ داده یا در سال ۳۲۴ ، با آن کیفیت که ذکر نموده اند ویران شده باشد . چگونه ممکن است در مدتی کوتاه دوباره با سرعت شهر تجدید بنا کرده بطوریکه ابودلف چنان در باره آن سخن بگوید . ولی دومورگان علت ویرانی را چنین آورده است :

(سکه هایی که یافت میشود از جمله سکه های خسرو سوم و جانشینان او می باشند . در اینجا (در شهر یا سیمره) مسکوکات عربی یافت نمی شود و این دلیل آنستکه بهنگام فتح و اشغال این نواحی ، این سکه ها بتوسط ساکنان بجانها داده شده و ساکنان بوقت ترك محل ، شهرها را آتش زده یا آنکه سپاهیان بمحض ورود به منطقه ، آنرا ویران ساخته اند .) (۱)

چنانچه ویرانی « دره شهر » بهر يك از علل بالا درست باشد . حتماً ابودلف از محلی که امروز بنام «سیکان» مشهور است و آثار ساختمان نیز دارد و هوای آن معتدل و چشمه های آب زیاد در آن جاری است ، دیدن کرده و بنام سیمره از آن یاد نموده است . بوژه اینکه در این محل و نیز در مکان موسوم به (سکه سان) سکه های اسلامی زیاد یافت شده است .

۱ - ترجمه سفرنامه ابودلف ص ۶۱ - ۲ - ترجمه جغرافیای غرب ایران ص ۲۵۴

باری . در این درّه ساخته از گرمای خورشید . خانه های مسکونی
بحدی کم است که یافتن شهر و آثاری که وقایع نگاران باختصار
آنها را شرح داده اند ، بسیار آسان است .

۱۴ - پل ساسانی ، دره شهر ،

در انتهای جنوبی درّه « دره شهر » و ابتدای تنگه ای بهمین نام .
در دامنه کوه « کور » آثار پلی که بر روی رودخانه « دره شهر » که از
همان کوه سرچشمه میگیرد ، باقی است که دو قسمت شرقی و غربی
را بهم مربوط میساخته . این پل چهار پایه داشته که طول و عرض
هر يك $۸۰/۳ \times ۵۰/۶$ متر میباشد که بر روی آنها سه چشمه طاق زده
شده . فاصله هر چشمه ۵۵ متر بوده است که اینک دو اطاق اصلی
آن ویران شده است . این پل با سنگهای تراشیده و سنگ قلوه
و گچ بنا گردیده و شاید يك اثر دیگر از دوره ساسانی باشد . (تصویر
شماره ۸)

۱۵ - آتشکده دره شهر

در شرق درّه « دره شهر » بر روی تپه ای موسوم به « تنوره سرخ » ، بنای
يك آتشکده بصورت چهارطاق از جمله آثار باستانی است که باقیمانده .
این بنا را در محل « طاق » میگویند . اندازه داخل آن ۲۰×۳۲ متر
متر است و چهار طاق دارد که ابعاد هر يك $۸۵/۱ \times ۱۵ \times ۱۳$ متر است و تمامی آن با سنگ قلوه و گچ ساخته شده است . بلندی طاق

تا کف زمین کمی بیش از ۵ متر است این بنادر شرف نابودی است.
(تصویر شماره ۹)
بر روی دیوار آن هیچ نوشته‌ای دیده نشد. گنج کاری آن بکلی ریخته شده است.

۱۶ - آثار تنگه «شیخ ماخو» (۱)

تنگه «شیخ ماخو» با شیخ مکان در ۸ کیلومتری خاور «دره شهر» واقع شده است. در دهانه این تنگه، دهکده‌ای هست به همین نام که جمعیتی نزدیک به ۱۰۰۰ نفر دارد. در سمت باختری تنگه، تپه مصنوعی نسبتاً بزرگی وجود دارد که از دستبرد محفوظ مانده است.
رو دخانه‌ای که از این تنگه بیرون می‌آید چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، دوسوم آب آن زمین فرو میرود و بقیه آن هم، بمصرف زراعت اهالی میرسد. از این تنگه، راهی سخت و دشوار از کوه «کور» گذشته به پشتکوه منتهی میشود. (۲) در ابتدای این تنگه، بمسافت ۴۰۰ متر از دهکده، غاری هست که بر صخره‌های جلو آن چند نشیمن گاه پله مانند، حجاری شده است.
(تصویر شماره ۱۰).

۱۷ - قلعه شیخ ماخو

در داخل تنگه و در سمت غربی آن، باقیمانده یک دژ جالب توجه

۱- Sheyx maxo در مکاتبات اداری آنرا «شیخ مکان» هم مینویسند.
۲- این راه یکی از راههای باستانی است که شوش را به «ماداکنو» مربوط می‌ساخته است.

از عهد ساسانی دیده میشود . دیوار کوه . دیوار غربی این دژ است و دیوار شرقی با سنگ و گچ نا بالاتر از سطح بام قلعه ساخته شده است و با سینه پیش آمده کوه اندکی فاصله دارد و لبه آن چند کنگره دارد و چند تیر کش و دريچه برای دیده بانی در آن تعبیه گردیده است . ارتفاع این دیوار در بلندترین نقطه ۱۴۵۰ متر میباشد. دژ چهار اطاق داشته و تنها يك در دارد که بجانب شمال باز میشود. (تصاویر شماره ۱۱۲ و ۱۱۱) از پشت بام دژ ۱۷۰ پله از کوه کنده شده که به انتهای جنوبی دیوار شرقی منتهی بمحل دیده بانی دژ میگردند. (تصویر شماره ۱۲)

این دريچه دیده بانی . دایره شکل است. روی سنگ قلو هائی که در دیوار دژ بکار رفته و با گچ اندود شده است و پهنای این دیوار ۱۳۵ متر است. هیچ يك از دانشمندان باستان شناس که برای تحقیق به سیمه رفته اند این قلعه را ندیده و از آن نیز سخنی نگفته اند. اهمیت دژ آنستکه بر راهی که از تنگه میگذرد ، مسلط بوده است .

۱۸ - آسیاب تنگه شیخ ماخو

در میان تنگه و در برابر بنای دژی که شرح آن آمد . بنای جالب توجهی بر جای مانده است که بزرگتر از چهار طاقی «دره شهر» است. اندازه سطح داخل آن ۶×۳ متر و بلندی طاق آن ۵ متر است. سقف آن بوسیله چند طاق که بر روی چهار پایه آن زده اند ، بهم مربوط می شوند. در اصلی آن بجانب شرق باز میشود و اندازه آن ۱۰×۲۰ متر است. (تصویر شماره ۱۳)

این بنا با سنگ قلوه و گچ ساخته شده است و شبیه به يك آشکده است. سطح دیوار داخلی آن با گچ اندود شده است. اهالی این بنا را تبدیل به آسیاب کرده و قسمتی از آب رودخانه تنگه را، به جانب بنا منحرف ساخته اند که اکنون نیز قابل استفاده نیست ولی لطمه ای جبران ناپذیر به این یادگار باستان وارد آمده است.

۱۹ - آثار تنگه چوبینه

یکی دیگر از تنگه های مشهور کوه «کور» (۱) واقع در سیمره، بنام «چوبینه» مشهور است که در دو کیلومتری شرق تنگه «شیخ ماخو» واقع شده است. وجه تسمیه این تنگه، بنابر آنچه در محل مشهور است، آنست که این تنگه، دژی دارد که اقامتگاه ییلاقی بهرام چوبینه، سردار ساسانی بوده است.

سراسر دهانه تنگه، بادیواری از سنگ قلوه و ملاط بطول تقریبی ۲۰۰ متر و ارتفاع چهارمتر و پهنای سه متر محدود و مسدود شده است که اکنون فقط دو طرف شرقی و غربی آن باقی است و قسمت هایی از آن بر نیغه های کوه بنا نهاده شده است و در دو طرف مسیل دره، پهنای دیوار تا پنج متر میرسد.

در دیوار شرقی، دری برای ورود و خروج تعبیه گردیده که پهنای آن دو متر است. (تصویر شماره ۱۴).

ارتفاع دیواره های دو طرف تنگه، بیش از پنجاه متر است. پس از ورود به تنگه، اولین چیزی که جلب توجه می کند، آثار بنای درهم ریخته دژی است که برخی از اطاقهای آن هنوز بجای مانده است. این دژ در سطحی نزدیک به پانصد متر مربع بنا گردیده و باروای نیز داشته است و در شرق آن چشمه آبی نیز وجود دارد و با سنگ قلوه و ملاط ساخته شده است. (نصویر شماره ۱۵)

در داخل درّه، صخره های عظیمی روی هم افتاده و راه درّه نیز با بالا رفتن و عبور از روی آنها است. در گذشته جای پاروی آنها حجاری شده است. با این وجود عبور از آنها کاری بسیار دشوار و گاهی خطرناک است. از این راه، پس از رسیدن به بالای تنگه راهی باریک به سمت غرب منشعب میگردد که پس از عبور از تیغه های خطرناک کوه، به میانه دیوار غربی درّه میرسد که سطحی نسبتاً باز و وسیع دارد و در آن دژ کوچکی که دارای چند اطاق است ساخته شده است. و در جلو آن حوضی کوچک از سنگ کنده شده است. نگارنده، تا نزدیک آن نتوانستم پیش بروم ولی یکی از جوانان محل توانست بداخل آن برود. متأسفانه هیچوجه عکس برداری از آن میسر نشد. به احتمال زیاد تمام این آثار مربوط به دوره ساسانی است. اورل استین، فقط دیواره دهانه تنگه را دیده و او نیز این آثار را به عهد ساسانیان نسبت داده است. (۱)

۲۰ - آثار پل چم نمشت (۱) معروف به «پل چم آب بوده»

یکی از پل‌های دوره ساسانی که بر روی رود سیمره زده شده . این پل است که اینک قسمتی از پایه‌های فرو ریخته آن بجای مانده است. این پل ، سیمره و طرهان را بهم مربوط می ساخته است که شاید یکی از راه‌های باستانی زمان ایلامیها باشد .

ابودلف جهانگرد عرب ، در سفر خود (۳۴۱ هجری قمری) از آن عبور کرده و در توصیف آن چنین مینویسد :

(میان سیمره و طرهان پل بزرگ و زیبا و عجیبی برپا می باشد که دو برابر پل خانیقین است .) (۲) باقوت از این پل بنام «... از عجایب پل‌های عالم » وصف کرده است . با مشاهده آثار آن ، نسبت بزمان خود بی شك پلی درخور چنین توصیف و تعریف‌هایی بوده است .

این پل به محاذات «دره شهر» که با آن چهار کیلومتر فاصله دارد بر رود سیمره زده شده است. در حالیکه رود سیمره در این زمان نزدیک به یک کیلومتر سمت جنوب آن ، تغییر مسیر داده و بستری به عمق ده متر پایین تر از پایه‌های پل ، در میان زمینهای سست برای خود ساخته است. این تغییر مسیر و بسترسازی در مدت ده قرن جالب توجه است .

این پل هیجده چشمه داشته که اندازه دهانه هر طاق یا فاصله

۱ - Cham namesht چم در گویش لری محل پیچ آب رودخانه را گویند.

۲ - ترجمه سفرنامه ابودلف ص ۶۱

بین دو پایه، ۱۵ متر است و طول تمام پل، بیش از ۲۷۰ متر بوده است. شاید یکی از موارد اعجاب ابودلف، طول و عظمت این بنا بوده است. اندازه هر پایه، ۶×۹ متر و داخل بعضی از پایه‌های کناره شمالی، توخالی و طاق زده است که اینک عشاير هنگام قشلاق برای کاهدانی یا جای حشم خود از آنها استفاده مینمایند.

نخته‌سنگهائی که در ساختمان پایه‌ها بکار رفته، تا یکمتر عرض و بیش از یکمتر طول دارند. نما و زنجیره‌های طاقها، از روی پایه‌ها آجرهایی که از لحاظ اندازه و ضخامت دو برابر آجرهای کنونی میباشند، ساخته شده است. ترکیب ملاط آن معوم نیست. (تصویر شماره ۱۶) پل از شمال به دامنه کوه موسوم به «مهله» (۱) منتهی میگردد که دنباله راه سیمره و طرهان از تنگه‌ای موسوم به «میروره» (۲) از آن میگذرد و به دشت رومشکان و سپس به طرهان میرسد.

قسمتی از این راه که از کمرکش کوه «مهله» عبور مینماید، در سالهای پیش از اسلام با سنگ و ملاط تعریض شده است. از این راه اکنون نیز عبور و مرور میشود و نزدیکترین راه طرهان به سیمره است. هیأت «سراورل استین» در سال ۱۳۱۴ شمسی از کنار آثار این پل و راه کوهستانی آن، بجانب طرهان عبور کرده و آنرا مشاهده نموده است و در باره آنها چنین نوشته است:

(این پل معروف به «چم آب برده» و خرابه‌های قدیمی اطراف آن

۱ - Mala با کشش فتح میم و لام، نام کوهی است که جنوب طرهان و رومشکان، محصور کرده است. ۲ - Mirora

شاید از زمان ساسانیان باشد ، اما هل از رودخانه سیمره يك تا نیم میل برکنار مانده.... از چم آب برده . بطرف گردنه سختی حرکت کرده و از گردنه بالا رفتیم . در بالای گردنه ، سراسیمه بسیار کم بود و میتوان گفت زمینی هموار و مسطح بود، این زمین «رومشکان» ، قسمتی از طرهان است. (۱)

۲۱ - قلعه و شهر باستانی ماژین (۲)

« ماژین » یا ماژیم « نام ساحل جنوبی رود سیمره و دامنه های شمالی و جنوبی کوه « کور » است که مساحت تقریبی قسمت شمالی آن ۳۵×۱۵ کیلو متر است .
آب و هوای گرمسیری دارد و در آن ، انواع درختان مرکبات و خرما پرورش می یابد .

در ساحل جنوبی سیمره ، آثار يك دژ بزرگ و باستانی و ساختمان يك شهر در اطراف آن دیده میشود .

تمام این آثار از قلوه سنگ و گچ است . مسیر نهری بزرگ که از کوه « کور » تا این آثار کشیده شده است ، مشخص میسازد که آب مورد نیاز ، بوسیله این نهر که از کوه « کور » سر چشمه میگرفته ، تأمین میشده است . این نهر اکنون در بستری به عمق ۲۰ متر جاری است و بیشتر آب آن در زمین شنی فرو میرود . ممکن است این آثار از

عهد ساسانیان بجای مانده باشد .

در اطراف آن، چند تپه بزرگ و کوچک هست که با آثار سفالی
برنگهای مختلف و نقش های متفاوت که بر روی آنها دیده شد، بیشک
مربوط بدوره ای کهن تر از آثار دژ میباشند.

۲۲ - « غار کول کنی »

یکی از تنگه های کبیر کوه در « مازین »، بنام « کول کنی » مشهور
است. این تنگه، دارای يك معبر سخت است که عبور از آن بدشواری ممکن
است. و به مازین پشکوه و خوزستان منتهی میگردد. در دیوار
شرقی و نزدیک به دهانه آن که تقریباً نزدیک به وسط دیوار شرقی است
، غاری است که به « کول کنی » مشهور است و راه یافتن به آن
غیر ممکن است. زیرا ارتفاع آن تا زمین به ۶۰ متر و از غار
تا بالای کوه نیز ارتفاعی در این حدود دارد.

بر دیواره پایین غار، از کف تنگه، آثار و جای پله هایی تا دهانه
غار دیده میشود که شاید آنها را خراب کرده اند تا کسی نتواند به
غار دست یابد. مردم مازین در باره غار، افسانه های مختلفی دارند.
از جمله میگویند که جسد انوشیروان، پادشاه ساسانی در آن مدفون
است. و استناد به گفته فردوسی در شاهنامه می نمایند. یکی از معمرین
دهکده، از پدر خویش نقل میکرد که او نیز از پدرش شنیده بود که :

۱ - Kul kani - در گویش لکی بمعنی «تنگ چشمه» است

هنگام وزیدن باد ، صدایی مانند صدای بار بسته شدن و بهم خوردن دری، از این غار شنیده است ، و میگویند در زمستان و بهنگام ریزش بارانهای شدید. آب از غار فرو میریزد و گاهی چشمه‌ای که در داخل غار است تا مدتها یعنی تا اواخر بهار آب آن خشک نمیشود . و نیز نقل میکردند که ، آبی که از غار فرو میریزد، با خود پوست نارنج و لیمو همراه می آورده است . بهر صورت تا کنون هیچ کسی نتوانسته است به این غار دست یابد . و از طرف مقامات باستانشناسی تا کنون برای شناسایی آن اقدامی نشده است .

بخش چهارم

آثار اسلامی

۱- بقعه جابر —

یکی از بخش های سیمره که در غرب این منطقه واقع شده، «بدره» یا «بیره ای» است. این بخش وسعت نسبتاً زیادی دارد ولی زمین هموار و مسطح آن کم است و بیشتر آن تپه های سنگی و دره های عمیق است . مرکز بخش بدره «اوهر» (۱) و فاصله آن تا «دره شهر» نزدیک به هفتاد کیلومتر است. راه شومه ای اخیراً از جنوب بخش جابدر تا «سیکان» واقع در ۳ کیلومتری غرب «دره شهر» کشیده شده است ، بقیه راه تا

«اوهر» کوهستانی است و تنها بوسیله جیب آنهم با دشواری میتوان از آن عبور کرد.

مردم «بدره» گویش لری دارند. بعضی از آداب و رسوم آنها اندک اختلافی با سایر نقاط لرستان دارد. زنان «اوهر» بخلاف سایر زنان لرستانی بجای عمامه سیاه، دستار سفید عمامه میکنند.

دره بدره آب جاری کم است و آب آن منحصر است به چند چشمه کم آب. علت خشکی آن نیز این است که دره های عمیق بموازات کوه «کور» کشیده شده و مانع از آنست که نهر و رودخانه هایی که از این کوه سرچشمه میگیرند، به زمینهای این بخش برسند.

راه جیپ رو، فقط نامحلی است که به «سرتنگ» مشهور است. ادامه دارد. «سرتنگ» معبری کوهستانی است که راهی باریک از میان صخره ها و تخته سنگهای آن باشیبی تند عبور میکند.

این راه از دره ای که بین دو کوه گچی و سوخته از حرارت خورشید که به (ملّه ریت) (۱) و «چال می» (۲) موسومند: میگذرد و به ایلام میرود و یکی از راههای باستانی است که باختر ایران را بخاور مربوط می ساخته است.

از این دره. آبی شور به اندازه دو سنگ آسیاب، عبور میکند و به رود سیمره میریزد این دره موسوم به «خر جابر» (۳) است. در دهانه دره و کنار رودخانه، آبگیری است بمساحت تقریبی ۳۰۰۰ متر مربع

۱. mella rita - ۲. Chalamey - ۳. Xerr - بکر خاورای مشهد در گویش لری
یعنی دره و زمین محصور بین دو کوه که میل و بستر خشک رودخانه ای باشد.

قیفی شکل، که عمق آن بیش از ده متر است و اهالی آنرا «زمزم» میگویند و اعتقادی افسانه‌ای نسبت به آن دارند. از آنجمله معتقدند که نبی از آب این آبگیر تلخ و نیمه شیرین است و نباید از آن خورد. در صورتی که آبی شیرین و گوارا دارد. این آبگیر بهیچ طرف راه ندارد. درّه یا «خر جابر»، بیش از ۱۰ کیلو متر طول دارد. (تصویر شماره ۱۷ از «خر جابر» و آبگیر «وسوم» به زمزم است که با علامت X مشخص شده است.

نزدیک به انتهای درّه و در دامنه کوه «چال می» مقبره‌ای است جالب توجه که گنبد آن از لحاظ کیفیت ساختمانی شبیه به گنبد دانیال در شوش است. (تصویر شماره ۱۸)

طایفه‌ای از ساکنین «بدره»، معتقدند که فرزندان جابر (صاحب مقبره) هستند و توماری بعنوان شجره نامه، بطول ۲۵ متر و پهنای ۲۳ سانتیمتر مهور به مهرهای فراوان، در دست دارند که در آن عنوان شده است که مدفون، جابر بن عبدالله انصاری است و با استناد به آیاتی از قرآن و احادیث و اخباری که از پیغامبر اسلام «ص» و ائمه اطهار (ع)، نقل شده مجوزی است که فرزندان جابر میتوانند مال الله و زکوة مسلمین و بعضی حقوق دینی را دریافت دارند و همچنین تمام موقوفات مقبره باید زیر نظر آنها اداره شود. بی شک این ادعا باطل است، زیرا آنچه مسلم است جابر بن عبدالله انصاری «در مدینه فوت نموده و همانجا مدفون است. بعضی نیز مدعی هستند که ممکن است جابر بن حیّان، باشد. احتمال

اینکه مقبره از آن جابر بن حیّان ، شیمی دان بزرگ ایرانی باشد نیز ضعیف است .

راهی که از کنار مقبره میگذرد، دنباله شاهراهی است باستانی که از تیسفون و بغداد به مهر جانقذق و شاپور خواست و شرق میرفته است. با اینکه مورّخین - غیر از صاحب الذریعه هیچ يك درباره مرگ و محل قبر جابر ذکری نکرده اند و صاحب الذریعه مینویسد که (بقولی در طوس وفات یافت) ، بعضی مدعی هستند که ممکن است جابر بن حیّان در مسافرتی که نموده است در محل کنونی در گذشته و هم در آنجا دفن شده باشد، که این احتمال نیز بر اصلی و سندی متکی نیست .

نگارنده با تحقیق و بررسی زیادی که نمودم نتوانستم مدرکی که دال بر آن - که این مقبره متعلق به جابر بن حیّان باشد ، بدست آورم . در گنج بری داخل مقبره نیز جز نام پیغمبر اسلام (ص) و چند کلمه دیگر نوشته نشده است .

مشخصات مقبره

در ورودی مقبره بسوی شمال باز میشود و اندازه آن ۱۵×۱ متر است . این در به کفش کنی باز میشود بطول و عرض ۹×۱۵ متر، که ۸ ستون دارد و ۹ طاق شمالی جنوبی و ۹ طاق شرقی غربی روی این ستونها زده شده است . بلندی طاق ۲ متر است . مقبره ، دوطبقه پایین تر از کفش کن است و در اصلی آن ۷۰×۱۵۰ سانتیمتر است و داخل آن مربع شکل است که هر ضلعش ۷۰×۴ متر میباشد . در دیوار جنوبی ، محرابی به

بلندی ۱۸۰ و پهنای ۷۰ سانتیمتر ساخته‌اند که بر قسمت پایین آن کتیبه‌ای است گچ بری شده. بر اطراف آن کلمات مقدس و بر سطح میانی آن چند نقش گل، گچ بری شده است (تصویر شماره ۱۹).

در گوشه‌های بالای کتیبه کلمات « محمد » و « لا اله الا الله » بطور برجسته نوشته شده است. در وسط مقبره قبری مستطیل شکل به ابعاد $100 \times 70 \times 200$ سانتیمتر ساخته‌اند. (تصویر شماره ۲۰).

گنبد نیز چنانکه پیش از این آمد. عیناً شبیه به گنبد دانیال است. دارای ده طبقه هشت ضلعی است که ارتفاع هر طبقه، هشتاد سانتیمتر و اندازه هر ضلع طبقه اول، ۱٫۲۵ متر است. (تصویر شماره ۲۱) بلندی تمام گنبد تا کف مقبره ۱۶ متر و تماماً از سنگ و گچ است. (تصویر شماره ۲۲ از داخل گنبد گرفته شده است).

روی آن نیز گچ کاری شده است این کار بعثت وفور کوه‌های گچی است که در آنجا هست. تاریخ بنای آن مشخص نیست ولی از لحاظ سبک بنا و معماری، در لرستان بنایی مشابه آن وجود ندارد.

۲ - پل گاومیشان (۱)

در شرق سیمره ۱۰ نزدیک محلی که آب رود کشکان و سیمره بهم میریزند، (۲) بقایای پلی عظیم باقی است. این پل چون در مسیر

۱ - Gamesho ۲. ملتقای دورود کشکان و سیمره. در يك كيلو متری شمال پل « گاومیشان » محلی است موسوم به « چم مهر » که از این پس هر دو رود يك بستر دارند و بنام سیمره نامیده میشوند.

باستان شناسان و یا جهانگردان نبوده است، جز در چند مورد از آن نامی برده نشده و معرفی نگردیده است. علت هم آن بوده که از سیمره راهی به طرهان میرفته که از لحاظ نزدیکی، بیشتر، آنرا برای مسافرت انتخاب نموده اند و از این پل عبور نکرده اند.

پایه های پلی که مربوط بدوره ساسانیان است در جنوب این پل هنوز باقی است. ولی پل گاو میشان تازه تر و مربوط به اوایل دوره اسلام است. سنک نوشته ای که تاریخ پل بر آن نوشته شده، در سمت خاوری پل افتاده و درهم شکسته است، چنانکه تنها چند کلمه «بدر» «اطاء» «جل» بخط کوفی روی بعضی قطعات آن قابل خواندن بود که میتوان گفت این پل نیز از آثار و یادگارهای بدر پسر حسنیه (۱) است، که احتمالاً بعداً نیز تعمیر شده است.

اکنون تمام رود سیمره با بستری که در مرمره های کوه برای خود ایجاد کرده، بین دو پایه آخری عبور مینماید که طاق آن نیز شکسته است. (تصویر شماره ۲۳).

سایر چشمه های پل سالم مانده اند. بستر رود سیمره ۸ متر پایین تر از کف چشمه های پل است. این تغییر مسیر و بستر سازی در این مدت کوتاه چند قرن، صورت گرفته است. نزدیک به یکصد و شصت سال پیش، این پل و سیله والی پشتکوه مرمت شده و «رولن سن» نیز از روی آن عبور کرده است.

مشخصات پل

جهت پل از شرق بغرب و طول آن نزدیک به ۲۳۰ متر و دارای دوازده چشمه بوده است که هشت چشمه آن بزرگ و بقیه در سمت خاوری طوری بنا گردیده که آخرین چشمه، باتپه مجاور هم سطح میگردد. (تصویر شماره ۲۴).

اندازه هر دهنه طاق، ۱۴٫۵ متر و بلندترین طاق، که منتهی به تپه غربی میشود. ۲۴ متر بلندی دارد و ارتفاع چهار طاق شرقی ۱۵ متر است.

طول و عرض هر پایه ۷×۱۶ متر میباشد که تا ۳۷۰ متر آن با سنگهای بزرگ ساخته شده و از آن پس طاق آجری شروع میشود. (تصویر شماره ۲۵):

پهنای کنونی روی پل ۵٫۵ متر است. (تصویر شماره ۲۶).

دربنده طاق، در جهت افقی معابری با طاق بلند تعبیه شده است.

۳ - « بقعه مهدی صالح ، (۱) »

دهکده مازین واقع در ۱۴۵ کیلو متری جنوب خرم آباد و در میان گورستان دهکده . بقعه هرمی شکل است که در شرف ویرانی و انهدام است این بقعه شاید یکی از شاهکارهای معماری قرن هشتم باشد .

گنج بریهای داخل مقبره بی شک از جمله آثار ارزنده و کم نظیر عصر خویش است .

اصل مقبره - چهار گوش است که هر زاویه آن به گوشواره های مناره ماندی منتهی میشود. (تصویر شماره ۲۷) .

در ورودی مقبره - بجانب مشرق باز میشود و کفش آن دهلیزی است بطول و عرض 3×20 متر و بارنفاخ 30 متر. (تصویر شماره ۲۸) .

روی طاق و دیوار دهلیز باملاطی بسیار سخت، اندود شده که اینک قطعات آن بلوری و شفاف شده است . بر بالای کفش کن طاق و پایکی با سنگ، متکی بدیوار مقبره، ساخته شده که هم پشتوانه دیوار شرقی مقبره است و هم پله ای است که به بام مقبره منتهی میگردد. اندازه در ورودی مقبره، 90×141 سانتیمتر است. جنب کفش کن، اطاقی برای استراحت زائران و یا سرایدار مقبره ساخته شده که اینک فقط قسمتی از آن باقیمانده است .

مقبره دو طبقه است . قبر در طبقه زیرین و چهار پله پایین تر از سطح طبقه دوم و در دخمه ای بخاک سپرده شده . طبقه زیرین تماماً با آجر ساخته شده و طاق آن جناغی است. در دیوار شمالی آن بخاری که از دود سیاه شده نیز تعبیه گردیده، بلندی طاق آن 26 متر است .

کف طبقه دوم مقبره همان سقف زیرین است. اندازه داخل آن 6×6 متر میباشد در وسط آن نمودار قبری با سنگ و گچ ساخته شده

است و بر روی آن سفال منشوری شکل پنج وجهی، بطول ۱۵۵ متر، که اندازه پهنای هر یک از سطوح جانبی آن، ۲۷ سانتیمتر است. کار گذاشته شده و روی این سطوح سه آیه آخر سوره ۵۹ (حشر) با خط نسخ بسیار زیبایی بصورت برجسته، گچ بری و نوشته شده است.

سطوح جنوبی: بسم الله الرحمن الرحيم. هو الذي لا اله الا هو، عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم.

هو الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام مؤمن.

سطوح شمالی: المهيمن العزيز الجبار المتكبر، سبحانه الله عما يشركون. هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی يسبح له مافي السموات والارض وهو العزيز الحكيم. (تصویر شماره ۲۹).

بر قاعده شرقی منشور این کلمات نوشته شده (سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر). (تصویر شماره ۳۰).

ولی خواندن خطوط قاعده غربی بعثت شکستگی، مقدور نبود:

بر روی چهار دیوار مقبره، نقوش و آیاتی از قرآن، گچ بری شده که دیوار شرقی و شمالی را سالها پیش از این عده از اهالی نراشیده اند و گچ کاری کرده اند.

دیوار قسمتی از طاق غربی نیز در سال ۱۳۴۳ شمسی، بر اثر بی توجهی و باران و باد فرو ریخته و تنها گچ بریهای دیوار جنوبی تا اندازه ای باقی مانده که متأسفانه این دیوار نیز ترك برداشته و نزدیک به فرو ریختن

و خراب شدن است.

بر حاشیه این دیوار ، به پهنای ۴۴ سانتیمتر ۱۰ آیات زیر از سوره ۴۸ (الفتح) با دو نوع خط کوفی و نسخ ، گچ بری شده است .
(بسم الله الرحمن الرحيم . انا فتحنا لك فتحاً مبيناً . ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر و يتم نعمته عليك و يهديك صراطاً مستقيماً و ينصرك الله نصراً عزيزاً . هو الذي انزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا) که بقیه آن ریخته است .

در وسط دیوار . محرابی است که هر طرف آن دایره ای که در داخل آن هشت پری است . و اطرافش نیز تزیینات دیگری گچ بری شده که هر دو طرف چنان دقیق و مانند همدک که هیچ تفاوتی در آنها مشاهده نمی شود .
(نصاویر شماره ۳۱ و ۳۲)

بر بالای محراب ، داخل گچ بری جناغی ، نقوشی دیگری از گل با دو حاشیه مختلف هست و پایین آن سوره توحید با خط کوفی و پائین تر از آن قسمتی از «آیه الکرسی» گچ بری شده است . (تصویر شماره ۳۳)
در داخل محراب ، روی دیوار آن ، نوعی گچ بری «لانه زنبوری» دیده میشود که هر بیننده ای را به تحسین و اعجاب و امیدارد .
در دو طرف این محراب نیز چهار جمله (لا اله الا الله - محمد رسول الله نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین) ، نوشته و گچ بری شده است .
(تصویر شماره ۳۴ نمای کلی از محراب و قبر .)

گنبد بر بنای چهار گوش مقبره با سبک طاس و نیم طاس ساخته شده است .

ابتدا چهار گوش را به هشت قسمت نموده و بعد هر يك از این قسمت ها مجدداً به طاقهای کوچکتری تقسیم گردیده است و مرتباً این طاقها کوچکتر و بیشتر میشوند تا محلی که روی آن بایک طاق ساده پوشیده میشود. (نصویر شماره ۳۵)

ارتفاع گنبد تا کف زیرین، مقبره ۱۸۴۵ متر است.

بنابر آنچه دونفر از معمرین باسواد دهکده نقل نمودند، بردوار غربی که خراب شده است، نام و مشخصات صاحب قبر و همچنین نام استاد گچ برو معمار این بنا، گچ بری شده بود و قول آندو نسبت به آنچه خوانده و نقل میکردند تفاوت زیاد دارد که عیناً هر دو قول نقل میشود.

۱-.... شیخ الراشدین و سلطان المحققین والعلماء، ابرسایان،

شیخ سید صالح نور الله مرقدہ ... عمل استاد حاجی اصفهانی .)

۲ - (... سلطان المحققین و شیخ الراشدین، سید صالح نور الله

قبره. اولاد منتهای (!؟) ابن سید سبابان... قطب الدین ... جبریل...

عمل استاد حاجی خوارزمی، تاریخ سبع مائة وسبعین).

که نگارنده بدون هیچ دخل و تصرفی عیناً مطالب گفته شده را نقل نمودم و هر چه کوشیده ام تا این لحظه (هنگام چاپ کتاب) هنوز نتوانسته ام صاحب قبر را بشناسم. تمام بنا با آجرهای نازک و کوچک و گچ ساخته شده است.

۴ - «گنبد بابا سیف‌الدین»

در دهستان «ارمو» (۱) واقع در شمال خاوری «دره شهر» و
بفاصله ۲۵ کیلومتری از آن - دهکده‌ای است به‌مین نام - که نسبتاً
بزرگست و جمعیتی نزدیک به ۲۵۰۰ نفر دارد.

در شرق این دهکده تپه‌ای است موسوم به «چارطاق» که در دامنه
آن «قبره مشهوره» «بابا سیف‌الدین» قرار دارد. بنای آن مربع شکل
است که هر ضلع آن ۵۳۰ متر و ارتفاع گنبد تا زمین تقریباً ۷ متر می‌باشد.
بر روی این بنا گنبدی قیفی شکل، ساخته شده است که این سبک گنبد در
جای دیگر دیده نشد. (تصویر شماره ۳۶)

در مقبره بسوی شمال باز می‌شود و در داخل آن دو قبر هست که روی
آنها هیچ سنگ نوشته‌ای دیده نشد. سنگ نوشته کوچکی بر بالای در
ورودی نصب شده و روی آن چنین نوشته شده است:

(امیر غلامرضا خان هاشمی در سنه ۱۳۵۰ بقعه امام زاده سید
سیف‌الدین علیه‌السلام را تعمیر نموده است.) تمام مقبره از سنگ و گچ
و قسمت‌هایی از بام آن، با آجر ساخته شده و روی بقعه رانیز با گچ سفید
کرده‌اند.

۵ - «قلعه شیخ ماخو» (۲)

بیرون از تنگه «شیخ ماخو»، در دامنه کوه، قلعه‌ای بزرگ و سه طبقه

هست، که يك طبقه آن زیر زمین و پائین تر از کف است. در این طبقه چهار اتاق برای « سیاه چال » و زندان اختصاص داشته و اتاقهای دیگر جهت نگاهداری احشام و چهار پایان و نیز سکونت افراد مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

قلعه پنج برج دارد که آنها نیز سه طبقه ساخته شده‌اند و در دیوار آنها مزقل و تفنگک کشتهای زیادی تعبیه گردیده است.

سه راه برای رفتن به بام قلعه در جنوب غربی و شمال آن ساخته شده است. و در ورودی آن شمالی است. صحن قلعه ۲۲×۲۵ متر است. تعداد اتاقهای آن ۳۰ باب است. کنگره‌های آن اغلب فرو ریخته‌اند. (تصویر شماره ۳۷)

بنای قلعه، یکبار بدستور میر تیمور خان، در سال ۱۳۳۵ هجری قمری، تعمیر و در آن تغییراتی داده شده است. تاریخ این تعمیر و تغییر با ۹ سطر شعر که بر دیوار قلعه روی سنگی نوشته شده مشخص گردیده و متن آن چنین است:

۱ - بد، ز دیر کوند، شخصی باوقار

میر تیمور خان رئیس آندبار

۲ - چون فخامت بود میر مرشدش

صید (۱) محمد خان، پور ارشدش

۳ - او بگلزار جنان چون بار بست

ارجمند خویش بر جایش نشست

۱- ددرلرستان معمول است که جلو اسم بعضی « صید » گذاشته میشود.

- ۴ - شاه احمد خسرو ایران پناه
 دو لقب بخشید او را از عطا
 ۵ - در نخستین، بر وزارت شد شعار
 اشرفش فرمود بر کابل عشر
 ۶ - سال ایلان نیل بد اندر جلئی
 غره ————— ربيع الاولی
 ۷ - هم بنای قلعه و هم طرح باغ
 کرد انعامش به شش مه با دماغ
 ۸ - کاخ باغی دلگشا بهتر ز گنج
 شد تمام در الف و سبده سی و پنج
 ۹ - بارالها بانی این کاخ و باغ
 دودمانش بر فروغد چون چراغ (?)
 قلعه از سنگ و گچ و قسمت پیشروی آن با آجر ساخته شده است.

بخش پنجم

ماسبدن

یکی دیگر از ولایات غربی لرستان، ماسبدن بوده است که این نام
 بشکلهای دیگری نیز در کتب جغرافی نویسان آمده است. از آنجمله،
 «ماسبتان» و «ماسبدان» که گفته شده است کلمه «ما» ضبط دیگری است

از لفظ «ماده» استرابو آنرا (Massabatik) نوشته است. (۱)
 در تقسیمات جغرافیای «موسی خورنی»، این ولایت، بنام «مای
 سپتا» و جزء کوست خویران ذکر شده است. (۲)
 این ولایت دو حاکم نشین داشت، یکی شیروان و دیگری «اریجان»
 یا «اریو جان». در زمان عثمان، حاکم ماسبدان «جیش» بود. (۳)
 عایدات سالیانه آن، در دوره اسلام، بالغ بر یک میلیون و یکصد هزار
 درهم بود که به بغداد میرفت. (۴)
 یاقوت حموی بنقل از ابن مقفع، این ولایت را یکی از هفت شهر
 پهلویان یا پارتها ذکر نموده است. امروز این ولایت بنام «ایلام»
 موسوم است و مرکز آن شهر ایلام است.

شیروان

کلمه شیروان در برخی از کتب، «سیروان» یا «سین ویا» «صیروان» یا
 «صاد» نوشته شده است. لیکن این محل اکنون «شیروان» نامیده میشود و
 خاورشناسان نیز بهمین نام آنرا ذکر کرده اند. شیروان در سال
 ۲۱ هجری، بتصرف لشکریان ابو موسی در آمد. (۵)
 بیشتر جغرافی نویسان و جهانگردان اسلامی، شیروان و سیمره را
 با هم و با کیفیت واحد، از لحاظ بنا و هوا، توصیف مینمایند و برخی نیز
 هر یک را جداگانه وصف نموده اند.

۲۵۱ - تاریخ تمدن - اسانی، آلیف شادروان سعید نفیسی، چاپ دانشگاه، ۳۱۴ و ۳۱۵
 ۳۵۳ و ۳۵۴ - کامل ابن اثیر، ترجمه عباس خلیلی ج ۳ ص ۳۱۰ و ۱۹۹

مؤلف حدود العالم ، آنرا شهری آبادان و خرم نوشته که در آنجا آخر ما بعمل می آید. (۱)

ابو دلف مسمر بن مهلهل خزر جی مینویسد : (.... سپس از آنجا (یعنی از اریوجان) به « سیروان » میروید. در این مکان آثار زیبا و ساختمانی عجیب موجود است. (۲)

بنا بنوشته ابن حوقل ، (سیروان شهری است کوچک که بناهای آن مانند شهرهای موصل و نکریت و اغلب با سنگ و گچ است و میوه بسیار و گردو و محصولات نواحی سرد سیر و گرمسیر و آبها و درختان و کشتهای بسیار دارد. جایی است با صفا و در خانه ها و کویهای آن ، آب جریان میکند. از سیروان تا سیمره يك روز راه است. (۳)

ابن فقیه مینویسد: (... قباد شاه ساسانی ، حکما و اطباء به این شهر آورد.) (بنا بقول استخری: (سیروان میوه گرمسیری و سرد سیری دارد. آب روان در خانه های ایشان می رود. (۴)

قزوینی ، از معادن گوگرد و زاج و پوره و نمك ماسبذان گفتگو کرده است و مینویسد : (شیروان بی شباهت به سیمره نیست. (۵)

- ۱- حدود العالم به تصحیح آقای دکتر منوچهر ستوده ، چاپ دانشگاه، ص ۱۴۱.
- ۲ - سفرنامه ابودلف ترجمه آقای ابوالفضل طباطبائی ، با تعلیقات شادروان مینودسکی ، ص ۱۲۳ و ۱۶۱.
- ۳- سورة الارض، ترجمه دکتر شعاع، ص ۱۱۲ و ۱۰۵.
- ۴- مسالك وممالك استخری، به اهتمام آقای ایرج افشار، ص ۱۶۸.
- ۵- سرزمینهای خلافت شرقی ترجمه آقای عرفان، ص ۲۱۸.

ابن اثیر ضمن بیان وقایع سال ۴۵۰ هجری قمری، مینویسد:
(... در این سال، ملک رحیم، آخرین پادشاه سلسله آل بویه وسیله
طغرلیک، در قلعه شیروان دستگیر شد و بقلعه ری فرستاده شد نادر
آنجا وفات یافت .) (۱)

از سالها پیش هیئت های باستان شناس و دانشمندان اروپایی
در این شهرویران و آثار و خرابه های آن، به تحقیق و بررسی پرداخته اند.
راولینس مینویسد: (شیروان، کاملترین آثار باقیمانده يك شهر ساسانی
در ایران است که اکنون شیروان نام دارد و در دره حاصلخیزی
در غرب رود فرعی سیمره واقع شده است.) (۲)

ولی کاملترین تحقیق وسیله دانشمند فرانسوی «دومورگان» در
شیروان بعمل آمده است.

وی علت اولیه تأسیس شهر شیروان را چشمه پر آبی دانسته که
درین محل جاری است و در اطراف این چشمه است که اولین بناها
بر پا شده اند و اکنون بنام این چشمه «سراب کلان» موسوم است. (۳)
سپس مینویسد: (... من فکر میکنم در تپه و تُل شیروان در
حدود ارتفاع ۲۰۰۰ متری، خرابه های شهری از عهد ساسانی در
محل شهر ایلامی «هارد اپانوی» (۴) باستانی و درولر، خرابه های

۱- کامل ابن اثیر چاپ مصر، ج ۹ ص ۲۴۵ - ۲. کاملترین بقایای شهر
ساسانی در ایران، تألیف راولینس، ص ۵۴ و ۵۶ - ۳. یادداشت های سفر سوم مه
۱۸۹۱ دومورگان. - ۴. Hardapanou

«لولو» (۱) را باز یافته‌ام. (۲) و توصیف کلی در باره شیروان را با سیمره یکجا آورده و این دو شهر را از هر لحاظ مشابه می‌داند. همانطوریکه جغرافی نویسان اسلامی نیز آورده‌اند.

شیروان نیز مانند سیمره «دره شهر» در تنگه‌ای از کوه مانشت در جلوی کوه «کور» واقع شده است.

بناهای شیروان مانند دره شهر، باقلوه سنگهای ساییده و گچ ساخته شده است. خانه‌ها دو طبقه بوده و طاقهای آنها با هلال‌های ناقصی ترکیب یافته است. «راولین سن» از پشتکوه به شیروان سفر کرده و او نیز عقید دارد که بازمانده یک شهر ساسانی را در شیروان می‌توان دید و مطالعه کرد.

این شهر تا زمان خلفای عباسی آبادان بوده، ولی هیچگاه بزرگی و عظمت «دره شهر» را نداشته است.

در اینصورت شیروان نیز بهنگام حکومت ایلامیها، شهر بوده و بی شک در زمان اشکانیان نیز دارای اهمیت ویژه‌ای بوده، لکن بعهد ساسانیان رونق بیشتری داشته است. علت ویرانی و تخلیه شهر: بدرستی معلوم نیست. قدر مسلم این است که تا اواخر قرن چهارم مسکون بوده و از آن پس احتمالاً وقوع زلزله‌ای موجب ویرانی این شهر شده است. اکنون در سکوت ویرانه‌های این شهر می‌توان کیفیت شهرسازی و ذوق معماری دوره ساسانی را کاملاً بررسی کرد.

۱- Loulou. ۲- جغرافیای غرب ایران تألیف دومورگان ترجمه دکتر ودیعی،

«اریوجان»

ابودلف تنها کسی است که بهنگام سفرخود، محل «اریوجان» دومین شهر ماسبدان و حاکم نشین این ولایت را مشخص میکند. او مینویسد :

(از «طرز» بسوی راست به ماسبدان و مهرجاننقدق میروند . که شامل شهرهای متعدد از جمله «اریوجان» است .

این شهرزیبا، در دشتی میان کوه‌های پر از درخت واقع است و در آن آبهای معدنی و گوگردی و معدن زاج و شوره و املاح دیگر وجود دارد. آب آن به «بند نجین» (مندلی) میریزد و نخلستانها با آن آبیاری میشوند . در شهر مزبور فقط سه چشمه معدنی موجود است ، که هر گاه شخص از آب آن تنقیه کند به اسهال سخت مبتلا میشود و چنانچه از آن بنوشد مقدار زیادی اخلاط بر می گرداند . این آب برای اعصاب سر ، زیان آور است .

از آنجا تا «رد» یا «رد» چند فرسخ است و در آنجا (اریوجان) آرامگاه مهدی واقع است . یگانه اثری که در این شهر دیده میشود ساختمانی است که شکل خارجی آن از میان رفته و چیزی از آن باقی نمانده است . (۱)

چنانچه توصیف ابودلف مورد توجه باشد و شهر « اریوجان »

۱- سفرنامه ابودلف ترجمه آقای ابوالفضل طباطبائی ص ۶۰ و ۶۱.

محل دفن و آرامگان مهدی خلیفه بوده است ، بایدشهر ایلام کنونی (مرکز فرمانداریکل ایلام)، همان شهر (اریوجان) باشد . زیرا به تفصیلی که در مورد محل و آرامگاه خلیفه مهدی، آمده است شکی نیست که ایلام، محل همان شهر (اریوجان) است . ولی با سیر زمان این محل نامهای مختلفی گرفته و آخرین آن شامل دوده بود بنام ده بالا و ده پایین ، که بعداً حسین خان والی، آنرا مرکز خود ساخت و به حسین آباد معروف گردید و در زمان سلطنت رضا شاه کبیر این نام به «ایلام» تغییر یافت.

مقبره « مهدی » سومین خلیفه عباسی

منصور دوانقی دومین خلیفه عباسی ، بسال ۱۵۸ هجری در مکه وفات یافت . فرزندش ابو عبدالله محمد «المهدی» جانشین او شد . و در سال ۱۶۹ هجری در ولایت ماسبدان کشته شد . در کتب تاریخی در باره مرگ و محل قتل او مطالبی آمده است . از آنجمله ،

الفخری : و مات المهدی بماسبدان . (۱)

مجمل التواریخ و القصص : چون سال صد شصت و نه درآمد مهدی بماسبدان بمرد . (۲)

یعقوبی : و مات المهدی بقرية ، يقال لها « البرز » من ارض ماسبدان (۳)

۱- الفخری ، ص ۱۴۶ . ۲- مجمل التواریخ بتصحیح شادروان بهار، ص ۳۳۷

حبیب السیر : مهدی خلیفه عباسی در محرم سال تسع و ستین و مائة ۱۶۹ در صیدگاه فریه‌ای موسوم به «سبزان» از عقب نخجیری اسب برانگیخت و نخجیر به خرابه‌ای گریخت. مهدی اسب در آن ویرانه راند و پشتش بشدت هر چه نامتر بدر بند رسیده بشکست و همان لحظه رخت سفر آخر بست. (۱)

تاریخ گزیده : بعد از ده روز مهدی در روز پنجشنبه بیست و دوم محرم سنه تسع و ستین و مائة در گذشت و او را در دیه ماسبزان دفن کردند. (۲)

به این ترتیب همه مورخین محل قتل و دفن مهدی را «ماسبزان» مینویسند. در صورتی که ماسبزان ولایتی وسیع بوده است و مهدی در یکی از دهات و شکارگاههای آن کشته شده که توضیح ابو دلف در این مورد جامع است و بهنگام سفر خود از محل اصلی نام برده است. او مینویسد :

(از طرز بسوی راست به «ماسبزان» و مهرجانقلق میروند که شامل شهرهای متعدد از جمله «اریوجان» است و از آنجا تا «رد» یا «رذ» و «براو» چند فرسخ است و در آنجا آرامگاه مهدی واقع است ...) (۳)

خاور شناسان دیگری نیز برای یافتن محل قبر مهدی، مسیر

۱- حبیب السیر، ج ۲ ص ۲۲۴. ۲- تاریخ گزیده، ص ۳۰۱. ۳- سفرنامه ابودلف ترجمه ابوالفضل طباطبائی ص ۶۱۶۶۰.

ابودلف را رفته ولی برخی نتوانسته‌اند آنرا مشخص سازند .
از این جهت از آن نامی نبرده‌اند و هرتسفلد و راولین سن از آن
جمله‌اند .

شادروان مینورسکی مبنای تحقیق خویش را بیشتر سفرنامه ابودلف
قرار داده و در این خصوص در تعلیقاتی که بر این سفرنامه دارد ،
چنین مینویسد :

(قبر مهدی حتی در زمان ابودلف محو بوده و راولین سن هم در
سال ۱۸۳۶ نتوانسته است آنرا پیدا نماید . « هرتسفلد » در گزارش خود
بدان اشاره نموده است .

در خصوص مرگ مهدی، اختلاف نظر موجود است . بموجب
« طبری » (ج ۳ ص ۵۲۳ و ۵۲۶) وی در مابذان، در دهکده‌ای
بنام « رذ » در گذشته . متن مروج الذهب مسعودی در این باب درست
نیست (ج ۶ ص ۲۲۵) ولی ظاهراً نشان می‌دهد که خلیفه ، بقصد
« اربوجان » و سیروان عزیمت نموده و در [ردین] وفات کرده است .
خبر اضافی باقوت ۰ (ج ۲ ص ۶۳۲) تحت عنوان « ده بالا »
بسیار عجیب است . وی مینویسد :

(در مجاورت « مابذان » در ناحیه الجبل نزدیک « بندینجین »
واقع است و در آنجا قبر خلیفه « المهدی » و قتلگاه او « مشهد »
قرار دارد و عمده‌ای خدّام (قوام) وابسته بدانند و مقرری (جرایه)
دریافت میکنند .

در سال ۵۶۴ هجری «۱۱۶۸ میلادی»، المستر شد، بقعه را توسعه داد و پولزیادی میان ساکنین آنجا پخش نمود این خبر بطور تحقیق از منابع کاملاً آگاه نقل شده و آخرین حلقه اتصال مربوط به خبر مرگ «مهدی» بشمار میرود.

«ده بالا» مکان مشهوری در لرستان غربی (پشتکوه) میباشد. و محل اقامت والی اخیر پشتکوه بوده. «ده بالا» در دامنه غربی کوه مانیش با ارتفاع ۸۶۹۹ پا که نشان بارز مرزی و آبریز تمام آن ناحیه میباشد واقع است. از این کوه چند رودخانه سر چشمه میگیرند. با اشاره یاقوت به «ده بالا» ما خود را در همان منطقه میابیم که در بررسی سابق بدان اشاره نموده ایم. ممکن است جبل مورد نظر یاقوت در اینجا - کوه «مانیش» باشد.

قله های دو قلوی سمت جنوب آن، در نقشه های جدید بنام کوه (قلرنگ) خوانده میشوند. ولی سرهنگ چریکوف آن را (کله رگ (kalareg) خوانده و «هرتسفلد» (قلعه رگ) دانسته. اینجا بدون تردید، همان مکانی است که بقایای بقعه مهدی باید در نزدیکی آن جستجو شود. (۱)

با این تفصیل و توضیح مینورسکی، مقبره ایکه اینک ویرانه آن در یکی از میادین شهر ایلام باقی است، همان قبر مهدی خلیفه عباسی است. زیرا چنانکه اشاره شد، ماسبدان یکی از ولایات جبال بود

۱- ترجمه سفرنامه ابودلف با تعلیقات شادروان مینورسکی ص ۱۲۱ و ۱۲۲

که دو حاکم نشین داشت . امروز این منطقه ، نام دیگری دارد . تنهادر جنوب شرقی شهر ایلام دهکده‌ای است که موسوم به « ماسنی » (۱) است : که بی شک از همان کلمه « ماسبدان » بجای مانده است . از طرفی کوه « مانیش » در شمال دشت ایلام واقع شده که قلّه‌های دو قلوی آن بنام « کلّ انار » (۲) و « گوه‌ره » (۳) مشهورند . ادامه کوه « مانیش » که بجانب غرب کشیده شده « رنو » (۴) نام دارد .

از میان قلّه‌های دو قلوی ، راهی است مالرو که ایلام رابه شیروان و « چرداول » (۵) مربوط می‌سازد . کوه « فلارنگ » که « هرنسفلد » آنرا « قلعه‌رنگ » نامیده . در مشرق ایلام قرار دارد که امتداد آن بجانب جنوب به کوه « شلم » (۶) معروف است . در جنوب نیز کوهی است مشهور به « لمره » . (۷)

دشت محدود بین این کوهها سابقاً شامل دو پارچه ده بود . یکی « ده‌بالا » که در دامنه قلّه « گوه‌ره » واقع شده بود و دیگری بنام « ده‌باین » که در شش کیلومتری جنوب آن قرار داشت . این دو ده ، رویهم به « حسین آباد » (۸) مشهور بودند که قسمتی از ماسبدان محسوب است .

۱- Maseni ۲- Kalle Anasr ۳- Gowara بمنی ، گاوارا ۴- Reno

۵- Chardavel ۶- Shelam ۷- Lama-ra ۸- مرحوم بهار در حاشیه

صفحه ۳۳۷ مجمل‌التواریخ (ماسبدان ظاهراً با محل حسین‌آباد سابق مطابقت

دارد)

وجه تسمیه آن، از نام حسین خان والی بوده که همیشه بیلاق خاندان ابو قداره والی بوده است

از سال ۱۳۱۴ نام «حسین آباد» به ایلام تغییر داده شد. اکنون نیز یکی از محله‌های شهر ایلام «ده بالایی» نام دارد و شهر در محل «ده بالا» توسعه یافته است.

از طرفی احتمالاً کلمه «الزد» ممکن است مکانی باشد که اکنون «رنو» نام دارد که در آنجا محلی بنام نپته «خرگوشان» مشهور است که یکی از شکارگاههای ایلام می‌باشد.

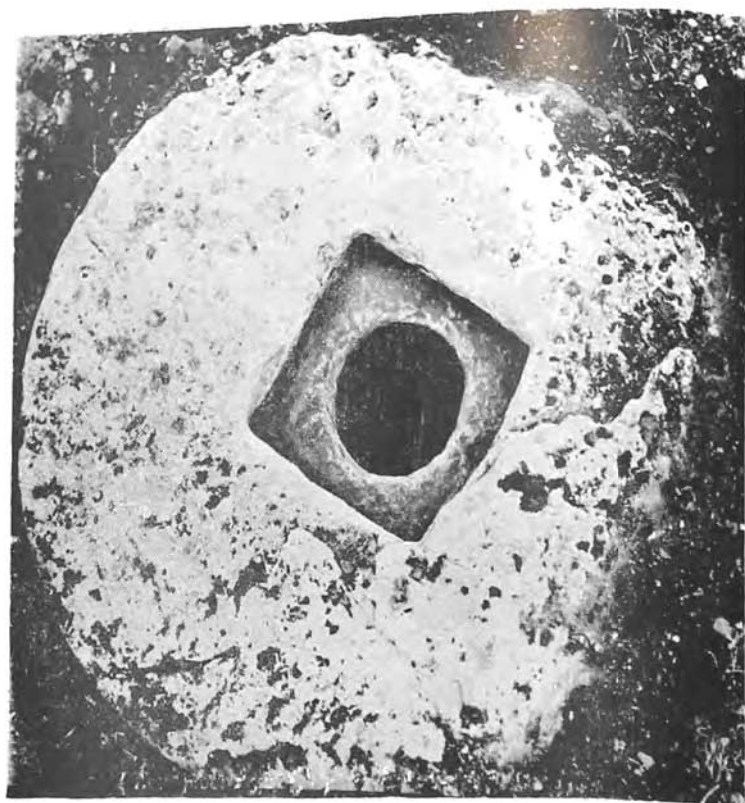
در محلی که سابقاً «ده بالا» گفته می‌شد و اینک ایلام نام دارد مقبره‌ای است که «سید مهدی» نامیده می‌شود. این مقبره بی شک همان قبر مهدی خلیفه عباسی است. (تصاویر شماره ۳۹ و ۴۰)

تنها زائران مقبره طایفه‌ای از اهالی ایلام اند که شاید از اعقاب مردمی باشند که بدستور المسترشد برای خدای آن گمارده شده بودند:

این مقبره در وسط شهر ایلام و در سه راهی خیابانهای سپه، برق و مسجد والی واقع و تمامی آن از سنگ و گچ ساخته شده است. اندازه داخل مقبره $۴ \times ۳ \times ۴/۶۰$ متر و بلندی گنبد آن نزدیک به ۹ متر است. تمام سطح دیوار داخلی مقبره، گچ کاری شده است. بنا بر آنچه نقل شد، این بقعه باید همان باشد که در سال ۵۶۴ هجری بدستور خلیفه المسترشد ساخته شده است.

قسمتی از مقبره چندی قبل ویران گردید و بقیه آن در شرف
ویرانی است .

تصاویر فصل هفتم



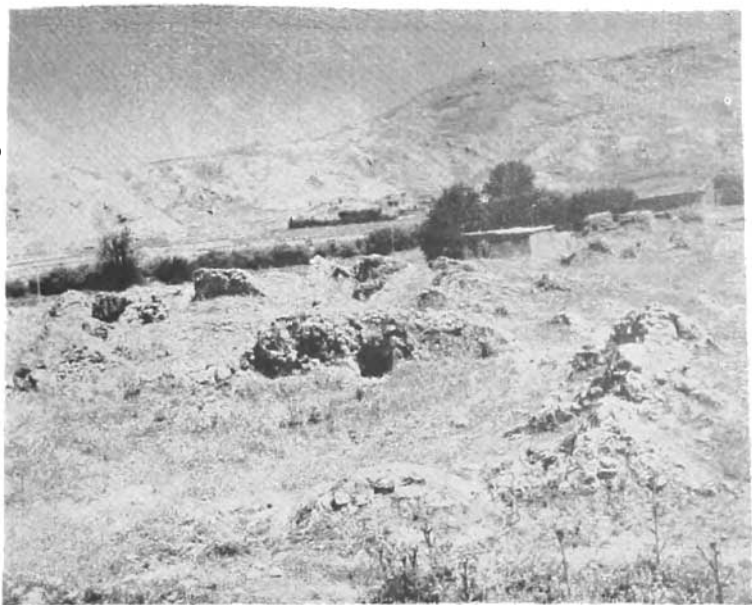
تصویر شماره ۱ - پایه ستون سنگی و مدور خرابه های « دره شهر »



تصویر شماره: ۲ خرابه های « دره شهر »



تصویر شماره ۳ - خرابه های « دره شهر »



تصویر شماره ۳ خرابه های « دده شهر »



تصویر شماره ۵ - قسمتی از خرابه و طاقهای « دره شهر »







تصویر شماره: ۱۰ - غار و نشیمنگاه تنگه « شیخ ماخو »





نصویر شماره ۱۲ پله‌های دژ ساسانی تنگه «شیخ‌ماخو»



تصویر شماره: ۱۳ - در و دیوار آسیاب تنگه « شیخ ماخو »



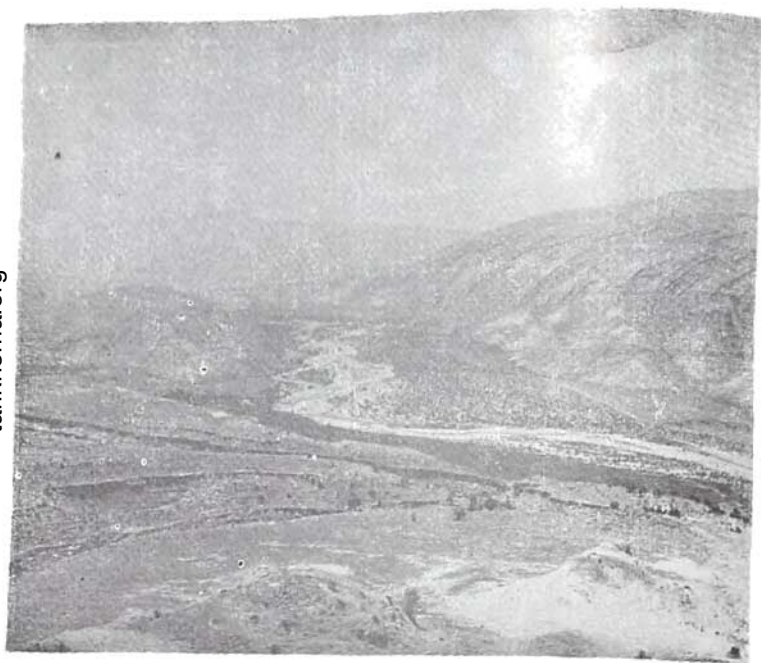
نصیر شماره ۱۴ - دیوار تنگه و چوبینه ، از آثار دوره ساسانی



تصویر شماره ۱۵ - خرابه‌های دژ « جوبینه » در دهانه تنگه جوبینه ،



تصویر شماره ۱۶ - خرابه‌های پل باستانی «چم نمک» معروف به «پل چم آب‌برده»



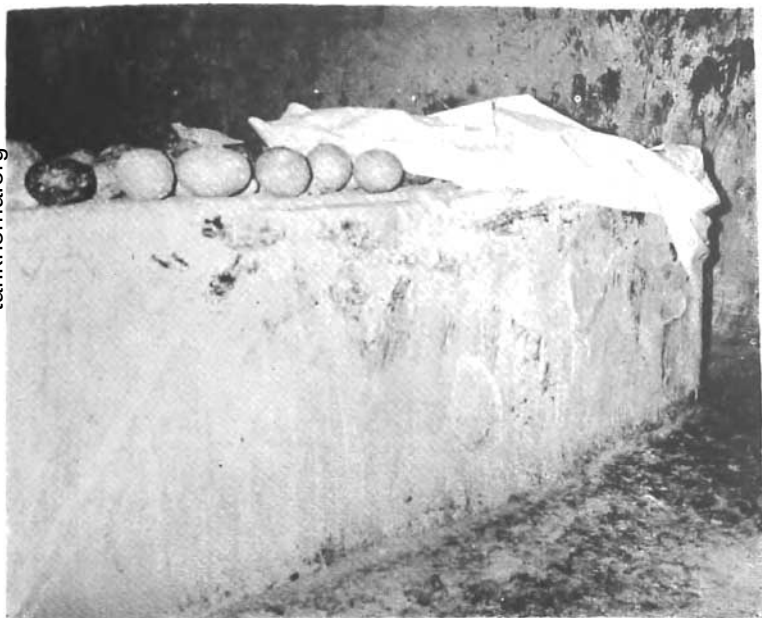
تصویر شماره ۱۲ - دره مشهور به (خر جابر . Xerr Jaber)



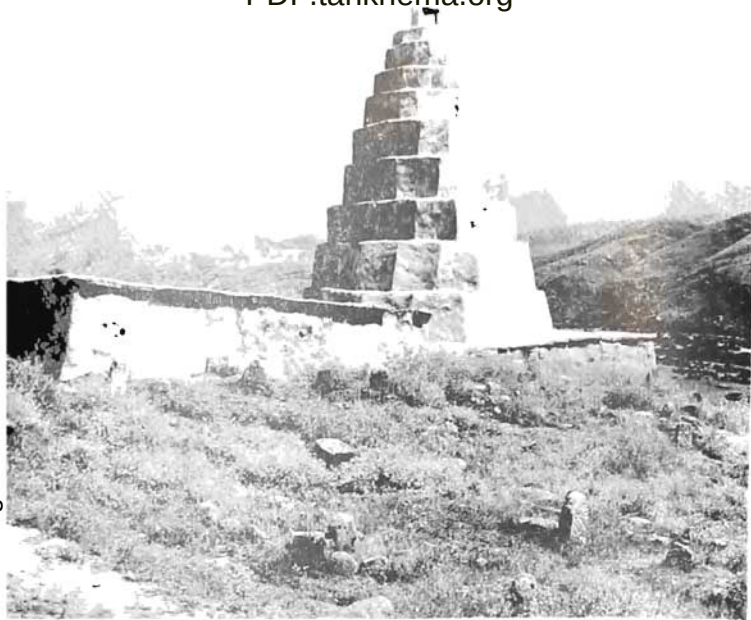
نسوير شماره ۱۸ - گنبد جابر



تصویر شماره ۱۹ - کچ بری محراب جنوبی مقبره



تصویر شماره ۲۰ - قبر جابر و سذکهای نیاز شده مردم به قبر







بالا تصویر شماره: ۲۵ - نمای دیگری از طاقهای پل «گامیشان» پایین تصویر شماره: ۲۶. سطح روی پل «گامیشان»



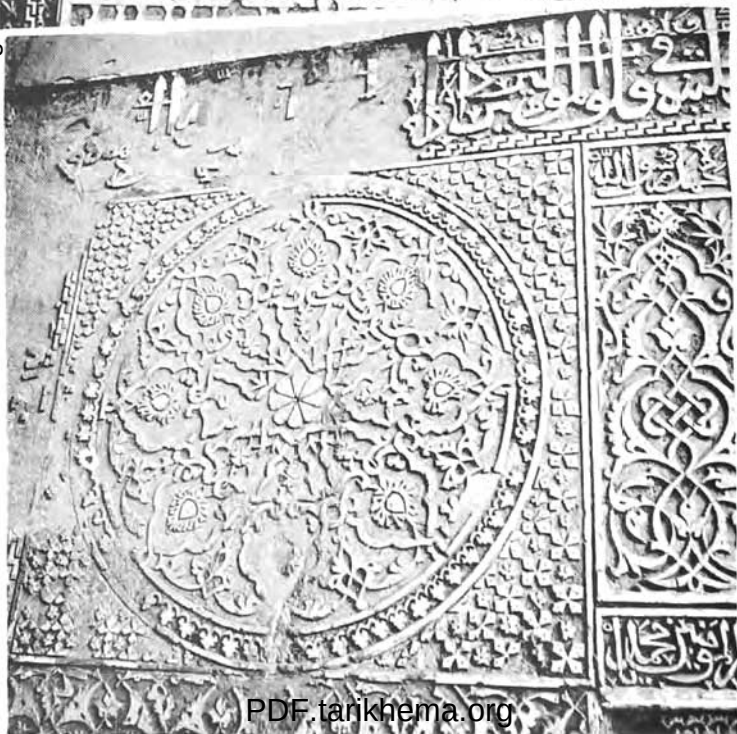
تصویر شماره: ۲۷ - نمای کلی مقبره مهدی صالح

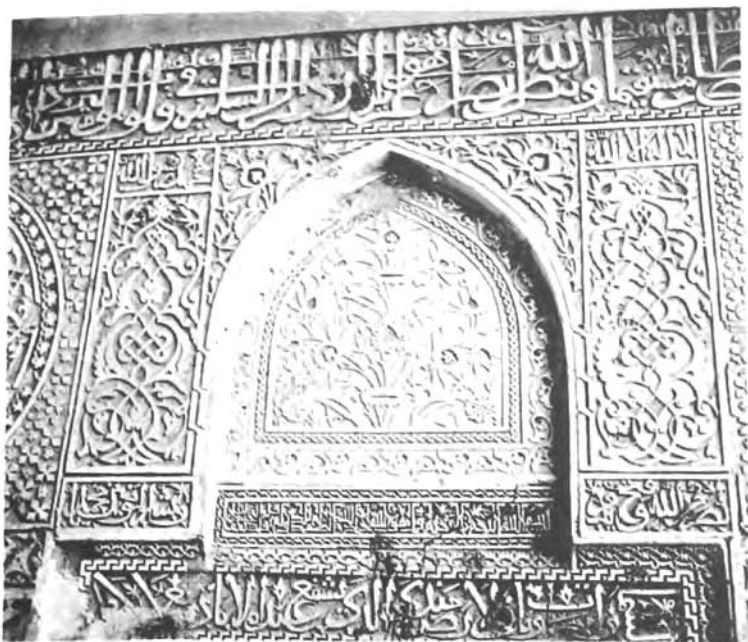




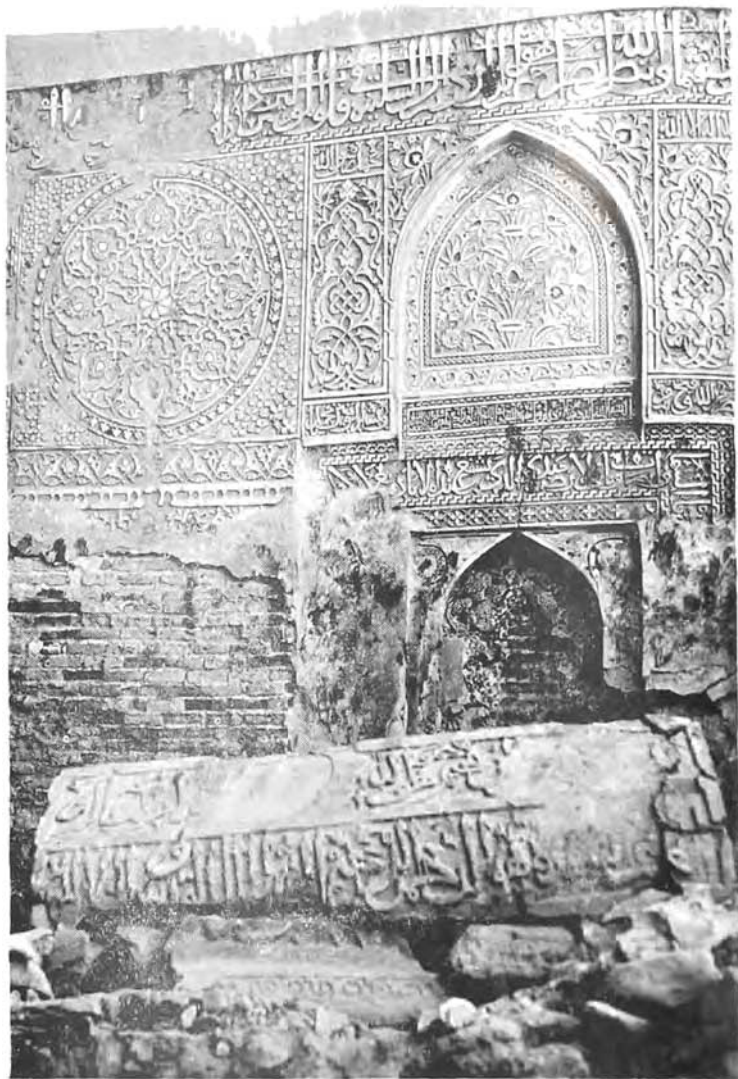


تصاویر شماره ۳۱ و ۳۲ گچ‌برهای دو طرف محراب دیوار جنوبی - مقبره مهدی صالح

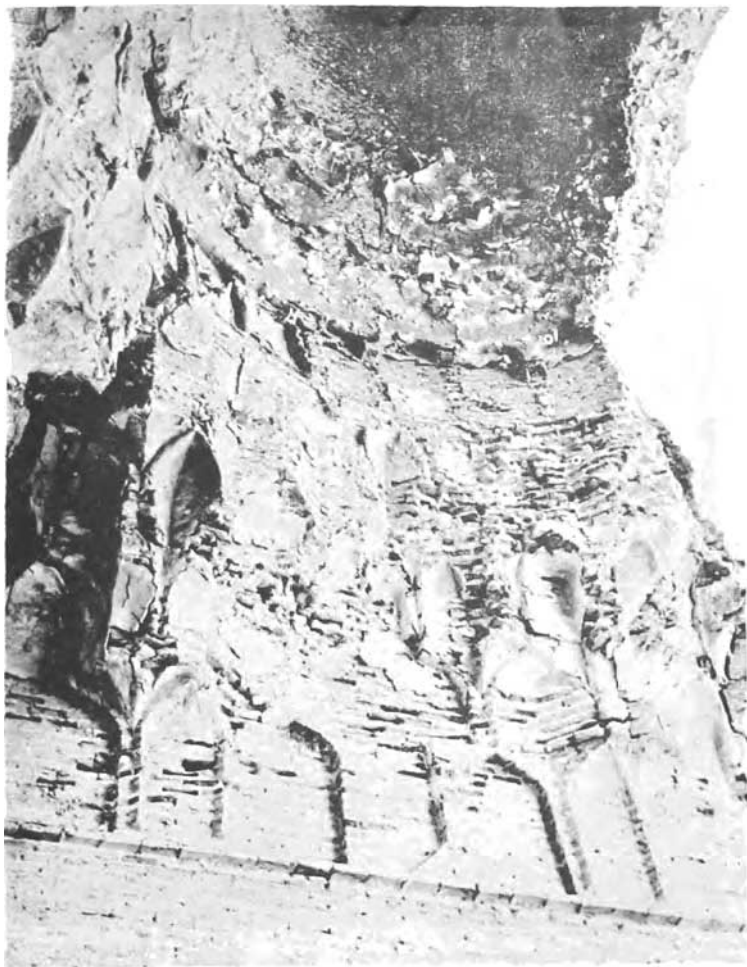




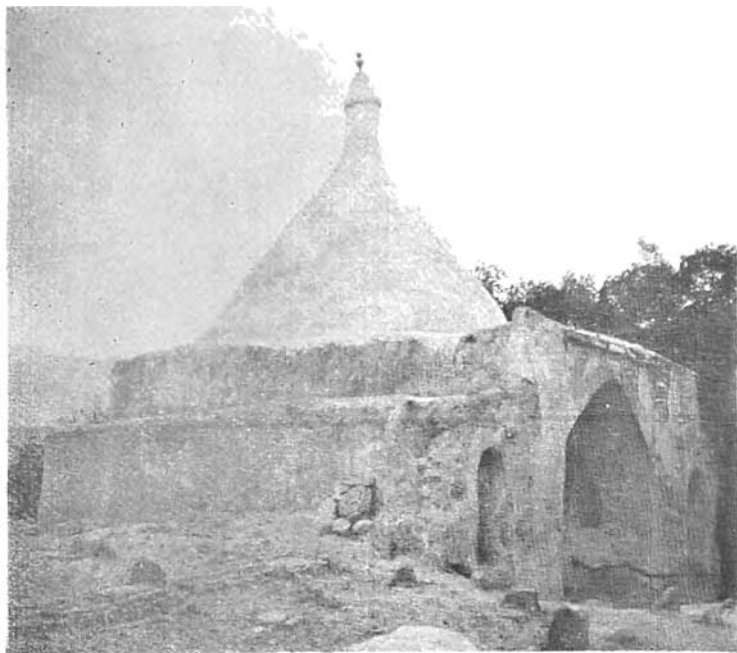
تصویر شماره ۳۳ - کج بری بالای محراب مقبره مهدی صالح



تصویر شماره ۳۴ - نمای کلی از دیوار جنوبی مقبره و سفال روی قبر مهدی صالح



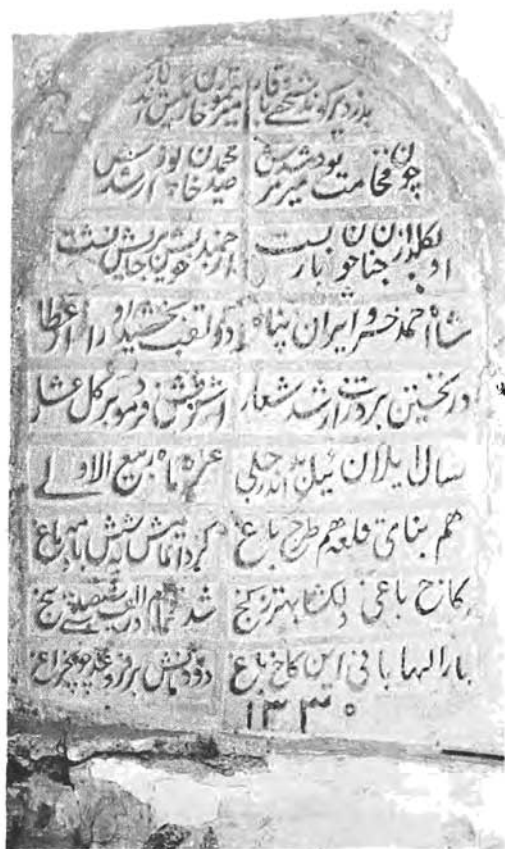
تصویر شماره ۳۵ - قسمتی از گنبد باقیمانده مهدی صالح



تصویر شماره ۳۶ - گنبد بابا سیف الدین



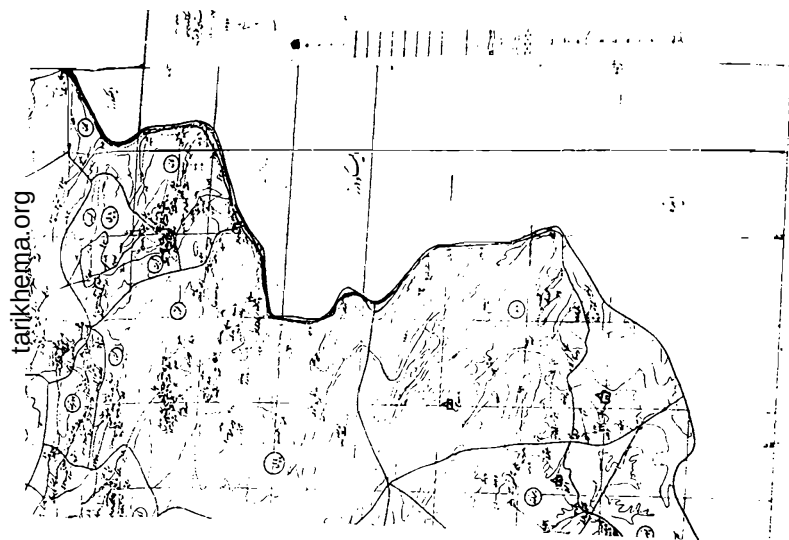
تصویر شماره ۳۷ قلعه «شیخ ماخو»

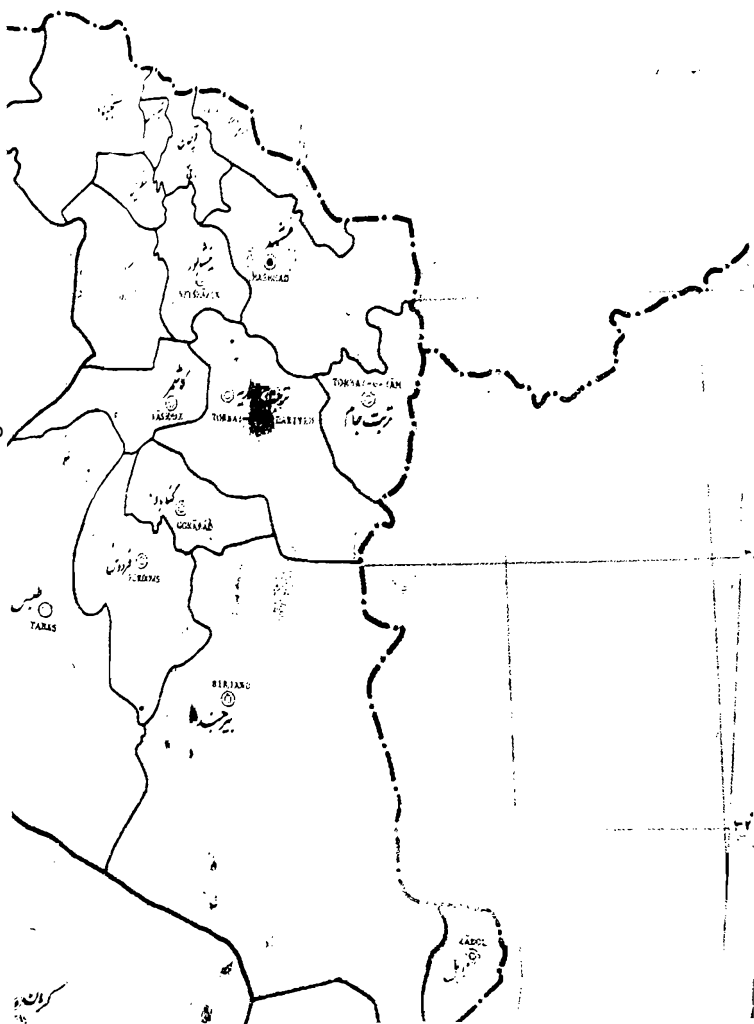
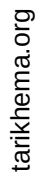


تصویر شماره ۳۸ - سنگ نوشته قلعه «فیخ ماخو»



تصاویر شماره ۳۹ و ۴۰ از مقبره مهدی خلیفه عباسی است





فصل هشتم

فهرست اعلام

آ

آبرواتاش -	۲۹
آحسین بن جهاانگیر	۱۴۸
آدم (حضرت آدم)	۱۳۷
آشور بنی پال	۴۶۸، ۳۱۷
آقا، کرمانشاهی (استاد)	۵۱
آقا اولی (تیمسار سپهبد)	۳۵۲
آقسنقر (ابوسعید برسنقی)	۴۵
آگوم	۳۰، ۲۹

الف

- ابراهیم ینال (اینال) ۴۳
 ابن اثیر ۴۹۷، ۴۶۴، ۴۶۳، ۱۰۹، ۴۳، ۴۱
 ابن حوقل ۴۹۸، ۴۶۲، ۱۰۰، ۹۹، ۵۶، ۵۴، ۵۳
 ابن فقیه ۴۹۸
 ابن مقفع ۴۹۷
 ابن موسی ۳۷۱
 ابن ندیم ۱۶
 ابوبکر رافع ۴۲
 ابوتام ، ابراهیم پسر احمد پسر حسین پسر احمد پسر محمدان صیری ۲۶۴
 ابودلف (معلمین مهلهل خزر جی) ۴۷۹، ۴۷۳، ۴۶۲، ۳۳۱، ۳۰۹، ۹۹، ۵۸، ۵۷
 ۵۰۵، ۵۰۴، ۵۰۳، ۵۰۱، ۵۰۰، ۴۹۸، ۴۸۰
 ابوسعید آقسنقر بر سق ۴۵
 ابوسعید بر سق کبیر ۱۲۰، ۱۱۷، ۴۵
 ابوسعید بر سق بن بر سق بن حسنویه ۱۰۲، ۱۰۰، ۴۵
 ابوالشوک بن محمد بن غناز ۴۴
 ابو عبدالله محمد (المهدی) ۵۰۲
 ابو عدنان بختیار ۴۱
 ابوالعلا ۴۱
 ابو میسی شادی ۴۲
 ابوغالب ۴۲
 ابوالفتح، محمد پسر غناز ۴۴
 ابوالفضل طباطبائی ۵۰۳، ۵۰۱
 ابوالفوارس ، سرخاب بن بدر ۴۴
 ابوالقاسم محمد بن احمد بن رعی الدین ۲۶۳
 ابوالماجد مهلهل بن محمد بن هزار ۴۴
 ابوالمنظر، شاه عباس ۱۳۴
 ابوموسی ۴۹۷، ۴۶۳
 ابوموسی اشعری ۳۳۰
 ابوالنجم، بدر بن حسنویه ۳۰۱، ۲۵۹، ۱۹۰، ۱۴۶، ۴۱

- ابوالوفا ۴۵۵،۳۷۵،۳۷۴،۳۷۳،۳۳۵،۳۴
 بنی محمد الزاهد بن ابی جعفر، احمد الزاهد بن تاج الدین ابراهیم المجاب بن محمد بن
 عابد بن موسی الکاظم ۳۷۳
 اتابک منکوبرس ۱۰۲
 احمدخان (ازو الیان پشتکوه) ۵۰
 ارزانی ۱۳۶
 اریک اشمیت ۳۳۸
 اسپ ۹۰،۶۳،۲۴
 استخری ۴۶۳،۹۹۰،۵۶،۵۴،۵۳،۱۵،۱۴
 استرابون ۲۸
 استین، اورل ۴۸۰،۴۶۵،۴۶۴،۳۲۸
 اسفندیار غضنفری امرائی ۵۲
 اسکندر بیک ۱۲۶
 اسماعیل پستا ۳۳۸، ۳۱۴
 اشعری، ابوموسی ۳۳۰
 اشمیت ۳۴۰،۳۳۹،۳۳۸،۳۳۷،۳۱۵،۳۱۴،۳۱۳
 اشی (الله مادر) ۱۶۰،۳۷
 اصفهانی (استاد حاجی) ۴۹۳
 اصفهانی، حمزه ۱۶
 اعرج، عبدالله بن حسین ۵۱
 اغور بن شاه رستم ۴۸،۴۷
 اغور بیک ۱۳۰
 افشار، ایرج ۹۹،۵۴
 اقبال آشتیانی ۴۵
 الیاس، شهاب الدین لنبکی ۳۰۶،۳۰۵،۳۰۴،۲۶۴،۲۶۳
 امام موسی الکاظم (علیه السلام) ۲۶۳،۲۶۰،۱۳۳
 امیر اسفهلار کبیر برسق ۱۱۷،۱۰۰،۴۴
 امیر تومان ۵۱
 امیر تیمور ۴۷۴،۱۲۶،۱۱۱
 امیرخان سردار (صارم السلطه سردار اشرف، والی پشتکوه) ۵۰
 امیر غلامرضا خان هاشمی ۴۹۴

آثار باستانی و تاریخی لرستان

۵۲۸

۵۳۵

امیر کبیر ۱۰۴

انصاری، جابر بن عبدالله ۴۸۵

انوشیروان (خسرو) ۴۸۲

اتلیل (بت) ۲۸

انیوشیناک ۲۸

اورشی گورهایش ۲۹

اورل استین ۴۸۰، ۴۶۵، ۴۶۴، ۳۲۸

اوروک ۹۱

اوشی ۲۹

أیرج افشار ۴۹۸، ۹۹، ۵۴

ایزدینا، حمید ۳۵۳، ۳۵۲

ب

بابا حبيب ۳۲۲، ۳۲۱

بابا خان ولد محمد قلی پشتکوهی ۳۷۲

بابا دانیال بودانیال ۲۶۱

بابا حوی — بابا حبيب ۳۲۱

بابا سیف الدین ۵۳۸، ۴۹۳

بابا طاهر عریان ۱۴۳

بابا عباس ۱۰۸، ۱۰۷، ۹۴، ۹۲

بارینگر، لوی ۳۳۸

باستانی پاریزی ۱۱

بتول ۳۷۱

بدر ۴۸۸، ۳۱۰، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱

بدر حسنیه ۴۸۸، ۳۰۱، ۲۵۹، ۲۵۳، ۲۲۶، ۱۹۰، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۱۰

بدوین طاهر بن هلال ۴۳

بدر الدین ۱۲۴، ۴۶

بدر الدین مسعود بن حمام الدین خلیل ۱۲۳، ۴۶

بدلیسی، شرف الدین ۱۴

برسق ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۴۵

برسق بن برسق ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۷، ۴۵



بهاء الدوله پسر عضد الدوله ۴۲

بهار، ملك الشعرا ۵۰۶، ۵۰۲، ۹۸

بهرام چوبینه ۴۷۸، ۴۰

بهرام فره‌وشی (دکتر) ۲۴۶

بهرامی، هوشنگ ۶۳

بویکر رافع ۱۱۰

بورنی، ملك (پرفسور) ۳۳

بوعیسی ۳۷۴، ۱۱۰

پ

پروین گنابادی ۴۶۴

پستا، اسماعیل ۳۲۸، ۳۱۴

پشتکوهی، باباخان ولد محمدقلی ۳۷۲

پشتکوهی، حسین بك ۳۷۱

پیرشمس الدین ۲۶۱، ۲۶۰

پیرموسی ۳۷۶

پوپ ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۱

پوردادوود ۱۶

پهلوی ۴۶۳

تاج الدین شاه ۱۲۳، ۴۷

ت

تاج الدین شاه بن حسام الدین خلیل ۴۶

ترك، غلامعلی بك ۳۷۲

ث

ثقفی، سائب بن افرع ۴۶۳

ج

- جابر ۵۲۸، ۵۲۷، ۵۲۵، ۵۲۴، ۴۸۵، ۴۸۴، ۴۸۳
 جابر بن حیان ۴۸۶، ۴۸۵
 جابر بن عبدالله انصاری ۴۸۵
 جانسی ویلر ۶۴
 جان کمپبل ۸۶، ۸۵
 جزایری، حاج آقا عیسی ۱۵۱
 جعفر شعار (دکتر) ۹۹
 جلالة، محمد ۲۳۲، ۱۴۹
 جمال الدین خضر ۱۲۴
 جمال الدین خضر بن تاج الدین شاه ۴۷
 جوینی ۱۰۳، ۱۰۲
 جهانگیر بن اغور ۴۷
 جهیز گل ۲۳۸

چ

- چریکوف ۵۰۵
 چوبینه (بهرام) ۲۷۷، ۴۰

ح

- حاجی آقا عیسی جزایری ۱۵۱
 حاجی اصفهانی (استاد) ۴۹۲
 حاجی خوارزمی (استاد) ۴۹۳
 حزین اصفهانی ۱۲۶
 حسام الدین بن بدر بن شجاع الدین خورشید ۴۶
 حسام الدین خلیل ۱۲۴، ۴۶
 حسام الدین شوهلی ۴۶، ۴۵
 حسام الدین ضیائی ۲۳۹



- حمام‌الدین عربیک ۲۶۴، ۱۲۴، ۴۷
 حسن خان بن اسدالله خان بن اسماعیل ۵۰
 حسویه ۴۸۸، ۳۰۱، ۲۵۹، ۲۵۵، ۲۲۶
 حسین برزیکانی ۴۵، ۴۱
 حسین بك پشتکوهی ۳۷۱
 حسین خان (والی) ۱۴۷، ۴۹
 حسین خان بن شادویردی ۱۴۲، ۱۳۷
 حسین خان ثانی ۵۲، ۴۹
 حسین خان منصور العلوی عباسی ۴۹
 حسین خان والی ۵۰۲، ۱۳۴
 حسینعلی اصفهانی ۱۴۸
 حسینقلی خان والی ۵۰
 حسین السمودالکردي ۴۳
 حسین مقنی باشی (استاد) ۵۱
 حسین نیکونژاد ۳۷۱
 حمدالله مستوفی ۴۶۳
 حمدان سیمری ۴۶۴
 حمزه میرزا (امیر جنگ) ۵۰
 حموزایی ۳۰
 حموی، یاقوت ۳۶۲، ۳۰۹، ۱۲۹، ۱۰۹، ۹۸، ۱۶
 حمید ایزدپناه ۳۵۳، ۳۵۲
 حمید خسروی ۳۴۲
 حیات‌الغیب ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۳، ۳۰۲، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۰
 حیدر پسر شجاع‌الدین خورشید ۳۱۰
 حیدرخان (جدغلام رضاخان امیر تومان) ۵۰



خ

۴

۲۳۸	خانم اثمیت
۱۳۰	خدایی خان
۴۶۲	خسروانوشیروان
۴۷۳، ۴۷۱	خسروسوم
۱۲۲	خضر
۴۹۷	خلیلی، عباس
۱۲۶	خواجہ علی دؤید (سربداری)
۴۹۳	خواوزمی (استاد حاجی)
۱۵۲	خوانسار، حاج محسن خان
۴۶	خورشید
۳۳	خوشین مسعود

د

۳۸۵	دانیال
۴۵۷، ۴۵۶، ۳۷۷، ۳۷۶	داوود رش
۵۱	درویش علی کرمانشاهی (حاجی)
۴۷	دولت خاتون
۳۱۷، ۳۱۶، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۱۳، ۱۱۰، ۱۲، ۴	دوموگان
۵۰۰، ۴۹۹، ۴۷۳، ۴۷۱، ۴۷۰، ۴۶۹، ۴۶۸، ۴۶۴	
۱۷۵، ۱۷۴، ۳۴، ۲۹، ۲۷، ۲۶	دیاکونف

ر

۳۰۰، ۲۳۱	راشدی، هرمز
۵۰۳، ۵۰۰، ۴۹۹، ۴۸۸، ۴۶۵	راولن سن
۴۷	رستم خان بن جهانگیر
۵۰۲، ۱۱۵، ۵۱	رضا شاه کبیر

رضاعلی ۵۲،۵۱

ریتقا ۱۳۶

ز

زاهدشیر ۲۱۷،۲۱۶،۲۱۵،۱۳۳

زکی (حاجی) ۱۳۱

زیدابن علی ۲۲۹،۲۲۸،۲۲۵،۱۵۰،۱۴۷،۱۴۵

ژ

ژاک دو دورگان ۳۱۷،۳۱۶

ژ، داسپرو ۵۶

ژرژمیل ۲۳۸

س

سائب بن اقرع ثقفی ۴۶۳

ساخ (خدای خورشید) ۳۴

سارگن پدر سناخریب ۳۱

ساموئیلونی ۲۸

سرخاب بن بدر بن مهامل مکنی به ابوالفوارس ۴۶،۴۴

سروش (نام بیت مظهر عدالت) ۳۷

سمید بن ابوالشوک ۴۴

سعید نفیسی ۴۹۷،۴۶۳،۴۶۲،۴۰

سفاح ۴۶۴

سلطان ابوالفتح مسعود بن محمد بن ملک شاه ۱۲۰

سلطان اسحق ۳۷۷،۳۷۴

سلطان جلال الدین خوازمشاه ۱۰۲

سلطان المحققین و شیخ الراشیدین سید صالح ۴۹۳

سلطان محمود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی ۱۱۸،۱۱۷،۱۰۲،۴۵



۴۶۴	سلمان، همسفاح
۴۱	سلیمان
۴۱	سناخریب
۲۹۱، ۳۲۱	سهل الدین
۱۴۳	سید ابوالوفا
۴۹۳	سید صالح
۳۷۴	سید محمد (از هفت تن دسته دوم پیشوایان فرقه اهل حق)
۳۷۴	سید مصفا (از هفت تن دسته دوم پیشوایان اهل حق)
۱۴۳	سید علی (یکی از دو برادران مدفون در شهر خرم آباد)
۱۵۱	سید نعمت الله جزایری
۴۳	سیده
۴۷	سیدی احمد بن عزالدین
۴۸، ۴۹	سیف الدین رستم

ش

۳۱۵، ۹۸، ۴۰	شاپور اول
۳۷۶	شاعلی
۱۳۲	شاور دی بیک بن محمد
۴۹۶	شاه احمد
۱۳۰	شاه پرویز سلطان
۴۷	شاه حسین عباسی
۴۷	شاه رستم عباسی
۲۱۸، ۱۳۳	شاهزاده عبدالله
۴۵۳، ۴۵۲، ۴۵۰، ۴۴۹، ۳۷۲	شاهزاده محمد
۲۶۳	شاهزاده محمود میرزا
۱۳۰	شاه سلطان حسین
۵۱، ۵۰	شاه شهید (ناصر الدین شاه قاجار)
۱۲۶، ۴۹، ۴۶	شاه عباس کبیر
۳۷۳، ۳۷۲، ۳۷۰	شاه محمد
۱۳۴، ۴۹، ۴۷، ۴۶	شاهوردی
۱۲۶	شاهوردی خان

شجاع الدین خورشید بن ابوبکر ۳۶۸، ۳۱۰، ۴۸، ۴۶

شجاع الدین محمود بن عزالدین حسین ۴۷

شدغم ۲۶۳

شرف الدین ابوبکر ۴۶

شعار، دکتر جعفر ۴۹۸، ۹۹

شعبی ۳۳۰

شمس الدوله (دیلمی) ۴۹۸، ۴۲

شمس الدین علی بن محمد بن احمد (پیر شمس الدین) ۲۶۰

شمس الدین لنبکی ۱۲۴

شوتروک ناخونه ۳۱

شوریاشر ۳۴

شوگامو ۳۴

شوهلی، حسام الدین ۴۶

شهاب الدین ۲۶۴

شهاب الدین الیاس لنبکی ۲۶۴

شیبارو ۳۴

شیخ حبیب شه ۳۷۴

شیخ الراشدین و سلطان المحققین و العلماء، شیخ صالح ۴۹۳

شیخ شهاب الدین ۳۷۴

شیخو (از خدا یان کاسی) ۳۴

شیرازی، فخر الدین ۶۳

شیرفتی ۳۴

شیمالی ۳۴

ص

صارم السلطه ۵۱

صاحب کرم، سلطان اسحق ۳۷۷، ۳۷۴

صاحبقران ۱۳۴

صاحبقران سیف الدین قلداش ۱۰۴

صالح، شیخ الراشدین و سلطان المحققین ۴۹۳

صمصام الدین محمود بن نور الدین محمد ۲۶۴، ۴۷



ض

ضامی بن شدغم ۳۷۲، ۲۶۳
ضیائی، حسام الدین ۳۳۹

ط

طباطبایی، ابوالفضل ۵۰۳، ۵۰۱
طاهر ل بیک سلجوقی ۴۹۹، ۴۴، ۴۳
طغرل تکین ۱۱۷

ظ

ظاهر الدین نیشابوری ۱۲۰

ع

عالی گیزو ۳۲۰
عباس ثانی ۱۳۵
عباس خلیلی ۴۹۷
عباسی ۱۴۹
عبدالرزاق ۴۱
عبدالعزیز صاحب جواهر ۱۳۱
عبدالملك ۴۱
عبدالملك ماكان ۴۳
عبدالله فریار ۱۸
عثمان ۴۹۷
عرفان، محمود ۴۹۸
عزالدين حسين ۴۷
عزالدين بن شجاع الدين ۴۷
عزالدين گرشاف ۴۶
عزالدين محمد بن عزالدين حسين ۴۷
عضدوالدوله ۴۲، ۴۱
علی ابن امی طالب (ع) ۱۴۲

علی بن الحسین ۱۴۶

علی بن جمال الدین اصفهانی (استاد) ۱۴۵

علیخان ۵۰

علی صالح بن عبدالله بن الاعرین حسن ۵۱

علی قلی خان ۱۳۴

علی مردان ۴۹

علی مردان خان ۱۴۷

علی مرداد خان بن حسین خان فیلی ۲۶۶، ۲۶۵، ۱۲۷

عماد کاتب ۱۱۹

عمر شیخ ۱۰۴

عیل خان رشنویی ۵۱

غ

غلامحسین دزفولی (استاد) ۵۱

غلامحسین عباسی ۳۴۲

غلامرضا خان (ابوقداره) ۵۰، ۴۹

غلامرضا خان، امیرالامراء ۴۹

غلامرضا خان، فتح السلطه، امیرتومان ۵۱

غلامعلی بك ترك ۳۷۲

ف

فتح السلطه، غلامرضا خان ۵۱

فخرالدوله ۴۱

فرانکلین موت گونتر ۱۶۴

فرانك هول ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۹۰، ۹۱، ۲۳۹، ۳۳۳، ۴۱۱، ۴۶۳

فردلی ۳۳۸

فردوسی ۱۲۹، ۱۳۰، ۴۸۲

فردوشی، بهرام ۲۴۶

فریار، عبدالله ۱۸

فلانری ۶۴، ۸۹

فلك‌الدین و عزالدین حسین ۴۷، ۱۲۳،
فیروزان ۴۶۳
فیلد، هنری ۱۸
فیلی، علی‌مردان خان بن حسین خان ۱۲۷

ق

قاجار، محمود میرزا ۲۶۳
قباد، شاه‌ساسانی ۴۹۸
قزوینی، ۴۹۸
قزوینی، محمد ۱۱۷، ۱۳۰
قنبر بك تفنگچی، باشی ۵۱

ك

كاشانی، محشم ۳۷۱
كاشانی، لیاث اول ۲۹
كاشو ۳۴
كامریجان ۳۷۶
كانداز ۲۸، ۲۹
كدور زانخونتا ۵۶
كریستن، ر. هولمز ۱۶۸، ۱۶۹
كریم كشاورز ۲۶
كسار اکیل ۷۵
كمپبل، جان ۸۵، ۸۶
كمالوند، آیت‌الله ۱۳۲
كناس، وان ۳۳۸
كنتو ۳۱۵
كناكس، وان ۳۳۸

گ

گل، جیمز ۳۳۸
گیرشن ۲۳، ۲۵، ۳۱، ۳۵، ۳۷، ۱۶۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۳۶، ۳۳۷،
۳۴۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴
گیل‌گامش ۳۴

ل

لسترنج ۱۰۰،۵۵

لنیکى شهاب‌الدین الیاس ۲۶۴

لوین ، بارینگر ۳۳۸

م

ماسپرو ، ژ ۵۶

ماکان، عبدالملک ۴۳

محتشم کاشانی ۳۷۱

محسن‌خان خوانسار (حاجی) ۱۵۲

محمد بن عنار ۴۴

محمد پروین گنابادی ۱۲۹، ۱۰۹، ۹۸

محمد تقی مصطفوی ۳۵۴

محمد جلاله ۲۳۲، ۱۴۹

محمد حسین مولوی ۱۴۲

محمد خان قاجار ۵۰

محمد صالح ۱۴۷

محمد علی‌شاه ۵۱

محمد علی شیرازی (حاجی) ۵۱

مجمدی ۴۷

محمودین نورالدین محمد (مصصام‌الدین) ۲۶۴

محمود میرزا قاجار ۱۶۳

مرتضی سن ۸۹

مشرشد ۵۰۷، ۱۲۰

مسعود بن حسام‌الدین خلیل ۴۶

مسودی ۵۰۴، ۴۷۲

مستوفی ، حمد الله ۴۶۲، ۳۳۱، ۳۰۹، ۲۶۴، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۴۰، ۱۳

مصطفوی، محمد تقی ۳۵۴

مظفرالدین شاه ۵۱

مفیث‌الدین (محمود بن محمد بن ملک‌شاه) ۱۱۸

مقتفی ۱۲۰

مقدم، (دکتر) ۹۷



- ملك يورنى ۳۵۵۰۳۵۴،۳۳۲،۹۱
 ملاسحق ۱۳۶
 ملا محمد تقى خرم آبادى ۱۳۰
 ملك رحيم ۴۹۹
 ملك عز الدين ۱۰۴
 ملك عز الدين بن شجاع الدين محمود ۴۷
 منجم باشى ۱۱۹
 منصور دوانقى ۵۰۲
 منوچهر پسر حسين خان ثانى ۱۳۴،۵۱
 منوچهر ستوده (دکتر) ۳۹۸،۳۰۱،۲۲۶،۲۰۸،۲۰۷،۱۹۱،۹۹
 منيژه ۲۵۱
 موسياو ۳۷۷
 موسى خورنى ۴۹۷
 مودى خليفه عباسى ۵۴۱،۵۰۷،۵۰۵،۵۰۴،۵۰۳،۵۰۲،۵۰۱
 مهدى صالح ، (سلطان المحققين) ۵۳۷،۵۳۶،۵۳۵،۵۳۴،۵۳۳،۵۳۲،۵۳۱،۴۸۹
 مهرداد دوم ۲۵۳
 مهلهل بن محمد، ابوالماجد ۴۴
 مير خليل بك رشتونى ۵۱
 ميرسره ۳۷۴
 ميرسيد عزيز الله ۱۵۱
 ميرسيد هلى ۱۵۱،۱۵۰
 ميرسيد محمد جعفر ۱۵۱،۱۵۰
 ميرزا عبدالحسين خان بيك رشتونى ۵۲،۵۱
 مينورسكى ۵۰۵،۴۹۸،۱۱۹،۱۱۷،۱۸
 ميل، ژرژ ۳۳۸
 مينوى ۳۳۹،۳۳۸
 ن
 نادر ۱۲۷،۴۹
 ناصرالدوله ۴۲
 ناصر الدين شاه قاجار ۱۵۲،۱۳۰
 ناهيد (نام ستاره‌اى) ۳۲۷

فحیسی، سعید ۴۹۷، ۴۹۳، ۴۹۲، ۴۹۱، ۴۴۱، ۴۰

ورالدین محمد ۲۷۴

نیکوثراد ۳۷۱

و

وان کناکس ۳۳۸

ردیعی، دکتر کاظم ۵۰۰، ۴۷۱، ۲۵۷، ۱۲۸، ۱۱۳

ویل دورانت ۴۶۹، ۳۰

ه

هاریه، (نام یکی از خدایان کاسیت) ۳۴

هاشمی، امیر غلامرضا خان ۴۹۴، ۴۹

هامورایی ۲۸

هرتسفلد ۵۰۶، ۵۰۵، ۵۰۴، ۴۶۵، ۴۶۴، ۱۱۸، ۱۱۷

هرمزراشدی ۳۰۰، ۲۳۱

هلال ۴۳، ۴۲

هلمتاش ۴۶۹

هلیل - هلال ۱۱۰، ۴۲

هنری فیلد ۱۸

هوشنگ بهرامی ۶۳

هول، فرانک ۳۶۳، ۳۶۱، ۳۳۳، ۲۳۹، ۹۱، ۹۰، ۶۵، ۶۴، ۶۲

ی

یاقوت حموی ۵۰۵، ۴۹۷، ۴۸۹، ۳۰۹، ۱۲۹، ۱۰۸، ۹۸، ۱۶

یارد اوود ۳۷۷

یزید ۴۶۶

یعقوب ۲۱۹، ۱۳۶

یعقوبی ۵۰۲، ۴۶۳، ۴۰

ینال، ابراهیم ۴۳

فهرست جغرافیائی

البرز Al,baraz (قریه)	۵۰
الزر (قریه)	۵۰۷
الوار گرمیری (بخش)	۱۸
الوند کوه	۱۱
الی بی	۳۱
الیشتر	۳۵، ۱۶، ۱۷، ۱۰، ۷، ۶
	۱۰۲، ۱۰۰، ۹۹، ۵۹، ۵۵، ۵۴، ۴۵، ۴۰
	۲۵۷، ۲۵۵، ۲۳۸، ۱۲۰، ۱۰۲
الیکو درز	۱۸
امیر آباد (قریه)	۵
انجمن آثار ملی	۳۵۲، ۳۲۲، ۲۴۴
	۳۵۴
ازدانش = اندیشک	۵۴
اندیشک	۳۲۷، ۱۰۰، ۱۴
انطاکی	۹۸
انگستان	۲۳
اورامان	۳۷۴
اوریکناسین	۷۵
اوسر (Owsar)	۵۵
اوهر Owhar (بخش)	۴۸۴، ۴۸۳
اهواز	۴۶۳، ۴۲
ایران	۴۹۶، ۳۵۴
ایلام	۲۶۳، ۴۹۰، ۲۶، ۱۷، ۱۱، ۳
	۳۷۹، ۴۶۹، ۴۶۸، ۴۶۰، ۳۱۷، ۳۱۶
	۵۰۵، ۵۰۲، ۵۰۰، ۴۹۹، ۴۹۷، ۴۸۴
	۵۰۷، ۵۰۶

آ

آذربایجان	۴۰، ۱۶
آرمیناژ (موزه)	۱۷۵
آشور	۵۶، ۳۳، ۳۱، ۳۰
آفتاب (قریه)	۲۵۷
آلاسکا	۸۶
آمریکا	۲۶

الف

ابوالوفا (دمکده)	۳۳۵، ۳۴
ارباقباد	۱۲۹
ارجنه (غار - کوه)	۷۵، ۷۳، ۶۳، ۶۲
	۸۴
ارمو - Aramo (دمستان)	۴۹۴
اروخش (آتشکده)	۴۰
اریجان	۳۹۷
اریویجان (شهر)	۵۰۱، ۴۹۸، ۴۹۷
	۵۰۲
ازگه Azgena (کوه)	۹
ازینه (دژ)	۴۲
اسپانیا	۳۵۵
اسلامبول	۵۰
اسمیت سونین (مؤسسه)	۷۶
اشتران کوه	۶
اشرف آباد	۵۲
اصفهان	۱۲۳، ۱۰۰، ۶۵، ۴۰، ۱۶
افرنه	۱۰



بلوران (کوہ-قریہ) ۳۵۷،۳۱۱	ب
بندنجین ۵۰۴،۵۰۱	باباخوارزم (قریہ) ۱۱
بہ از اندیوشاپور ۹۸	باباعباس (دخمہ و دھکدہ) ۱۸۴،۱۸۳
بیرہ ای == بدرہ ۴۸۳	۱۸۷،۱۸۶،۱۸۵
بیستون ۸۴۶	بابل ۳۰،۲۹،۲۸
بین النهرین ۱۲۸،۲۳	باریکہ (دوہ) ۳۲۶،۳۲۵
پ	بازوند (قریہ) ۳۹۰
پاپی (بخش) ۱۸	باغ افراسیاب ۲۵۲،۲۵۱
پاریس ۱۶۳	بت خانہ (غار) ۴۰۴،۳۳۴،۳۳۳
پاسنگر (غار- محلہ) ۶۶،۶۴،۶۱	بحرین ۴۶۴،۴۱
۱۷۹،۱۷۸،۱۷۳،۱۷۲،۶۹	بختراری (منطقہ) ۲۳،۱۳،۹،۴،۳
پیدہ ۲۳	۴۶۰
پشکوہ ۵۰،۴۹،۱۶،۵،۴،۳	بدرہ (بخش) ۴۸۴،۴۸۳،۳۱۸
۴۶۰،۵۱	۴۸۵
پل تنک (نام محلہ) ۱۲،۱۱	بر آفتاب (کوہ- نام محل) ۲۵۳،۲۳۸
پیارہ (تپہ) ۳۹۳،۳۲۷،۳۲۵،۳۶	براو ۵۰۳،۵۸
۵۲،۵۰،۴۹،۱۶،۵،۴	برد سفید (غار) ۳۵۸،۳۵۲،۳۳۲
۵۰۵،۴۶۰	۳۶۳،۳۶۲
پینہ — پوند (دھکدہ- کوہ- تنگہ) ۷	برو کس (مٹوہہ) ۸۶
ت	برو جرد ۱۰۰،۵۸،۱۸،۷،۶۳
تاف (کوہ- دھکدہ) ۸	۴۶۴،۳۷۰،۱۳۲،۱۲۵،۱۰۴
تپہ باباخانی ۲۶۱	برہ (تنگہ) ۳۱۷
تپہ باغ نو ۹۱	بریتانیا ۱۷۱
تپہ پیارہ ۳۹۳،۳۲۷،۳۲۵	بز - Baz نام دژ ۱۱۰
تپہ تنورہ بان ۲۴۰	بطام (دہستان) ۱۰
تپہ تنورہ سرخ ۴۷۴	بصرہ ۴۶۴،۴۱
تپہ چراغ ۲۶۱	بنداد ۱۰۳،۴۵،۴۳،۴۲،۴۱
تپہ چشیدی ۳۱۵	بلاش شاپور ۹۸
تپہ چنابل ۳۸۲،۳۸۱،۳۱۵	بلخ ۱۲۹

تپه چغاسیز	۳۱۵۰۳۱۴	تنگه کول کنی	۴۸۲
تپه خرن گوشان	۵۰۷	تنگ گاو شمار	۵۹۰۱۰۰۷
تپه درکه	۳۳۵۰۱۶۳، ۳۵۰۳۴	تنگه میر ملاس	۳۴۲، ۲۵۰۰۹۱، ۰۳۳
	۴۱۱، ۳۹۴		۴۱۵، ۴۱۴، ۳۶۲، ۳۵۸، ۳۵۲، ۳۴۶
تپه دستگرد	۴۶۷		۴۱۷
تپه رشکله	۴۶۷	تنگه میروره	۴۷۰
تپه سیکان	۴۶۸	تهران	۳۲۹
تپه فرهاد آباد	۴۶۸	تیر بازار (دهکده)	۱۰۱
تپه قلعه تیخن	۴۶۵	تیر آب (رود)	۱۰
تپه قلعه زبیل	۴۶۶	تیسفون	۴۸۶
تپه قلعه سکه سون	۴۶۷	نیشه کن (غار)	۳۶۷، ۳۶۶
تپه کلک موسیوند	۴۶۶	تیل کش (دهکده)	۳۲۱
تپه کل یزید	۴۶۶		
تپه قلعه گل	۴۶۶	ج	
تپه کفتار لان	۳۱۵، ۳۱۴	جامع پروچرد	۳۷۰
تپه کوزه گران	۴۶۵	جامع خرم آباد	۲۱۲، ۲۱۱
تپه گیان	۳۳۶، ۳۱۵	جایدر (دهستان)	۱۵۱، ۵۷، ۱۱
تپه (کوه)	۳۷۰		۴۸۳، ۳۲۷، ۲۵۵
تخت خان (دهکده)	۴۹	جبال	۵۳، ۴۱، ۳۹، ۱۵
تخت منیژه	۲۵۱	جلولا	۶
تشکن (دهستان)	۲۷۰، ۲۵۳، ۲۴۰	جندی شاپور	۵۴
Teka (آستانگاهی در کوه چنکری)		جی (گردرستان)	۱۵۲
	۳۶۹	ج	
تل شیروان	۴۹۹	چار تا (قلعه)	۵۵
تنگه بره	۳۱۷	چالگه شله (گذرگاه)	۳۵۰، ۳۴۸
تنگه تیر	۳۱۱، ۱۰	چال می (کوه)	۴۸۵، ۴۸۴
تنگ چوبینه	۴۰	چاه بیژن	۲۵۱
تنگه دیارگاه همیان	۳۴۸	چرداول (دهستان)	۵۰۶، ۵۸
تنگه فنی	۶	چغابردینه	۳۱۵
تنگ موسی	۲۶۱		

خانقین ۷۹،۵۷	جغابیل (تپه - دهکده) ۳۸۱،۳۱۵
خالصه (دهستان) ۶۶۷،۶۶۱	۳۸۲
خای دالو (شهر باستانی) ۱۲۸،۵۹	جغابیز ۶۶۷،۳۱۴
۳۱۷	چقلو ندی (بخش) ۱۷۰،۱۰
خراستان ۳۵۵	چک اسلواکی ۸۵
خرجابر - Xerrgaer (تنگه) ۴۸۴	چگن (دهکده) ۲۳۷
۵۲۴،۴۸۵	چگنی (بخش) ۸۰،۵۹،۱۸،۱۰
خرم آباد ۴۴،۲۵،۲۴،۲۳،۱۸	۲۵۵،۲۵۳،۲۵۱،۲۴۲،۲۳۸،۲۳۷
۶۵،۶۲،۶۱،۶۰،۵۶،۵۵،۴۹،۴۵	۳۰۹،۲۶۱
۸۰،۷۷،۷۶،۷۵،۷۴،۷۳،۷۰،۶۸	چم آب برده (دهکده - پل) ۴۸۰،۴۷۹
۱۱۷،۱۱۶،۹۱،۸۷،۸۶،۸۴،۸۱	۴۸۱
۱۲۵،۱۲۴،۱۲۳،۱۲۱،۱۲۰،۱۱۹	چمشک (دهکده) ۵۹،۳۹
۱۸۱،۱۷۷،۱۲۹،۱۲۸،۱۲۷،۱۲۶	چم کلان (دهکده) ۴۶۶
۲۰۸،۲۰۷،۲۰۶،۱۹۳،۱۹۲،۱۹۱	چم مهر (دهکده) ۴۸۷
۲۳۸،۲۳۷،۲۳۴،۲۳۲،۲۱۵،۲۰۹	چم نشت (دهکده) ۴۷۹
۲۳۲،۲۳۷،۲۱۲،۲۵۹،۲۵۶،۲۳۹	چناره (کوه) ۷
۴۸۹،۴۶۷،۳۶۳،۳۶۱،۳۵۴،۴۵۲	چنگانی (دهکده - سرآب) ۴۶۵
۱۲۹،۱۲۶،۱۲۵	چنکری (قلعه - کوه) ۳۱۰،۱۱۱،۴۶
خرسدر (دهکده - کوه) ۳۱۱	۴۴۷،۳۴۶،۳۱۸،۳۳۱
خسرو آباد (دهکده) ۳۹۲،۳۲۲	چوبینه (تنگه) ۵۲۲،۵۲۱،۴۷۷
خوزستان ۵۴،۴۵،۱۴،۱۲،۹،۳	چوونی - Choweni (کوه) ۷
۴۶۲،۴۶۱،۴۶۰،۴۵۸،۱۱۶،۵۷	چهار قلعه (دهکده) ۳۱۸،۳۶۴
۵	چهل نابلغان (گورستان - قلعه کوه) ۶
دادآب (دهکده) ۷	۵۴،۳۱،۱۸
دالاب (دهکده) ۴۴۴،۳۶۴	ح
دایارد ۹۴	حسین آباد ۵۰۷،۵۰۶،۵۰۲
دجله ۴۶۴	حرور (گذرگاه کوهستانی) ۳۴۱
دختر راه ۲۴۰،۹۴	حلوان ۵۸،۵۷،۴۴
درکه ۲۹۴،۳۲۵،۱۶۳،۳۵،۳۴	خ
۴۱۱	خاک مالگه (کوه - دهکده) ۹

د	درون بایم-Darvane-bayem (دره)
رایس (دانشگاه) ۶۳،۶۲،۲۳	۳۲۴
رباط (دهکده) ۱۰	دره آش (کنز گاه-تنگه) ۵۴
رد ۵۰۳،۵۰۲،۵۸	دره باباعباس ۱۵۵،۱۸۴
رزه (دهکده-قلعه) ۵۵	دره باریکه ۳۲۶،۳۲۵
رکی-Rekey (کوه) ۲۹۲،۲۵۲	دره تیشه کن ۳۶۶
۲۹۴،۲۹۳	دره شهر ۳۱۸،۳۱۷،۵۷،۴۰
رواسی ۸۴	۴۶۷،۴۶۶،۴۶۵،۴۶۱،۴۶۰،۳۱۹
رود دریا ۵۳	۴۷۹،۴۷۵،۴۷۴،۴۷۳،۴۷۲،۴۶۸
روم ۳۱۳	۵۱۲،۵۱۱،۵۱۰،۵۰۰،۴۹۴،۴۸۳
روشنگان ۳۱۱،۱۵۹،۹۰،۵۸،۲۳	۵۱۶،۵۱۵،۶۱۴،۵۱۳
۳۲۰،۳۱۹،۳۱۷،۳۱۴،۳۱۳،۳۱۲	دز (کوه) ۹،۷،۳
۳۹۱،۳۹۰،۳۸۶،۳۸۵،۳۳۸،۳۳۳	دزغول ۱۰۰،۵۵
۴۸۱،۴۷۰	دشت آباد (دهکده) ۴۶۶
ری ۱۲۹،۴۳،۱۶	دلقان (بخش) ۵۹،۵۴،۱۷،۱۰،۷
ز	۳۱۱،۲۳۸
زاخاب (شهر باستانی) ۳۱۶	دلیج (کوه) ۵
زاگرس ۳۲۶،۸۹،۶۵،۲۶،۶	دم چهر ۳۳۳
زمزم (گرداب) ۴۸۵	دم دم (دهکده-رود) ۹
س	دمشاه (قریه) ۴۶۰،۱۲
سابرخواست = شابرخواست --	دوران دوزی ۳۱۷
شاپورخواست ۹۸	دورود ۹
سد محمد رضا شاه ۹	دوشه (غار-کوه) ۲۷۱،۲۴۳،۲۳۸
سراب چنگانی ۳۰۷،۲۶۵	۳۶۴،۳۳۷،۳۱۱،۲۷۲
سراب کلان	دینور ۵۶،۴۱،۴۰
سراب ناوه کش ۲۹۵،۲۵۳	ده بالا ۵۰۷،۵۰۴،۵۱
	ده پاتین ۵۰۶
	ذ
	ذهاب ۴۷۱

سیکان (دو خانہ - دهکده) ۴۶۶، ۴۶۱	سراب نیلوفر ۲۶۶، ۲۶۵
۴۸۳، ۴۷۳، ۴۶۷	سراب یاس ۹۲
سیلاخور ۹	سرتنگ (دهکده) ۴۸۴
سیلک ۳۴	سرداربه ۵۱
سیله (قلعه) ۳۶۶	سرخ دم (معبداشوری - دهکده) ۲۴۳، ۳۸
سیمره ۴۱۴، ۴۰۱، ۴۱۶، ۴۱۲، ۴۱۳	۴۱۲، ۳۴۱، ۳۳۹، ۳۳۷، ۳۳۱
۳۱۱، ۳۰۹، ۱۰۶، ۵۸، ۵۶، ۴۶، ۴۲	سرخ دم لکی ۳۱۱
۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۱۶	سرخن (کوه - دهکده) ۳۴۲، ۳۳۱
۴۶۱، ۴۶۰، ۴۵۹، ۴۵۸، ۳۷۳، ۳۷۰	۳۶۷، ۳۵۸، ۳۴۸، ۳۴۳
۴۷۱، ۴۶۹، ۴۶۷، ۴۶۴، ۴۶۳، ۴۶۲	سر سورن = سرسخن ۳۵۸
۴۸۳، ۴۸۱، ۴۸۰، ۴۷۹، ۴۷۷، ۴۷۳	سرطرهان (دهستان) ۳۲۴، ۳۱۱، ۳۵
۵۰۰، ۴۹۹، ۴۹۸، ۴۹۷، ۴۸۸، ۴۸۴	۴۰۳، ۴۰۱، ۳۹۸، ۳۹۴، ۳۲۸، ۳۲۵
ش	سراج (قلعه) ۴۱
شابرخواست ۹۹، ۹۸، ۵۴	سزار (رود) ۹۳
شاپورخواست = شابرخواست ۴۱، ۴۰	سفیدرود ۴۳
۱۰۰، ۹۹، ۵۹، ۵۵، ۵۴، ۴۵، ۴۳، ۴۲	سفیدکوه ۲۳۷، ۹۳، ۷
۱۱۰، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲	سکه سون (دهکده) ۳۷۳، ۴۶۷
۱۳۰، ۱۲۵، ۱۲۰، ۱۱۶، ۱۱۲، ۱۱۱	سلیمانیه ۳۷۴
۲۵۴، ۲۵۳، ۲۰۵، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸	ساق (قریه) ۲۵۱، ۲۳۸، ۷
۲۵۹، ۲۵۵	سسا ۳۱۰
شانیدر (دهکده) ۷۷، ۷۰	سها ۳۱۰
شاه آباد ۳۷۵، ۳۷۳	سن سیمره ۴۵۹
شاهین آباد ۱۲۸	سوریه ۳۳۶
شلم - Shalam (کوه) ۵۰۶	سولیزه (دهکده) ۶۱
شوش ۳۳۰، ۳۱۵، ۳۱۳، ۳۲۴، ۳۲۰	سیله (دهکده) ۳۹۸، ۳۲۸، ۵۷
۴۸۵، ۴۷۵، ۳۶۹	سیروان شیروان ۴۹۷، ۵۸، ۵۶
شوشتر ۱۲۳، ۲۳	۵۰۴، ۴۹۹، ۴۹۸

آثار باستانی و تاریخی لرستان	۵۶۵
------------------------------	-----

۸۳۶۶۹۶۸۶۶۶	غار قمری	شیخان (قریه)	۳۷۴
۸۸		شیخ ماخو (دهکده، تنگه)	۴۷۵، ۴۶۰
۳۱۹	غار ویز نهار		۵۲۰، ۵۱۹، ۵۱۸، ۵۱۷، ۴۷۶
۳۵۱، ۳۵۰، ۹۱، ۲۴	غار هیدیان	شیخ ماخو - شیخ مکان (قلعه)	۴۷۵
۴۴۲، ۴۴۱، ۴۳۱، ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۵۸			۵۲۰، ۵۱۹، ۵۱۸، ۵۱۷، ۴۹۴
۷۰، ۶۹، ۶۶، ۶۴، ۶۱	غار یافته	شیروان	۴۹۸، ۴۹۷، ۵۷، ۴۱، ۴۰
۲۶۹، ۲۳۹، ۸۷، ۸۳، ۷۶، ۷۵، ۷۱			۵۰۰، ۴۹۹
۱۰	غزال (رود - کوه)		

ف

۳۵۲	فرانه
۴۶۷	فرهاد آباد
۱۶۵	فیلا ددلفیا
۲۶۶	فیلی، لرستان

ق

۲۶۲	قالیبی (دهکده)
۹	قارن (دهکده)
۲۴۳	قازه
۵۸، ۱۶	قرمیه - بن
۱۱	قره سو (رودخانه)

۴۰۴	قره لوند - qoralivan (قریه)
۴۰	قزوین
۵۰۵	قلرنگ (کوه)
۴۶۵	قلعه تیخن (تپه)
۴۶۶	قلعه زینل (تپه)
۴۶۶	قلعه گل (تپه)
۵۵	قلعه نصیر (دهکده)
۴۰	قم

ص

۱۲۶	صدمره = سیمره
۳۱۸	صیمره = سیمره
۴۹۷	صیروان = شیروان

ط

۱۲۹	طبرستان
۵۸	طرز
۸۰، ۵۸، ۵۲، ۱۷	طهران = طراحان
۳۰۹، ۲۵۵، ۲۵۳، ۲۳۷، ۱۰۶، ۹۰	
۳۷۰، ۳۲۳، ۳۱۹، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰	
۴۸۱، ۴۸۰، ۴۷۹، ۳۹۲	

ع

۲۶۵	عتبات
۱۰۱	هربان
۴۵۸، ۳۷۴	عراق
۱۲۳، ۴۵، ۴۱	عراق عجم
۴۶۴، ۴۱	همان

غ

۴۰۴، ۳۲۴، ۳۲۳	غار بیت خانه
۳۲۲	غار یردسفید

کجی (غار) ۶۵،۶۴،۶۲،۲۴،۲۳
 ۱۸۹،۹۰،۸۸،۸۳،۷۶،۷۵،۶۹،۶۸
 کور-Kavar (کوه) ۵۷،۱۲،۱۱،۵،۴
 ۴۷۵،۴۷۴،۴۶۷،۴۶۱،۴۶۰،۴۵۹
 ۴۸۱،۴۷۷
 کورشت ۳۳۱
 کوسخ ۴۳
 کوشخ = کوسخ ۴۳
 کوفه ۴۰
 کوگان - کوگو ۵۹،۳۵
 کولکنی (تنگه) ۴۸۲
 کول وایم (دهکده) ۳۳۵
 کومش ۴۰
 کونانی (دهستان) ۳۶۳
 کوهشت ۵۹،۴۶،۳۴،۲۵،۲۳
 ۱۶۱،۱۳۳،۹۳،۹۱،۹۰،۸۰،۶۱
 ۲۶۰،۲۵۶،۲۴۴،۲۳۸،۱۶۳،۱۶۲
 ۳۶۸،۳۶۷،۳۴۴،۳۴۲،۳۱۲،۳۱۰
 ۴۴۴،۴۰۴،۴۷۵،۳۷۳،۳۶۹
 کوه کلا (کوه) ۸
 کی Key (دهکده) ۲۳۸
 کیالو (دهکده) ۵
 کی حاتمى Key-E-Hatami (دهکده) ۲۴۱
 کیره (کوه) ۲۴۸،۲۶۲
 گ
 گاوشمار (تنگه) ۲۳۸،۲۳۷
 گاومیشان (پل) ۴۸۸،۴۸۷،۵۷
 ۴۳۰،۵۲۹
 گراوچه ۷۱،۶۵،۶۲
 گراز (کوه) ۸

ک

کارون (رود) ۶
 کاریو ۸۶،۸۵
 کاشان ۳۱۵
 کاکارضا (قریه) ۲۵۵،۵۵،۱۰
 کبیر کوه ۴۶۸
 کرج ابودلف ۱۰۰،۵۵
 کرخه (رود) ۱۴،۱۲
 کرشوراب (کوه) ۲۴۳،۲۳۸
 کرکوک ۴۷۴،۵۰
 کرکی (دهستان) ۱۲
 کرگانه (تپه) ۲۴۰،۱۰۴
 کرمانشاهان ۲۶۵،۵۸،۴۰،۳
 ۴۵۹،۴۵۸،۲۶۶
 کره-گه Korrega ۱۲۰
 کزکی (رود) ۲۵۵
 کزنه Kozhena (کوه) ۳۳۱
 کشکان (رود) ۱۲۷،۵۹،۵۷،۵۵
 ۳۰۹،۲۶۲،۲۵۶،۲۵۵،۲۵۳،۲۳۸
 ۴۸۸،۳۱۱
 کشکو = کشکان ۴۲،۱۱،۱۰،۶
 کفتارلو (تپه) ۳۱۵،۳۱۴
 کل افار ۵۰۶
 کل داوود ۸۴
 کلم-Kolm (رودخانه) ۱۱
 کله رگ (کوه) ۵۰۵
 کلک موسیوند ۴۶۶
 کل یزید (تپه) ۴۶۶
 کمبریج (دانشگاه) ۳۲۲،۹۱،۲۳
 ۳۵۴



۳۹۶،۴۰	ماسپان	۱۹۳،۱۹۲،۱۰۸،۱۰۷	گرداب سنگی
۴۵۸،۵۸،۵۷،۴۰،۱۶	ماسپان	۳۳۳،۳۱۱	گردل کوه
۵۰۴،۵۰۲،۵۰۱،۴۹۸،۴۹۷،۴۹۶		۳۶۹،۳۶۶	گردله = گردل کوه
۵۰۶،۵۰۵		۴۵۹،۵۴،۳۱،۱۱،۱۰،۶	گری
۵۰۶	ماسنی (دهکده)	۳۴	گیران
مانرود = مایرود = مادانرود (دهکده)		۱۲۸	گل دان
۳۱۰،۱۴		۱۰	گلم سوز (رود)
۵۰۵،۵۰۰	مانشت (کوه)	۳۶۹،۳۶۱	گم ورم Gomvar (قلعه)
۱۰۱،۱۶	ماه البصره	۳۲۴،۳۱۱	گور Gavar (کوه)
۱۶	ماه الکوفه	۸۹	گوران (تپه)
۱۶	ماه نهاوند	۶۱	گور خلیفه
۳۳۲	مایانرود = مانرود (ولایت)	۴۶۵	کوزه گران (تپه)
۳۱۰		۱۵۲	گورستان جی
۲۵۱،۲۳۸،۸۰،۷	میل (کوه)	۵۵	گوشت
۲۵۶		۵۰۶	گوده Gowara
۱۶۱،۳۷	متروپولیتن (موزه)	۳۳۶،۳۱۵	گیان
۱۴۵	محل زید بن علی	ل	
۱۰۵	مدبه-Modba (کوه)	۹۹،۵۴	لاشتر
۱۲۹	مرو	۵۰۶	لهره
۱۶	مروی (کتابخانه)	۴۹۹	لر-Laler (دهکده)
۴۳	شهد علی علیه السلام	۱۰۰،۹۹،۵۵،۱۴	لور (شهر)
۳۳،۱۶	مصر	۱۴	لورستان
۳۷۵،۳۷۳،۱۸	ملای	۱۲۰،۵۴	لیشتر = لاشتر
۳	ملایر	م	
۱۰	ملک میرزا (دهکده)	۴۷۵،۴۶۸،۳۱۷،۵۶	ماداکتو (شهر)
۴۶۰	مله افتو (گردنه آفتاب)	۳۶۸،۳۲۲	مادانرود (قلعه-دهکده)
۳۱۱،۵۸،۶	مله-Mala (کوه)	۹	مازو (دهستان)
۴۸۰،۳۱۷		۳۳۰	مازونیا (قلعه)
۵۵	مله تخت	۴۶۱	مازین (دهستان)



۹

- وراز (کوه) ۳۱۷
 وروجرده = بروجرده ۱۰۴
 ورده زرد (کوه) ۴۶۰
 وزارت فرهنگ و هنر ۱۱۵
 و سکور - Veskur (کوه) ۳۱۱
 ولایت جبال ۵۰۵
 ویزنه‌ار - Veyzenhar (کوه) ۳۱۷
 ۳۸۶، ۳۱۹، ۳۱۸
 ویسیان (دهستان) ۱۸

۵

- هیزم آباد (کوه) ۳۶۵
 هومیان = همیان ۳۶۱، ۳۶۰
 ۳۶۳
 همیان (کوه) ۳۱۱، ۳۲۲، ۳۳۷
 ۳۴۸، ۳۴۲
 همدان ۵۴، ۵۳، ۴۲، ۴۰، ۲۶، ۱۶
 ۹۹
 هلیان ۸۹
 هارداپانوی ۴۹۹

۷

- یانه کوه ۷۵، ۷۱، ۶۹، ۶۴، ۶۱، ۷
 ۲۷۱، ۲۴۱، ۲۳۸، ۸۷، ۸۳، ۷۷، ۷۶

۵۸

- ملهریته (کوه) ۴۸۴
 ممولو (دهکده) ۲۵۵، ۵۹
 مندلی ۵۰۱
 منگره ۴
 موصل ۴۶۲
 مهرجانقذ ۴۵۸، ۵۷، ۴۱، ۴۰
 ۵۰۱، ۴۸۶، ۴۶۳، ۴۶۲، ۴۵۹
 مهرگان کده = مهرجانقذ ۴۰
 ۴۵۸
 میان کوه ۲۳۸، ۵۰، ۱۰
 میرملاس (دره) ۳۴۳، ۲۵۰، ۹۱، ۳۳
 ۴۱۵، ۴۱۴، ۳۶۲، ۳۵۸، ۳۵۲، ۳۴۶
 ۴۱۷
 میرو - Miro-ra ۴۸۰
 میشگان (دانشگاه) ۲۳۹

ن

- نجف اشرف ۵۱، ۵۰
 نهاوند ۵۵، ۵۴، ۴۰، ۱۱، ۶، ۳
 ۴۵۹، ۱۰۲، ۱۰۰
 نیور ۲۸
 نیشابور ۹۷
 نیومکزیکو ۸۵
 نیویورک ۱۶۲، ۱۸۱

فهرست بناها و مکانها

۱۱۰	دزیز	۲۵۲،۲۵۱	باغ افراسیاب
۳۱۰	دزسیاه	۲۱۶،۲۱۵،۱۳۳	بقعه زاهد شیر
۳۹۶،۳۹۵،۳۲۶	دژ لال انگیز	۲۱۷	
۳۹۸		۴۹	بقعه شهنشاہ
۱۱۱	دژ منگوه	۵۳۲،۵۳۱،۴۸۹	بقعه مهدی صالح
۳۸۵	دلایل	۵۳۷،۵۳۶،۵۳۵،۵۳۴،۵۳۳	
۳۱۷،۳۱۵،۱۸	زاغه (دژ ساسانی)	۱۲۰۱۱	پل تنگ
۳۸۳،۳۱۸		۵۲۳،۴۸۰،۴۷۱	پل چم آب برده
۴۷۴	طاق	۴۷۹	پل چم نمشت
۲۷۲،۲۷۱،۲۴۱	طاق ارسلان	۲۵۹	پل زیش
۴۰۴،۳۳۴،۳۳۳	غار بیت خانه	۲۵۳	پل ساسانی
۳۳۲	غار برسفید	۲۵۵،۵۵۵	پل کارضا
۲۷۲،۲۷۱،۲۴۳،۲۳۸	غار دوشه	۳۲۷،۳۲۱،۲۵۵	پل کرو دختر
۳۶۴،۳۳۷،۳۱۱		۳۹۹،۳۹۸،۳۲۹	
۲۴۳	غار قازوه	۲۹۷،۲۹۶،۲۵۸،۲۵۵	پل کشکان
۶۹،۶۸،۶۴،۶	غار قمری	۳۰۱،۲۹۹،۲۹۸	
۸۳،۶۵،۶۴،۶۲،۲۴	غار کنجی	۲۵۵،۲۴۳،۲۳۸،۵۹	پل کلهر
۱۸۱،۹۰،۸۸		۵۲۹،۴۸۸،۴۸۷	پل گاومیشان
۵۹،۳۹	غار کوه گان	۵۳۰	
۳۴۶،۳۴۲،۲۵۰،۹۱	غار میر ملاس	۴۸۸،۳۷۰،۳۶۹	پنجه علی
۴۱۷،۴۱۵،۴۱۴،۳۶۲،۳۵۸،۳۵۳		۳۷۰	جامع پروچرد
۳۱۹	غار ویز نهار	۲۱۲،۲۱۱	جامع خرم آباد
۳۶۰،۳۵۸،۹۱،۲۴	غار همیان	۲۵۱	چاه بیژن
۴۴۱،۴۳۱،۳۶۱		۱۵۱	حوض موسی
۷۰،۶۹،۶۶،۶۴،۶۱	غار یافته	۳۹۲،۳۲۲	خسرو آباد
۲۶۹،۲۳۹،۸۷،۸۳،۷۶،۷۵،۷۱		۱۸۴،۱۸۳،۹۲	دخمه بابا عباس
		۱۸۵	

فصل هشتم فهرست بناها و مکانها

۵۷۰



قلعه جق	۳۶۷	قلعه مازین	۴۸۲، ۴۸۱
قلعه حسین آباد	۵۱	قلعه منزه	۳۶۸، ۳۶۷
قلعه حسینیه	۵۱	قلعه میشون	۵۵
قلعه خرم آباد	۱۱۱	قلعه نصیر	۵۵
قلعه دوشه	۳۶۵	قنات سردار یه	۵۲
قلعه رزه	۵۵	کول کنی	۴۸۲
قلعه رگ	۵۰۶، ۵۰۵	گنبد ابوالوفا	۴۵۵، ۳۷۳
قلعه سیله	۳۶۶	گنبد الیاس	۳۰۶، ۳۰۲، ۲۶۳
قلعه شاپورخواست	۱۰۹	گنبد بابا سرف الدین	۵۳۸، ۴۹۳
قلعه شیخ مانخو (باستانی)	۵۷۰، ۴۱۰، ۴۰	گنبد چایر	۵۲۴، ۴۸۵، ۴۸۴
قلعه شیخ مانخو (اسلامی)	۴۹۸، ۴۹۷	گنبد شاد محمد	۳۷۰
قلعه ۵۴۰، ۵۳۹		گنبد عالی گیزو	۳۲۰
قلعه نلک الافلاک	۱۰۹، ۱۰۴، ۴۲	معبداشوری دم سرخ	۵۵
۱۹۵، ۱۴۲، ۱۳۰، ۱۲۸، ۱۱۲، ۱۱۱		مقبره حیات الغیب	۲۶۲، ۲۶۰
۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶			۳۰۶
۲۰۲		مقبره زید بن علی	۱۵۰، ۱۴۷، ۱۴۵
قلعه کوه زاد	۳۸۶، ۳۱۸، ۳۱۷		۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۵
قلعه گمور Gomvar	۳۶۹، ۳۶۶	مناره آجری خرم آباد	۴۹۹، ۱۰۰
قلعه مادانرود	۳۶۸		
قلعه مازونیال	۳۳۰		

نام قبایل و طوایف و دودمانها

۱۲۶	سربداران	۳۲	آریایی
۱۶	سریانی	۲۴۱،۳۲۸،۴۳،۲۸،۲۷	آشوری
۱۵	سگوند (ایل)	۴۶۹،۴۶۸،۴۱۲،۳۵۴	
۱۰۲،۱۰۰،۴۵،۴۴	سلاجقه	۴۹۹	آل بویه
۳۹	ساوکید	۱۲۴،۱۲۳،۴۵	اتابکان لر کوچک
۴۴	شاذیجان (طایفه)	۳۱۰،۲۶۴،۱۲۶	
۱۵۷،۳۸	شوریه	۸۵	اسکیمو
۱۳۳،۱۲۷،۱۲۶،۵۵	صفویه	۵۰۰،۴۶۸،۲۵۳،۳۹	اشکانیها
۱۳۷		۱۵۷،۲۷	اکدی
۳۷۷،۳۷۵،۱۹	علی الهی (فرقه)	۳۷۴	اکراد
۴۴	فولادوندان (طایفه)	۳۷۴،۲۱،۱۹	اهل حق
۱۳۰،۱۱۲	قاجاریه	۳۱۷،۳۱۶،۵۷،۳۳،۲۷	ایلامی
۱۹	فلایی (ایل)	۴۶۱،۴۰۱	
۸۶،۸۵	کاریبو	۳۴،۳۳،۲۷	بابلی
۳۲،۳۱،۳۰،۲۹،۲۶،۲۵	کاسیت	۱۰۱،۴۵،۴۴	برسقی (خاندان)
۳۲۲،۱۵۷،۵۶،۳۵،۳۴،۳۳		۱۰۲	
۳۲۴	کوشکی (طایفه)	۴۴	بنی عناز
۳۲۴	گراوند (طایفه)	۸۵	بیژوند (طایفه)
۴۲	گورانیان	۳۱۰	چنگروی (طایفه)
۱۰۲،۵۵،۵۴	لور - لر	۳۱۱،۱۳۰	حسنوند (ایل)
۱۵۷	لورلویان	۳۷۴	خاندان حقیقت
۳۲،۲۶	ماد	۱۶	خوزی
۱۲۴	مغول	۳۱۷،۵۳،۴۰،۱۵،۶	ساسانی
۴۶۹،۳۶۸،۳۹،۳۲	هخامنشی	۴۶۷،۴۶۶،۴۶۵،۴۶۲،۴۰،۲۰،۳۲۷	
۶	یوسفوند (ایل)	۴۷۶،۴۷۴،۴۶۹	

فهرست اسامی کتب

۴۱	التنبیه والاشراف، تألیف مسعودی	۴۷۲
تاریخ ملل شرق، تألیف ژ، ماسپرو	۵۶	التنبیه علی حدوث التصحیف، تألیف حمزه
تاریخ یعقوبی	۴۰	اصفهانى
تحفة الازهار	۳۷۲، ۲۶۳	احسن التقاسیم
ترجمه گزارش آثار پیش از تاریخ جنوب غربی		الذریعه
نوشته دکتر فرانک هول	۹۰	الفخری تألیف ابن طقطقی
جغرافیای غرب ایران، تألیف دومورگن		ایران از آغاز تا اسلام، تألیف گیرشمن
۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۱۲۸، ۱۱۳، ۱۲، ۴		۳۳۷، ۳۵، ۳۱، ۲۸، ۲۵، ۲۳
۴۷۱، ۴۶۹، ۴۶۸، ۳۱۷، ۳۱۶، ۳۰۰		برگزیده مشترک یا قوت حموی
۵۰۰، ۴۹۹، ۴۷۳		۴۶۴، ۴۶۲، ۱۲۹
جغرافیای موسی خورنی	۴۶۲	برهان الحق
حبیب السیر	۵۰۳	پور سینا، تألیف شادروان نفسی
حدود العالم، چاپ دانشگاه	۹۹	تاریخ تمدن ایران ساسانی، تألیف شادروان
۴۹۸، ۴۶۲		نفیسی
خاتون هفت قلعه	۱۱	تاریخ تمدن ویل دورانت
دائرة المعارف اسلامی، تألیف عبدالعزیز		تاریخ جهان آراء
صاحب جواهر	۱۳۱	تاریخ جهانگشا
راحة الصدور	۱۲۰، ۱۱۷	تاریخ حزین، نوشته حزین اصفهانی
راههای باستانی و پایتخت های قدیمی غرب		تاریخ عالم آرای عباسی، تألیف اسکندریک
تألیف دکتر کریمی	۳۲۹، ۳۱۴، ۳۳	۱۲۶
۴۸۱، ۴۷۸، ۴۶۵		تاریخ گزیده
زبدة التواریخ	۱۳	۱۰۱، ۴۵، ۴۳، ۱۳
زبور	۲۱۹، ۱۳۶	۳۱۰، ۲۶۴، ۲۵۵، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳
سرزمینهای خلافت شرقی، تألیف لستر نچ		۵۰۳، ۳۶۸
۴۶۲، ۴۵۹، ۱۱۱، ۱۰۲، ۱۰۰، ۵۶		تاریخ ماد، تألیف دیاکونف
۴۹۸		۱۷۴، ۳۷، ۳۴، ۳۲، ۳۰، ۲۹، ۲۸
		تاریخ مغول، تألیف شادروان اقبال آشتیانی



مجله راهنمای کتاب ۱۱۶	سفرنامه ابودلف، ترجمه آقای طباطبائی
مجله یفما ۱۳۴	۴۷۲، ۳۶۲، ۳۳۱، ۳۰۹، ۵۸، ۵۷
مجله التواریخ والقصص ۳۱، ۴۰	۵۰۵، ۵۰۳، ۵۰۱، ۵۰۰، ۴۹۸
۵۰۲، ۳۳۰، ۱۱۹، ۱۱۰، ۹۸، ۴۳	سلجوقنامه ظهیری بن نیشابوری ۱۲۰
۵۰۶	شاهنامه فردوسی ۴۸۲، ۱۲۹
مردم شناسی، تألیف هنری فیلد ۱۸	شرفنامه بدلیسی ۴۴، ۴۳، ۴۱، ۴۰
مروج الذهب ۵۰۳	۳۱۰، ۲۶۴، ۱۳۰، ۱۲۴، ۴۵
مسالك ومسالك استخری ۵۳، ۱۵، ۱۴	صورة الارض تألیف ابن حوقل ۹۹، ۵۴
۴۹۸	۴۹۸، ۳۶۲
معجم البلدان ۱۶	ظفرنامه علی یزدی ۱۰۴
منتخب التواریخ معینی ۳۶۸	فرهنگ بهدینان گردآورنده جمشید سروش
نزعت القلوب ۳۳۰، ۳۱۰، ۱۲۵	۱۶
۴۶۳، ۳۳۲	فرهنگ لری ۱۷
نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان ۹۷	فهرست ابن ندیم ۱۶
هنر ایران تألیف پوپ ۱۶۲، ۱۶۱	کامل ابن اثیر ۴۶۳، ۱۰۱۰، ۳۳، ۴۱
۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴	۴۹۷
۳۴۴	کاملترین بقایای شهر ساسانی در ایران، تألیف
هنر ایران تألیف گیرشمن ۱۶۰، ۳۷	راولینسن ۴۹۹
۳۴۰، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱	لغت نامه دهخدا ۴۵
یادداشت های قزوینی ۱۱۷	مجله باستان شناسی و هنر ایران ۳۳۳
	۳۶۳، ۳۶۲

فهرست مراجع و مآخذ

الفخری تألیف محمد بن علی ، معروف به ابن طقطقی
ایران از آغاز تا اسلام تألیف گیرشمن
برگزیده مشترک یاقوت حموی ترجمه آقای محمد پروین
کتابادی

برهان الحق
پورسینا تألیف شادروان نفیسی
تاریخ تمدن ایران ساسانی ، چاپ دانشگاه ، تألیف شادروان
نفیسی

تاریخ تمدن ویل دورانت
تاریخ جهان آراء تألیف قاضی احمد بن محمد غفاری قزوینی
تاریخ جهانگشا تألیف جهانگشای جوینی
تاریخ حزین تألیف حزین اصفهانی
تاریخ عالم آراء عباسی ، تألیف اسکندریک
تاریخ گزیده تألیف حمدالله مسنوفی
تاریخ ماد تألیف دیاکونف ترجمه آقای کشاورز
تاریخ مغول نوشته شادروان عباس اقبال آشتیانی
تاریخ یعقوبی تألیف احمد بن ابی یعقوب
جغرافیای غرب ایران تألیف دومورگان ترجمه دکتر ودیعی

- حبیب السیر ، تألیف غیاث الدین خواندمیر
 حدود العالم ، چاپ دانشگاه به اهتمام دکتر منوچهر ستوده
 خاتون هفت قلعه ، نوشته دکتر باستانی پاریزی
 دائرة المعارف اسلامیة ، نوشته عبدالعزیز صاحب جواهر
 راحة الصدور و آية السرور تألیف محمد بن علی راوندی
 راههای باستانی و پایتختهای قدیمی غرب ایران ، تألیف دکتر
 کریمی
 جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج
 ترجمه آقای عرفان
 سفرنامه ابودلف (مسعر بن مهلهل) ترجمه آقای ابوالفصل
 طباطبائی
 سلجوقنامه ظهورالدین نیشابوری
 شاهنامه فردوسی
 شرفنامه بدلیسی تألیف شرف الدین بدلیسی
 صورة الارض ، تألیف ابن حوقل ، ترجمه آقای دکتر شعار
 ظفرنامه علی یزدی
 فرهنگ بهدینان تألیف آقای جمشید سروش سروشیان
 فهرست ابن ندیم ترجمه آقای رضا تجدد
 کامل ابن اثیر تألیف علی بن ابی الکرم ، چاپ مصر
 لغت نامه دهخدا
 مجمل التواریخ والقصص به تصحیح شادروان ملک الشعرا بهار

مروج الذهب مسعودی

مسالك وممالك استخرى به اهتمام آقای دکتر ایرج افشار

معجم البلدان تألیف یاقوت حموی

منتخب التواریخ ،عینی

نزهت القلوب تألیف حمدالله مستوفی

نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان

هنر ایران تألیف پوپ ، ترجمه آقای نائل خانلری

هنر ایران تألیف گیرشمن ترجمه آقای عیسی بهنام

یادداشت های قزوینی به اهتمام ایرج افشار

و

The Prehistory of Southwestern Iran

A Preliminary

Report

By

Frank Hole

Rice - University

پایان جلد اول

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار وابسته تاریخی ایران	شهر بورماه ۱۳۰۴
۲	آثار ملی ایران (کنفرانس پرفسور هرنسفلد)	مهرماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پرفسور هرنسفلد)	شهر بورماه ۱۳۰۵
۴	کشف دو لوح تاریخی در همدان (تحقیق پرفسور هرنسفلد - ترجمه آقای مجتبی مینوی)	اسفند ماه ۱۳۰۵
۵	سخنرانی در باره آثار ملی و تاریخی ایران (از محمد علی فروغی و هرنسفلد و هانی بال)	مهرماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پرفسور هرنسفلد)	بهمن ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمد علی فروغی راجع به فردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (بقلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دوره اجلاس یونسکو در فلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰	رساله جودیه ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱	رساله نبض ابن سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقایان دکتر محمد معین و سید محمد مشکوة استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمد معین استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۶	رساله نفس ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمه رساله سرگذشت ابن سینا (از آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	-
۱۹	معراج نامه ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	-
۲۰	رساله تشریح اعضاء ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	-
۲۱	رساله قراضه طبیعیات منسوب به ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	-

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۲۲	ظفرنامه منسوب به ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	۱۳۴۸
۲۳	رساله کنوزالمعزمین ابن سینا (بتصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۴	رساله معیارالعقول، جرنقیل از ابن سینا (بتصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵	رساله حمی بن یقطان ابن سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن سینا (بتصحیح آقای هانری کریب) -	۱۳۳۱
۲۶	جشن نامه ابن سینا (مجلد اول - سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷	ترجمه مجلد اول جشن نامه بفرانسه (بوسیله آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۸	ترجمه اشارات و تنبیهات (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۲۹	پنج رساله فارسی و عربی از ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی با مداد بهمن ماه ۱۳۳۳)	۱۳۳۳
۳۱	جشن نامه ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضاء کنکره ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲	جشن نامه ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنکره ابن سینا	۱۳۳۵
۳۳	جشن نامه ابن سینا مجلد چهارم (شامل خطابه های اعضای کنکره ابن سینا بزبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سر لشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵	جبر و مقابله خیام (بتصحیح و تحشیه آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶	شاهنامه نادری تألیف مولانا محمد علی فردوسی ثانی (بتصحیح و تحشیه آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷	اشترنامه شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح و تحشیه آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸	حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازاده شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰	درة نادره تألیف میرزا مهدی خان (باتصحیح و تحشیه آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳۴۰

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۴۱	شرح احوال و نقل و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲	خبرنامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمه آقای دکتر علی اصغر حریری (با اهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴	دیوان غزلیات و قصائد عطار (با اهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی رئیس کتابخانه مجلس شورای ملی)	۱۳۴۱
۴۵	جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی خان (با تصحیح و تعلیفه آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (بامقدمه و تصحیح و تحشیه آقای حلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷	نادره ایام، حکیم عمر خیام و رباعیات او بقلم آقای اسمعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیه تاریخی فارس) - تألیف سید محمد تقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹	سفارش نامه انجمن آثار ملی	اردیبهشت ۱۳۴۴
۵۰	بادنامه شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱	ذخیره خوارزمشاهی، تألیف زین الدین ابو ابراهیم اسمعیل جرجانی - سنه ۵۰۴ هجری - (با اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی - دکتر محمد شهاد - دکتر جلال مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵ شهریور ۱۳۴۴
۵۲	دیوان صائب، با حواشی و تصحیح بخط خود استاد - مقدمه و شرح حال بخط وخامه استاد امیری فیروز کوهی	۱۳۴۵
۵۳	عرائس الجواهر و نفایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی بسال ۷۰۰ هجری بامقدمه و کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴	ری باستان - مجلد اول مباحث جغرافیائی شهری بعد آبادی تألیف آقای دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵	خیامی نامه جلد اول تألیف استاد جلال الدین همایی	۱۳۴۶ آبان
۵۶	فردوسی و شعرا و تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	۱۳۴۶ آبان
۵۷	خرد نامه تألیف و نگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی بکوشش آقای عبدالمعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۵۸	فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمد علی امام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹	کتاب شناسی فردوسی - فهرست آثار و تحقیقات درباره فردوسی و شاهنامه	
۶۰	تدوین آقای ایرج افشار	مردادماه ۱۳۴۷
۶۱	روز بهان نامه بکوشش آقای محمدتقی دانش پزوه	اسفندماه ۱۳۴۷
۶۲	کشف الابیات فردوسی جلد اول بکوشش دکتر محمد دبیر سیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۳	زندگی و مرگ بهلولان در شاهنامه نگارش دکتر محمد علی اسلامی ندوشن	خردادماه ۱۳۴۸
۶۴	آثار باستانی کاشان و نظنر تألیف آقای حسن تراقی	مهر ماه ۱۳۴۸
۶۵	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت الله مهرار	آبان ماه ۱۳۴۸
۶۶	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تألیف آقای احمد اقتداری	آذرماه ۱۳۴۸
۶۷	تاریخ بنا کتی بکوشش دکتر جعفر شعار	دیماه ۱۳۴۸
۶۸	عهد اردشیر - بر گردانده فارسی سید محمد علی امام شوشتری	دیماه ۱۳۴۸
۶۹	یادگارهای بزد تألیف آقای ایرج افشار	بهمن ماه ۱۳۴۸
۷۰	ری باستان مجلد دوم تألیف دکتر حسین کریمان	خردادماه ۱۳۴۹
۷۱	از آستارا تا آستار باد (جلد اول بخش اول) آثار و بناهای تاریخی کیلان بهیس، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ماه ۱۳۴۹
۷۲	یادنامه فردوسی حاوی مقالات و چکامه ها بمناسبت تجدید آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ماه ۱۳۴۹
۷۳	فردوسی و شاهنامه او باهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر ماه ۱۳۴۹
۷۴	فیلسوف ری - محمد بن زکریای رازی تألیف آقای دکتر مهدی محقق	آذر ماه ۱۳۴۹
۷۵	سرزمین فروین تألیف آقای دکتر پرویز درجاند	آذر ماه ۱۳۴۹
۷۶	یادنامه شادروان سید حسن تقی زاده باهتمام حبیب یغمائی	بهمن ماه ۱۳۴۹
۷۷	ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوالراهم اسمعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی (کتاب دوم)	بهمن ماه ۱۳۴۹
۷۸	نظری اجمالی به تاریخ آذربایجان و زبان و فرهنگ و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن تألیف آقای دکتر محمد جواد مشکور	بهمن ماه ۱۳۴۹
۷۹	ناربخچه ساختمانهای ارک سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان	
	نوشته آقای یحیی ذکا	فروردین ۱۳۵۰
	کشف الابیات فردوسی	خرداد ۱۳۵۰